

شهید و شهادت در ادعیه و زیارات

علی اکبر علیخانی - مرتضی بحرانی

۱۳۸۰

پیش به سوی نظام علوی در سایه سیره علوی

علیخانی، علی اکبر، ۱۳۴۷ -
شهید و شهادت در ادعیه و زیارات / علی اکبر علیخانی، مرتضی بحرانی؛ به کوشش
دفتر تحقیق و
پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی. - تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نشر شاهد،
۱۳۸۰.

۲۴۴ ص.

ISBN ۹۶۴-۶۴۸۹-۹۲-۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۲۲۴] - ۲۲۷.

۱. شهادت. ۲. شهیدان. ۳. جهاد. ۴. دعا. ۵. زیارت. - فلسفه. الف. بحرانی، مرتضی.
ب. بنیاد شهید
انقلاب اسلامی. نشر شاهد. ج. بنیاد شهید انقلاب اسلامی. نشر شاهد. ج. بنیاد شهید
انقلاب اسلامی.

دفتر تحقیق و پژوهش. د. عنوان.

۹ ش ۸۵ / ع ۱۹۶/۵۵ BP ۲۹۷/۳۷۷

کتابخانه ملی ایران ۱۸۴۳۳ - ۸۰ م

محل نگهداری:

شهید و شهادت در ادعیه و زیارات

گردآورندگان: علی اکبر علیخانی - مرتضی بحرانی به سفارش دفتر تحقیق و پژوهش

ناشر: نشر شاهد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ ریال

شابك: ۹۶۴ - ۶۴۸۹ - ۹۲ - ۳ ISBN: ۹۶۴-۶۴۸۹-۹۲-۳

اسلامی - نشر شاهد تلفن: ۷ - ۸۳۰۷۲۴۶

فهرست مطالب

مقدمه ۱...

فصل اول: دعا و زیارت

۱- دعا ۱۵...

۲- زیارت ۲۴...

۳- مقایسه بین دعا و زیارت ۳۸...

۴- کارکردهای کلی ادعیه و زیارت ۴۱...

فصل دوم: مرگ و انواع آن

۱- توصیف مرگ ۵۱...

۲- پناه بردن به خدا از مرگهای بد ۵۷...

۳- دعا برای مرگ ۶۲...

۴- مرگ سرخ ۷۸...

فصل سوم: ابعاد مفهومی شهید و شهادت

۱- شهید و شهادت در لغت ۸۷...

۲- علت تسمیه «کشته در راه خدا» به شهید ۸۹...

۳- مصادیق شهید ۹۳...

-۱-

۴- واژه مستعمل در ادعیه و زیارات ۱۰۰...

۵- شهادت؛ معامله با خدا ۱۰۶...

۶- شهادت؛ لقاء الله ۱۱۰...

۷- شهادت؛ سعادت ۱۱۳...

۸- نزدیکی شهیدان به پیامبران و صالحان ۱۲۳...

فصل چهارم: شهادت طلبی

۱- حب شهادت ۱۳۹...

۲- آرزوی شهادت ۱۴۵...

۳- آرزوی شهادت در بیان ائمه(ع) ۱۵۰...

۴- آرزوی شهادت در رکاب پیامبر(ص) و ائمه(ع) ۱۶۱...

۵- آرزوی شهادت در رکاب حضرت مهدی(عج) ۱۶۵...

- ۶- درخواست بهترین شهادتها ۱۷۹...
- ۷- دعای پیامبر و امامان در مواجهه با شهادت طلبی یاران... ۱۸۱
- ۸- گواهی به شهادت ائمه(ع) ۱۹۴...
- ۹- اشاره به شهادت یاران پیامبر(ص) و ائمه(ع) ۲۰۸...
- ۱۰- دعای پیامبر(ص) و ائمه(ع) برای شهدا و بازماندگان شهدا ۲۱۷...

فصل پنجم: زیارت عاشورا؛ تجلی فرهنگ شهادت

- ۱- عاشورا و شهادت ۲۲۵...
- ۲- عاشورا؛ مواجهه حق و باطل ۲۳۷...
- ۳- وفاداری یاران سیدالشهدا ۲۴۲...
- ۴- انتظار در زیارت عاشورا ۲۵۰...
- فهرست منابع ۲۵۳...

مقدمه

شهادت به معنای کشته شدن در راه خداوند، در دین و فرهنگ اسلامی جایگاه بلندی دارد. اگر شهادت را فقط رویارویی حق و باطل بدانیم در تاریخ اسلام همواره این رویارویی ها به تناسب تکرار شده اند، یاران حق برای نبرد و ستیز با باطل تا پای جان پیش رفته اند و حماسه شهادت را تکرار کرده اند. یاسر و سمیه نخستین کسانی بودند که در اسلام شربت شهادت نوشیدند. در غزوه ها و سرایای پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، شهادت برای اصحاب پیامبر (ص) بهترین شکل ایثار و خدمت به اسلام نوپا دانسته می شد. شهیدان جنگ بدر، احد، خندق، تبوک و... در واقع با شهادت خود ادامه حیات اسلام را در صدر اسلام تضمین نمودند.

با ایجاد تفرقه در میان مسلمانان صدر اسلام پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) و انحراف حکومت اسلامی خاندان پیامبر (ص) بعنوان وارثان اصلی و حقیقی پیامبر (ص) متناسب با شرایط با وجود دشواری ها و در عین اقلیت بودن، قیام کرده و با غاصبان و ستمگران می جنگیدند. در این دوران عنصر جدیدی در شهادت که مظلومیت می باشد رخ نمود. شهادت در عصر خلفای اموی به پدیده ای حماسی تبدیل شد و در اوج این دوران حماسی امام حسین علیه السلام و اهل بیت و یارانش قرار دارند.

شیعه بعنوان اقلیتی مظلوم که حق را در چنگال غاصبان ناشایست می دید مجبور به مقاومت، مبارزه و دفاع بود و در طول قرن ها این شکل از حیات شیعیان به رهبری امامان معصوم علیهم السلام خود، تبدیل به فرهنگ و آدابی شد که شهادت بلندترین جایگاه را در آن به دست آورد. آمیختگی عرفان و معرفت با مبارزه و مقاومت سبب شد تا مناجات ها، راز و نیازها و درد و دل های شیعیان در دعاها و نیایش های امامان علیهم السلام و اصحاب آنان ظهور یابد. استبداد خلافت، خونریزی و سیطره فضای وحشت و ترس، باعث پیدایش جنبشها و قیام های پنهان گردید؛ امام زادگان و علویان، کسانی که به نحوی متهم به رافضی گری می شدند خونشان مباح و در هر کوی و برزنی که پیدا می شدند به شهادت می رسیدند. با شهادت امامان علیهم السلام و یاران آنها، فرهنگ زیارت و زیارتنامه نویسی به عنوان وسیله ای برای بزرگداشت یاد و خاطره شهادت آنان مورد استفاده قرار گرفت. این زمزمه های پنهانی همواره بیانگر مظلومیت، اخلاص، فداکاری و ایثار و شهادت است. بر این اساس، دعا و زیارات بویژه در فرهنگ شیعه علاوه بر ابعاد عبادی و معرفت شناسانه آن، در واقع تاریخی است که به خون آمیخته است. با مطالعه این تاریخ می توان به ابعاد نهفته فرهنگ پویا و انقلابی شیعه پی برد. در مذهب شیعه دعا و زیارات راهی برای زنده نگه داشتن روح حق طلبی و ایثار در میان جامعه و ستیز با باطل به هنگام ضرورت است. در طول تاریخ هم این عناصر توانمندی و کارآمدی خود را

نشان داده اند. در نهضت‌های شیعی سربداران، علویان، زندیه و مبارزات آزادیخواهانه عصر جدید بویژه انقلاب اسلامی و بعد از آن در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دعا و زیارات نقش مهمی در ایثار و فداکاری و پیروزی مبارزان داشته است. در دوران دفاع مقدس گذشته از جایگاه رفیع زیارت عاشورا دو عبارت «یا شهادت یا زیارت» و «السلام علیک یا ابا عبدالله» بعنوان دو نماد از شهید و شهادت در دعاها و زیارت‌های رزمندگان برجستگی و نمود خاص داشت.

بنابراین باید گفت که شهادت، مطلوب اولیا و منظور عاشقان حق است و جهاد در راه حق مهمترین ابزار تحقق این مهم است؛ گذرگاهی است که تنها خالصان و پیشروان توان و توفیق گذر از آن را دارند. شهادت از خود بیخودشدن و با خدا آشنا شدن است؛ سعادت است زوال ناپذیر و توفیقی است ابدی. آرزوی هر دل‌باخته‌ای است که هر لحظه دوری و جدایی از آن صدها غم و غصه و غبطه به همراه دارد. از همین روست که همه پیامبران، امامان و اولیای خدا شهادت در راه حق را آخرین آرزو و خواسته این جهانی خود ذکر کرده اند و تاریخ نشان داده است که در مواجهه حق و باطل هر وقت ستیزی در گرفته، مردان حق سر از پا نشناخته به جهاد با کوردلان و مخالفین راه حق پرداخته و خود نیز جام شهادت از دست محبوب سر کشیده اند. و آنان که بنا به هر علت و تقدیری از این قافله عقب می مانده اند طنین ضجه «یا لیتنی» آنان تمام تاریخ را فرا گرفته و قصه این غصه را در هر کوی و برزن بیان کرده اند.

هدف این تحقیق، بررسی روشمند و معرفت شناسانه پدیده شهادت از منظر ادعیه و زیارات است. دعا و زیارت دو محمل راز و نیاز بندگان خدا با خدا و اولیا اوست. دعا شرح حال گفتگوی عاشق با معشوق و زیارت قصه دردناک بازماندن از همراهان و هم مسلکانی است که زودتر به حق و حقیقت رسیده اند و قدح شورانگیز وصال یار را بی امان و لبالب سر کشیده اند و مزار شهیدان یادمان یادگار به حق پیوستگان است و زیارت آنها نماد بزرگداشت حماسه‌ای عظیم و نشانه شرکت در رزم آنان و علامت استمرار نهضت آنان به شمار می آید. و شهادت سعادت است زوال ناپذیر که در پرتو آن شهید هم خود به آرمانهایش دست می یابد و هم جامعه را منتفع از ثمرات مبارزه خویش می کند.

بنابراین شهادت قبل از اینکه پدیده دینی باشد امری انسانی است، یعنی متعلق به فطرت عدالت خواه و حق طلب انسان و جامعه بشری است. به صرف اینکه کسی جان خود را فدای جامعه و ارزشها و آرمانهای انسانی کند عمل وی دارای اهمیتی است که می توان آنرا همسنگ شهادت دانست. اما در این رهگذر دین به آن قداست و ارزش بخشیده است و به خصوص دین اسلام و بالخصوص مذهب تشیع حقیقت آنرا به بهترین وجه جلوه گر کرده و تا سرحد امکان آن را به واقعیت نزدیک کرده است. دین مبین اسلام به این مسأله از زوایای مختلف پرداخته است. شهید و شهادت در روایات، ادعیه، زیارات، تاریخ و حتی

حکایات، به صور و انحای گوناگون مورد اشاره قرار گرفته است. واضح است که شهادت اولاً و بالذات هدف ادعیه و زیارات نبوده و نیست بلکه مهمترین هدف ادعیه و زیارات، مناجات انسان با خداوند و صحبت و درد دل او با اولیای خدا است و یکی از موضوعاتی که در این راز و نیاز معنوی مد نظر است، سخن دلدادگی و اشتیاق انسان به لقا پروردگار و آرزوی رسیدن به مقام و مرتبه شهیدانی است که در مسیر کاروان انسانیت سریعتر به ملاقات پروردگار خویش شتافتند. بنابراین چه بسا شور و شوق و بی خودی حاصل از نیایش انسان با خدا و عاشق با معشوق باعث شده باشد تا همه جوانب این مسأله در میان عبارات و اصطلاحات نیامده باشد. لذا در يك مقایسه اجمالی میان روایات از يك سو و ادعیه و زیارات از سوی دیگر، می توان دریافت که روایات و احادیث به نحو جامع تر و شایسته تری به مسأله شهادت پرداخته اند. اما این بدان معنا نیست که ادعیه و زیارات این مسأله را فروگذار کرده و به آن وقعی ننهاده باشند، بلکه به عکس، دقایق و ظرایفی را بیان کرده اند که حتی در روایات و احادیث نیامده است. پرداختن به این نکات و کشف آنها از لابلای انبوهی از کتب دعایی و زیارتی دغدغه اصلی این پژوهش بوده است.

بنابراین سؤال اصلی این پژوهش نه يك سؤال تبیینی، بلکه يك سؤال اکتشافی است؛ به این معنا که ادعیه و زیارات چگونه مسأله شهید و شهادت را مورد توجه قرار داده اند؟ مهم ترین پیش فرض این پژوهش این است که ادعیه و زیارات به عنوان یکی از منابع معرفت شناختی مذهب تشیع، در حد امکان به پدیده شهادت به عنوان يك مسأله ارزشی، آرمانی و مقدس بها داده است و شعله فروزان آن را همچنان افروخته نگه داشته است. در این میان دعا و زیارت هر کدام به نحوی مختلف به این مسأله پرداخته اند. از آنجایی که دعا رابطه انسان با معبود است در ادعیه بیشتر سخن از آرزو و تمنای وصال و لقاءالله (شهادت) است و با توجه به ماهیت زیارت یعنی سخن انسان با انسان (انسانی که به نوعی پیشوا و مقتدا محسوب می شود) در زیارات سخن از حسرت ماندن و غبطه رفتن و پیوستن به شهیدان است.

درباره روش و منابع پژوهش نیز باید گفت که در موضوع شهید و شهادت از منظر ادعیه و زیارات، در مجموع بررسی هایی به عمل آمده، اما تاکنون کار بنیادی و جامعی صورت نگرفته است لذا در پژوهش حاضر سعی شده است منابع دعایی و زیارتی شیعه و اهل سنت مورد بررسی، مطالعه و کنکاش قرار گیرند و موضوعات مرتبط با شهادت از آنها استخراج شود. در پاره ای موارد به منابع روایی نیز اشاره شده است. مجموعاً حدود بیست هزار صفحه دعا و زیارت از چهل جلد کتاب دعایی و زیارتی درجه اول از منابع شیعه و سنی مورد بررسی و فیش برداری قرار گرفت و از میان آنها بیش از پانصد فیش استخراج شد که طیف وسیعی از آنها دارای مضمون و عبارات مشترك و یکسانی بود. تمام الفاظ و جملات دعایی در متن تحقیق به زبان فارسی و به

صورت نقل قول مستقیم آمده و اصل آن به زبان عربی در پاورقی ذکر شده است. ترجمه عبارات و اصطلاحات عربی به گونه ای صورت گرفته که مطلب برای خواننده واضح و مشخص باشد. از همین رو در مواقع بسیاری ترجمه با توضیح همراه شده است.

مهمترین منابعی که در این پژوهش از آنها استفاده شده است عبارتند از: «الصحيفة السجادية الجامعة»، که بسیار کاملتر از «الصحيفة السجادية الكاملة» می باشد. به عبارت دیگر در صحیفه جامعه برخلاف صحیفه کامله تمامی دعاها، امام سجاد علیه السلام جمع آوری شده است؛ «المصباح فی الادعیه والصلوات و الزیارات» و «البلد الامین والدرع الحصین» تألیف شیخ تقی الدین کفعمی؛ «مصباح المتجهد» تألیف شیخ ابوجعفر طوسی؛ «اقبال الاعمال» و «مهج الدعوات و منهج العبادات» تألیف ابوالقاسم رضی الدین بن طاووس؛ «موسوعة الادعية» تألیف جواد القیومی الاصفهانی که در شش جلد می باشد و تنها دو جلد آن که شامل دعاها، پیامبر (ص)، علی (ع) و فاطمه زهرا (س) می باشد، تاکنون منتشر شده است؛ «کامل الزیارات» تألیف ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی؛ «جامع الزیارات» تألیف نبیل شعبان؛ «المزار» تألیف شهید اول و «بحار الانوار» جلد های ۹۱ و ۹۲ که به متون دعایی اختصاص یافته و جلد های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ که مجموعه زیارتها و زیارتنامه ها در آنها گرد آمده است. همچنین از منابع دعایی اهل سنت نیز استفاده شده است که مهمترین آنها کتاب «الفتوحات الربانیة علی الاذکار النواویة» تألیف محمد بن علان الصدیقی الشافعی است که در هفت جلد به رشته تحریر در آمده است و در مجموع در میان کتب اهل سنت کتابی است که بیشترین فقرات ادعیه را در خود جای داده است. در موارد دیگر به صحاح سته نیز مراجعه شده است و بخش هایی از آنها که ادعیه پیامبر (ص) را ذکر کرده اند مورد استفاده قرار گرفته است. در منابع اهل سنت، بر خلاف شیعه زیارتنامه وجود ندارد و جمالات دعایی نیز بسیار محدود است بنابراین اساس کار بر منابع شیعه می باشد و تنها مواردی از کتب اهل سنت ذکر شده است که در تعارض با منابع شیعه نیست؛ تشخیص این موارد از طریق رجوع به پاورقی و نگاه به نام کتاب و نویسنده آن ممکن می باشد.

ذکر این نکته لازم است که منظور از دعا و زیارت جمالات، مضامین و عباراتی است که از معصوم (ص) صادر شده باشد و یا اینکه معصوم (ص) بر آن صحه گذاشته است و در معنای وسیعتر بخصوص راجع به زیارات، الفاظ و عباراتی مدنظر است که در ضمن آنها معصوم علیه السلام و یا فرزندان معصوم علیهم السلام و یا سایر اولیا خدا و شهیدان راه حق مورد تکریم و ستایش قرار گرفته اند و یا مصائب و فداکاری آنها بیان شده است. بنابراین اعتبار کتاب و منبع بر اصل لفظ و عبارات دعاها و زیارتها مقدم بوده است. در مجموع باید گفت در این پژوهش متونی مورد استفاده قرار گرفته که از آنها به عنوان دعا و

زیارت یاد می شود و در طول تاریخ مورد تأیید و استفاده علمای اسلام و مردم

مسلمان قرار گرفته است.

نکته آخر اینکه ترویج فرهنگ شهادت نه تنها ارزش و اهمیتی کمتر از نفس شهادت و کشته شدن در راه خدا ندارد بلکه چه بسا از جهاتی بر آن برتری داشته باشد و شاید آن سخن پیامبر (ص) که فرمودند «خامه دانشمندان بر خون شهیدان برتری دارد»، اشاره به همین موضوع داشته باشد.

پژوهش حاضر در يك مقدمه و پنج فصل ارائه شده است. فصل اول در سه بحث به دعا و زیارت اختصاص یافته است که طی آن به اجمال نکاتی چند پیرامون ادعیه و زیارات و رابطه و کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی آنها بیان شده است. از آنجایی که شهادت در معنای مختار نوعی مرگ، بلکه شریفترین مرگهاست فصل دوم این پژوهش به مساله مرگ و انواع آن در ادعیه اختصاص یافته است. درمبحث اول تعریف توصیف مرگ از منظر ادبیات دینی مدنظر بوده است. مرگ از نگاه دین اسلام پل انتقال و گذرگاه میان این جهان و جهان آخرت به شمار می رود و باتوجه به اندیشه، گفتار و رفتار هرکس این انتقال نیز برای وی متفاوت خواهد بود؛ مرگ برای مومنان گذر از سختیها و تاریکی به سوی راحتی و روشنی است و برای کافر چشیدن طعم تلخ زهری است که وی را از دنیای وهم آلود لذتها به سرای نابودی و نیستی می کشاند. بااین حال مرگ را می توان يك فرایند دانست؛ از لحظه جان دادن تا ورود به قبر و سوال و جواب نگیر و منکر و برزخ و قیامت همه و همه دارای مراحل و مراتبی است و پیمودن هر مرحله شرایط خاص خود را دارد. پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام در ادعیه و مناجاتهای خود این راه پریچ و خم و این طریق پر مخاطره را به بهترین وجه توصیف کرده اند. در مبحث بعد ضمن اشاره به مرگهای بد، پناه بردن امامان علیهم السلام به خدا از چنین مرگهایی بیان شده است. در مبحث سوم با بیان مرگهای خوب و مطلوب، دعاهایی که در آنها از درگاه خداوند خواسته شده تا مرگ را آسان کند و آمادگی برای مواجهه با مرگ را برای ما عطا کند، ذکر شده است. همچنین مرگ بابرکت یکی از موضوعاتی است که در ادعیه و زیارات از آن بسیار یاد شده است که در این مبحث اشاره مختصری نیز به این مسئله شده است. مبحث آخر به مرگ سرخ یا شهادت می پردازد؛ مرگ سرخ یا کشته شدن در راه خدا بهترین نوع و بالاترین درجه مرگ خوب است که موضوع اصلی فصول بعد می باشد.

فصل سوم ابعاد مفهومی شهید و شهادت را در ادعیه و زیارات مورد بررسی قرار می دهد. در مبحث اول شهید و شهادت در لغت مورد بحث قرار گرفته است. در این مبحث بیان شده که شهید از ماده شهود است و شهود به معنای حضور می باشد و لذا به لحاظ لغوی شهید یعنی کسی که حضور دارد و چیزی از او پنهان نیست. معنای دومی که می توان به لحاظ لغوی برای شهید بیان داشت، گواه یا بینه است که البته در معنای مذکور بیشتر از لفظ شاهد استفاده می شود و معنای رایج سوم، کشته شده در راه خداست. آنچه در این پژوهش مدنظر است شهید به معنای کشته شده در راه خداست. البته ذکر این نکته لازم است که کشته

شدن در صحنه جنگ و در راه خدا بالاترین نوع شهادت می باشد و در کنار آن تلاش و کوشش برای احیا و گسترش دین خدا و ارزشهای انسانی در حقیقت نوعی جهاد و مجاهده به شمار می رود و کسی که عمر خود را در این راه صرف کند و جان خود را در این راه تقدیم پروردگار کند اگر چه مردن او در صحنه جنگ نیست اما باز هم شهادت است و چنین فردی «شهید» نامیده می شود. از همین رو است که همه ائمه (ع) و اولیاء دین شهید نامیده می شوند. مبحث دوم به علت تسمیه کشته در راه خدا به «شهید» می پردازد. برداشتها و نظریات زیادی در این باره ارائه شده است که برخی مبتنی بر روایات و احادیث و برخی دیگر ذوقی و بازتاب اندیشه و فکر علما و متفکرین دینی است. شاید بهترین توجیه برای این نامگذاری این باشد که چون کشته در راه خدا دارای حضوری جاودانه نزد پروردگار است و با شهادت خود ناظر جمال جمیل حق می شود، بنابراین شهید نامیده می شود. در مبحث سوم مصادیق شهید در ادبیات اسلامی مورد بحث قرار گرفته است؛ اگر چه منظور و مفهوم رایج شهید در ادبیات فارسی و عربی همان کشته در راه خدا است ولی روایات زیادی در کتب شیعه و سنی وجود دارد که در آنها دایره شمول شهید بسیار گسترده تر از مفهوم رایج است. چنانچه در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است که «اگر شهدا را محصور در کشته شدگان در راه خدا کنیم در آن صورت شهدای امت من بسیار اندک خواهند بود» و در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام است که «همه مومنان شهید محسوب می شوند» و طبق دیگر روایات اسلامی کسانی مانند طالب علم، عارف بالله، محب اهل بیت و حتی غریب و غریق نیز در صورتی که در آن حالت از دنیا بروند شهید محسوب می شوند. تعبیر شهید برای این دسته از افراد هم به لحاظ اهمیت مقام شهید است و هم اینکه این دسته از افراد در آخرت دارای پاداش و مقامات شهدا هستند هر چند که در دنیا برخی از احکام فقهی شهید همانند عدم غسل و کفن بر آنها جاری نشود. در مبحث چهارم واژه شهید و شهادت در ادعیه و زیارات مورد بحث قرار گرفته است. شهید و شهادت در ادعیه در مجموع در سه معنای حضور داشتن، گواهی دادن و کشته شدن در راه خدا بکار رفته است که آنچه در این پژوهش مدنظر است معنای سوم یعنی کشته شدن و مردن در راه خداست.

در مباحث پنجم، ششم و هفتم به برخی از تعابیر و توصیفات شهادت اشاره شده است. شهادت و معامله با خدا اولین تعبیری است که در ضمن ادعیه و زیارات مورد بررسی قرار گرفته است. در فقرات زیادی از ادعیه و زیارات، وقتی به مسأله شهادت اشاره می شود آنرا نوعی معامله با خدا می داند که در پرتو آن مومنان جان و مال و هستی خود را به خداوند می فروشند و از او بهشت برین و مقام قرب را می خرند. این تمثیل که برگرفته از قرآن کریم است الگوی بیان بسیاری از ادعیه مربوط به شهادت است و اهل چنین معامله ای را به بهشت، نجات و سعادت بشارت می دهد. تعبیر لقاء الله از شهید موضوع دیگری است که

در ادعیه و زیارات وارد شده است و نهایتاً اینکه شهادت سعادت است جاودانه و کسی که به چنین توفیقی دست می‌یابد سعید و نزد خدا رستگار می‌باشد. آخرین مبحث این فصل به مسئله نزدیکی و اقتران شهدا به پیامبران و صالحان و صدیقین پرداخته است. در ضمن ادعیه و زیارات کراراً می‌بینیم که نام شهدا با نام پیامبران قرین شده است و از آنان به عنوان بهترین همنشینان در بهشت نام برده شده است و از خداوند خواسته شده است که ما را در شمار شهیدانی قرار دهد که در بهشت با پیامبران، صدیقان و صالحان همنشینند. این اقتران دلایل زیادی می‌تواند داشته باشد که در این مبحث به برخی از آنها اشاره شده است.

فصل چهارم پدیده شهادت طلبی را به طور مفصل و مستند از منظر ادعیه و زیارات مورد بررسی قرار داده است. البته در برخی موارد به آیات قرآن کریم و احادیث نیز استناد شده است. مبحث اول این فصل به حب شهادت نزد امامان علیهم السلام و اولیای خدا پرداخته است. شهادت فی نفسه محبوب پیامبران، امامان و اولیا خدا بوده و هست. عبارات زیادی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) وارد شده است که دوستداری و علاقه آنها را نسبت به مسأله شهادت و کشته شدن در راه حق بیان می‌دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید «به خدا قسم من دوستدار شهادت و کشته شدن در راه خدا هستم». محبوبیت و مطلوبیت شهادت نزد ائمه علیهم السلام غیر از آرزوی شهادت است. آرزوی شهادت مسأله دیگری است که جایگاه خاصی در ادعیه و زیارات دارد. مباحث دوم، سوم، چهارم و پنجم این فصل به این مسأله پرداخته است با این توضیح که در مبحث دوم آرزوی شهادت به طور کلی مورد بحث قرار گرفته و در مبحث سوم موارد آرزوی شهادت در بیان پیامبر (ص) و امامان (ع) ذکر شده است. ائمه علیهم السلام در موارد زیادی شور و شوق خویش به شهادت در راه خدا را در قالب دعا و مناجات بیان کرده اند. بخش مهم دیگری از ادعیه به بیان آرزوی شهادت در رکاب پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام پرداخته است. آرزوی شهادت در رکاب حضرت مهدی (عج) موضوع دیگری است که در ضمن سلسله موضوعات آرزوی شهادت به آن اشاره شده است. مبحث ششم این فصل به موضوع بهترین شهادتها اختصاص یافته است؛ شهادت و شهیدان دارای مراتب و مقاماتی هستند که دستیابی به مقامات بالا و بالاتر نیازمند شرایط و مقدمات خاص خود است. از همین رو در بسیاری از دعاها از خداوند درخواست شده است تا بهترین نوع شهادت در راه خود را به ما عطا کند. مبحث هفتم به دعای پیامبر و ائمه در مواجهه با شهادت طلبی اصحاب و یاران اختصاص یافته است. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی رامشاهده می‌کنیم که یاران پیامبر و ائمه نزد ایشان می‌آمدند و از ایشان می‌خواستند تا از خداوند بخواهند توفیق شهادت را به آنها عطا کند. در مواجهه با چنین خواسته‌هایی پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام گاه برای آنها دعای شهادت می‌کردند و گاه دعای سلامتی که برخی از این صحنه‌ها در این مبحث ذکر شده است. مبحث هشتم و نهم شهادت

پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام و یاران آنها رایادآور شده است. همه امامان و، در نگاهی وسیعتر، همه مومنان شهید محسوب می شوند بپذیرش این مطلب که شهدا نیز دارای مراتب و مقامات متفاوت هستند. در این دو مبحث که بیشتر زیارات پیامبر (ص) و ائمه (ع) و یاران آنها مورد بحث قرار گرفته به فقرات و عباراتی اشاره شده است که در ضمن آنها به شهادت ائمه علیهم السلام و یاران آنها اشاره شده است. گواهی دادن به شهادت ائمه علیهم السلام و سایر شهیدان نه تنها بیان يك واقعیت و حقیقت است بلکه اهمیت و قداست شهادت در دین اسلام و بخصوص فرهنگ تشیع را بازگو می کند. حضور پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام بر بالین شهدای جنگ و دعا برای آنان و بازماندگان شهدا موضوع مورد بحث آخرین مبحث این فصل می باشد.

فصل پنجم به مهمترین سرچشمه تجلی و تداوم فرهنگ شهادت در شیعه، یعنی عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و زیارت عاشورا به عنوان مهمترین و فراگیرترین زیارتی که فرهنگ شهادت را در مذهب شیعه زنده نگه داشته است، می پردازد. عاشورا تجلی تمام نمای حقیقت و واقعیت شهادت است و ادعیه و زیارات بهترین محمل بازگویی این حادثه عظیم تاریخ بوده اند. زیارتهای مربوط به امام حسین علیه السلام و بخصوص زیارت عاشورا و زیارت وارث در طول تاریخ همواره مسئله شهادت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت را زنده نگه داشته است و آن را به عنوان يك فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده اند. مبحث اول این فصل عاشورا و شهادت را در ضمن ادعیه و زیارات مورد بررسی قرار داده است. در مبحث دوم به رویارویی حق و باطل در حادثه عاشورا و تجلی آن در زیارت عاشورا اشاره شده است. امام حسین علیه السلام به دلایل متعدد سرور شهیدان تاریخ از اولین تا آخرین است و یاران وی وفادارترین و از خودگذشته ترین مجاهدان تاریخ محسوب می شوند. آخرین مبحث این فصل به وفاداری یاران سیدالشهدا از منظر ادعیه و زیارات اختصاص یافته است.

در همین جا لازم است مراتب قدردانی و سپاس خود را از زحمتهای و راهنمایی های بی دریغ جناب آقای علی اکبر علیخانی به عنوان مدیر و راهنمای تحقیق ابراز دارم؛ لازم به ذکر است که مبحث چهارم فصل اول به قلم ایشان به نگارش درآمده است. از آقای بخشعلی قنبری که نظارت بر این پژوهش را به عهده داشته و از آقایان سید رضا شاکری و مهدی جمالی که با نظرات و پیشنهادات ارزنده خود کاستیها را پیراسته و بر غنای مطلب افزودند، نیز صمیمانه تشکر می کنم. مبحث دوم فصل پنجم اثر خامه آقای شاکری می باشد. همچنین از معاونت محترم پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید انقلاب اسلامی بخصوص از حجت الاسلام مازنی و آقایان قائد رحمت و ارژندی به سبب حمایت و چاپ این اثر بی نهایت سپاسگزارم. امید که پژوهش حاضر، که اتمام آن با آغاز هفته دفاع مقدس مصادف شده

است ، به عنوان مقدمه ای مختصر بستر تحقق تحقیقی مفصل در خصوص نگاه ادعیه و زیارات به مسئله شهادت و کشته شدن در راه خدا باشد.

مرتضی بحرانی

تهران، پاییز هفتاد و نه

فصل اول

دعا و زیارت /

۱. دعا

دعا جایگاه رفیعی در فرهنگ اسلامی دارد. دین اسلام به خصوص مذهب تشیع به بهترین وجه حقیقت دعا را آشکار ساخته است. در میان همه ادیان و مذاهب، تنها مذهب شیعه است که توانسته به زیباترین شکل و در حد گسترده پدیده دعا را در قالب الفاظ و عبارات متجلی سازد. به خصوص اینکه در این عبارات و الفاظ بعد عرفانی و روحانی نیز مدنظر بوده است. در مذهب شیعه بر گریه و اشک توأم با دعا نیز تأکید شده است. با این حال باید گفت که دعا فارغ از هر قالب و چارچوب، يك امر انسانی - الهی است که يك سوی آن انسان و سوی دیگر آن خدا قرار دارد. از آنجایی که موضوع پژوهش ما شهید و شهادت در ادعیه و زیارات است در این فصل به صورت اجمالی و گذرا نکاتی چند پیرامون این دو مسأله بیان می شود.

الف. مفهوم دعا و اهمیت آن

دعا ایجاد و توسعه رابطه انسان با خداست. ایجاد این ارتباط نیازمند هیچ علم و ابزاری نیست. فقط نوعی رابطه صرف است که ابزار آن دل است و خدای را هیچ بنده ای نیست که در سینه اش دل نباشد هم چنانکه هیچ موجودی نیست که در سینه اش دو دل باشد. بنابراین خدا اول معشوق همه انسانها بلکه همه موجودات است. حقیقت نیایش يك حالت عرفانی پرگدازی را مجسم می کند که در آن دل به خدا جذب می شود و این حالت از طبیعت عقل سرچشمه نمی گیرد بلکه قلب و دل آدمی و احساس و عاطفه او عامل پیدایش حالت نیایش در انسان است. از همین رو است که تا آنجا که غیر قابل ادراک است در نظر اهل فلسفه و استدلال غیر قابل قبول باقی می نماید. همانطور که حدیث جمال و عشق در دفتر نیست و به درس و تعلیم نیاز ندارد آنها که دلی مملو از معرفت دارند خدا را همچون گرمی خورشید و یا عطر گل به طور طبیعی احساس می کنند. اما همین خدایی که این چنین با کسی که دوست داشتن را می داند به آسانی کنار می آید، خود را از چشم آنکه جز فهمیدن نمی داند پنهان می دارد.

دعا در نهایت وضوح يك پدیده روحی است. به عبارت دیگر می توان گفت نیایش پرواز روح است به سوی خدا و یا حالت پرستش عاشقانه به مبدأ و معبودی است که معجزه حیات از او سرزده است. دعا نمودار کوشش انسان برای جذب کشش خداست. و چون يك امر واقعی است لذا آثار آن واهی و خیالی نیست. نباید احساس عرفانی را تا سطح اضطراب يك انسان در برابر خطرات و مجهولات جهان پایین آورد و نیز نباید از نیایش به آسانی يك شربت مسکن و یا يك داروی ضد ترس تهیه کرد. (۱) اهمیت دعا و فضیلت آن به حدی است که

خدای تعالی در قرآن کریم در یکجا آن را هدف خلقت و آفرینش انسان

- الکسیس کارل، نیایش، محمد تقی شریعتی (قم: انتشارات تشیع، ۱۳۵۵) ص ۴۱.

قلمداد کرده و فرموده:

بگو اگر دعای شما نبود پروردگار من به شما توجهی نداشت. (۱)
از آنجا که «عبادت» در قرآن کریم و روایات نیز به دعا تفسیر شده است از این
رو این سخن خداوند که فرمود:

جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند (۲)
تأکیدی بر اهمیت دعا از منظر قرآن کریم می باشد. حتی اگر عبادت را به
معنی مصطلح آن بگیریم، روح عبادت خضوع و خشوع و توجه به معبود است،
روح و جوهره دعا نیز همین است. خداوند در قرآن می فرماید: «مرا بخوانید تا
شما را اجابت کنم» و در ادامه تأکید می کند «کسانی که از عبادتی من سرباز
زنند وارد جهنم می شوند». (۳)

در این آیه خداوند دعا و عبادت را از يك سنخ ذکر کرده که عامل به آن مورد
توجه حق واقع می شود و تارك و غفلت کننده از آن در دوزخ وارد می شود.
روایات زیادی نیز وارد شده است که اهمیت دعا را به انحاء مختلف برای ما بازگو
می کنند. همچنین تأکید و بها دادن علما و پیشوایان دین به مسئله دعا امر
دیگری است که اهمیت دعا را بیش از پیش آشکار می سازد. آیه الله حسن زاده
آملی در این زمینه می نویسد:

در مکانست دعا و مقامات آن آیات قرآنی را لسان مبین است و

- قل ما یعوبکم ربی لولا دعاؤکم. فرقان، ۷۷.

- و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون. ذاریات، ۵۶.

- و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین. غافر، ۶۰.

روایاتی در اسرار و آداب دعا از پیشوایان دین است که مشایخ علم
را برانگیخته اند و بر آن داشته اند تا در دعا کتاب ها نوشته اند و
صحیفه ها گرد آورده اند و در پیرامون آن با تنویع موضوعات
عدیده بحث ها پیش کشیده اند و درهایی از رحمت به سوی نفوس
مستعده گشوده اند و به نام های دلنشین و طرب انگیز و جان افزا از

قبیل مفتاح الفلاح و عدة الداعی و فلاح السائل و قوت القلوب و مصباح المتعبد و روضة الاذکار و البلد الامین و منهاج العارفين و منهاج النجاح و نظایر آن نامیده اند تا از این اسامی عطر آگین مشام ارواح را معطر سازند و قلوب را به ریاض قدس سوق دهند و نفوس را به مجالس انس کشانند. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله دعا را مغز عبادت می داند و معتقد است با داشتن دعا و توسل به آن هیچ کس از بین نخواهد رفت. (۲) هر چیز بدون مغز جز پوسته ای بی فایده نیست، اصل هر چیز به مغز آن است و مغز به منزله ماهیت و جوهره شی است که آن را حفظ می کند چنانچه دعا مغز عبادت است. امام علی علیه السلام نیز در اهمیت دعا می فرماید:

دعا کلید نجات و گنجینه رستگاری است. (۳)

- حسن حسن زاده عاملی، نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور (قم: تشیع، ۱۳۷۶) ص

- الدعاء مخ العباداة و لایهلهک مع الدعاء احد. محمدباقر المجلسی، بحار الانوار (بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳) ج ۹۳، ص ۳۰۰.

- الدعاء مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح. همان.

اگر چه دعا موجب نجات انسان از آتش است اما نکته مهمتری که از فرمایش امام علی علیه السلام می توان برداشت کرد این است که دعا انسان را به مراتب بالایی از تهذیب نفس، خودسازی و سعه صدر می رساند و این عوامل برنامه های زندگی انسان را به گونه ای شکل می دهد که منجر به نجات و رستگاری می شود. امام علیه السلام در فرازی دیگر می فرماید:

دعا کلید رحمت و چراغی در تاریکی است. (۱)

ب. فلسفه و دعا

شاید در فلسفه جایی برای دعا نباشد. بنابراین فلسفه دعا رانمی توان از علم فلسفه اتخاذ کرد. زیرا فیلسوفان کار جهان را بر اساس قوانین علی و معلولی تمام شده می دانند و جایی برای دعا باقی نمی گذارند. حداکثر دستاورد فلسفه این است که بگوید دعا هم یکی از نیروهای عالم است. یعنی با حفظ نظم جهان دعا هم جزو منظومه عالم درمی آورند. چنانچه شهید مطهری از نگاه يك فیلسوف مسلمان می گوید:

دعا یکی از علل این جهان است که در سرنوشت انسان مؤثر است و جلوی جریانهایی را می گیرد و یا جریانهایی را بوجود می آورد. به عبارت دیگر، دعا یکی از مظاهر قضا و قدر است که در سرنوشت

حادثه ای می تواند مؤثر باشد یا جلوی قضا و قدری را بگیرد. (۲)
تفاوت خدای فیلسوفان و خدای پیامبران در این است که خدای پیامبران را

- الدعاء مفتاح الرحمة و مصباح الظلمة. همان.

- مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت (تهران: صدرا، ۱۳۶۴) ص ۴۰۶.

می توان به دعا خواند، اما درباره خدای فیلسوفان فقط باید جدال و استدلال کرد. فیلسوفان همچون ریاضیدانانی که به حل معمایی ریاضی مشغولند، گره از کار فرو بسته خدا می گشایند، اما پیامبران همچون عاشقانی که با معشوقی نازنین نرد عشق میبازند، سخن از لطف و لطافت آن محبوب جمیل می گویند و دست مردم را دردستان نرم و پرنوازش او می گذارند. خداوند، نه رازی است عقل ستیز، که نازنینی است عشق پسند. و همین است راز آنکه پیامبران، برخلاف فیلسوفان، چنین مقبول خلاق افتاده اند و دل از خداجویان برده اند. دعا و نیایش، قبل از آنکه ابزار زندگی باشند، ابزار بندگی اند. دعا فقط صحنه خواندن خدا نیست، که عرصه شناختن او هم هست. سخن گفتنی دو سویه است و در این مکالمه و مخاطبه است که هم انس حاصل می شود هم شناخت؛ هم پالایش روح می شود، هم تقویت ایمان؛ هم دل خرسند می گردد، هم خرد. و چنین است که آدمی به تمامیت خویش در محضر تمامیت طلب ربوبی حاضر می شود. (۱)

در دعا و برای دعاکننده دو چیز مهم است: فقر و عشق؛ فقر برای اینکه انسان بداند که نیازمند است. و عشق برای اینکه انسان بخواهد که نیازش برطرف شود. به عبارتی دیگر فقر یعنی درك نقصان و نیازمندی و عشق یعنی طلب کمال و بی نیازی. اگر بنا بود انسان هرچه می خواست می توانست بدست آورد و یا اینکه به خواسته هایش در حد توانایش اکتفا می کرد هیچگاه دست به دعا برنمی داشت و خدا را نمی خواند. (۲) بنابراین چه سخن آن چوپان که خدا را به زبان و

- عبدالکریم سروش، حدیث بندگی و دلبردگی (تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۵) ص ۷.

- مهدی قائی، دعا از نظر دانشمندان (قم: انتشارات دارالفکر) ص ۲۹.

قدر و فهم خویش خطاب قرار داده و می گفت:
تو کجایی تا شوم من چاکرت *** چارقت دوزم کنم شانه سرت
دستکت بوسم بمالم پایکت *** وقت خواب آید بروم جایکت

ای خدای من فدایت جان من ***جمله فرزندان و خان و مان من
ای فدای تو همه بزهای من ***وی به یادت هی هی و هیهای من
و چه پرنغزترین مضامین دعایی که از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده و
زینت بخش کتب دعایی شیعه شده است و سراسر تحمید و تسبیح و تهلیل و
تکبیر خداوند است، همه نشان از فقر و نیاز انسان به خداوند غنی و بی نیاز است.
پس فلسفه دعا را هم که امری الهی و دینی است باید در متن دین جست. نگاه
دین به دعا نگاه نفی خود و توجه به خداست. به عبارتی دیگر فلسفه دعا از بین
بردن روح کبر و خودخواهی در انسان است. دعا باعث می شود تا انسان خود
بزرگ بینی را از خود بدور کند. و در مقابل خداوند سر به خاک نهد. چنانکه اشاره
شد خداوند در قرآن می فرماید:

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم همانا کسانی که تکبر میورزند و
از عبادت و بندگی من سرباز می زنند با خواری و ذلت وارد جهنم
می شوند. (۱)

با توجه به تفسیری که ائمه معصوم علیهم السلام از این آیه به دست داده اند و
منظور از عبادت را دعا ذکر کرده اند می توان گفت که تکبر و خودبزرگ بینی مانع
دعا کردن و خواندن خداست و دعا تنها چاره رفع این بیماری نفسانی است. از
سویی دیگر دعا چه به صورت باطنی باشد و چه به صورت ظاهری عامل توجه به

- غافر، ۶۰.

توحید و یأس از غیر خداست و اصولاً توجه به خدا و قطع امید از غیر خدا خود
سبب استجاب دعا نیز هست. در میان متون دینی عبارات زیادی یافت
می شوند که دعا را سلاح پیامبران و مومنان ذکر کرده اند. از جمله اینکه پیامبر
اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:
دعا سلاح مومن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است. (۱)

ج. عمومیت دعا

دعا و نیایش مخصوص دین اسلام و مذهب تشیع نیست. بلکه همه انسانها از
تمامی نژادها و مذاهب بنابه انسانیت خود و به دلیل ضعف و فقر و نیاز خود -
حداقل - در شدايد و سختیها خدا را یاد کرده و در مقابل او کرنش کرده و سر
تعظیم فرود آورده و خواسته های خود را از درگاه خداوند طلب کرده است. حتی
انسانهای بی دین و کسانی که در ظاهر خود را بی نیاز از خدا می بینند در واپسین
لحظات ناامیدی از اسباب مادی چشم نیاز به مبدئی از ماورای جهان دوخته و از او
کمک و استمداد می طلبند. بر خلاف توهم ساده اندیشان متجدد مآب دعا
خاص انسان سنتی نیست. انسان متجدد بیش از انسان سنتی نیازمند دعا

وارتباط با خداست. اگرچه به این امر تاکنون اهمیت نداده است و یکی از معضلات اساسی انسان معاصر دوری وی از معنویات و دعا است. دکتر الکسیس

- الدعاء سلاح المؤمن و عمود الدین و نور السموات و الارض. ابوجعفر کلینی رازی، اصول کافی (تهران: کتابفروشی اسلام، ۱۳۹۲) ج ۴، ص ۲۳۱ و نیز حدیثی که از امام رضا علیه السلام وارد است که فرمود: علیکم بسلاح الانبیاء فقیل و ما هو سلاح الانبیاء. قال الدعاء. همان.

کارل در کتاب نیایش خود می گوید:

در نظر ما غربی ها عقل را درگه بسی بالاتر از عشق است. ما نیروی دفاعی را بر قدرت مکاشفه ترجیح می دهیم در حالی که کوششهای معنوی نزد ما از تکامل باز ایستاده است. ضعف این مسأله بصیرت انسان متجدد را کور کرده است. این يك حالت ناپسندی است که از تمدن ما باید ریشه کن گردد. این در حالی است که تقریباً در تمام ادوار مردم غرب نیایش کرده اند. جامعه قدیم اصولاً يك سازمان مذهبی بوده است. رومیها همه جا معابد را برپا می داشته اند. اجداد قرون وسطای ما سرزمین مسیحیت را با کلیساهای بزرگ و محرابهای زیبا می پوشانند. این احساس یعنی دعا جزو بسیار مهمی از هستی خود ما است که ما اجازه ایم به ضعف بگرایید و غالباً به کلی نابود شود. اولین پیامد مرگ احساس عرفانی، مرگ احساس اخلاقی است. این در حالی است که انسان در ساخت يك نظام اخلاقی مستقل از مذهب، آنچنان که سقراط می خواست، موفق نشده است؛ اجتماعاتی که احتیاج به نیایش را در خود کشته اند معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهند ماند. لذا بسیار ضروری به نظر می رسد که نیروهای معنوی که به مراتب بیش از نیروهای دماغی در تقویت و تکامل شخصیت فطرت انسان موثر است، دوباره احیا کنیم و از میان این نیروها بر احساس عرفانی یا احساس مذهبی از همه بیشتر گرد فراموشی نشسته است. احساس عرفانی غالباً در نیایش و دعا تجلی می کند. (۱)

بنابراین دعا و نیایش در میان همه انسانها رواج دارد و این عمومیت دعا نقطه اشتراك همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد و دلیل روشنی بر عظمت و رحمت خداوند نسبت به بندگان خود است. و تنها کسانی از دعا و نیایش پروردگار سر باز می زنند که در عین ناتوانی و عجز تکبر را پیشه خود ساخته باشند. امام حسین علیه السلام در عبارت زیبایی می فرماید:

عاجزترین مردم کسی است که از انجام دعا و نیایش عاجز و

ناتوان باشد. (۲)

۲. زیارت

زیارت نیز همانند دعا پدیده‌ای معنوی و مربوط به رابطه انسان با خدا و اولیا خداست. با این تفاوت ظریف که دعا در درجه اول بازتاب رابطه انسان با خدا است اما زیارت اولاً و بالذات بیانگر گفتگوی انسان با پیشوا و مقتدای از دست رفته خود است؛ پیشوایی که دارای احترام و شخصیت نافذی در زمان حیاتش بوده است. در دین اسلام و فرهنگ تشیع شهیدان راه حق به نوعی پیشوا محسوب می‌شوند. این در حالی است که رهبران دینی به خصوص پیشوایان درجه اول یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام همگی شهید به حساب می‌آیند. بنابراین زیارت در کنار دعا بستری مناسب برای بازگو کردن

- الکسیس کارل، پیشین، ص ۳۶.

- اعجز الناس من عجز عن الدعاء. محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۳، ص ۲۹۴؛ موسوعة کلمات الحسین (قم: دارالمعروف، ۱۳۷۳)، ص ۷۸۱.

سجایای اخلاقی شهید و فرصتی مناسب جهت زنده نگه داشتن فرهنگ شهادت است. در این پژوهش زیارت و زیارتنامه‌های موجود در کتب شیعه - همچون دعا- یکی از منابع تحقیق بوده است. از همین رو قبل از ورود به بحث شهید و شهادت لازم است به نحو مختصر مسأله زیارت نیز مورد توجه قرار گیرد.

الف. مفهوم زیارت

زیارت در اصطلاح به معنی دیدار کردن از شخص بزرگ و حضور در نزد وی به قصد ملاقات و تهنیت گفتن به اوست اما در ادبیات شیعه زیارت هم توسل به درگاه ائمه معصوم علیهم السلام و هم نوعی دعا است که بواسطه آن به سوی خدا تقرب می‌جویم. به عبارتی دیگر زیارت راز و نیاز غیر مستقیم و با واسطه با خداوند است. واسطه این نیایش ائمه علیهم السلام و بزرگان دین هستند. در عین حال زیارت ائمه دین علیهم السلام و بزرگان دین نوعی تکریم و بزرگداشت آنان نیز هست زیرا همچنان که انسان در روزگار حیات آنان به دیدار و زیارت آنان می‌شتابد و به آنان احترام می‌گذارد پس از رحلت و شهادت آنان نیز نسبت به شخصیت، ارواح و قبور آنان نیز احترام می‌گذارد؛ این در حالی است که امام همیشه زنده است و دارای حضوری جاودانه است و با آن تصرفی که از جنبه ولایت تکوینی به اذن خدا بر عالم دارد سخن زیارت کنندگان را می‌شنود و سلام و زیارت آنان را پاسخ می‌گوید. ذکر این نکته لازم است که منظور از زیارت تنها

گام نهادن و رفتن به سوی قبور و مشاهد ائمه علیهم السلام نیست. زیارت به خصوص در مذهب شیعه در زیارتنامه ها تجلی یافته است. شیعیان برای اولیا و پیشوایان دینی خود که در راه خدا به شهادت رسیده اند متونی را فراهم آورده است و در آنها ضمن اشاره به موضوعات و مفاهیم دینی، شخصیت فرد مورد نظر نیز تکریم کرده اند. نوشته ها و متونی که در این زمینه فراهم شده است، یعنی مطالبی که پس از رحلت و شهادت فرد مذکور جهت یادداشت و بزرگداشت او چه از ناحیه ائمه علیهم السلام و چه از ناحیه بزرگان و علما دین انشا می شده است، در فرهنگ تشیع عموماً زیارت نامیده می شود که در ادبیات فارسی از آنها به عنوان زیارتنامه نیز یاد می شود. بنابراین رفتن به قبور و مشاهد بزرگان هدف زیارت نیست بلکه با خواندن متون زیارتی، چه از دور و چه از نزدیک، مسأله زیارت متحقق شده است؛ پس باید گفت زیارتنامه ها نقش مهمی در بیان حقایق و واقعیت های دین داشته و مذهب تشیع توانسته است از طریق این متون مفاهیم و الایی را به جامعه عرضه کند و پدیده های مهمی چون شهادت و فرهنگ شهادت را همواره زنده نگه دارد.

ب. علاقه انسان به زیارت

زیارت به معنای عام مخصوص مذهب شیعه نیست بلکه شاید بتوان آن را يك امر فطری و طبیعی قلمداد کرد. به عبارت دیگر علاقه فطری مردم به بزرگان و رهبران خود و تأثیر طبیعی آن رهبران بر پیروان خود باعث شده تا انسانها با همه اختلافات نژادی و دینی در طول تاریخ به رهبران خود احترام گذاشته و پس از مرگ آنها معابد و زیارتگاههایی را بر مدفن آنها بنا کرده و جهت تکریم و بزرگداشت آنها در هر فرصتی به زیارت آنها بروند و آداب و رسوم خاصی را برای این زیارات وضع کنند. تاریخ بازگو می کند که در میان اقوام قدیم مانند قوم آشور و بابل، حتی ادیان غیرتوحیدی، زیارتگاههای خاصی وجود داشته است که این اقوام به آن زیارتگاهها می رفته و مراسم زیارت را بجا می آوردند. همه ادیان به این مسأله بها داده اند. چنانچه در دین بودا نیز زیارت جایگاه خاصی دارد. زیارتگاههای بزرگ چین، تبت، هند، سیلان، برمه و کره همگی از گسترش و عمومیت زیارت حکایت می کنند. پیچیده ترین شکل زیارت در مذهب هندو می باشد که از يك سری تشریفات و آداب خاصی برخوردار است؛ انجام غسل، پوشاندن سر، آوردن گل و گلاب و مشک و عنبر و عود از جمله واجبات مراسم زیارت در میان هندوان محسوب می شود. در میان مسیحیان نیز سنت زیارت وجود داشته و دارد. اولین زیارتگاه مسیحیان فلسطین بوده است. سپس در شهرهای اروپا قبرهای قدیسان، علما و اولیا مذهب نیز به صورت زیارتگاه درآمد. پس از بیت المقدس، رم بزرگترین و بیشترین زیارتگاههای مسیحیت را در خود جای داده است که همه ساله زائرین زیادی را به سوی خود جلب می کند. (۱) شاید این آیه از قرآن:

اولین خانه ای که جهت عبادت خدا برای مردم در روی زمین بنا شد همان خانه کعبه است که در آن برکت و هدایت جهانیان است، (۲) اشاره بر فطری بودن امر زیارت نزد انسانها داشته باشد. علامه طباطبایی رحمه الله علیه در زمینه فطری بودن زیارت می فرماید:

بدیهی است گروه بشر از روزی که در این خاکدان مسکن گزیده و دست به هم داده و در شاهراه زندگی پای نهاده است پیوسته به اندیشه هایی که از معلم آفرینش یاد می گرفته - گرچه نسبتاً بسیار کم

- محمد مهدی رکنی، شوق دیدار (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۲) صص ۶-۲۰.

- ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارکاً و هدی للعالمین. آل عمران، ۹۶.

و ناچیز بوده است - تکیه می داده و می دهد، و در شعاع معلومات و اندوخته های تجربی خود نشیب و فرازهای راه تکامل و ترقی را پیموده و هم اکنون می پیماید، و سعادت و نیکبختی خود را که منتهای آرزوی اوست در همین می داند. ولی در هر حال با نهاد خدادادی خود درك می کند که ارزش از آن کار است نه اندیشه خالی، و اثر و خاصیتی که انسان شایسته و دل داده آن است به دنبال کردار حاصل می آید نه گفتار. و بهترین کرده و استوارترین دلیل بر راستی و درستی يك فرضیه یا دعوا اثر مطلوبی است که در مقام عمل از خود بجا می گذارد نه شیرینی پندار و صورت و تخیلی آن، و از این روست که پیوسته در جامعه های گوناگون بشری در جمعیت های متشکل مذهبی و غیر آن مردانی که نمونه کامل آن روش اجتماعی یا آئین مذهبی بوده و می باشند پناهگاه و نگهبان شناخته می شوند، و توده پیروان آن طریقه مانند پروانه ها دور شمع وجودشان گرد می آیند، و هم از این روست که در طول تاریخ بشریت انسانها برای درگذشتگان خود آرامگاه ترتیب می دهند، و این رویه را يك نحو بقا و حیات برای فرد در گذشته و وسیله ارتباط با روان او می دانند، و با یادبود مزارش خاطره های شیرینی که از شخصیت از دست رفته دارند مجسم و متمثل می سازند، و این سنت خود یکی از بهترین وسایل ارتباط آینده انسانیت به گذشته آن و عاملی مهم در زنده نگهداشتن روش های مذهبی یا آداب و

رسوم ملی و غیر آن است. (۱)

اسلام نیز که دینی فطری است و بر اساس طبیعت آفرینش بنا نهاده شده است زیارت را تأیید و امضا نموده، و به خاک سپردن اموات و بنای آرامگاه را تشریع کرده، و احترام مرده را مانند زنده بر پا داشته است. به موجب روایات عامه و خاصه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله شخصاً به زیارت اهل قبور می رفت و به آنان سلام می داد. همچنین اهل بیت علیهم السلام در مقابر مسلمین حضوریافته و از آنان یاد می کردند. لذا باید گفت مطلوبیت زیارت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام به ثبوت رسیده و مورد تحریض و ترغیب واقع شده است. روشن است که حضور پیدا کردن در برابر اولیا دین که جز به حق و حقیقت، شیفته چیز دیگری نبودند، چه اثر روحی عمیقی در دل آرزومندان می گذارد و چگونه جمال بی مثال حق و حقیقت را با جذابترین جلوه خود در يك مظهر کامل نشان می دهد و چگونه وحدت نظر و هم دستی و هم داستانی در میان طبقات مردم از زن و مرد و سیاه و سفید و شریف و وضع و شاه و گدا بوجود می آورد و چگونه همه در يك صف قرار گرفته و در برابر حق و حقیقت کرنش می کنند. (۲)

ج. آثار زیارت

آثار و پیامدهای زیارت در مذهب تشیع بیش از آنکه متوجه مزور (فرد زیارت شده) باشد متوجه زائر (فرد زیارت کننده) است. در ادیان و مذاهب دیگر

- به نقل از: محمد مهدی رکنی، پیشین، ص ۱۱۹.

- همان، صص ۲-۱۲۰.

چه بسا هدف اصلی از زیارت ارج نهادن به شخص زیارت شده باشد و پیامد چندانی برای فرد زیارت کننده دربر نداشته باشد اما در مکتب تشیع، اگرچه این مهم دنبال می شود یعنی شیعیان با حضور در مراقب و مشاهد مظهر ائمه علیهم السلام و اولیا دین مفاهیم و کلمات تهنیت و فضیلت را به زبان آورده و به ستایش آنان می پردازند و یاد آنان را زنده و موجبات خوشنودی آنها را فراهم می آورند اما بیشتر آثار و پیامدهای این مراسم به خود زائران برمی گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی به حضرت علی علیه السلام فرمود:

ای علی هر کس بعد از وفات من و تو و فرزندان، ما را زیارت کند
من ضمانت می کنم که در روز قیامت او را از وحشت و گرفتاریهای
قیامت نجات دهم و او را در مقام و مرتبه خود جای دهم. (۱)

همچنین در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام وارد شده و از پرنغزترین و معتبرترین زیارات شیعی محسوب می شود، آثار و پیامدهای مادی و معنوی زیادی برای زیارت ائمه علیهم السلام بیان شده است. از جمله اینکه

خداوند با وجود شما جهان را آغاز و انجام می کند و به برکت وجود شما باران رحمت می بارد و به سبب وجود شما بلا را از مردم دور نگه می دارد و ناراحتی ها را از مؤمنان دور می کند و بواسطه شما می توان رضا و خوشنودی پروردگار را بدست آورد. (۲) سنت زیارت در مذهب شیعه يك ویژگی و امتیاز به حساب می آید. زیارات شیعی دارای چنان غنای ادبی، فکری، سیاسی و اجتماعی

-
- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی، کامل الزیارات (تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۵) ص ۱۱؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۱۳۹.
- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان (تهران: اسوه، ۱۳۷۶) ص ۵۴۵.

هستند که در طول تاریخ نه تنها کهنه و فرسوده نشدند بلکه با کنار رفتن پرده های جهل و ابهام مفاهیم آنها روز به روز رساتر و کامل تر شده است. و همیشه راهنما و مشوق شیعیان به عبادت پروردگار و رسیدن به نقطه تکامل و سعادت بوده است. زیارت در فرهنگ شیعه خود يك عبادتی است که دارای ابعاد فراوان است که علاوه بر آن ابعاد روحانی و عرفانی آن انسان را در مسیر زندگی سیاسی و اجتماعی خود راهنمایی می کند و بسیاری از سوالات ناشی از چرایی و چگونگی زندگی را به وی پاسخ می دهد.

د. مشروعیت زیارت

همه مذاهب و فرق مسلمان بجز يك فرقه از حنبلی های متأخر به نام وهابیت، بر مشروعیت زیارت اتفاق نظر دارند. وهابیها به استناد روایت

بخاری از ابوهریره که «آهنگ زیارت جز به سوی مسجدالحرام، مسجدالرسول و مسجدالاقصی جایز نیست» (۱)، ادعا می کنند که زیارت مشاهد و قبور ائمه مسلمین علیهم السلام امری غیرشرعی و حرام است. این در حالی است که

علاوه بر سند روایت مذکور دلالت آن نیز محل اشکال است. در این روایت

بحث از مسجد است نه صرف زیارت. از سویی دیگر بحث در مطلوبیت و استحباب زیارت سه مسجد فوق الذکر است نه حصر زیارت در آنها. همچنین

این روایت با آیات قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تناقض دارد.

- لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجدالرسول و مسجدالاقصى. محمد حسين الحسيني الجلالی، ، مزارات اهل البيت و تاريخها(بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵، ۱۴۱۴) ص ۱۵.

خداوند در قرآن می فرماید:

خدا را یاد کنید در خانه هایی که خداوند اجازه داده تا آنها را بزرگ شمرده و قدر و منزلت آنان را بلند دارید. (۱)

در این آیه اولاً بحث در ذکر و یاد خداست و ثانیاً اهمیت مکانهایی را بیان می دارد که بواسطه انتساب آنها به خداوند و یاد او دارای اهمیت هستند. بنابراین ذکر این نکته که اهمیت مکان به توجه و عنایت خداوند به آن است ما را به این حقیقت رهنمون می کند که علاوه بر مکه معظمه و مساجد ذکر شده خانه ها و مراقد پیامبران خدا و ائمه معصوم علیهم السلام نیز همه اماکن شریف و مقدس و باحرمت به شمار می روند که محل نزول فرشتگان خدا و واسطه هدایت هستند.

پیامبران و ائمه علیهم السلام برای اصلاح اجتماع و اقامه عدل و رفع ستم هم صبر و استقامتی بی نظیر داشتند و هم جهاد و پیکاری بی امان با طاغوتیان و مفسدان، تا سرانجام هر کدام به شکلی شهید شدند، و راه خونین شهادت را با پیش گامی خود هموار کردند. بنابراین در سبب انتساب آنها به خداوند و اینکه حیات و شهادتشان همه در راه خداوند بوده است هیچ شك و شبهه ای وجود ندارد. و سبب بزرگداشت و احترام آنها و مراقدشان نیز همین امر است. در واقع خانه های این پیشوایان دینی مصداق کامل آیه شریفه است؛ یعنی از خانه هایی است که خداوند خواسته تا عظمت و تعالی یابند و مورد احترام واقع شوند. حتی برخی از روایات اهل سنت نیز بر این امر دلالت دارند. از جمله حدیثی است که جلال الدین سیوطی در تفسیر در المنثور ذیل این آیه ذکر می کند که رسول خدا(ص) وقتی آیه «فی بیوت اذن الله ان ترفع» را خواند مردی برخاست و پرسید:

- فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذكر فیها اسمه. نور، ۳۷.

یا رسول الله این خانه ها(بیوت) کدامند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانه پیامبران. در این حال ابوبکر برخاست و گفت: ای پیامبر حتماً یکی از این خانه ها ، خانه علی و فاطمه است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بلی؛ خانه علی و فاطمه از بهترین آنهاست. (۱)

ذکر این نکته نیز لازم است که همچنانچه بیان شد، منظور از زیارت صرف « شد رحال » یعنی رفتن به سوی مراقد و مشاهد نیست بلکه تأکید بر اهمیت یادداشت و بزرگداشت بزرگان دین و ارزشهای دینی است. حال چه با رفتن به

سوی قبور آنان و چه با خواندن زیارتنامه ها و فرستادن سلام و صلوات بر آنها از راه دور. بنابراین حتی اگر مخالفان زیارت، بر گام نهادن و رفتن به سوی قبور ائمه ایراد داشته باشند، بر زیارتنامه ها نمی توانند ایرادی داشته باشند. چرا که زیارتنامه ها همچون متون دعایی سرشار از مفاهیم معنوی و دینی است که هدف آن جز زنده نگه داشتن دین و ارزشهای دینی نیست. از سوی دیگر احادیث زیادی از پیامبر صلی الله علیه و اله وارد شده است که بر مشروعیت زیارت صحه می گذارد. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله آمده است که:

هر که قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب می شود. (۲)

در روایتی دیگر پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

هر کس به حج برود و در آنجا قبر مرا زیارت کند گویا مرا در دوران

به نقل از: محمد مهدی رکنی، پیشین، ص ۶۹.

- من زار قبری وجبت له شفاعتی. محمد حسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۱۴.

حیاتم زیارت کرده باشد. (۱)

احادیث زیادی از ائمه معصوم علیهم السلام نیز در این زمینه روایت شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

چون یکی از شما شیعیان عمل حج را بجای آورد حجتش را با زیارت ما ختم کند، زیرا زیارت ما جزو پایانی حج است. (۲)

همچنین امام رضا علیه السلام فرمود:

هر امامی را در گردن پیروانش عهدی است که وفای به آن عهد جز با زیارت قبور آن امامان تمام و کامل نمی شود. (۳)

البته زیارت نه تنها مخصوص پیامبران و امامان بلکه شامل امامزادگان و افراد صالح نیز می شود. امام کاظم علیه السلام فرمود:

کسی که نمی تواند به زیارت ما اهل بیت بیاید پس به زیارت قبور شیعیان صالح ما برود که در این صورت ثواب زیارت ما به او تعلق می گیرد. (۴)

مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می گوید:

همه علمای شیعه به استحباب زیارت قبور امامزادگان تصریح

- همان.

- محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۲۵۴.

- ان لكل امام عهداً في عنق اوليائه و شيعته فان من تمام الوفاء بالعهد و حسن الاداء زيارة قبورهم. الشيخ الحر العاملي، وسائل الشيعه (بيروت: دار احياء التراث العربی) ج ۱۰، ص ۲۵۳. محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۱۱۶.

- محمدحسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۱۵.
فرمودند. البته در مورد زیارت امامزادگان باید توجه داشت که نسبت قبر با شخص امامزاده صحیح و درست باشد که جمع بین این دو بسیار کم است. (۱)

سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام نیز بر مشروعیت زیارت صحنه می گذارد. در تاریخ آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که آهنگ حجة الوداع نمود به زیارت قبر مادر خود رفت. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از جنگ احد پیوسته به زیارت قبر شهدای احد می رفت و بر آنان درود و سلام می فرستاد. (۲) پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان جنگ احد بعد از اینکه انبوه شهیدان جنگ را دید فرمود:

رسول خدا گواهی می دهد که اینان شهیدان خداوند در روز قیامت هستند. (سپس فرمود) ای مردم به نزد قبر این شهیدان بیایید و آنان را زیارت کنید و بر آنان درود بفرستید. سوگند به آنکه جانم در دست اوست هیچ کس بر شهدا سلام نمی کند مگر اینکه شهیدان سلام آنان را پاسخ می دهند. (۳)

فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دائماً به

- شیخ عباس قمی، پیشین، ص ۵۶۲.

مکی قاسم البغدادی، الشهادة، تأسیل لاستئصال (بیروت: الدار الاسلامیة، ۱۴۱۴) ج ۳، ص ۴۰۳.

- ان رسول الله يشهد ان هولاء شهداء عند الله يوم القيامة فاتوهم و زوروهم و سلموا عليهم فوالذي نفسي بيده لا يسلم عليهم احد الا يوم القيامة الا ردوا عليه. همان، ج ۴، ص ۸۰.

-۳۸-

زیارت قبر پدر می آمد و اندوه و حزن خود را با او در میان می نهاد. بعد از رحلت فاطمه زهرا سلام الله علیها حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز به زیارت قبر فاطمه زهرا سلام الله علیها می آمدند.

مسئله زیارت نه تنها از طرف برخی از اهل سنت مطرود شمرده شده بلکه عده دیگری نیز آن را امری خرافی و زائد می دانند. علامه طباطبایی ضمن پاسخ به این شبهات می فرماید:

البته برخی از مردم هستند که زیارت اهل قبور و بویژه حضور در مشاهد مشرفه و اولیا دین را جزو خرافات دانسته و آنرا مرده پرستی می نامند. البته ما اینان را معذور می داریم زیرا در حقیقت معنی حیات را نفهمیده اند، و از زندگی جز شهوترانی و ماده پرستی و خفه کردن فطرت انسانی و نهاد خدادادی چیزی درك نکرده اند، «چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند». همچنین گروه دیگری هستند که می گویند زیارت قبور پیشوایان دین و بوسیدن ضریح ها و در و دیوار حرم ها و شفیع قراردادنشان شرك و از گناهان کبیره است، زیرا خدای تعالی در کتاب آسمانی خود بت پرستان را برای اینکه می گویند «هؤلاء شفعاؤنا عندالله» (۱) و ملائکه و گاهی جن یا بشر را شفیعان خود قرار می دهند مشرك می شمارند و از این رو شفیع قرار دادن و خضوع کردن به غیر خدا موجب شرك است و فرقی میان ملائکه و پیامبران و ائمه علیهم السلام و غیر آنان نیست. ولی این گروه راه خطا پیموده اند زیرا خدای متعال بت پرستان را

- یونس، ۱۸.

هرگز از جهت شفیع دانستن ملائکه یا انسانهای کامل مشرك نشمرده زیرا خود در آیات بسیاری ملائکه و اولیای خود را صریحاً شفیع می شمارد. (۱) بلکه از این جهت است که بت پرستان در عین اینکه ملائکه را شفیعان و واسطه خیر می دانند از پیشگاه خداوند روگردان شده تنها آنان را می پرستیدند و فقط نسبت به آنان مراسم بندگی را به جا آورده در برابر خدا آنها را خدایان دیگر قرار می دهند. ولی هرگز زایرین قبور اولیا دین و ائمه اسلام با کرنشی که به مقام قرب آنان می کنند نمی خواهند قبر یا صاحب قبر را معبود قرار داده در برابر خدای یگانه خدای دیگری بپرستند. اگر در تعظیم و احترام آنان می کوشند در تعظیم شعائر و آثار خدایی می کوشند، و اگر قبر یا ضریح یا آستان آنان را می بوسند لازمه محبت و ارادت را بجای آورند، و چگونه ممکن است محبت خاندان نبوت یکی از فرائض دینی قرار بگیرد و در قرآن کریم به آن تصریح شود ولی آثار و لوازم آن ممنوع گردد؟ بنابراین باید گفت زیارت مبتنی بر توحید است نه شرك. (۲)

در بحث زیارت دو نکته قابل توجه است. اول اینکه زیارت به معصومان و اولیای دین اختصاص دارد که رهبران جامعه اند از نظر ملکات و فضایل در مراتب بسیار بالایی قرار دارند. زیارت اینان از سوی مردم اولاً ارزش قایل شدن

برای ملکات و فضایل اخلاقی و انسانی است، ثانیاً افراد زیارت کننده نیز باید به

- نجم، ۲۶.

- محمدمهدی رکنی، پیشین، ص ۱۰۵.

پیروی از رهبران خود آن ملکات و فضایل اخلاقی را در وجود خود پدید آورند و با تهذیب نفس، از خلاف و جرم و دروغ و نیرنگ و ... بپرهیزند، زیرا خود را پیرو رهبرانی می دانند که اینگونه بودند و هم اکنون با وجود فاصله زمانی زیاد، تجدید میثاق می کنند. حتی اگر درصد کمی از مردم به درصد کمی از این فضایل نایل آیند باز هم اثرات اجتماعی، سیاسی و تربیتی آن در جامعه بسیار خواهد بود. نکته دوم اینکه منظور از زیارت دیدن و بوسیدن قبر و ضریح نیست، بلکه يك ارتباط معنوی بین زیارت شونده و زیارت کننده است، این ارتباط علاوه بر اینکه قلبی و معنوی است، از طریق يك متن «زیارت» ایجاد می شود. حال ممکن است افرادی از لحاظ فیزیکی به زیارت امام نروند بلکه در منزل خود، از طریق خواندن متن زیارت این ارتباط معنوی را با رهبر خود برقرار کنند و از فیوضات معنوی و تأثیرات روحی و روانی آن نیز برخوردار گردند.

۳. مقایسه ای بین دعا و زیارت

اغلب محققین و علمای شیعه از دیرباز مضامین دعا و زیارات را در يك مجموعه گرد می آورده اند. هم اکنون نیز همین شیوه معمول است چنانچه معروفترین و متداولترین کتاب دعای شیعه یعنی مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی هم اکنون حاوی زیارت و ادعیه هر دو است. البته دعا سخن گفتن با خداست و زیارت سخن گفتن با پیشوایان مکتب و بزرگان دین و هر دو را مبدأ یکی است؛ نیاز و نقصان انسان و بنده. از آنجا که زیارات به عنوان شفاعت پیشوایان از ما به نزد خداست لذا زیارت هم نوعی دعا است؛ سخن با خداست اما به طریقی غیر مستقیم و با واسطه. زیارت باب معرفت ائمه است؛ بابی است که

بواسطه آن درهای رحمت به سوی انسان باز می شود. مطالب پر رمز و رازی از امام شناسی و اطاعت از امام و ولایت در زیارتهای آمده است. (۱) با توجه به اینکه دعا در مذهب شیعه دارای اهمیت و دامنه وسیعی است، طبعاً بخش عمده ای از زیارتهای را نیز دربرمی گیرد و لذا همه فوایدی که بر دعا مترتب است در زیارت نیز تجلی می کند و موجب ازدیاد فواید معنوی آن می شود. در تمام زیارتهایی که از ناحیه معصومین علیهم السلام صادر شده جملات دعایی کمابیش ذکر شده است. حتی متن بعضی از زیارتهای معروف

مانند «زیارت امین الله» و «زیارت رجبیه» سراسر دعاست. برخی از زیارات نیز چنین هستند که بعد از خواندن آنها و بعد از خواندن نماز زیارت دعا خوانده می شود. همچنین کلماتی که قبل از زیارت و اذن دخول خوانده می شود نیز خود نوعی دعا و تسبیح پرودگار است. بنابراین زیارت هم توسل و طلب شفاعت و هم نوعی دعاست. همچنان که در دعا و نیایش خالصانه با خدا روح انسان متوجه خالق جهان می شود و درهای رحمت الهی به روی او گشوده می شود، زیارت نیز باب معرفت الهی است. (۲)

در طول تاریخ اسلام دعا و زیارت یکی از راههای بیان حقایق دین و ترویج مکتب شیعه و ولایت اهل بیت بوده است که از طرف ائمه علیهم السلام به شیعیان تعالیم داده شده است. در این ادعیه و زیارات ضمن بیان فضای تاریک جامعه سیاسی، معیارهای غلط اجتماعی و حقایق فراموش شده دین و غلبه

- سید محمد حسینی، زیارت (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۱۰۸.

- عباسعلی سلطانی گلشیخی، با اختران تابناک و ولایت، «ترجمه انوار اللامعه فی شرح زیارت الجامعه سید عبدالله شبیر» (مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷) ص ۸.

اعتقادات سخیفه فرق گوناگون، فتنه های آینده بیان شده است تا شیعیان از آن به عنوان مشعلی فروزان کمک بگیرند. (۱) از يك بعد دیگر دعا و زیارت دارای شباهتهای زیادی هستند و آن این است که مضامین و موضوعات ادعیه و زیارات در عین تنوع و گوناگونی يك چیز واحد را بیان می کنند و آن زنده نگه داشتن روح ایمان و ارزشهای دینی در دل و جان افراد و احاد جامعه انسانی است. در زیارت بیشتر از ادعیه بر رکن ولایت و امامت دین تأکید رفته است. احادیث زیادی از ائمه نقل شده که ولایت و امامت را از ارکان دین دانسته و بیان می کنند که هر کس بمیرد در حالی که امام و ولی زمان خود را نشناخته باشد بر مرگ جاهلی مرده است. موضوعات دیگری نیز چون مسئله معاد و قیامت، شفاعت و توسل، شهادت طلبی و فداکاری، الگو پذیری از امام و پیشوا، تولی و تبری و فرهنگ مبارزه نیز در زیارات بطور واضح مشهود می باشند. از میان تمام موضوعات فوق شهادت و فرهنگ شهادت طلبی به نحو خاصی در اکثر زیارات وارد شده است؛ از آنجایی که همه ائمه علیهم السلام و اولیا دین شهید محسوب می شوند، در همه زیارات ائمه علیهم السلام و اولیای دین به عنوان شهید مورد خطاب قرار گرفته اند و مرگ آنان شهادت در راه خدا بیان شده است و از خداوند درخواست شده است تا مرگ ما را همانند مرگ آنان قرار دهد. در ادعیه نیز ضمن بیان مضامین مذکور، ذکر خدا یعنی تحمید، تسبیح، تکبیر و تهلیل نقطه عطف همه عبارات و معانی و فقرات آن می باشد. (۲) هر چند در دعاها و زیارتها موضوعات

- عبدالعلی گویا، علی علیه السلام و زیارات جامعه کبیره (تهران: زراره، ۱۳۷۸) پیشگفتار.

- سید محمد حسینی، پیشین، ص ۳۶.

متعدد مطرح شده است، اما شهادت طلبی و آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدا موضوعی است که محور بحث این پژوهش می باشد. زیارتنامه ها اصولاً و ماهیتاً وجود خود را از پدیده شهادت می گیرند. بنابراین اصل پیدایش زیارتنامه مربوط به شهادت و شهیدانی است که مظلومانه در کوه و کمر به شهادت رسیده اند. در زیارتنامه ها، زندگی شیعیان، آرمانها، حقوق و دغدغه ها و ارزشهای دین اسلام انعکاس یافته است. این زیارتنامه ها می توانند به عنوان منبعی در جهت رفتارشناسی و معرفت شناسی استفاده شوند. برای مثال صفات و ویژگیهای يك مبارز شیعی در تاریخ خونین تشیع از محتوای زیارتنامه ها بدست می آید. از این منظر صفاتی چون: عدالت خواهی و حق طلبی، ستم ستیزی و مبارزه با جور، رازداری، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و تحمل مصائب و آرمانگرایی از ویژگیهای اساسی يك شیعه مجاهد و انقلابی محسوب می شود.

۴. کارکردهای کلی ادعیه و زیارات

ادعیه و زیارات موجود و مورد قبول شیعه، دارای ابعاد و جوانب مختلف و متنوعی هستند، این تنوع و تعدد جوانب موجب شده که اولاً حوزه های مختلف علمی، فکری، معرفتی، روانی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و... را تحت پوشش قرار دهند. ثانیاً از آنچنان پویایی و طراوتی برخوردارند که در دورانه های مختلف مورد بهره برداری و استفاده واقع می شوند. ثالثاً دارای از آنچنان ظرفیت و انعطافی هستند که می توانند طیفهای گوناگون و افراد مختلف اجتماعی با هر سطح فکر و میزان معرفت و شناخت را پاسخگو باشند، تا هر کسی با هر ظنی که دارد وارد آنها می شود انتظارات خود را برآورده سازد.

هر ملتی دارای ادبیاتی است که مشحون از تجربیات تاریخی، پندها و اندرزها و اصول و مبانی فرهنگی آن ملت است و فراز و فرودها، عظمت ها و شکستها و جامعه آرمانی و ایده آل آن ملت را در قالبهای بدیع و زیبا ارائه می دهد. شاید بتوان تا حدی ادعیه و زیارات را ادبیات شیعه دانست، با این تفاوت که این ادبیات ریشه در عصمت و وحی دارد و آثار و تبعاتی برجای می گذارد و تأثیرات روحی و معرفتی خاصی به همراه دارد که ادبیات غیر دینی از آنها عاجز است. در ادامه بحث به تبیین برخی کارکردهای کلی و عمومی ادعیه و زیارات می پردازیم.

الف. کارکردهای روحی و معنوی

اولین، فراگیرترین و ملموس ترین کار ویژه ادعیه و زیارات تأثیر مستقیم در روح و جان انسان و صیقل و صفای باطن است. دعا مهمترین و بهترین ابزار برای پالودن روح و جان از پلیدیها و تهذیب نفس به شمار می رود. دعا موجب برقراری ارتباط روحی انسان بایک منبع لایزال و نامتناهی می شود، و این ارتباط می تواند اثرات شگرفی بر وجود انسان برجای گذارد. صیقل روح و صفای باطن، تهذیب نفس و اثرات شگرف دعا بر انسان، تا آنجایی که به شخص مربوط می شود به بحث ما ارتباطی ندارد، اما در حوزه های سیاسی - اجتماعی و مسأله شهید و شهادت به بحث ما ارتباط پیدا می کند که در این تحقیق به تبیین آن خواهیم پرداخت.

این تهذیب نفس و صیقل روح و ارتباط با منبع لایزال و نامتناهی، یک جهان بینی و نگرش خاصی در آن فرد ایجاد می کند که این جهان بینی و نگرش تمام مسایل سیاسی اجتماعی را نیز در بر می گیرد. به عنوان مثال چون نظر به عالم بالا و معنویت دارد دنیا و مقام و قدرت در نظر او بسیار حقیر و كوچك جلوه می نماید، البته این نگرش مانع از این نمی شود که این فرد پست های مدیریت قبول نکند یا قدرت را در دست نگیرد، بلکه موجب این می شود که مدیریت و قدرت را به هر قیمتی - از راههای غیر اخلاقی - به دست نگیرد، و با آن قدرت هر اقدامی را مرتکب نشود، و این قدرت را برای اهدافی خاص چون احقاق حق و اجرای عدالت در دست گیرد، و نگه داشتن اصل قدرت برایش مهم نباشد، بلکه رسیدن به این اهداف برایش مهم باشد و حاضر شود به آسانی قدرتش را از دست بدهد ولی قدمی به ناحق و بر خلاف عدالت برندارد و خلاصه اینکه قدرت و مدیریت را برای تکامل و تعالی مردم و جامعه و احقاق حق و اجرای عدالت به کار بندد و اگر این هدف محقق نشود به آسانی قدرت را رها کند و دنبال هدف مهمتری برود که ممکن است این هدف هدایت مردم یا زمینه سازی برای اهداف فوق باشد.

بنابر این تأثیرات معنوی و روحی ادعیه و زیارات در انسان که تهذیب نفس و صیقل روح را به دنبال دارد در دو حوزه به مسایل سیاسی اجتماعی ربط پیدا می کند، اول اینکه موجب ایجاد نگرش و جهان بینی خاص نسبت به تمام امور از جمله پدیده های سیاسی - اجتماعی می شود، به گونه ای که نگرش چنین فردی به خانواده، فرزندان، پدیده های اجتماعی، روابط با دیگران، قدرت، حکومت، ظلم و... بایک فرد معمولی تفاوت اساسی دارد. دوم اینکه عملکرد و رفتار چنین فردی با سایرین تفاوت دارد. انسان خود ساخته ای که دل در گرو عالم نامتناهی بالا دارد و عظمت خالق و خلقت را می بیند و از سعه صدر و وسعت نظر بالایی برخوردار است مثلاً با همسایه خود بر سر امور جزئی درگیری فیزیکی پیدانی کند یا حقوق دیگران را پایمال نمی کند و برای بدست آوردن مالی جزئی دروغ نمی گوید، و در مقابل مقام بالاتر از خود تملق و چاپلوسی نمی کند و هیچ نیازی

به تملق و ستایش دیگران احساس نمی کند و هیچ تمایلی به ستم بر دیگران ندارد و در مقابل هیچ ستمگر و زورگوی سر تسلیم فرو نمی آورد. در روابط اجتماعی حدود را مراعات می کند چون دلیلی برای تجاوز از حدود خود نمی یابد. چه این شخص يك شهروند معمولی باشد و چه در جایگاه مدیر یا حاکم در اجتماع قرار گیرد. بنابراین بازتاب تهذیب نفس و تعالی روحی و معنوی افراد به اجتماع و حوزه سیاسی اجتماعی برمی گردد و مبنای فکری سیاسی و اجتماعی فرد را می سازد و جهت می دهد. البته اینگونه نیست که تمام ویژگیهای فوق فقط از طریق دعا به دست آید، بلکه ممکن است افراد از راههای دیگر نیز به این حد از معرفت و افق بالای فکری برسند، ولی اولایان از آثار و فواید دیگر دعا محرومند، ثانیاً سایر افرادی که مثل اینان شیوه ها و ابزارهای رسیدن به این وسعت دید را ندارند دعا مهمترین وسیله است.

ب. کارکردهای معرفتی

کار ویژه بعدی ادعیه و زیارات انتقال بخشی از معارف و مبانی فکری اسلام و تشیع به مخاطبین و نسلهای بعدی است. در کارکرد اول، تهذیب نفس و تعالی روحی و معنوی انسان به پیداشدن يك نگرش نوین و جهان بینی جدید کمک می کرد ولی در این کار ویژه دعا و زیارت يك سری اصول و مبانی فکری آماده ای را منتقل می کند که می تواند در بسیاری از حوزه ها مبنای معرفت بشری قرار گیرد. این معارف دو ویژگی اصلی و اساسی دارند، اول آنکه صریح و مستقیم نیستند، زیرا متن دعاست و در مقام تدریس و انتقال علم خاصی نیست، اما متن دعا آمیخته با يك مبنای معرفتی است که افرادی که در آن تأمل و تفکر کنند برایشان بارز و برجسته می شود، در غیر این صورت همان قالب و شکل دعایی خود را دارد و اهداف دیگری مثل انسان سازی و تهذیب نفس را دنبال می کند. دوم اینکه معارف مورد نظر بسیار کلی و اساسی است به گونه ای که می توان آنها را جزو اصول و چارچوبهای اسلام و تشیع به حساب آورد که در طول ادوار مختلف تغییر ناپذیرند و اینگونه نیست که تصور کنیم در مورد يك موضوع جزئی به بحث علمی ریز پرداخته است. چه تأثیراتی که از کار ویژه اول حاصل می شود و چه معارفی که از کارکرد دوم منتقل می شود برای همگان یکسان نیست. بلکه هر فردی به تناسب زمینه و استعداد و ظرفیت و توان فکری و روحی، از ادعیه و زیارات بهره می برد و چه بسا افرادی هم باشند که هیچگونه بهره ای نبرند.

ج. کارکردهای سیاسی - اجتماعی

سومین کارکرد ادعیه و زیارات در شیعه، کارکرد سیاسی - اجتماعی است. شیعه اقلیتی بوده که در طول تاریخ، سیاست و مسائل سیاسی-اجتماعی بارز و اعتقادات این گروه آمیخته بوده است. شیعه اولاً از طرفی مدعی حکومت بوده و از طرف دیگر شرایط و زمینه های مساعد برای به دست گیری قدرت وجود

نداشته است، ثانیاً هیچگاه از اصول خود کوتاه نمی‌آمد، و اهل سازش و مصالحه بر سر اصول و آرمانهای والای خود نبوده است، و ثالثاً به دلایل فوق همیشه درگیر مخالفت و مبارزه با قدرتهای سیاسی زمان خود بوده است، که این مبارزات تنگناها، فشارها و مشکلات متعدد سیاسی، اقتصادی، مالی، تبعید، شکنجه، شهادت و... به دنبال داشته است. تمام شرایط و مشکلات فوق در زمانهای مختلف، مکانهای مختلف و حکومتهای گوناگون یکسان نبوده و هر دوره و هر حکومت و هر شهر و کشوری شرایط و مشکلات خاص خود را دارا بوده است. در این کش و قوس پیچیده و اوضاع سخت و طاقت فرسای سیاسی و اجتماعی، ادعیه و زیارات نقش بسیار مهمی ایفا می‌کردند، برخی از این نقشها عبارت اند از:

۱. بعضی از ادعیه و زیارات یا بخشهایی از يك دعا و زیارات سعی در بالا بردن ظرفیت و توان مخاطبین در برابر مشکلات و سختی ها دارند، و در مورد ظلمها و ناملیماتی که هیچ راه گریزی از آنها نیست نقش سنگ صبور را ایفا می‌کردند. حتی در برخی موارد موجب تخلیه روحی و روانی افراد از شکوه ها و مصایب و مشکلاتی می‌شدند که بر روح و جان انسان سنگینی می‌کرد.

۲. گروهی دیگر از ادعیه و زیارات موجب زایل شدن روحیه یأس و نومیدی می‌شدند. شرایط سخت و سنگینی که در طول تاریخ بر شیعه حاکم بود به آسانی می‌توانست افسردگی و یأس و ناامیدی به دنبال داشته باشد اما تأثیرات ناشی از ادعیه و زیارات نه تنها از بروز افسردگی جلوگیری می‌کرد بلکه نوعی امید به آینده و ضرورت تلاش برای آن را در پیروان خود زنده می‌کرد. این امیدواری و امید به آینده ممکن بود با نابودی حاکم ظالم زمان محقق شود، ممکن بود با پیروزی و حاکمیت شیعه تحقق پیدا کند یا با ظهور امام زمان «عج» عینیت پیدا نماید، و یا حتی در آخرت به منصفه ظهور برسد، هیچکدام تفاوت چندانی با دیگری ندارد، مهم جلوگیری از ناامیدی است که از نظر روانی می‌تواند خسارات جبران ناپذیری از جمله سستی و بی‌تفاوتی و تسلیم را به دنبال آورد. حتی در بدترین و غیرقابل تغییرترین شرایط نیز امید و امیدواری بسیار کارساز است، و ادعیه و زیارات ضریب بالایی از امید و امیدواری را در شرایط سخت و طاقت فرسای بحرانی تزریق جامعه شیعه می‌کردند.

۳. بعضی از ادعیه و زیارات یا قسمتهایی از يك دعا و زیارت، سعی در زنده نگه داشتن روحیات حماسی و دلاوری و شجاعت دارند و با یادآوری افتخارات گذشته در این مورد، افراد را به افتخار آفرینی مجدد تشویق می‌کنند.

۴. فرازهایی از ادعیه و زیارات، ظلم ستیزی، روحیه مبارزه با ستم و عدم پذیرش ذلت و ارزش بودن این روحیه را تلقین می‌کنند، و مخاطبین را تشویق می‌کنند که سخت ترین مشکلات را تحمل کنند ولی زیر بار ظلم و ستم نروند و زندگی ذلت بار را نپذیرند.

۵. برخی از ادعیه و زیارات روحیه حق طلبی و عدالتخواهی را ترویج می‌کنند.

و بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهمترین آرمان شیعه تأکید دارند.
 ۶. قسمتهایی از ادعیه و زیارات نیز با یادآوری دوران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله و حضرت علی علیه السلام تمرکز مخاطبین را متوجه جامعه مطلوبی می کنند که ارزشهای الهی در آن حاکم است و از تبعیض و تحقیر و ظلم و ستم و برتری طلبی و... خبری نیست. این ادعیه به طور غیر مستقیم تشکیل چنین جامعه ای را به عنوان جوهر تفکر سیاسی شیعه معرفی می کنند.

۷. بخشهایی از ادعیه و زیارات نیز با تبیین ظلمها و ستمهایی که بر ائمه شیعه علیهم السلام و پیروان آنها در طول تاریخ رفته و یادآوری این ستمها و بی عدالتی ها، سعی در زنده نگه داشتن روحیه انتقام در شیعه دارند. این انتقام نه متوجه شخص یا گروهی خاص، که متوجه ظلم و ستم و بی عدالتی و باطل در تاریخ و جوامع بشری است. بر اساس این قسمت از ادعیه و زیارات، شیعه موقعی انتقام ظلمها و ستم ها و شکنجه ها و خونهای ائمه خود و پیروان آنها را گرفته که بتواند در جامعه ای که زندگی می کند ظلم و ستم و بی عدالتی و باطل را نابود سازد و به جای آن حکومتی بر مبنای حق محوری و عدالتخواهی بر پا کند تا از قبل آن ارزشهایی الهی حاکم شوند و حدود الهی جاری گردند.

۸. برخی از ادعیه و زیارات، شیعه را متوجه جامعه و حکومت آرمانی می کنند که امام زمان (عج) پس از ظهور خود آن را تشکیل خواهد داد. این توجه دو نتیجه به دنبال دارد؛ اول اینکه این جامعه و حکومت آرمانی چه ویژگیهایی دارد، و افراد را برای شناخت ابعاد مختلف این جامعه تحریض می کند. دوم اینکه شیعیان را به تلاش و امی دارد تا به سوی آن جامعه آرمانی گام بردارند و حتی الامکان اجزاء، عناصر و کارکردهایی از آن جامعه مطلوب و مورد تأیید امام معصوم عج را در اعمال و رفتار و جامعه خود پیاده کنند، بدون تردید آن امام معصوم (عج) خوشحال خواهد شد که بخشی از آرمان و اهداف آینده او هم اکنون تحقق پیدا کند.

۹. اجزای دیگری از ادعیه و زیارات، پیروان و مخاطبین خود را متوجه امام و رهبر معصومی می کنند که هم اکنون زنده است و می تواند با آنها ارتباط برقرار نماید و مشکلات و سوالات آنها را پاسخ گوید، چنانکه بنابر نقل تواریخ معتبر، در تمام زمانها افراد بسیاری توانسته اند با امام عصر (عج) ارتباط برقرار نمایند، و چه بسا هم اکنون نیز چنین افرادی وجود داشته باشند. یکی از ابعاد فلسفه وجودی این امام (عج)، مبارزه با ظلم و بی عدالتی و تشکیل حکومت عدل جهانی است.

فصل دوم

مرگ و انواع آن /

۱. توصیف مرگ

مرگ پل انتقال به ابدیت و جهان دیگر است. مرگ مهمترین پدیده در هستی انسان به شمار می رود و ابعاد فوق العاده مرموز و ناشناخته ای دارد. مرگ همان است که امام حسین (ع) در روز عاشورا به یاران خود فرمود:

ای آزادگان و ای بزرگ زادگان صبر و پایداری داشته باشید که مرگ جز پلی برای انتقال شما از این جهان به بهشت فراخ و نعمت های دائمی خدا نیست، کدام يك از شما است که دوست نداشته باشد تا از زندان به قصر منتقل شود و مرگ برای دشمنان شما انتقال از قصر به سوی زندان است. (۱)

امام علی علیه السلام مرگ را حد واسط میان انسان ها و بهشت یا جهنم

- صبرأبنی الکرام فما الموت الا قنطرة تعبر بکم عن البوس والضراء الی الجنان الواسعة والنعم الدائمة فایکم یکره ان ینقل من السجن الی القصر وما هو لاعدائکم الا کمن ینقل من قصر الی سجن و عذاب. موسوعة کلمات الحسین (قم: دارالمعروف، ۱۴۱۵، ۱۳۷۳) ص ۴۹۷.

۵۴-

می داند و می فرماید:

میان ما و بهشت یا جهنم جز مرگ فاصله ای نیست. (۱)
این مرگ است که هر يك از افراد انسانی را به جایگاه ابدی خود خواهد رساند؛ پرهیزکاران را به بهشت و ستمگران و دشمنان دین خدا را به جهنم خواهد فرستاد. در سخنی دیگر حضرت مرگ را مایه راحتی از سختی ها و بلاهای دنیا می داند و می فرماید:

دیگر پس از مرگ هیچ سختی و گرفتاری وجود ندارد. (۲)
البته منظور از سختی و گرفتاری نوع دنیوی آن است و مرگی که بعد از آن دیگر سختی و رنج و اندوه وجود ندارد مرگ مومن است ولی کافر با مرگش گرفتاریهایش شروع می شود. لذا در روایت دیگری حضرت (ع) مرگ را برای مومن هدیه میداند. (۳)

این توصیف ها همه نگاه ما به مرگ بود اما نگاه مرگ به انسانها، نگاه جوینده ای است که خستگی او را فرامی گیرد؛ جوینده ای که به همه اهداف خود تماماً دست خواهد یافت و هیچ چیز را فروگذار نخواهد کرد. در این رابطه حضرت

علی علیه السلام در عبارت زیبایی می فرماید:
مرگ جوینده ای سریع و جدی است که نه مقیم و ساکن را فرو

- لیس بیننا وبين الجنة او النار الا الموت بقطب الدین الراوندی، سلوة الحزین (دعوات راوندی)، (قم: مدرسه امام المهدی) ص ۲۳۶؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۰ و ج ۸۲، ص ۱۷۱.

- لیس بعد الموت مستعجب. همان، ص ۲۳۸.

- تحفة المومن الموت. همان، ص ۲۳۵.

می گذارد و نه کسی که از آن فرار می کند می تواند آن را از پای درآورد
و از آن خلاصی یابد. (۱)

مرگ قانونی از قوانین هستی است که همه در برابر آن یکسانند؛ کودک، پیر، زن، مرد، عالم، جاهل، پیامبر، فرشته و سایر مخلوقات، همه طعم مرگ را خواهند چشید اما این طعم برای یکی شیرین و برای یکی تلخ است. همه فانی اند و تنها وجود خداوند است که باقی خواهد ماند. (۲) مرگ، هر کس را جز ذات باری تعالی فرا خواهد گرفت؛ همه روزی مقهور اجل معین خواهند شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مرگ هر لحظه و هر کجا دنبال من است و چنان مرا می پاید که گویی
غیر از من دیگر هدفی ندارد؛ لحظه ای چشم از من بر نمی دارد و
چون مرگ من فرا رسد، همانند طفلی در دست او خواهم بود به
طوری که هیچ کس نمی تواند مرا از دست او نجات دهد و هیچ کس
نمی تواند سختی مرگ را از من بگیرد و نه خود می توانم بی دلیل و
عذر و بهانه مرگ خود را به تأخیر بیندازم. (۳)

- ان الموت طالب حثيث لا يفوته المقيم و لا يعجزه الهارب. نهج البلاغه (بشرح
صبحی الصالح) (تهران: انتشارات اسوه، ۱۴۱۵) ص ۲۳۵، خ ۱۲۳.

- بقی وجه ربك ذوالجلال و الاكرام. الرحمن، ۲۷.

- الموت يطلبني حثيثاً دائماً يقصّ اثری موکل بی کانه لا یرید احداً غیری
لیس ینظرنی ساعة فاذا جاء اجلی کانی ارانی صریحاً بین یدیه و کانی بالموت
لیس احد الموت یمنعنی و لا یدفع کربیه عنی و لا استطیع
امتناعاً یؤخرنی. جواد القیومی الاصفهانی، موسوعة الادعیه (مشهد: آستان قدس رضوی،
۱۴۱۹)، ج ۱، ص ۴۱۴؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۵، ص ۱۷۶.
ای رفیقان راهها را بست یار *** آهوی لنگیم و او شیر شکار

غیر تسلیم و رضا کو چاره ای***در کف شیر نر خونخواره ای فقرات زیادی از ادعیه و زیارات که مسأله مرگ را توصیف کرده اند و با عباراتی دقیق و جزیی لحظه مرگ و مراحل انتقال از این جهان به جهان دیگر را بیان نموده اند که در این جا به جهت اختصار فقط به ذکر چند مورد اکتفا می شود. امام سجاد علیه السلام در دعای ختم قرآن مرگ را این چنین توصیف می کند:

خدایا بر محمد و اهل بیئتش درود فرست و بواسطه قرآن مرگ را بر ما راحت گردان؛ سختیهایی که به هنگام احتضار و به موقع جان کندن بر ما وارد می شود. سختی هایی که در لحظه آخر حیات به مثابه دردهایی جانکاه جسم و جان ما را می آزارد؛ دردهایی که انسان را از خود بی خود کرده و به هذیان وامی دارد. آن لحظه که جان به گلو می رسد و انسان با خود می گوید آیا نجات دهنده ای هست که مرا از این درد و الم جانکاه و جانسوز نجات دهد. آن لحظه ای که ملك الموت برای قبض روح به ناگاه از ورای پرده های نادیدنی ظاهر می شود و جان و روح را چنان می گیرد که گویی با تیرهای وحشت انگیز جدایی دنیای، جان آدمیان را هدف قرار داده است و شرنگ زهر آلوده مرگ را بسان شوکرانی به کام انسان می ریزد و او را از این جهان گرفته و به آخرت نزدیکش می کند. آری مرگ گذر و سفر از این جهان به جهان آخرت است. سفری که توشه آن تنها عمل و کردار انسان است مرگی که اعمال را آویزه جان می کند و او را تا لحظه حسابرسی در قبر و میان انبوه خاک ها تنها می گذارد. (۱)

مرگ لحظه جانکاه جدایی است. سفری است که انسان از مبدأ تا مقصد راه درازی در پیش دارد. برای پیمودن منازل این راه، مهمات و آذوقه هایی لازم است که همه رهن عمل انسان است لحظه ای که دوستان و نزدیکان، همه انسان را در حفره قبر تنها می گذارند و او می ماند و خانه جدید؛ موضع وحشت و تنهایی؛ موضع تنگ و تاریک بدون هر گونه زیرانداز و بالشی؛ زیراندازش ریگ و بالشش سنگ. امام سجاد علیه السلام در ضمن ادعیه شورانگیز و در عین حال حزن انگیز خود چه زیبا این لحظه را به تصویر کشیده است:

ای وای از مرگی که گریزی از آن نیست. ای وای از وحشت قبر و بلاهای بعد از مرگ، آه از لحظه ای که به سوی جایگاه مردگان منتقل می شوم... آه از لحظه ای که خاک فرش زیر پای من می شود. آه از لحظه ای که دوستان و بستگان، مرا تنها رها می کنند.

- اللهم صل علی محمد و آله و هوّن بالقرآن عندالموت علی انفسنا کربّ السياق و جهد الانین و ترادف الحشارج اذا بلغت النفوس و قیل من راق و

تجلی ملک الموت لقبضها من حجب الغیوب و رماها عن قوس المنايا بأسهم وحشة الفراق و راف لها من ذعاف الموت کاساً مسمومة المذاق و دنا منا الى الاخرة رحیل و انطلاق و صارت الاعمال قلائد فی الاعناق و كانت القبور هی الماوی الى میقات يوم التلاق. الصحيفة السجادية الجامعة (قم: مؤسسة الامام المهدي) ص ۱۹۷؛ شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، المصباح فی الادعية والصلوات و الزیارات (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۴، ۱۹۹۴)، ص ۶۲۰.

-۵۸-

آه از لحظه ای که کرم ها گوشت و پوست مرا خوراك خود می کنند و اعضای بدنم از هم گسسته می شود. (۱)
امام علی علیه السلام در یکی از مناجات های خود ضمن تضرع به درگاه خداوند مراحل بعد از مرگ را یادآور شده از خداوند عفو و رحمت طلب می کند. حضرت می فرماید:

خدایا به ما رحم کن آن لحظه ای که در میان سنگ و خاک جای می گیریم و خانه سنگی ما را سقفی از سنگ می پوشاند همانند مسکینان در خانه قبر مأوی می گزینیم و همه ما را تنها می گذارند و می روند. مرگ ما را در شکلی عجیب به خاک می نشاند و به دیاری رو می کنیم که اگر چه دارای ساکنان زیادی هستند اما گویا هیچ کس در آنجا نیست. خدایا به ما رحم کن آن لحظه ای که لخت و عریان از قبر برمی خیزیم درحالی که سر و صورتمان را خاک پوشانده است و چشمهایمان از هول قیامت ترسناک و لبهایمان تشنه و شکم هایمان گشنه و پشتمان از سنگینی بار گناهان خم شده و ترس و هول قیامت ما را از یاد همه غافل کرده و تنها به فکر خود هستیم و چه دردناک است اگر در این مسیر از دوستان و اولیا حق جدا مانیم و با بدان و دشمنان خدا همنشین شویم. بار خدایا در آن لحظه با

- آه و انفساه لآبد من الموت و وحشة البقر و البلاء... آه و احزنه انا المنقول الى عسکر الموتی... آه و احزنه اذا اضحی التراب لی فراشا و طاء آه و انفساه اذا اسلمونی الاحباء و الاخلاء آه و انفساه اذا اكلت الیدان محاسنی و اللحم و تصرمت الاعضاء. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۴۳۱.

رویگردانی خود از ما، درد و غم و ترس ما را دو چندان مکن. (۱)

۲. پناه بردن به خدا از مرگهای بد

یکی از موضوعات مرتبط با مرگ پناه بردن به خدا از مرگ های بد و ناگهانی در ادعیه و زیارات است. به نظر می رسد مرگ انسان نیز تابع اعمال او باشد یعنی

کسی که بدکردار باشد مرگ بدی نیز در انتظار او خواهد بود و کسی که نیک کردار است با مرگ خوبی از دنیا خواهد رفت. بنابراین طلب مرگ خوب و پناه بردن به خدا از مرگ های بد، در حقیقت نوعی طلب انجام کارهای نیکو و گریز از انجام کارهای بد و ناشایست است. در ادعیه شریفه اهل بیت مکرر می بینیم که از خداوند درخواست می شود:

خداوندا مرا به ناگهانی بازگیر و به ناگهانی و بدون اینکه آمادگی

-الهی ارحمنا غرباء اذا تضمنتنا بطون لحودنا و غمیت باللبین سقوف بیوتنا و اضجعنا مساکین علی الایمان فی قبورنا و خلفنا فرادی فی اضیق المضاجع و صرعتنا المنایا فی اعجب المصارع و صرنا فی دیار قوم کانها مأهولة و هی منهم بلاقع. الاهی ارحمنا اذا جنناک عراة حفاة مغبرة من ثری الاجداث رؤوسنا و شاحبة من تراب الملاحید و جوهنا و خاشعة من افراغ القیامة ابصارنا و ذابلة من شدة العطش شفاهنا و جائعة بطول المقام بطوننا و بادیه هنالك للعیون سوأتنا و موقرة من ثقل الاوزار ظهورنا مشغولین بما قددهانا عن اهالینا و اولادنا فلا تضعف المصائب علینا باعراض وجهک عنا و سلب عائدة ما مثله الرجاء منا. شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، البلد الامین والدرع الحصین (بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۸، ۱۴۱۸) ص ۴۳۹؛ جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۳۳.

داشته باشم مرا مکش. (۱)

و به طور مکرر مناجاتهای ائمه علیهم السلام را می خوانیم که از خداوند خواسته اند که برگشت و بازگشتشان از این جهان به گونه ای بد و ناروا نباشد. در دعای حزین می خوانیم:

خدایا من به تو پناه می برم از اینکه مرگ من سخت باشد و یا اینکه

من با وضعیت بد و اسفناکی بمیرم و به سوی قبر روم. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره می فرمودند:

به خدای بزرگ پناه می برم از مرگ و زندگی بد و از بازگشت بد. (۳)

مضمون دیگری که همواره در ادعیه راجع به مرگ وجود دارد این است که مرگ و حیات ما امتحان و آزمایش نباشد. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در نمازهای خود این دعا را می خواند و به یاران خود نیز سفارش می کرد که بعد از نماز این دعا را مکرر بخوانند:

خدایا پناه می برم به تو از اینکه مرگ و زندگیم فتنه و آزمایش

باشد. (۴)

- اللهم لاتاخذنى بغتة ولا تقتلنى فجأة تقى الدين الكفعمى، البلد الامين...، ص ۱۹۸؛ تقى الدين الكفعمى، المصباح...، ص ۱۷۳.

- تقى الدين الكفعمى، المصباح...، ص ۸۱.

- اعوذ بالله العظيم من... سوء الممات والمحيا و سوء المنقلب. جواد القيومى، پیشین، ج ۱، ص ۴۶۹؛ ابوالقاسم رضى الدين ابن طاووس، مهج الدعوات (تهران: کتابخانه سنایی) ص ۲۰؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۸۶، ص ۲۹۹.

- اللهم انى اعوذ بك... من فتنة المحيا و الممات. محمد بن علان الصديقى الشافعى، الفتوحات الربانية (بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۹۸۲) ج ۲، ص ۸.

به هر حال یکی از درخواست های مکرر ائمه عليهم السلام از خداوند این بوده است که آنان را از مرگ های بد و ناخواسته و نامطلوب دور بخرد. روایت شده پیامبر اسلام صلى الله عليه وسلم مدام این دعا را می خواندند:

خدایا من به تو پناه می برم از اینکه زیر ویرانه بمیرم یا در چاه سقوط کنم و بمیرم، یا اینکه در آب غرق شوم و بمیرم یا اینکه در آتش بسوزم و بمیرم و یا اینکه در پیروی و از روی خرفتی بمیرم و یا اینکه به هنگام مرگ شیطان بر من مسلط شود و پناه می برم به تو از اینکه در جنگ در حال فرار کشته شوم و یا اینکه بر اثر نیش مار و

عقرب از دنیا بروم. (۱)

بنابر این نوع مرگ از اهمیت بسزایی برخوردار است. طبیعی است که مرگی دارای ارزش است که دست کم برای دیگران فایده ای در برداشته باشد و شهادت بالاترین مرگها است زیرا بیشترین فایده را در گسترده ترین سطح در پی دارد و باعث موج، تحول و حرکت در جامعه می شود. شهادت از طریق تزریق خون به پیکر اجتماع حیات اجتماعی را تضمین می کند. آنقدر مسأله مرگ دارای اهمیت است که ائمه عليهم السلام در نماز شب خود این دعا را می خوانده اند:

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرگ من، فرزندان،

- اللهم انى اعوذ بك من الهدم و اعوذ بك من التردى و اعوذ بك من الغرق و الحرق والهدم و اعوذ بك ان يتخبطنى الشيطان عند الموت و اعوذ بك ان اموت فى سبيلك مدبر أو اعوذ بك ان اموت لديغاً. ابن علان الصديقى، پیشین، ج ۷، ص ۲۱۸؛ جواد القيومى، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۵؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۵، ص ۳۶۲.

خانواده و دوستان مرا از مرگهای بد قرار مده؛ مرگهای بدی همچون: غرق شدن، سوختن، قصاص شدن، در حبس مردن، از گرسنگی مردن، طعمه درندگان شدن، از غصه دق کردن، از تشنگی مردن، از آفتاب زدگی مردن، از گرسنگی مردن، در سرزمین غربت مردن و هر

مرگ بدی که ممکن است باشد. (۱)

نکته مهم دیگر رضایت خالق هستی از انسان به هنگام مرگ است. امام حسین علیه السلام در دعای نغز و پر مغز خود در روز عرفه می فرماید:

خدایا از تو می خواهم که مرگ مرا ناشی از غضب خود قرار ندهی. (۲)

غضب و خشم خداوند وقتی بروز پیدامی کند که انسان نه تنها در جهت ارزشها گام بر ندارد بلکه در جهت ضدا ارزشها قدم بردارد. بنابراین اگر مرگ انسان از روی غضب خداوند نباشد در واقع از روی رحمت و لطف خداوند است. و دعا برای مرگ از روی رحمت - و نه از روی غضب - به نوعی دعا برای شهادت در راه خداست. همچنین در ادعیه آمده است:

خدای را سپاس که روح مرا بعد از خواب به من بازگرداند و مرا

- اللهم صل علی محمد و آل محمد و لا تمتنی و لا احداً من اهلی و ولدی و اخوانی فیک غرقاً و لا حرقاً و لا قوداً و لا صبراً و لا هضماً و لا اکیل السبع و لا غماً و لا همماً و لا عطشاً و لا شرقاً و لا جوعاً و لا فی ارض غریبه و لا میتة سوء.

شیخ ابی جعفر طوسی، مصباح المتعجد (بیروت: مؤسسة فقه الشیعه)، صص ۹۴ و ۱۷۰.

- اللهم... فأسألك... ان لا تمیتنی علی غضبك. موسوعة کلمات الحسین، ص ۷۹۷؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۲۰۱؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۸، ص ۲۱۶.

در حالت خواب و غفلت نمیراند. (۱)

مرگ در حالت خواب و غفلت هیچگاه مطلوب اولیا دین نبوده است. از همین روست که می بینیم همه اولیا خدا در هنگام مرگ دارای روحی سرشار از آگاهی و هوشیاری بوده اند و کلمات تلقین را به بهترین وجه ادامی کردند و حتی ائمه دین و برخی دیگر از بزرگان و عرفا خود را برای لحظه مرگ آماده می کرده اند و جامه نو به تن می کرده، مقدمات مرگ خود را فراهم می کرده اند. اینچنین مرگی اگر چه کشته شدن در صحنه جنگ نیست اما می توان آنها را همسنگ شهادت دانست. در همین رابطه امام علی علیه السلام می فرماید:

وای به حال من اگر مرگ من نزد اهل آسمان بدیمن و نامبارک باشد. (۲)

به طور کلی یکی از محورهای اصیل ادعیه استعاذه به خداوند از مرگ های بد است. در ضمن این ادعیه نمونه های زیادی از مرگ بد ذکر شده است که محور مشترک همه آنها می تواند عدم لطف خداوند به بندگان و غفلت آنان از یاد خدا باشد و الا کسی که به یاد خدا باشد نه تنها مرگ او مرگ با برکت و عزت است بلکه خداوند خود چنین بنده ای را قبض روح می کند.

در پایان برخی از صورت های مرگ بد را که در ادعیه و زیارات ذکر شده و دلیل بدیمن بودن آن عدم توجه و لطف خدا به بنده ناشی از غفلت بنده از یاد

خداست، ذکر می شود: مردن در صورتی که انسان خوراك درندگان واقع شود؛

-الحمد لله الذی... ردّ الیّ نفسی بعد موتهاولم یمتها فی منامها. شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۱۲۸.

- و انفساه ان کان موتی مموتافی اهل السماء. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۶۷.

مردن بواسطه فرو ریختن دیوار بر روی انسان؛ مردن بواسطه سوختن و آتش گرفتن؛ مردن بواسطه آفتاب زدگی و سوختن از حرارت آفتاب؛ مردن بواسطه غم و غصه (دق مرگ شدن)؛ مردن بواسطه تشنگی؛ مردن بواسطه گرسنگی؛ مردن بواسطه نیش مار و عقرب؛ مردن و کشته شدن در حالی که انسان از صحنه جنگ در حال فرار است؛ مردن در صورتی که شیطان به هنگام مرگ بر انسان مسلط شده باشد؛ مردن در حالی که انسان مغضوب خدا واقع شده باشد؛ مردن بواسطه سقوط کردن در چاه یا دره؛ مردن در زندان؛ مردن بواسطه گرسنگی زیاد؛ کشته شدن در نتیجه قصاص. هدف از ذکر موارد مرگ های بد، توجه به این نکته است که انسانی که ناگزیر است روزی تسلیم مرگ شود چه بهتر که مرگ وی از انواع مرگ های بد نباشد بلکه در مقابل از نوع مرگ های خوب باشد که بهترین آنها شهادت در راه خداست. البته ذکر این نکته لازم است که صورت های مذکور به صورت مطلق مورد نظر نیست.

۳. دعا برای مرگ

اصولاً این سوال مطرح است که آیا مجاز است انسان از درگاه خداوند طلب مرگ و نابودی کند. یعنی آیا دین اجازه داده است که انسانها از درگاه خدا طلب مرگ و کشته شدن بکنند؟ مسلماً پاسخ این سوال منفی است. سوال دیگری که در مطرح می شود اینکه اگر نمی توان چنین درخواستی از خداوند کرد پس چرا در روایات و ادعیه چنین امری مشهود است و چرا از درگاه خدا خواسته می شود که در میدان جنگ و به دست بدترین افراد بشر کشته شویم؟ این در حالی است که کشته شدن همان مرگ است منتهی نوع و نحوه آن متفاوت از سایر مرگهاست. اجمالاً باید گفت که تنها در يك مورد دین اجازه داده، و حتی تشویق کرده که از درگاه خداوند طلب مرگ شود و آن هم موقعی است که عمر انسان چراگاه شیطان شده باشد. یعنی بجای اینکه انسان بتواند از عمر و نعمت های خداوند در زندگی به عبادت خدا بپردازد، شیطان روح وی را تسخیر کرده باشد و در جهت خلاف طاعت حق گام بردارد به طوری که رهایی از آن نیز ممکن نباشد. لذا در ادعیه می خوانیم:

خدایا تا آن لحظه که من در طاعت تو گام بر می دارم مرا زنده نگه

دار و آن لحظه که عمر من چراگاه شیطان شده و من در جهت خلاف طاعت تو گام برمی دارم مرگ مرا برسان و مرا به سوی خود ببر قبل از اینکه خشم و غضب تو شامل حال من شود. (۱)

در کتاب «سنن ابی داود» بابی بنام «باب کراهیه تمنی الموت» وجود دارد. در آنجا از انس بن مالک روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

به خاطر بلا و مصیبتی که به شما وارد می شود هیچگاه آرزوی مرگ نکنید بلکه همواره بگویید خدایا تا آن لحظه که زندگی برای من خوب است و عمر من در اطاعت تو صرف می شود، مرا زنده نگه دار و چون زندگی برایم سودمند نباشد بلکه در عوض مرگ برایم خوب باشد مرگ مرا برسان. (۲)

- اللهم... و عمرنی ما کان عمری بذلة فی طاعتک، فاذا کان عمری مرتعاً للشیطان فاقبطنی الیک قبل ان یسبق مبتک الی، او یستحکم غضبک علیّ. الصحیفة السجادیة الجامعة، ص ۱۱۱؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۶۰۰.

- لا یدعون احدکم بالموت لضرّ نزل به ولیکن لیقل اللهم احیننی ما کانت الحیاة خیر الی وتوفنی اذا کانت الوفاة خیر الی. ابو داود سلیمان بن اشعث السجستانی الازدی، سنن ابی داود، (بیروت: دار احیاء السنة النبویة) ج ۳، ص ۱۸۸.

بنابر این ملاک و معیار برای جواز یا عدم جواز درخواست مرگ از خداوند، کیفیت و تبعات منفی و مثبت زنده انسان در عرصه های فردی و اجتماعی است. در روایت دیگری آمده است:

هیچ کس آرزوی مرگ نکند. (۱)

پس تنها در یک مورد است که می توان تقاضای مرگ کرد و آن هنگامی است که حیات و زندگی در این جهان دیگر برای انسان سودمند نباشد؛ وقتی که نتوان از عمر استفاده مفید برد و نتوان در راه طاعت حق گام برداشت و الا مادام که حیات و زندگی برای انسان خیر و برکت داشته باشد طلب مرگ از خداوند امری مکروه و ناپسند است. اما این مسأله که در ادعیه و روایات درخواست مرگ از خدا شده، مسأله به این صورت نیست که مطلق مرگ درخواست شده باشد (به جز مورد فوق) بلکه تصریح شده از آنجایی که چاره ای جز مرگ نیست پس مرگ ما را در راه خود و از نوع بهترین مرگ ها قرار بده. امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

خدایا در آن لحظه که عمر ما پایان یافته و قرار است مرگ ما فرارسد و چاره ای جز دیدار تو نیست، در بهشت برای ما منزل و مقامی را فراهم آر که همه آدمیان از اولین تا آخرین به حال ما غبطه بخورند. (۲)

- و لایتمنین احدکم الموت. همان.

- اللهم اذا حضرت الاجال و نفدت الايام و لابدّ من لقائك فاجب لی من الجنة منزلا یغبطنی به الاولون و الاخرون. سید هاشم رسولی محلاتی، الصحیفة العلویة (تهران: موسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵) ص ۳۰۷.

البته، ناگفته پیداست که، در دین اسلام یاد مرگ امری مطلوب و سفارش شده است تا از این رهگذر اولاً مردم به یاد خدا بوده و از اعمال سوء و کردار بد دوری کنند و ثانیاً تلخی و ترس و وحشت مرگ زایل شده و آن را پل ارتباطی به سوی خدا بدانند و مرگ را مرحله ای از حیات تلقی کنند و آن را نیستی و نابودی نپندارند. امام سجاد علیه السلام چون ذکر مرگ می شد می فرمودند:

خدایا بر محمد درود فرست و مرگ را همواره در برابر دیدگان ما قرار ده تا با آن مأنوس باشیم و چنان نباشد که ما گاه و بیگاه از یاد مرگ غافل شویم و چنان کن که از اعمال نیکو بیشترین بهره را ببریم تا در مسیر برگشت به سوی تو از آن استفاده ببریم و ما را به مرگ مشتاق گردان تا مرگ را مایه انس و آرامش خود بدانیم و آن را چون پشتیبانی بدانیم که نزدیک شدن به آن را دوست داشته باشیم و چون مقدر شد که مرگ ما را فراگیرد و مرگ را به سوی ما روانه کردی، کاری کن که مرگ ما باعث سعادت و رستگاری ما باشد و بواسطه آن آرامش و راحتی یابیم و نکند که در مهمانی مرگ، شقاوت و خواری به سوی ما آید، بلکه چنان کن که مرگ باعث بخشش گناهان ما شود و مرگ را برای ما دری از درهای رحمت خود قرار ده و ما درحالی که هدایت یافته، مطیع و توبه کننده هستیم از دنیا ببر نه اینکه ما را به اکراه و درحال انجام معاصی از دنیا ببری. (۱)

امام سجاد علیه السلام در دعای نیمه شب شعبان نیز می فرماید:
خدایا تا آن زمان که زنده ام زندگی موقر و با کرامت به من عطا کن و چون مرانزد خود فراخواندی مرگ را برای من شادی و آرامش قرار ده. (۲)

امام علی علیه السلام در این رابطه تعبیر زیبا و جامعی دارد و می فرماید:
خدایا از تو می خواهم تا زندگی مرا به گونه ای قرار دهی که بتوانم از نعمت های تو بهترین و بیشترین استفاده را بکنم و مرگ مرا به گونه ای قرار ده که از هرگونه بدی و شر خلاصی یابم و به راحتی و آرامش دست پیدا کنم. (۳)

- اللهم صل على محمد و آله و... انصب الموت بين ايدينا نصبا و لا تجعل ذكرنا له غبا و اجعل لنا من صالح الاعمال عملا نستبطئ معه اليك المصير و نحرص له على وشك اللحاق حتى يكون الموت مانسنا الذي نانسن به و مألفنا الذي نشتاق اليه و حامتنا التي نحب الدنو منها فاذا اوردته علينا و انزلته بنا فأسعدنا به زائرا و آنسنا به قادما و لاتشفقنا بضيافته و لاتخزنا بزيارته و اجعله بابا من ابواب مغفرتك و مفتاحا من مفاتيح رحمتك; أمتنا مهتدين غير ضالين، طائعين غير مستكبرين، تائبين غير عاصين و لا مصرين يا ضامن جزاء المحسنين و مستصلح عمل المفسدين. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ١٩١.

- اللهم... و احيى ما احييتنى موقورا مستورا واجعل الموت لى جذلا وسرورا. همان، ص ٢٠٦.

- اللهم اسالك ان تجعل الحياة زيادة لى فى كل خير والموت راحة من كل شر. الصحيفة العلوية، ص ٥١٢.

و چون موقع جنگ و رزم می رسید حضرت خطاب به یاران خود می فرمود:
به رها کردن روح از کالبدتان رضایت دهید و دلخوش باشید و
سبکبال به سوی مرگ حرکت کنید. (١)
ای که می ترسی ز مرگ اندر فرار ***هان ز خود ترسانی ای جان هوشدار
زشت روی توست نی رخسار مرگ ***جان تو همچون درخت و مرگ برگ
در ادامه برخی از مطالب و موضوعات مرتبط با مرگ و طلب مرگ ذکر
می شود.

الف. آمادگی برای مرگ

یکی از مضامین بااهمیت در رابطه با مرگ در ادعیه و زیارات، آمادگی برای
مرگ است. طبق آموزه های مکتب اسلام مرگ دارای مراتب و منازل است که
عبور از هر کدام زاد و توشه و آمادگی خاص خود را می طلبد. از همین رو در ادعیه
فراوان می بینیم که از خدا درخواست شده است تا مرگ ناگهانی را از ما دور کند و
مارا با آمادگی از این دنیا ببرد. در دعای شب پنجشنبه می خوانیم:
خدایا مرا به ناگهانی مگیر و مرگ مرا ناگهانی و ناخواسته قرار
مده. (٢)

خواندن ادعیه ائمه علیهم السلام در مورد آمادگی برای مرگ این روحیه را در
انسان ایجاد می کند که انسان همیشه از معاصی و مکاره به دور باشد و همیشه

- نهج البلاغه، ص ١٠١، خطبه ٦٦.

- اللهم لا تأخذ بغتة و لا تقتلنى فجأة. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ١٩٨.

خداوند تبارک و تعالی را به یاد داشته باشد و در راه خدا و دین خدا مجاهده و تلاش کند. به یاد مرگ و یاد خدا بودن، ناهنجاریهای اجتماعی و جرم و جنایت را به شدت کاهش می دهد و معیارهای اخلاقی، انسانی و نوع دوستی را جایگزین معیارهای مادی می کند. و امام سجاد علیه السلام در سجده خود در راز و نیاز با خداوند عرضه می دارد:

خدایا به تو پناه می برم از این که به هنگام مرگ آمادگی آن را نداشته باشم و در حال غفلت مرگ مرا دریابد و پناه می برم از اینکه مرگ بدی در انتظارم باشد و با حالتی غیر مطلوب و غیر آماده روانه قبر شوم و پناه می برم از اینکه در قیامت جزو پشیمانان باشم. (۱)
از همین روست که در ادعیه آمده است:

خدایا مرگ مرا آنچنان قرار مده که در آن لحظه پشیمان باشم و چنان نباشد که آمادگی مرگ نداشته باشم و ناگاه مرگ مرا برآید و من از اینکه آماده و مهیا نبوده ام پشیمان و نادم باشم. (۲)
در مقابل باید همواره از خداوند بخواهیم که آمادگی برای مرگ و بار یافتن به حضور خود را به ما عنایت کند. امام سجاد علیه السلام - و همه معصومان علیهم السلام - در مناجاتهای خود با خداوند می فرمودند:
خدایا قبل از اینکه مرگ من فرارسد آمادگی برای مرگ به من عطا کن. (۳)

- اللهم انی اعوذ بك من الغفلة عند الموت و من سوء المرجع فی القبر و من الندامة يوم القيامة. تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعية...، ص ۱۷۳.

- و لا تتدمنى عند الموت. شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۱۸۳.

- اللهم... و تدارکنی قبل ان اموت و افوت. همان، ص ۴۹۸؛
الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۴۰۵. همچنین: اللهم... ارزقنی الاستعداد عند الموت. محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۴۴۹.

اگر از منظر شهادت طلبی به این فقرات از ادعیه بنگریم می توان طلب آمادگی برای مرگ را به نوعی طلب شهادت و کشته شدن در راه خدا تفسیر کرد. یعنی اینکه انسان به عنوان بنده خدا باید این روحیه را همیشه در خود تقویت کند که همیشه در حال تلاش و مبارزه است. حتی اگر جهاد اصغر محقق نشود جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس و پرداختن به عبادت خدا همیشه محقق است و چنانچه در مباحث پیش به آن اشاره شد مجاهد نفس و آنکه در راه طاعت و عبادت خدا و مخالفت شیطان گام بردارد، شهید محسوب می شود. بنابراین آمادگی برای مرگ یعنی آمادگی برای انجام عبادت و ترك معصیت و آمادگی برای جانفشانی در راه خداوند و در راه تحقق ارزشهای انسانی و الهی در جامعه.

ب. مرگ خوب

مرگ و زندگی در دست خداست. (۱) بنابراین نباید بی دلیل طلب مرگ و نفی زندگی کرد. جذب موت و دفع حیات، صحیح و روا نیست مگر آن ادامه و استمرار حیات چیزی جز خسران در پی نداشته باشد و مرگ تنها راه رهایی از این بن بست هولناک باشد. در غیراین حالت، هم مرگ و هم زندگی هر دو را باید خواست. اما آنچه مهم است این است که از خداوند بخواهیم تا بهترین زندگیا و بهترین مرگها را نصیب ما کند؛ حیات همراه خیر وبرکت و مرگ نیک و خوش اقبال. چنانکه در دعای شب اول ماه رمضان می خوانیم:

- اللهم بك أموت وبك أحيأ. الصحيفة العلوية، ص ۳۰۲.

خدایا تا زنده ام بهترین زندگی ها را نصیب من کن و چون مرگم فرا رسد بهترین مرگها را - در حالی که بر دوستی دوستانت و دشمنی دشمنانت باشم - نصیبم کن. (۱)
همچنین در دعای شب چهارشنبه آمده است:
خدایا از تو می خواهم که مرا از بهترین بندگان خود قرار دهی؛ آنان که کردارشان شایسته و آرزوهایشان نیک و بایسته است. آنان که حیات و مماتشان نیک و خیر است. (۲)
امام سجاد علیه السلام در دعای مبارک روز عرفه خطاب به درگاه احدیت عرضه می دارد:
خدایا به من چنان زندگانی پاک و شایسته ای را اعطا کن که در پرتو آن آنچه لازم است انجام دهم و به آنچه می خواهم برسم و مرگ مرا، مرگ آنانی قرار بده که در قیامت نورشان از راست و روبرو پرتو گرفته و اطراف آنها را روشن نموده است. (۳)
و در اعمال روز غدیر نیز می خوانیم:
خدایا زندگی و مرگ ما را بهترین زندگی ها و بهترین مرگ ها قرار بده

- اللهم ابقنی خیر البقاء... و افننی خیر الفناء علی موالاة اولیائک و معاداة اعدائک. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۲۷۱.

- اللهم... واسألك ان تجعلنی من خیر عبادک عملاً و املاً و خیرهم حیاة و خیرهم موتاً. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۱۹۳.

- اللهم... فاحیننی حیاة طیبة تتنظم بما ارید و تبلغ ما احب... و امتنی میته من یسعی نوره بین یدیہ و عن یمینہ. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۲۹.

و بازگشت ما را بهترین بازگشت قرار بده. (۱)
 شاید تفاوت مرگ و بازگشت (موت و منقلب) در این باشد که مرگ، اصل مردن باشد و بازگشت نحوه مردن. بر همین اساس مرگ خوب یعنی مرگی که بر طاعت و عبادت خدا باشد و منقلب خوب یعنی از انواعی نباشد که در مبحث پیش ذکرشان رفت بلکه از انواع مرگهایی باشد که مطلوب عارفان و اولیا خدا بوده و رضایت خدا نیز در آن باشد. امام کاظم علیه السلام بعد از فراغت از نماز شب خویش روی به درگاه خداوند می فرمود:

خدایا مرا حیاتی پاک، مرگی شایسته و بازگشتی کریمانه و شرافتمندانه عطا کن به طوری که بازگشتم به سوی تو مرا خوار و پست نکند و آبرویم نرود. (۲)

این مضمون از ادعیه در جای جای کتب ادعیه و زیارات مشاهده می شود که به علت رعایت اختصار در این جا از ذکر آنها خودداری می شود. (۳)
 حال این سوال مطرح است که مرگ خوب، که در ادعیه از آن با عناوین

- اللهم واجعل محيانا خیر الحیاة و مماتنا خیر الممات و منقلبنا خیر المنقلب تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۳۶۸؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح...، ص ۹۰۶.

- فاسالك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تجعل عیشتی عیشة نقیة ومیتتی میة سوية و منقلبی منقلباً کریماً غیر مخز و لافاضح. شیخ ابو جعفر طوسی، پیشین، ص ۱۷۰ و ص ۷۹۹.

- برای مثال دعای روز سه شنبه و دعای اسماء الحسنی در: تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۱۸۲ و ص ۵۷۲ و جواد القیومی، موسوعة الادعية، ج ۱، ص ۱۱۶.

«خیر الممات»، «میتة سوية»، «وفاة الاخیار»، «خیر الفنا» و... یاد شده کدام است. ویژگی اساسی این مرگ چیست و در چه قالب و صورتی ظاهر می شود. پاسخ این است که مرگ خوب مرگی است که بر طاعت و عبادت خدا و بر دین حق باشد. البته در ادعیه تعبیر مختلفی از این مضمون به عمل آمده است اما مقصود همه یکی است: مرگ بر طاعت حق و بر دین خدا و بهترین منقلب مرگ سرخ است؛ شهادت و کشته شدن در راه خدا که عزت و سعادت ابدی است. در این جا ابتدا فرازهایی از ادعیه که مرگ خوب را توضیح و تفسیر کرده اند، ذکر می شود و سپس در گفتاری به مرگ سرخ پرداخته می شود. در دعای ابو حمزه ثمالی در سحرهای ماه رمضان می خوانیم:

خدایا ما را بر دین و سنت پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بمیران. (۱)

از این عبارات دریافت می شود که اولین شرط تحقق مرگ خوب ایمان به خدا و پیامبرانش است لذا در دعای روز هفدهم ماه مبارک رمضان می خوانیم:
 خدایا مرا بر ملت و فطرت ابراهیم و دین و سنت محمد صلی الله علیه و اله بمیران و مرا با بهترین مرگها از دنیا ببر در حالی که دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت باشم. (۲)

- اللهم... توفنا على ملتك و سنة نبيك محمد صلى الله عليه و آله. شيخ عباس قمي، پیشین، ص ۱۸۶؛ الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۲۲۱.

- اللهم... و توفني على ملة ابراهيم و فطرته و على دين محمد و سنته و على خير الوفادة فتوفني موالياً لأولائك و معادياً لاعدائك. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۲۵۶.

-۷۵-

امام علی علیه السلام در هر صبح دست نیاز به درگاه خداوند بلند می کردند و می فرمود:

خدایا زندگی و مرگ مرا بر اساس کتاب خود و سنت پیامبر قرار بده. (۱)

زندگی و مرگ بر اساس کتاب و سنت یعنی زندگی در عبادت خدا و مرگ بر طاعت خدا. از همین جهت است که آن حضرت بعد از هر نماز می فرمود:

خدایا مرا در هر راحتی و سختی همراه محمد و آل محمد قرار ده و مرگ و زندگی مرا همانند مرگ و زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله و اهل بیتش قرار بده. (۲)

بنابراین بر اساس ادعیه و زیارات، انسان در هنگام مرگ نیز باید بر دین و عقاید خود ثابت قدم باشد. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

مرگی خیر و نیکو است که بر فطرت اسلام، کلمه اخلاص، سنت ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و سلم باشد. (۳)

برخی احادیث و ادعیه این حلقه را تنگ تر کرده اند و ولایت امام علی و ائمه

- اللهم احيني و امتني على الكتاب و السنة. جواد القیومی، ج ۲، ص ۲۹۰.

- اللهم اجعلني مع محمد و آل محمد في كل عافية و بلاء... واجعل محياي و مماتي مماتهم. همان، ص ۲۶۲؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۸۶، ص ۴۳.

- ابوجعفر کلینی رازی، اصول کافی (تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۹۲) ج ۴، ص ۳۱۵.

علیهم السلام را هم شرط تحقق مرگ نیکو دانسته اند. در تعقیب نماز صبح

آمده است:

خدایا مرا در حالی بمیران که به تو ایمان داشته باشم و پیامبرت را
تصدیق کرده و ولایت امام علی علیه السلام و سایر امامان
را پذیرفته باشم. (۱)
در روایت دیگری آمده است:
خدایا زندگی و مرگ مرا چون زندگی و مرگ علی بن ابی طالب قرار
ده. (۲)

ج. مرگ با برکت

مرگ با برکت و مرگ با عزت از دیگر خواسته هایی است که در ضمن ادعیه و
زیارات بسیار به چشم می خورد. مرگ بابرکت معانی مختلفی می تواند داشته
باشد، یکی اینکه برای خود فرد بابرکت باشد، مثلاً با مرگ خوب از دنیا برود یا بر
دین اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بمیرد، یا در آخرت سعادتمند شود
و.... دیگر اینکه مرگ خود برای دیگران برکت داشته باشد که این دیگران
می توانند دوستان یا هموطنان او باشند، اما مهمترین و بالاترین برکت حاصل از
مرگ برکتی است که نتیجه آن عاید تمام بشریت و اجتماعات بشری گردد و این

- اللهم توفني على الايمان بك والتصدق برسولك والولاية لعلی بن ابی
طالب والائتمام بالائمة من آل محمد. شیخ ابو جعفر طوسی، پیشین، ص ۲۰۶.

- اللهم احيني على ما احيت عليه علی بن ابی طالب و امتی علی مامات
عليه علی بن ابی طالب. همان، ص ۲۰۷.

همان شهادت است. البته ممکن است مرگهایی بجز شهادت پربرکت باشند و
نتایج و تأثیرات اجتماعی در پی داشته باشند، اما بعید است که این تأثیرات به
اندازه مرگ از نوع شهادت باشد. امام سجاد علیه السلام در دعای وداع ماه مبارک
رمضان می فرماید:

خدایا در آن لحظه که قرار است مرگ ما را فرا گیرد - همچنان که
گذشتگان ما را فرا گرفت - مرگ و بعد از مرگ را بر ما مبارک گردان
و مرگ را در نظر ما چنان قرار ده که مانند امری باشد که از نزد ما
غایب است و هر لحظه در انتظار او نشسته ایم و چنان کن که بعد از
مرگ برای ما بهتر از قبل از مرگ باشد و آخرت را برای ما بهتر از
دنیا قرار ده. (۱)

با توجه به عبارات این دعای شریف می توان گفت که شهادت در راه خدا یکی
از مهمترین مصادیق مرگ با برکت است. آثار و نتایجی که بر شهادت مترتب
است همگی حکایت از برکت و عزت شهادت برای مومن است. در دعای روز

دوشنبه می خوانیم:

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرگ را بر ما مبارك گردان
و آن را بهترین نعمتی قرار بده که انتظارش را می کشیم. (۲)

- اللهم و بارك لنا في الموت اذا نزل بنا كما نزل بهم و فيما بعد الموت اذا
قدمنا عليه واجعل الموت خيرا غائب ننتظره واجعل ما بعده خيرا لنا مما قبله
واجعل الآخرة خيرا لنا من الدنيا. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۰۵.

- اللهم صل على محمد و آل محمد و بارك لنا في الموت واجعله خيرا غائب
ننتظره. شيخ ابو جعفر طوسی، پیشین، ص ۴۵۸؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۱۷۴.
گویا مرگ امر غایبی است که برای انسان مقدر شده و لذا هر لحظه باید انتظار
حضور و ظهورش را کشید و در پرتو این آمادگی به اعمال و کردار نیک پرداخت تا
آمدنش مبارك و میمون باشد چرا که فرد مهیا و آماده با کوله باری از زاد و توشه
راه، که همان عمل صالح است، راه پر مخاطره وصول به حق را به راحتی
می پیماید و از چیزی بیم ندارد و این دعای همه ائمه علیهم السلام بوده و دعای
همه پیروان آنان باید باشد که:
خدایا مرگ و مراحل بعد از مرگ را بر ما مبارك و نیکو گردان. (۱)

د. آسان شدن مرگ

در کنار موضوعات فوق، آسان شدن مرگ موضوع دیگری است که در ادعیه از
خداوند درخواست شده است. همچنان که بیان شد مرگ دارای منازل و مراتبی
است که گذر از هر کدام با سختی ها و موانعی همراه است. یکی از مهمترین
راههای آسان شدن منازل مرگ کردار نیکو و داشتن زاد و توشه کافی برای سفر
است. در این میان اولین مرحله مرگ یعنی قبض روح خود حکایتی دیگر دارد.
روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام وجود دارد که
در ذکر بیان احوال و سختی های مرگ تکان دهنده هستند و حکایاتی که از اولیا و
صالحان در این زمینه وجود دارد مسأله را بیش از پیش اهمیت بخشیده است. از
همین رو است که ائمه علیهم السلام خود پیش و بیش از دیگران دست نیاز به
درگاه خداوند بلند کرده و خواهان آسان شدن این مرحله مهم و حساس بوده اند.

- اللهم بارك لي في الموت و فيما بعد الموت. تقی الدین الکفعمی، المصباح في
الادعية...، ص ۷۶۴؛ شيخ ابو جعفر طوسی، پیشین، ص ۶۸۴.

امام علی علیه السلام در یکی از مناجاتهای خود با خداوند عرضه می دارد:
ای خدای زنده ای که مرگ ترا فرا نمی گیرد من از تو می خواهم که

مرگ را بر من آسان گردانی. (۱)
امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعای خود به هنگام ختم قرآن می فرماید:

خدایا بر محمد درود فرست و به عظمت و برکت قرآن در هنگام
مرگ سختی های آن را بر ما آسان گردان. (۲)

درخواست آسان شدن مرگ، در حقیقت درخواست مرگ خوب است چرا که تنها مرگهای بد سخت و جانکاه هستند ولی مرگهای خوب و مرگ انسانهای خوب با راحتی و سهولت همراه است. چرا که مرگ برای انسان مومن پل انتقال از سختی ها به راحتی ها است و لذا نمی شود وسیله انتقال از سختی ها به راحتی خود سخت و آزاردهنده باشد. بلکه به عکس نوع مرگ انسانهای مومن نیز نشان از لطف و رحمت خداوند دارد. بر همین اساس شهادت در راه خدا اگرچه ممکن است در ظاهر صورتی خونین داشته باشد اما باطن و حقیقت شهادت، مرگ راحت و آسانی است که تنها نصیب اولیا خدا و مومنان حقیقی می شود.

- یا حی اسألك بحياتك التي لا تموت ان تهون على الموت. ابوالقاسم رضی الدین ابن طاووس، الاقبال الاعمال (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴)، ج ۳، ص ۳۵۹؛ جوادالقیومی، پیشین، ج ۲، ص ۹۷.

- اللهم صل على محمد و آله و هوّن بالقرآن عند الموت على انفسنا كرب السياق و جهد الانين. الصيغة السجادية الجامعة، ص ۱۹۷؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعية...، ص ۶۲۰.

۴. مرگ سرخ

بررسی سیر روایات و ادعیه مربوط به مرگ ما را به اینجا رهنمون می کرد که اولاً و بالذات و بخاطر سختی ها و مصائب زندگی از خداوند درخواست مرگ نکنیم، بلکه از خداوند بخواهیم بهترین زندگی ها را به ما عطا کند و معیار آن هم زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است، البته یاد مرگ فی نفسه مفید است چون یاد مرگ انسان را از فروافتادن به مهلکات و گناهان باز می دارد. و چون انسان را از مرگ گزیری نیست، از خدا بخواهیم تا ما را از مرگ بد دور و به مرگ خوب نزدیک کند. مصادیق مرگ بد اجمالاً در ادعیه و روایات آمده است. در مقابل مصادیق مرگ خوب نیز ذکر شده است. بالاترین درجه مرگ خوب، مرگ سرخ یعنی کشته شدن در راه خدا است. مرگ سرخ یا شهادت نه تنها دارای اهمیت و قداست خاصی است که فی نفسه آن را زیبا جلوه می دهد بلکه مطلوب اولیا و مجاهدان در راه حق نیز می باشد. بررسی این مضمون با عبارات مختلفی در ادعیه و روایات بیان شده است. در این جا ابتدا به چند حدیث شریف اشاره می شود و سپس چند فقره ادعیه بازگو می شود.

شایعترین عبارت راجع به مرگ سرخ در روایات و احادیث، کشته شدن در راه

خدا(شهادت) را برترین مرگ ها و شریفترین آنها ذکر کرده است. عبارات زیادی در این زمینه است که بیان می دارند «شریفترین مرگ ها، مرگ شهیدان است» یا این عبارت که «شریفترین کشته شدن ها، کشته شدن بر منهج شهادت است». (۱)

-«اشرف الموت موت الشهداء»، «اشرف القتل قتل الشهادة» و «اشرف القتل قتل الشهداء». ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، (تهران: جاویدان، ۱۳۲۴) ص ۶۶۸؛ قطب الدین الراوندی، پیشین، ص ۲۴۴؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۸.

این قبیل عبارات که در احادیث زیاد به چشم می خورد نشان از اهمیت و شرافت مرگ سرخ یا شهادت دارد. امام علی علیه السلام فرمودند:

ای مردم مرگ همه را در بر می گیرد چه آنکه در حضر است و چه آنکه در سفر است. پس هیچ کس نمی تواند مرگ را به زانو در آورد و بر آن فایق شود و هرکس به مرگ طبیعی نمیرد کشته خواهد شد و بدرستی که برترین مرگ ها کشته شدن در راه خداست و سوگند به آنکه جانم در دست اوست هزار ضربه شمشیر مرا خوشتر و راحت تر از مردن در بستر است. (۱)

امام علی با معرفت عمیق نسبت به جهان خلقت و عالم پس از مرگ میفرماید:

سوگند به خدا که من (علی) بر حق هستم و من دوستدار شهادت و مشتاق کشته شدن در راه حق هستم. (۲)

به هر روی، این مقصد را دو راه بیشتر در پیش نیست: مردن یا کشته شدن. همچنانکه معصوم علیه السلام فرمود:

خدای عزوجل مردن را برای گروهی و کشته شدن را برای گروهی و

- ایها الناس ان الموت لا يفوته المقيم و لا يعجزه الهارب ليس من الموت محيى ومن لم يميت يقتل و ان افضل الموت القتل و الذی نفسی بیده لالف ضربة بالسيف أهون على من ميتة على فراش. الشيخ الحر العاملي، پیشین، ج ۱۱، ص ۸ (حدیث ۱۲).

- فوالله انی لعلی الحق و انی للشهادة لمحِب. عزالدین ابو حامد المداثنی (ابن ابی الحدید) شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۹۹.

دیگر مقدر کرده است و هر گروه به آنچه برایش مقدر شده است خواهد رسید. پس خوشا به حال مجاهدان در راه خدا و آنانی که

در طاعت حق کشته می شوند. (۱)
از همین رو است که در ادعیه و زیارات از خداوند می خواهیم به ما مرگی چون
مرگ علی بن ابی طالبو سایر امامان معصوم (ع) عنایت کند. در تعقیب نماز
صبح می خوانیم :

خدایا مرگ و زندگی مرا مرگ و زندگی علی بن ابی طالب قرار بده؛
زیستنی به من بیاموز که علی زیست و مردنی به من عطا کن که علی
مرد. (۲)

این زیستن و مردن همان زندگی و مرگی است که به طاعت و عبادت خداوند
باشد. سراسر حیاتو ممات امام علی علیه السلام در طاعت حق و در راه حق بود.
این مرگ حتی اگر از نوع کشته شدن در صحنه جنگ هم نباشد مقدس و شریف
است بلکه همان شهادت است که در مورد همه ائمه علیهم السلام آمده است. از
همین روست که امام سجاد علیه السلام می فرماید:
شهادت و کشته شدن در راه خدا عادت و شیوه ما خاندان اهل بیت

- ان الله كتب القتل علی قوم و الموت علی الاخرین و کل آتیه منیته کما كتب
الله؛ فطوبی للمجاهدین فی سبیل الله و المقتولین فی طاعته. شیخ محمد باقر
محمودی، نهج السعادة (بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۶، ۱۹۷۶) ج ۲، ص ۱۰۷.

- اللهم احینی علی ما احییت علیه علی بن ابی طالب و امتی علی مامات علیه
علی بن ابی طالب علیه السلام. شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۲۰۷.

باعث کرامت و افتخار ماست. (۱)
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
هر که کشته شدن در راه حق را آرزو کند و در این مدعای خود
صادق باشد خداوند او را به آرزویش خواهد رساند و ثواب و اجر
شهید را به او خواهد داد حتی اگر کشته نشود. (۲)
ظاهراً از همین روست که در ادعیه می خوانیم:

ای خدا مرا در هیأت راستگویان، بزرگواران و شهدا مبعوث
گردان. (۳)

آرزوی شهادت در ادعیه هم به صورت صریح و هم به صورت غیرمستقیم
بارها و بارها تکرار شده است که در فصل آینده مورد بررسی قرار می گیرد. البته
موارد مربوط به درخواست شهادت از درگاه خداوند در فصل بعد به آن اشاره
خواهد شد. در این جا فقط چند مورد از دعاهایی که این خواسته را غیر مستقیم و
در قالب عبارات کنایه آمیز و استعارات زیبایی ادبی بیان می کند، ذکر می شود.
همچنان که می دانیم شهادت فوز عظیم و رستگاری بزرگی است که خداوند آن
را خاص اولیا خود قرار داده است. بنابراین در بسیاری از ادعیه بجای استفاده از

- القتل لنا عادة و کرامتنا الشهادة. محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱۲.
- من طلب الشهادة صادقاً اعطيه و لولم تصبه. علاءالدین علی المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۹، ۱۹۷۹) ج ۴، ص ۴۲۱ (حدیث ۱۱۲۱).
- یا باعث ابعثنی شهیداً صديقاً رضيعاً عزیزاً. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۰.

واژه شهادت و یا «القتل فی سبیل الله»، از عبارت فوز عظیم استفاد شده است. در دعای روز سه شنبه می خوانیم:

خدایا به ما زندگی پاک و مرگ شرافتمندانه عطا کن و فوز عظیم خود را (که شهادت در راهت باشد) به ما ارزانی بدار. (۱)

همچنین در روایات آمده است که شهید را هفت خصلت است که زیباترین آنها، این است که شهید نظاره گر جمال حق است. (۲) شهید نظر می کند به وجه الله. از همین رو در ادعیه یکی از مضامینی که بیانگر شهادت و کشته شدن در راه خداست، در خواست نظاره گر بودن وجه خداست. در ادعیه می خوانیم:

خدایا از تو می خواهم تا شوق لقا خود را به من عطا کنی و لذت دیدار روی زیبایت را نصیب من کنی. (۳)

یکی دیگر از مضامینی که حکایت از شهادت و کشته شدن در راه حق دارد، «لقاء الله» است. در ادعیه مرتباً آمده است که:

خدایا بهترین روز ما را را روزی قرار ده که در آن روز به دیدار و ملاقات تو آییم. (۴)

- وارزقنا اللهم... حياة طيبة و وفاة كريماً و فوزاً عظيماً. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۱۸۲.
- ان ينظر فی وجه الله. الشيخ الحر العاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰.
- اللهم انی اسألك... لذة انظر الی وجهك الكريم و شوقاً الی لقاءك. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل، ج ۱، ص ۵۲۴؛ جواد القیومی، ج ۱، ص ۱۲۰.
- اللهم اجعل خیر ایامنا یوم لقاءك. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۵۸۳؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۱۹۱؛ الصحیفة السجادية الجامعة، ص ۵۵۹.

امام صادق علیه السلام در عباراتی جامع و زیبا می فرماید:
 خدایا مرا به لقا خود مشتاق گردان و دیدار خود را بر من خیر و رحمت و برکت قرار بده و مرا به انسانهای صالح ملحق گردان و مبدا که مرا با اشرار بمیرانی. خدایا به هنگام مرگ، مرا به صالحان و نیکو کارانی که از دار فانی جهان رخت بر بسته اند ملحق کن و حال که در این جهان هستم مرا بانیکوکاران و صالحان همنشین گردان و مرا در ردیف صالحان قرار بده. خدایا من از تو ایمانی می خواهم که نهایتی نداشته باشد مگر لقای تو؛ ایمانی که پایش دیدار تو باشد و مرا بر همین ایمان حیات و ممات عطا کن و بر همین ایمان مبعوث گردان. خدایا مرا در راه خود بمیران درحالی که بر دین تو و دین پیامبرت باشم. (۱)

امام سجاد علیه السلام این خواسته را در دعای گرانقدر ابی حمزه ثمالی این گونه بیان می دارد:

خدایا من دیدار تو را آرزو دارم پس آنرا به من ارزانی بدار ای خدای بزرگ، خداوندا مرا به دیدار خود مشتاق گردان و تو نیز به

- اللهم حبب لی لقاءک واجعل لی فی لقاءک خیر الرحمة والبركة والحقی بالصالحین و لا تواخذنی مع الاشرار والحقی بصالح من مضی و اجعلنی مع صالح من بقی و خذ بی سبیل الصالحین... اسألك ایماناً لا اجل له دون لقاءک تحیینی و تمیتنی علیه و تبعثنی علیه اذا بعثتنی... و توفنی فی سبیلک علی ملتک و ملة رسولک. ابو جعفر کلینی رازی، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۷.

دیدار من مشتاق باش و این دیدار را برای من راحتی و بزرگواری قرار بده. (۱)

در ادعیه و زیارات عبارات متعددی وجود دارد که غیر مستقیم مضمون شهادت را بیان می دارند که در این مقال به همین حد اکتفا کرده و به سبب ذکر آنها در فصول آینده، از ذکر سایر موارد صرف نظر می شود. (۲)

- اللهم انی اسألك... شوقاً الیک یا ذالجلال و الاکرام و حبب الی لقاءک و احبب لقای و اجعل لی فی لقاءک الراحة والفرج و الکرامة بقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۲۹۷؛ شیخ عباس قمی، پیشین، ص ۱۸۶.

- برای مثال رک: تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعية...، ص ۸۸۵ (فی اعمال شهر ذی الحجة)؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص

۱۸۰) دعاء علی علیه السلام فی یوم الثلاثاء); الصحيفة العلوية، ص ۵۱۱) دعاء علی
علیه السلام فی الیوم الحادی والعشرین).

فصل سوم

ابعاد مفهومی شهید و شهادت

۱. شهید و شهادت در لغت

شهید و شهادت از ریشه «شهد» مشتق شده اند. «شَهِدَ» در وزن‌ها و باب‌های مختلف، معانی متعددی دارد. در المنجد برای این فعل معانی «حَضَرَ، خَبَرَ، عَایَنَ، اَدْرَكَ، حَكَفَ، اَطْلَعَ علیه و اَدَّى الشهادة» ذکر شده است. (۱) از این رو شهود و شهادت به معنای حضور، مشاهده، معاینه، ادراک، گواهی و خبر قاطع می باشد و «شَهِدَ» به معنای عسل است. (۲) از این ریشه دو فعل «أَشْهَدَ» و «أَسْتَشْهَدُ»، به صیغه مجهول، به معنای کشته شدن در راه خدا (الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) می باشد. لغت نویسان عرب بر همین اساس برای واژه شهید معانی مختلفی را ارائه کرده اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود: شهید به کسی گفته می شود که شاهد و ناظر بر اشیا است به عبارت دیگر شهید کسی است که شخص یا شی ای را مشاهده می کند و هم برای کسی یا چیزی و هم علیه آن شهادت

- لويس معلوف، المنجد فی اللغة (تهران: نشر پرتو، ۱۳۷۸) ص ۴۰۶.

- ابو الفضل جمال الدين الافريقی المصری (ابن منظور)، لسان العرب (بیروت: دارالصادر) ج ۳، ص ۲۴۳.

می دهد. (۱) شهید کسی است که هیچ امری از حیطة علم و دانایی وی خارج نیست بلکه بر همه چیز مطلع است؛ شهید کسی است که در گواهی دادن امین است. در این معنا بیشتر به صورت «شاهد» استفاده می شود؛ شهید کسی است که در راه خدا کشته شده است. (۲) شهید کسی است که حاضر است و به حضور طلبیده می شود و علت تسمیه او نیز این است که ملائکه بر بالین او حاضر می شوند. (۳)

بنابر این واژه شهادت علاوه بر معانی خبر قاطع، یمین، گواهی دادن، معاینه، مشاهده و... معنای کشته شدن در راه خدا نیز می دهد که معنای اخیر در عرف امروز جامعه بر سایر معانی غلبه یافته است. همچنین «مُشْهَدَ» نیز به معنای کشته شده در راه خدا (المقتول فی سبیل الله) می باشد و «مَشْهَدَ» به معنای محل شهادت و محل کشته شدن در راه خدا است. (۴) در تفصیل معنای لغوی شهید علما گفته اند: شهید از مصدر شهود است که معنای حضور را می دهد و بنابر این شهید یعنی کسی که به ظاهر اشیا آگاهی دارد یعنی آنچه که می شود دید، همچنانکه خبیر کسی است که به باطن اشیا آگاهی دارد یعنی آنچه که نمی شود

-
- الشَّهِيدُ يَقَالُ لِلشَّاهِدِ وَالْمَشَاهِدِ لِلشَّيْءِ أَيْ مَنْ شَهِدَ لَهُ وَ عَلَيْهِ.
الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴) ص ۲۶۸.
 - القَتِيلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ يَا الَّذِي يُسْتَشْهِدُ. سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی، تاج العروس (بیروت: دار احیاء التراث العربی) ج ۸، ص ۲۶۱.
 - الراغب الاصفهانی، پیشین، ص ۲۶۹.
 - سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی، پیشین، ج ۸، ص ۲۶۲.

آن را احساس کرد. (۱)

بنابر این شهید از شهود است که شهود عبارت است از مرحله لمس حقیقت و مشاهده عینی آن که در آن علم حصولی و اکتسابی به علم حضوری و عینی تبدیل می شود. (۲) توجه به مسیر استقاده از واژه شهید در لغت و لسان عرب ما را به این نکته رهنمون می کند که رفته رفته معنای «گواه بودن» شهید از آن کاسته شده (و به جای آن واژه «شاهد» استعمال شده) و معنای «کشته در راه حق» غلبه یافته است. اگر چه مصدر این اسم یعنی «الشهادة» به طور مساوی در معانی گواهی و کشته شده در راه حق استقاده شده است. اما شهید بیشتر در معنای کشته شده در راه خدا (القَتِيلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ) و «شاهد» در معنای کسی که گواهی و شهادت می دهد (الَّذِي آدَى الشَّهَادَةَ) بکار می رود.

۲. علت تسمیه «کشته در راه حق» به شهید

همچنان که بیان شد یکی از معانی واژه شهید «کشته در راه حق» می باشد. اما این سوال مطرح است که چرا در ادبیات وسیع عرب از میان همه الفاظ و مشتقات آنها، واژه شهید برای این منظور به کار گرفته شده و بر سایر واژه ها غلبه یافته است. در این زمینه نظریات زیادی ارائه شده است که به آنها اشاره می شود. برخی معتقدند که کشته در راه خدا از آن جهت شهید نامیده می شود که

-
- الشَّهِيدُ مِنَ الشَّهَوْدِ وَ هُوَ الْحُضُورُ وَ مَعْنَاهُ الْعَلِيمُ بِظَاهِرِ الْأَشْيَاءِ وَ مَا يُمْكِنُ مَشَاهِدَتَهَا كَمَا أَنَّ الْخَبِيرَ هُوَ الْعَلِيمُ بِبَاطِنِ الْأَشْيَاءِ مَا لَا يُمْكِنُ الْإِحْسَاسُ بِهِ مُحَمَّدٌ بِنُ عِلَانَ الصَّدِيقِ الشَّافِعِيِّ، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۳.
 - سید مهدی هاشمی، شهادت، بی تا، بی نا، ص ۱۶.

فرشتگان الهی به هنگام کشته شدن در کنار جسدش حضور می یابند و شهادت

و کشته شدن وی را مشاهده می کنند و گرد و غبار را از سر و صورت وی پاک می کنند و ورود او را به بهشت بشارت و تهنیت می گویند. (۱) حدیثی نیز در این زمینه وجود دارد که:

سر شهید در دامن دو فرشته قرار می گیرد در حالیکه آن دو گرد و غبار را از چهره آن دو برگرفته و به او می گویند شهادت در راه خدا و ورود به ضیافت الهی بر تو مبارک باد. (۲)

برخی دیگر معتقدند از آن جهت کشته در راه حق شهید نامیده می شود که در بهشت، خدا و فرشتگان گواهان وی هستند و به شهادت وی گواهی می دهند. (۳) همچنین می توان گفت به این دلیل واژه شهید برای کشته در راه خدا اختصاص یافته که کشته در راه خدا روز قیامت در کنار پیامبران بر امت ها و نسل های گذشته گواهی می دهند. (۴) این آیه قرآن نیز می تواند دال بر این معنا

- سَمِیْ بِذَٰلِكَ لَٰنَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ تَشْهَدُ حِينَ قَتْلِهِ مُحَمَّدٌ حَسَنُ النَّجْفِيِّ، جواهر الکلام (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱) ج ۴، ص ۸۸؛ الراغب الاصفهانی، پیشین، ص ۲۶۹.

- يقع راسه فی حجر زوجتیه من الحور العین و تمسحان الغبار عن وجهه و تقولان له مرحباً بک. الشیخ الحر العاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۰ (حدیث ش ۱۹).

- لَٰنَ اللّٰهِ وَ مَلَائِكَتِهِ شَهِدُوهُ بِالْجَنَّةِ مَكِّي قَاسِمُ الْبَغْدَادِي، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰؛ الامام الفخر الرازی، التفسیر الکبیر (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۱)، ج ۹، ص ۱۸؛ محمد حسن النجفی، پیشین، ج ۴، ص ۸۸.

- لَٰنَہُ مَمَّنْ اسْتَشْهَدَہُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ مَعَ النَّبِیِّ عَلَی الْاُمَمِ الْخَالِیَةِ بِهَاءِ الدِّینِ خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (تهران: دوستان - ناهید، ۱۳۷۷) ص ۱۳۳۸.

باشد: و جیء بالنبیین والشهداء... (۱)

نظر دیگر این است که کشته در راه خدا «شهید» نامیده می شود زیرا کشته در راه خدا در حقیقت نمردن است بلکه در نزد خدا زنده و حاضر است. (۲) همچنین گفته شده است که چون ارواح کشته شدگان در راه حق در دارالسلام حضور دارند و نزد همدیگر جمع اند بنابراین شهید نامیده می شوند. (۳)

با توجه به معنای گواهی و شهادت دادن، برای واژه «شهد» عده ای معتقدند که کشته شده در راه خدا به این دلیل شهید نامیده می شود که او از لحظه شهادت به نعمت های خداوند و کرامتی که به وی تعلق گرفته گواهی می دهد و به آنها دست می یابد. در حالی که غیر از شهداء، نعمت های الهی را بعد از مرگ نمی بینند بلکه در روز قیامت به آنها دست می یابند و به آنها گواهی می دهند. (۴)

نظریه دیگر قایل به این است که کشته شدن در راه خدا در صحنه جنگ خود

شاهدی به صدق و راستی خود مجاهد است و به همین دلیل کشته در راه خدا به

-الزمر، ۶۹.

- لانه لم یمت؛ کانه حیّ و حاضر عند ربه مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۱.

- لانه حی فان ارواحهم شهدت وحضرت دارالسلام . ابو العباس شهاب الدین قسطلانی، ارشاد الساری (شرح صحیح البخاری)، (بیروت: دار احیاء التراث العربی) ج ۸، ص ۷۷ (هامش).

- لانه یشهد بما اعد الله له من الکرامة و لا یشهد غیره حتی یوم القیامة. النجفی، پیشین، ج ۴، ص ۸۸؛ الراغب الاصفهانی، پیشین، ص ۲۶۹.

همان صورت که کشته شده وارد بهشت می شود و با لباس و بدن خونین در بهشت حضور می یابد. (۱) بنابراین وضعیت و حالت او گواه بر اوست. و خون وی بر کشته شدن وی در راه خدا شهادت می دهد. در حالی که او با خون خود که شاهد وی است وارد بهشت می شود. برخی دیگر نیز گفته اند که چون کشته در راه حق برای ایثار جان، مال و هستی خود در راه حق از همه چیز گذشته و آماده بوده است و چون خداوند و فرشتگان به رستگاری او گواهی می دهند شهید نامیده می شود. (۲)

علاوه بر موارد فوق علل دیگری نیز برای این تسمیه می توان ذکر کرد. در مورد نظر کردن شهید به وجه الله حدیثی از پیامبر (ص) است که «برای شهید هفت خصلت وجود دارد و از جمله این که شهید به محض شهادت ناظر وجه الله می شود» (۳) و چون شهید ناظر روی کسی است که همیشه حاضر است پس شهید نیز نزد حق دارای حضوری جاودانه است. همچنین می توان گفت چون کشته شدن در راه خدا برای فرد مجاهد همانند غسل شیرین و لذت بخش است و از آنجاکه عرب برای غسل واژه شهد استعمال می کند، گویا شهید با شهادت

- لانه کما قتل ادخل الجنة و الکافر کما مات ادخل النار. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰.

- علی اکبر رضوانی، فلسفه شهادت (قم: انتشارات هجرت، ۱۳۶۲) ص ۱۷۳؛ سید مجتبی ذاکری، مقام شهید در پیشگاه پروردگار (مشهد: چاپخانه سعید، ۱۴۰۲) ص ۷۵؛ خرمشاهی، پیشین، ص ۱۳۳۸.

- للشهید سبع خصال والسابعة ان ينظر فی وجه الله. الشیخ الحر العاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰.

خود جرعه ای از عسل مصفای لقای پروردگار را سرمی کشد. و از همین رو است که وقتی امام حسین (ع) به حضرت قاسم می گوید مرگ - در راه خدا- نزد تو چگونه است؟ او می گوید نزد من مرگ شیرین تر از عسل است.

۳. مصادیق شهید

«شهادت» در راه خدا به دلیل اهمیت شرافت و قداست آن، يك مسأله ارزشی است. از همین رو در برخی مواقع برای بیان اهمیت و قداست يك موضوع و مسأله در احادیث و ادعیه، آن را با شهادت قرین کرده اند یا اینکه واژه شهید و شهادت برای بیان منظوری غیر از کشته شدن در راه خدا نیز استفاده شده است. به عبارت دیگر از شهادت به عنوان معیاری برای سنجش اعمال و تشویق مومنان برای اعمال نیک استفاده شده است. بنابراین اگر سعادت و توفیق پیکار و شهادت در میدان نبرد برای انسان حاصل نشود باید بر این حقیقت استوار بود که شهادت هدف نیست بلکه وسیله ای برای جلب رضایت پروردگار و معیار و انگیزه ای برای گام نهادن در مسیر سعادت و رستگاری است. لذا راههای دیگری نیز برای رسیدن به این مقام و منزلت وجود دارد که پیمودن آنها دست کم اجر شهید را در آخرت برای انسان به دنبال دارد. به هر حال اطلاق واژه شهید برای گروههایی غیر از کشته شدگان در جهاد فی سبیل الله، چه برای اهمیت موضوع و چه به لحاظ ارزشی بودن آن مسأله و تعلق اجر و پاداش شهید به کسانی که اقدام خاصی را انجام می دهند، خود موضوعی است که در این جا به صورت مختصر مورد بحث قرار خواهد گرفت. در مجموع غیر از کشته شدگان در راه خدا، گروه های دیگری نیز با واژه «شهید» بیان شده اند که در ذیل به برخی از این موارد اشاره می شود:

الف. مجاهد نفس

کسی که عمر خود را به عبادت و طالب خدا اختصاص داده است و تلاش می کند تا از طریق دوری از معاصی و انجام عبادات رضایت و قرب پروردگار را به دست آورد همانند مجاهدی است که در صحنه جنگ در حال مبارزه با دشمنان دین خداست با این تفاوت که عمل وی از لحاظ فردی دارای اجر و پاداش بیشتر است و همان است که پیامبر اکرم آن را جهاد اکبر نامید. امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که با نفس خود و در مسیر طاعت خدا و پرهیز از گناهان مجاهده و مبارزه می کند، نزد خداوند به منزله شهید نیکوکار و خالص می باشد. (۱)

دلیل این تشبیه می تواند دو امر باشد؛ یکی اقدام و تلاش برای جلب رضایت حق و نزدیکی به خداوند از طریق انجام طاعات و عبادات و پرهیز از معاصی و دیگر هدفی که مجاهد نفس و مجاهد عدو دنبال می کنند. آنکه با نفس خود مبارزه می کند در حقیقت همان کاری را انجام می دهد که مجاهد فی سبیل الله در عرصه جنگ و جهاد انجام میدهد. چرا که هر دو خواهان دفع موانع طی طریق حق هستند. با این تفاوت که مجاهد نفس اولاً و بالذات خواهان رساندن خود به

- ان المجاهد نفسه على طاعة الله و عن معاصيه عند الله سبحانه بمنزلة برّ شهيد. عبدالواحد التميمي الأمدی، غرر الحكم و درر الکلم (تهران: موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۶۶) ص ۲۳۴ (کلمه ۱۷۰).

خداست ولی هدف مجاهد فی سبیل الله در مرحله اول هموار کردن طریق برای پیمودن راه و گرایش همه انسان ها به سوی هدایت و رستگاری است. اگر چه در این مسیر خود نیز به واسطه اجر جهاد و پاداش شهادت جزو اولین کسانی است که موفق به رویت جمال جمیل حق می شود.

ب. عارف حق

کسی که به حقیقت حیات دست یافته باشد و در مسیر زندگی خود به بهترین وجه خدا و رسولش را شناخته باشد و به جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان داشته باشد او نیز شهید است. امام علی علیه السلام فرمود:

هر آنکه بر معرفت حق و رسول خدا و اهل بیت وی بمیرد، اگر چه در بستر مرده باشد، به یقین در هیئت و لباس شهیدان مرده است و اجر و پاداش او بر خداست. (۱)

بر این اساس باید گفت مرگ عرفا و اولیا خدا نوعی شهادت است. البته باید توجه داشت که عرفان محصور در اولیا و عرفا به عنوان يك طبقه و فرقه ای خاص نیست بلکه هر که خدا را به درستی بشناسد و پیامبر خدا و اهل بیت او را نیز بشناسد و به حق و تکلیف خود در قبال آنان آگاهی داشته باشد در واقع عارف محسوب می شود و مرگ وی اگر چه در بستر باشد شهادت به حساب می آید و اجر شهید را دارد.

- انه من مات منكم على فراشه و هو على معرفة حقّ ربه و حق رسوله و اهل بيته مات شهيدا و وقع اجره على الله. نهج البلاغه، ص ۳۷۹، (خطبه ۱۹۰).
ج. ثابت قدم در دین و ولایت ائمه

کسی که در عهد خود با خدا در همه حال ثابت قدم باشد و علاوه بر توحید و نبوت به امامت و ولایت امامان معصوم علیهم السلام - که از ارکان دین است - ایمان داشته باشد شهید است، و اجر شهیدان را دارد. امام سجاد علیه السلام فرمود:

هر که در زمان غیبت بر ولایت و امامت ما اهل بیت استوار و ثابت قدم بماند خداوند اجر و پاداش هزار شهید رابه او عطا می کند. (۱)
همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:
هر که بر امر ولایت و امامت ما اهل بیت بمیرد، شهید محسوب می شود هر چند که مرگ وی در بستر باشد. چرا که چنین فردی همانند شهدا زنده است و نزد خدا دارای رزق و روزی است. (۲)
از امام حسین علیه السلام نیز روایت است که فرمود:
هر کس در زمان غیبت و در انتظار حضرت مهدی بر سختی ها و آزار و اذیت ها صبور و پایدار و شکیبا باشد به منزله مجاهدی

من ثبت علی ولایتنا فی بیة قائمنا اعطاء الله اجر الف شهید من شهداء بدر و احد. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة (تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۹۵)، ج ۱، ص ۳۲۳.

- یا ابا محمد ان المیت علی هذا الامر شهید قلت جعلت فداک و ان مات علی فراشه قال و ان مات علی فراشه فانه یرزق. محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۷، ص ۱۲۳.
است که با شمشیر خود در رکاب پیامبر شمشیر زده باشد. (۱)

د. طالب علم

هر که به قصد خیر و نیت قربت در راه رضای خداوند گام بردارد و سختی ها را بر خود روا دارد تا به هدف خاصی که دین هم آن را تأیید کرده است برسد، اگر در این راه بمیرد شهید محسوب می شود. از جمله این افراد طالب علم و معرفت است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
هنگامی که مرگ جویای علم فرا رسد و او در حال کسب علم باشد به هیئت شهیدان مرده است. (۲)

ه. زائر حسین

زیارت امام حسین علیه السلام از جمله دیگر اعمالی است که انجام و گسترش آن مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است و برای آن جاری همانند شهادت در راه خدا بیان شده است. بنابراین کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام برود همانند کسی است که در راه خدا شهید شده باشد. امام صادق

علیه السلام فرمود :

هر که در روز عاشورا به زیارت امام حسین برود و او را زیارت کند

- اما ان الصابر فی غیبة علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسيف بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله ابو جعفر محمد بن بابویه، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۷.

- اذا جاء الموت لطالب العلم و هو علی هذه الحالة مات شهیداً. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة (تهران: جاویدان، ۱۳۴۴) ص ۳۷.

و در کنار قبر او بیتوته کند همانند کسی است که در رکاب امام حسین علیه السلام شهید شده باشد. (۱)

و. غریب

در متون اسلامی از مرگ نیز به عنوان شهادت یاد شده است. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مرگ غریب، شهادت است. (۲)

البته غربت دارای معانی مختلفی است و می توان تفاسیر گوناگونی از آن ارائه داد که فعلاً مجال آن نیست. اما باید گفت شاید به دلیل مشکلات طاقت فرسایی که در گذشته شخص غریب تحمل می کرد و یا به سبب مشکلاتی که به خاطر اعتقادات خود متحمل می شد، اجر شهید برای او در نظر گرفته شده است.

ز. دارنده طهارت

طهارت و پاکیزگی مورد توجه خاص اسلام است و به سبب اهمیت آن اجر و پاداش طهارت داشتن با اجر شهید مقایسه شده است. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خود به نام انس فرمود:

- من زار الحسين علیه السلام يوم عاشوراء و بات عنده كان كمن استشهد بين يديه نبيل شعبان، جامع الزيارات (قم: انتشارات الرسول، ۱۴۰۳) ص ۲۹۵؛ الحر العاملي، پیشین، ج ۸، ص ۳۷۲.

- موت الغریب شهادة. قطب الدین الراوندی، پیشین ص ۲۴۲؛ الحر العاملي، پیشین، ج ۸، ص ۲۵۱.

ای انس اگر بتوانی شب و روز با وضو و طهارت باشی، همین کار را بکن چرا که اگر در این حالت بمیری شهید محسوب می شوی. (۱)

ح. مدافع از جان، مال و ناموس
دفاع از جان و مال و ناموس دارای ارزش و اهمیت بالا و پیامدهای سیاسی - اجتماعی زیادی است. به دلیل اهمیت این مسأله مدافع از جان و مال و ناموس با شهید مقایسه شده است. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
هر کس در دفاع از جان خود با متجاوز بجنگد و کشته شود، شهید است و هر که در دفاع از مال خود بجنگد و کشته شود شهید است و هر که در دفاع از خانواده و عیال خود بجنگد و کشته شود شهید است. (۲)

ط. غریق، مهدوم، طاعون زده و...
گاهی افراد دچار مرگ دلخراشی می شوند که هیچ تقصیری در آن ندارند و در عین حال نیز هیچ چاره ای نیز پیش روی خود نمی بینند، در مورد اینگونه مردن

- یانسن ان استطعت ان تكون باللیل و النهار علی طهارة فافعل فانك تكون اذا مت علی طهارة شهیداً. حاج شیخ عباس القمی، سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار (تهران: فراهانی)، ج ۱، ص ۷۲۰.

- من قاتل دون نفسه حتی یقتل فهو شهید و من قتل دون ماله فهو شهید و من قتل دون اهله فهو شهید علاءالدین علی المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵)، ج ۴، ص ۴۲۰ (حدیث ۱۱۲۳۶).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
شهیدان پنج دسته اند: طاعون زده، مرده از درد شکم، غرق شده، آنکه زیر آوار مرده است و آنکه در جنگ فی سبیل الله شهید می شود. (۱)

ظاهر امر این است که همه گروههای یاد شده نه به لحاظ عظمت و قداست بلکه به لحاظ ثواب و پاداش شهید محسوب می شوند هر چند احکام فقهی شهید بر آنها جاری نمی شود. در همین زمینه در کتاب ارشاد الساری که از منابع اهل سنت است - آمده است روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران خود پرسید: چه کسانی را شهید محسوب می کنید؟ گفتند: هر آنکه در راه خدا کشته شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت شهیدان امت من بسیار اندک خواهند بود. سپس حضرت برخی از گروههای فوق را نام برد و فرمود: اینها نیز جزو شهدا محسوب می شوند. (۲)

واژه «شهید» به معنای «کشته در راه خدا» در احادیث کمتر به کار رفته است. چرا که در بیان ائمه دین علیهم السلام شهادت بیشتر با لفظ «القتل» و شهید با لفظ «القتیل» استعمال شده است. چنانکه امام باقر علیه السلام درباره امام رضا

- الشهداء خمس: المطعون والمبطون والغرق وصاحب الهدم و الشهيد في سبيل الله. ابو العباس القسطلاني، پیشین، ج ۸، ص ۱۲۰ (هامش).

- ما تعدون شهيد منكم؟ قالوا: من قتل في سبيل الله. قال: ان شهداء امتي اذا لقليل... همان، ج ۸، ص ۱۲۱.
علیه السلام فرمود:

پسری از نسل ائمه در سرزمین طوس بوسیله زهر کشته خواهد شد. (۱)

اما در ادعیه در مجموع واژه «شهید و شهادت» بیشتر از «قتیل و قتل» استفاده شده است و در زیارات غلبه استفاده از مفاهیم در موضوع مورد نظر با واژه شهید و شهادت می باشد. هر چند واژه قتل و قتل نیز به تناسب مورد استفاده قرار گرفته است. واژه شهید و شهادت در ادعیه و زیارات در مجموع در معانی مختلف حضور، گواهی و کشته شدن در راه خدایه کار رفته است. در ادامه به مواردی از استفاده این واژه در معانی ذکر شده اشاره می شود:

الف. علم و حضور داشتن

در این معنا واژه شهید بیشتر برای خداوند استفاده شده است و به عنوان صفتی از صفات وی ذکر شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:
خدایا... تو بندگان را در خفا و پنهانی می بینی و شاهد اعمال و کردار آنها هستی و از درون و ضمیر آنها مطلع هستی. (۲)
و در جای دیگر حضرت می فرماید:

خدایا تو در همه جا حاضر و شاهد هستی و هیچگاه غایب و پنهان نیستی با این حال در حجاب و پرده ای واقع شده ای که به چشم

- يقتل فيها بالسم. الشيخ الحر العاملي، پیشین، ج ۱۰، ص ۴۳۴.

- اللهم... تشاهدهم في سرائرهم وتطلع عليهم في ضمائرهم. الصحيفة العلوية، ص ۱۰۷.
دیده نمی شوی. (۱)

دو واژه شهید و شاهد همواره در ادعیه، زیارات و حتی آیات قرآنی به عنوان صفاتی از صفات خداوند ذکر شده است. در زمره اسماء الحسنی خداوند

می خوانیم: الله الرحمن الرحيم... الباعث الشهيد. و علما دین «شهید» را در رابطه با خداوند این گونه تعریف کرده اند: شهید کسی است که از وی چیزی پنهان و مخفی نیست و گاهی شهید به معنای علیم و دانا استعمال می شود لذا در عبارت قرآنی «شهد الله» شهد به معنای علم است یعنی خداوند بر یکتایی و وحدانیت خود آگاه و دانا است. (۲) در دعای جوشن کبیر که حاوی هزار اسم و صفت از اسما و صفات خداوند است می خوانیم:

ای شاهی که غایب نیستی و ای نزدیکی که دور نیستی... ای کسی که بر همه چیز دانا و آگاهی. (۳)
گاهی هم این واژه برای ملائکه الهی به کار رفته است؛ چنانچه در دعای کمیل می خوانیم:

خدایا فرشتگان را همواره بر من و کردار من حاضر و ناظر گردانیدی و تو خود از پشت بر آنان نظارت می کنی و بر آنچه از آنان

-همان، ص ۴۴.

-الشهید الذی لا یغیب عنه شیء و قد یكون الشهيد بمعنی العلیم و منه شهد الله انه لا اله هو، ای علم بقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۶۶۳.

- یا شاهی غیر غائب و یا قریباً غیر بعید... یا من هو علی کل شیء شهید. همان، ص ۵۵۰؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۴؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۱، ص ۳۸۳؛ جواد القیومی، پیشین، ج ۱، ص ۴۷۱.

مخفی مانده آگاهی داری. (۱)

واژه شاهد راجع به ائمه (ع) نیز به کار رفته است. در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین در زیارت جامعه کبیره و در بسیاری از دیگر زیارات فقراتی آمده است که در آنها از لفظ شهید و شاهد برای ائمه دین استفاده شده و در غیر معنای «کشته در راه خدا» می باشد و از آن جمله در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

درود و سلام خدا بر شما اهل بیت باد و درود خدا بر ارواح و اجساد شما باد و درود خدا بر شاهد و غایب و بر ظاهر و باطن شما باد؛ چه آنان که حاضرند و چه آنان که غایبند. (۲)

ب. گواهی دادن و گواه بودن

یکی از معانی شهید و شهادت، گواهی دادن برای اثبات يك امر خاصی است. این واژه در این معنای به خصوص در محاکم و در دعاوی کاربرد دارد. در متون اعتقادی شیعه، به خصوص در ادعیه و زیارات، عبارات زیادی یافت می شود که

دال بر این معناست. از آن جمله است دعای حضرت علی علیه السلام در روز

- وجعلتهم شهودا علی مع جوارحی و کنت انت الرقیب علی من ورائهم و الشاهد لما خفی عنهم. الصحيفة العلویة، ص ۲۰۳؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۶۳.

- صلوات الله علیکم و علی ارواحکم و علی اجسادکم و علی اجسامکم و علی شاهدکم و علی غائبکم و علی ظاهرکم و علی باطنکم. محمد بن مکی عاملی (شهید اول) المزار (قم: موسسه اسلامی، ۱۴۱۶) ص ۱۵۸؛ جامع الزیارات، ص ۱۶۲. هفدهم هر ماه که می فرماید:

شهادت و گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست؛ خدایی که یکتا است و شریکی ندارد؛ و بوسیله این شهادت و گواهی امیدوارم که از آتش دوزخ رهایی یابم و باز هم شهادت و گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا و بی همتا نیست؛ گواهی و شهادتی که بواسطه آن امید ورود به بهشت را دارم. (۱) همچنین آن حضرت می فرماید:

خدایا من تو را گواه و شاهد می گیرم - و تو به تنهایی برای گواهی و شهادت کافی هستی پس شاهد باش ای کسی که با شهادت او دیگر نیازی به شاهد و گواه نیست - که من با نیت صادق شهادت و گواهی می دهم که فضل و بخشش تنها مخصوص تو است و تو با وجود اینکه من در شکرگزاری تو کوتاهی کردم نعمت و بخشش خود را از من دریغ نداشتی. (۲)

یکی دیگر از محورهای ادعیه و زیارات که در آنها از واژه شهد و مشتقات آن استفاده شده، درخواست از خداوند برای پرده پوشی از گناهان در حضور حاضران در روز قیامت است. امام علی علیه السلام در دعای خود در شب

- اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة ارجو بها النجاة من النار اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة ارجو بها الدخول الى الجنة. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۶۱۷؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۲۰۷.

- اللهم انی اشهدک و کفی بک شهیدا... فاشهد یا کافی الشهادة بانى اشهدک بنية صدق بان لك الفضل والطول فى انعامك على مع قلة شكرى لك فيها. الصحيفة العلویة، ص ۸۰، شیخ تقی الدین کفعمی، البلاد الامین، ص ۴۹.

دوشنبه می فرماید:

خدایا آیا فردای قیامت درحالیکه همه انسانها حضور دارند و شاهد حسابرسی هستند تو در مقابل همه آنها مرا مؤاخذه خواهی کرد و گناهان من را نزد آنان بازگو خواهی کرد در حالیکه تو بر همه چیز آگاهی و تمام امور پنهانی را می دانی؟ (۱)
در دعاهای بسیاری که ملهم از آیات قرآنی است از خدا درخواست می شود که ما را جزو شاهدین و گواهان قرار دهد. در بسیاری از زیارت ها پس از دعا و صلوات می خوانیم:

خدایا ما را جزو شهادت دهندگان قرار ده. (۲)

در زیارت پیامبر از خدا می خواهیم که شهادت وی را مورد قبول قرار دهد:
خدایا ثواب و اجر نبوت او را چنین قرار بده که شهادت و گواهی او در روز قیامت مورد واقع شود و سخن او پذیرفته شود. (۳)

ج. کشته شدن در راه خدا

معنای مورد نظر و رایج از شهادت که در ادعیه و زیارت نیز به آن اشاره شده، همین معناست؛ یعنی شهید کسی است که در راه خدا و در جهاد علیه دشمنان

-الهی اتسألنی عن اقترافی علی رؤوس الاشهاد و قد علمت مخبیات الستر. الکفعمی، البلد الامین، ص ۱۷۰.

-اللهم فاکتبنا مع الشاهدین. محمد بن مکی العاملی (شهید اول)، پیشین، ص ۶۶؛ آل عمران، ۵۳؛ مائده، ۸۳.

- اللهم... واجزه من انبعثک له مقبول الشهادة و مرضی المقالة. الصحيفة العلویة، ص ۱۰۰.

دین خدا کشته می شود. هر چند که همین معنا نیز به صورت موسع مورد استفاده واقع شده است. یعنی اینکه در بسیاری موارد از واژه ارزشی شهید به عنوان کشته در راه خدا، برای بیان سایر مرگ ها نیز استفاده شده است. از این منظر تمامی کسانی که جان خود را در راه احیا و گسترش دین خدا و برپا داشتن ارزشها و آرمانهای جامعه انسانی فدا کند شهید محسوب می شود.

۵. شهادت؛ معامله با خدا و وفای به عهد

شهادت و کشته شدن در راه خدا با عبارات و توصیف های زیبا و جذابی بیان شده است که بیانگر بعد ارزشی و آرمانی این پدیده دینی و انسانی است. یکی از این توصیف ها تعبیر شهادت به معامله با خداست. معامله ای که باید به آن وفا شود و خداوند وفاکنندگان به آن را دوست دارد. این تعبیر از سوی خالق هستی و

در قرآن مطرح شده است. و ائمه علیهم السلام نیز از قرآن الگو گرفته و در احادیث و ادعیه خود ضمن استفاده از این تمثیل زیبا شهادت در راه خدا را از خدا آرزو کرده اند. امام علی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

خدایا تو از میان راههای وصل به خود راهی رابه بندگانت نمایانده ای که رضا و خشنودی خود را در آن قرار داده ای و اولیا و بندگان خاص خود رابه پیمودن این راه فراخوانده ای و این راه را برترین راههای وصل به خود و باارزشترین آنها قرار داده ای و خود نیز به این طریق سلوک عشق ورزیده ای و چنان قرار داده ای تا در این راه جان و مال مومنان به بهای بهشت از آنان خریداری کنی. در این راه مومنین برای تو می جنگند و دشمنان تو را می کشند و خود نیز به شهادت می رسند و وارد بهشت برین تو می شوند و این وعده حقی است که تو به مومنان داده ای. خدایا پس مرا جزو کسانی قرار ده که جان خود رابه تو می فروشند و به عهده ای که با تو بسته اند عمل می کنند بدون آنکه به عهده خود پشت کنند بلکه به خاطر دوستی و نزدیکی به تو به عهده خود وفادارند. خدایا پس عاقبت و نهایت کار مرا شهادت در راه خود قرار ده و عمر مرا در این راه به پایان ببر و باکشته شدنم در راه تو رضایت خود را شامل حالم کن و گناهانم را ببخش و مرا جزو کسانی قرار ده که در راه تو و در زیر پرچم هدایت تو و برای نصرت دین تو به دست بدترین بندگان نافرمانت گشته می شوند و مرا جزو کسانی قرار ده که نزد تو زنده اند و نزد تو روزی می خورند. (۱)

-اللهم انك اعلمت سبيلا من سبلك فجعلت فيه رضاك وندبت اليه اوليائك وجعلته اشرف سبيلك عندك ثوابا واکرمها لديك مآبا واحبها اليك مسلکا ثم اشتريت فيه من المومنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليك حقا. فاجعلني ممن يشتري فيه منك نفسه ثم وفي لك ببيعه الذي بايعك عليه غير ناكث ولا ناقص عهدا ولا مبدل تبديلا بل استيجابا لمحبتك وتقربا به اليك فاجعله خاتمة عملي و صير فيه فناء عمري و ارزقني فيه لك وبه مشهدا توجب لي منك الرضا تحط به عنى الحظايا و تجعلني في الاحياء المروزقين بايدي العداة والعصاة تحت لواء الحق وراية الهدى ماضيا على نصرتهم قدما غير مول مدبرا ولا محدث شكاً. الحر العاملي، پیشین، ج ۱۷ ص ۱۰۴؛ الصحيفة العلوية، ص ۳۲۹؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه...، ص ۷۵۷.

توجه در عبارات و الفاظ دعای فوق ما را به این نکته رهنمون می کند که شهادت معامله ای است با خداوند که در آن نه تنها هیچ ضرر و زیانی متصور نیست بلکه بهترین فایده ها عاید انسان می شود. و این معامله برای

همه‌گان متصور نیست. لذا برای نائل شدن به آن باید از درگاه خداوند درخواست کرد تا توفیق وصول به این مرحله مهم را عطا کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

هیچ بنده‌ای از بندگان خدا نیست که با خداوند صادقانه معامله‌ای کند مگر اینکه در آن معامله سود و فایده فراوانی نسبیب آن بنده خواهد شد. این در حالی است که خداوند تبارک و تعالی به بندگان خود فضل و بخشش دارد و نیازی به معامله با آنان ندارد. با این حال خداوند دوست دارد که بندگان در معامله با او به عهد خود وفا کنند و خداوند وفاکنندگان را دوست دارد. (۱)

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وقتی که با خدا عهدی بستید به عهد خود با خدا وفادار باشید. (۲)
مهمترین و بهترین معامله‌ای که در عرصه این جهان می‌توان با خدا انجام داد همان است که در ادعیه و احادیث از آن به عنوان شهادت یاد شده است. در

- ما من بیعة صادقة بین الله و عبد من عباده الا و العبد فیها هو الرابح والله سبحانه هو المتفضل والله الغنی عن العالمین. فالله یحب الوفاء و یحب الاوفیاء. محمد قاسم البغدادی، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۰.

- اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم و لاتنقضوا الایمان بعد توکیدها. النحل، ۹۱.

این رابطه امام سجاد علیه السلام در دعا بعد از ظهر روز جمعه می‌فرماید:
خدایا این جانی را که از سوی تو نزد من به امانت است و تحت قبضه و قدرت توست به بهای بهشت از من خریداری کن در حالی که با امام و فرمانروای معصومی از خاندان پیامبرت در جنگی علیه دشمنان دین تو کشته شوم و مرا از شهیدان سعادت‌مندی قرار ده که نزد تو مأوی و منزل گزیده اند. (۱)

توصیف شهادت به معامله با خدا بخصوص در ادعیه ایام هفته جلوه گر شده است. همچنانکه دیدیم دعای امام سجاد علیه السلام مربوط به بعد از ظهر روز جمعه است. همچنین در دعای شب یکشنبه و دوشنبه می‌خوانیم:

خدایا از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در معامله‌ای که زبانی در آن نیست مرا فایده فراوان دهی. با توفیق شهادت برای من مرا در معامله‌ای که خریدارش تو هستی شریک کنی. (۲) خدایا به من کمک کن تا نیکویی کنم و تقوی پیشه کنم و اعمال نیک انجام دهم و کمک کن تا بتوانم در معامله با تو شرکت کنم؛ معامله‌ای که نه تنها زبانی در آن نیست بلکه سود فراوان نیز در

- اللهم اشتر منى نفسى الموقوفة عليك، المحبوسة لامرك بالجنة مع معصومين من عترة نبيك صلى الله عليه وآله... واجعلنى شهيداً سعيداً فى قبضتك. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۵۶۰.

- اللهم صلى على محمد وآل محمد واسالك الربح من التجارة التى لاتبور. تقى الدين الكفعمى، البلد الامين، ص ۱۵۸.
آن وجود دارد. (۱)

و این معامله همان معامله با خداست که مومنان طى يك فرايند درونى و بيرونى جان و مال خود را تقديم پروردگار مى کنند و خداوند نیز در عوض لطف خود را شامل حال آنها مى کند و آنها را در بهشت خود جای مى دهد. شرط نایل آمدن به این هدف اولاً داشتن نیت فى سبيل الله و جلب قرب و رضای خداوند است و ثانیاً داشتن تقوى و انجام اعمال نيك به طورى که در پرتو آنها انسان قابلیت و لیاقت قرب به حق را پیدا کند و بتواند در معامله اى مستقیم با خداوند روبرو شود و تمام هستی خود که عاریت از سوى دوست نزد اوست به دوست هدیه کند و بهشت او را که همان قرب و خوشنودى اوست به دست آورد.
این جان عاریت که به حافظ سپرده دوست ***روزی رخس ببینم و تسلیم وی کنم

۶. شهادت: لقاء الله

توصیف دیگری که از شهادت در روایات و ادعیه و زیارات دیده مى شود، تعبیر شهادت به لقاء الله است. لقاء الله یا دیدار و ملاقات با خداوند موضوعی است که در ادبیات و عرفان اسلامى جایگاه خاصى دارد. به عبارت دیگر تعبیر شهادت به لقاء الله تفسیری عرفانی و در عین حال واقعگرایانه از شهادت است. در احادیث نیز از قول پیامبر صلى الله عليه وآله آمده است که شهید را هفت خصلت است که یکی از آن ها نظاره گری روى خداست. (۲) یعنی فرد مجاهد به

- اللهم...واعنى على نفسى ببرّ وتقوى وعمل راجح وبيع رابح وتجارة لن تبور. همان، ص ۱۶۹.

- الشيخ الحر العاملى، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰.
محض شهادت به دیدار پروردگار خود مى شتابد و بهشت برین ناظر وجه کریم پروردگار مى شود و به اشتیاق خود پایان مى دهد. اشتیاقی که دو سویه است. هم از سوى محبوب و هم از سوى محب. حدیثی نیز در این زمینه وارد است که:
خداوند به بعضی از دوستان خود وحی کرده که مرابندگانى است که مرا دوست دارند و من نیز آنان را دوست دارم و به دیدار من مشتاق هستند و من نیز به دیدار آنها مشتاقم و دائماً به یاد من هستند و من

نیز به یاد آنها هستم. (۱)

و به قول شاعر:

چه خوش بی مهر بونی هر دوسر بی *** که یک سرمهر بونی در دسربی
 آگه مجنون دل شوریده ای داشت *** دل لیلی از او شوریده تربی
 حضرت علی علیه السلام در موارد متعدد اشتیاق خود را به دیدار
 پروردگار اعلام می دارد. حضرت در یکی از سخنان خود می فرماید:
 من مشتاق دیدار روی پروردگارم هستم و من دوستدار شهادتم. (۲)
 در واقع بخش دوم سخن حضرت تفسیر بخش اول است. اشتیاق به دیدار
 محبوب و شور و شوق به لقاء الله همان حب شهادت است. اگرچه ممکن است این
 مهم یعنی دیدار پروردگار برای عاشقان جمال وی از طرق دیگر نیز حاصل آید

- اوحی الله الی بعض الصدیقین ان لی عباداً من عبیدی یحبونی و احبهم
 و یشتاقون الی و اشتاق الیهم و یذکرون و اذکرهم. محمد باقر المجلسی، پیشین، ج
 ۷۰، ص ۲۶.

- انی الی لقاء ربی لمشتاق و انی للشهادة لمحِب. عز الدین
 ابو حامد المدائنی (ابن ابی الحدید) پیشین، ج ۶، ص ۱۰۰.

اما شهادت مرکبی است که دستیابی به این مهم را به بهترین وجه و در کمترین
 زمان ممکن می سازد. تعبیر شهادت به لقاء الله در ادعیه بیش از هر جایی به
 چشم می خورد. امام علی علیه السلام در یکی از دعاها خود می فرماید:
 خدایا شور و اشتیاق دیدار خود را به من عطا کن و مرا در یاری
 رساندن به دین خود یاری کن و در این زمینه الطاف خود را شامل
 حالم کن تا شیرینی آن را در قلبم احساس کنم. (۱)

در این دعا شوق به لقاء الله با پیروزی و نصرت رساندن به دین حق، قرین
 شده است و این خود دلیلی بر این است که یکی از مصادیق لقاء الله و یکی از
 ابزارهای تحقق چنین امری شهادت و کشته شدن در راه خداست. امام سجاد
 علیه السلام انسان کاملی است که سوز عشق و شور و اشتیاق به دیدار محبوب او
 را به انشای ادعیه شورانگیزی برانگیخته است که در نوع خود بی نظیر است. امام
 سجاد علیه السلام در دعای عرفه خود ضمن بیان معانی پرنغز و عرفانی به بی
 تابی خود در لقاء الله و دیدار جمال محبوب اشاره می کند و می فرماید:

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا ناامید از درگاه خود
 رد مکن و مرا تا رسیدن به لقای خود یاری کن تا به درجه ای برسم
 که در آن همنشینی با اولیا و دوستان نصیم گردد و مرا از شرابی
 که به دوستان خود می چشانی سیراب کن؛ شرابی که در پی آن دیگر
 تشنگی وجود ندارد. خدایا مرگ مرا با دوستان خود قرار ده و در

بهشت برین خود چهره آنان را به من بشناسان چرا که آنان بهترین

-اللهم... ارزقنی شوقاً الی لقائک و نصراً فی نصرک حتی اجد حلاوة ذلک فی قلبی.
محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۱، ص ۲۳۸؛ ابوالقاسم سیدبن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۲۴.

هادیان و راهنمایان هستند. (۱)

عبارات و الفاظ این دعای شریف به طور آشکار بر شهادت در راه خدا دلالت دارند. در احادیث و ادعیه دیگری که در مباحث آینده به آن اشاره خواهد شد شهدا با پیامبران و صالحان قرین شده اند. در این دعا امام سجاد علیه السلام از خدا می خواهد تا نعمت لقای خود را به او ارزانی دارد تا در پرتو آن همنشین پیامبران و اولیا خدا شود. در همین رابطه امام صادق علیه السلام تعبیر شهادت به لقاءالله را به بهترین وجه در ضمن یکی از دعاهاى خوداین گونه بیان کرده است :

خدایا دل و جان مرا به خودت مشغول دار و دوستی و محبت خود را در قلب من جای ده تا آنکه ترا ملاقات کنم در حالی که با بدن خونین به ملاقات تو آمده باشم. (۲)

۷. سعادت و شهادت

در ادعیه و زیارات - و نیز در روایات - به موارد متعددی برخورد می کنیم که شهادت در راه خدا را سعادت توصیف کرده اند. این قبیل روایات و ادعیه که تعداد

- اللهم صل علی محمد و لاتردنی خائباً و سلمنی ما بینی و بین لقائک حتی تبلغنی الدرجة التى فیها مرافقة اولیائک و اسقنی من حوضهم مشرباً رویاً لا اظمأ بعده و احشرنی فی زمرةم و توفنی فی حزبهم و عرفنی و جوهم فی رضوانک و الجنة فانی رضیت بهم هداة. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۴۶.

-اللهم اشغل قلبی بعظیم شانک و ارسل محبتک الیه حتى القاک و اوداجی تشخب دماً. محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۳۳۴.

آنها هم کم نیست به طور صریح شهادت در راه خدا را سعادت می دانند که در پی آن ضلالت و گمراهی وجود ندارد. در بخش عظیمی از ادعیه از درگاه خداوند خواسته شده تا سعادت رانصیب ما کند و در تفسیر سعادت، کشته شدن در راه خدا ذکر شده است. به عبارت دیگر دو واژه سعادت و شهادت در ادعیه و زیارات همواره با هم استفاده شده و يك معنا به کار رفته اند؛ کشته شدن در راه خدا

سعادت است و نوعی از سعادت بلکه مهمترین نوع سعادت کشته شدن در راه خداست. در مقابل سعادت، شقاوت قرار دارد که به معنی دور بودن و دور شدن از رحمت و جوار الهی است. از این زوایه و با توجه به اینکه شهادت در جوار خدا بودن محسوب می شود، سعید کسی است که در این جهان خداوند به او نظر دارد و در آن جهان نزد خدامای دارد و شقی کسی است که در هر دو جهان از رحمت خاصه خداوند به دور است. امام سجاد علیه السلام در دعای خود می فرماید:

خدایا در این دنیا مرا جامه عصمت بپوشان و در آن دنیا مرا در جوار رحمت خود جای بده و سعادت و رستگاری را نصیب من کن. بدرستی که شقی و بدبخت کسی است که تو او را به حال خود رها کنی و سعید کسی است که تو او را در کنف حمایت و نعمت خود قرار دهی و به هنگام مرگ او را غریق رحمت خود کرده و در منازل رحمت خود جای دهی. (۱)

- البسنى فى هذه الحياة البائرة ثوب العصمة و حلى فى تلك الباقية بزينة الامن و السعادة فالشقى من لم تأخذ بيده و لم تومنه من غده و السعيد من اوبته الى كنف نعمتك و نقلته حميداً الى منازل رحمتك. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۷۴.

به هر کمند که خواهی بگیر و بازم بند***به شرط آنکه نظر ز کارم نگیری باز همانگونه که سعید و خوشبخت واقعی به کسی اطلاق می شود که همواره خداوند به او نظر داشته باشد و به لحظه مرگ او راپیش خود فراخواند و در کنار خود مأوی دهد، شقی و بدبخت کسی است که از رحمت الهی دور باشد و فردای قیامت در کنار مجرمان، مشرکان و کافران منزل داشته باشد. از همین روست که امام علی علیه السلام در شب شهادت خود در مورد کسی که بر فرق او ضربه زد می گوید:

خدایا هر چه سریعتر شقاوت و بدبختی را نصیب او کن و در مقابل مرا غریق رحمت و سعادت کن. خدایا پیامبر به من وعده داده که هرگاه از تو بخواهم تو مرا نزد خود ببری و هم اکنون آن لحظه ای است که من به سوی تو مشتاق شده ام و از تو می خواهم که باشاهدم مرا سعادتمند گردانی. (۱)

حضرت علی علیه السلام در این فراز ضمن اشاره به اشتیاق خود به دیدار پروردگار، شهادت در راه خدا را سعادت می داند و از خدا می خواهد تا بوسیله شهادت او را به سعادت برساند. بنابراین شهادت در راه خدا سعادت ابدی است و در مقابل کسی که اولیا خدا را به شهادت برساند به شقاوت و بدبختی گرفتار آمده و از رحمت خدا دور خواهد شد. همین مضمون در دعای روز پنجشنبه آمده

- اللهم فعجل له بالشقاء و تغمدنى بالسعادة اللهم قد وعدنى نبيك ان تتوفانى اليك اذا سالتك اللهم و قد رغبت اليك فى ذلك. جواد القيومى، پیشین ج، ۲، ص ۲۰۱؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۴۲، ص ۲۵۳؛ میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۶.

است. در این دعا می خوانیم:

بدبخت کسی است که تو روی از او برگردانی و خوشبخت کسی است که تو به او روی آوری. (۱)

سعادت و شقاوت مظهر رحمت و غضب خداوند هستند و انسان باید همیشه رحمت خداوند را به سوی خود جلب کند و مرتکب عملی نشود که غضب خداوند شامل حال او شود. از همین روست که در ماه مبارک رمضان مرتب می خوانیم:

خدایا در این ماه مبارک سعادتى به من عطا کن که هیچگاه در پی آن شقاوت و بدبختی نباشد و اگر تاکنون جزو اشقیاء بوده ام نام مرا از میان اشقیاء بردار و در زمره سعادت‌مندان بنویس که تو بر هر کاری توانایی. (۲)

امام سجاد علیه السلام در دعای الانجلیة الطویلة می فرماید:

پروردگارا چه شأن و عظمتی بالاتر از اینکه تو کسی را نزد خود فرا خوانی و به او روی آوری و از این طریق او را سعادت‌مند گردانی و چه پستی و خواری و ذلتی بدتر از اینکه تو کسی را از خود برانی و او را بدبخت گردانی. (۳)

- والشقى من اشقيت... والسعيد من اسعدت. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۵۵۵.

- واسعدنى فى هذا الشهر العظيم سعادة لا اشقى بعدها يا ارحم الراحمين... وان كنت من الاشقياء فاكتبني من السعداء فانك تمحو ماتشاء وتثبت وعندك ام الكتاب. تقى الدين الكفعمى، البلد الامين، ص ۲۸۵.

- سيدى عظم قدر من اسعدته باصطفائك وعدم النصر من ابعده من فنائك. همان، ص ۴۶۵.

بنابراین اساس سعادت واقعی نزدیکی به خداوند است. هر آنکه در جوار و قرب خداوند مأوی و سکنی دارد او سعید حقیقی و واقعی است. از همین روست که امام سجاد می فرماید:

به فرشتگان با سعادت خود و بر پیامبران و شهیدان درود فرست. (۱)

و ملائکه از آن رو سعید هستند که همیشه در جوار حق هستند و شهید نیز

بواسطه شهادت خود و گزینش وی از سوی خداوند و رفتن به پیش خدا و همجواری با حضرت حق سعید و خوشبخت محسوب می شود. شرط وصول به سعادت واقعی و نائل آمدن به فیض شهادت این است که انسان دنیا را رها کند و خدا را برگزیند. امام علی علیه السلام در فرازی از سخنان گهربار خود می فرماید: بدرستی که سعادتمندان واقعی در فردای قیامت کسانی هستند که امروز از این دنیا گریزانند. (۲)

بنابر این دنیاگریزی و آخرت گرایی شرط تحقق سعادت است و شهادت یکی از مهمترین جلوه های دنیاگریزی و خداگرایی است. فرد مجاهد با رفتن به صحنه جنگ در حقیقت به دنیا پشت پا زده و طالب آخرت شده است. امام علی علیه السلام در فراز دیگری می فرماید:

با سعادت ترین مردم کسی است که لذت فانی این دنیا را به هوای

- یا رباه صل علی الملائكة السعداء والانبياء والشهداء. همان، ص ۴۳۴.

- ان السعداء بالدنيا غداً هم الهاربون منها اليوم. نهج البلاغه، ص ۴۷۰، خطبه ۲۲۳.

نعمتهای جاودانه آن جهان رها کند. (۱)

بنابر این سعادت یعنی قرب حق و شرط آن ترك دنیا است. اما یکی از مهمترین وسیله های رسیدن به چنین هدفی تلاش برای اصلاح جامعه است. لذا در سخنان بزرگان آمده است:

بالاترین سعادت انسان این است که در جهت اصلاح جامعه گام بردارد. (۲)

و یکی از مهمترین مصادیق تلاش برای اصلاح جمهور امر به معروف و نهی از منکر و در بالاترین شکل آن مبارزه در راه خداست. مبارزه ای که هدف آن از بین بردن موانع رشد جامعه باشد هر چند انسان در این راه جان خود را از دست بدهد و در راه خدا به شهادت برسد و در این رابطه علامه طباطبایی می گوید:

کشته شدن در راه خدا سعادت جاودانه روح انسانی است و این به منزله آن است که انسان برای به دست آوردن يك عمر سلامتی لحظه ای تلخی دارو را تحمل کند. (۳)

از همین روست که در زیارات، سعید و شهید با هم آورده شده است. در دعای «ام داود» - که از جمله اعمال ماه شریف رجب است - می خوانیم:

- اسعد الناس من ترك لذة فانية للذة باقية مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۹.

- من کمال سعادة المرء السعی فی اصلاح الجمهور. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۶.

- سعادة الروح الخالدة كالقتل فی سبیل الله بمنزلة التحمل لمرء الدواء ساعة لحیازة الصحة دهرأ. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۲.

خدایا درود فرست بر اوصیا، سعادتمندان، شهدا و ائمه دین. (۱)
تعبیر شهادت به سعادت به خصوص در زیارت دیده می شود. در اکثر زیارات فرد زیارت شده، چه معصوم باشد و چه غیر معصوم، سعادتمند توصیف شده است و دلیل این سعادت هم کشته شدن و شهادت در راه خدا ذکر شده است. و در زیارت اربعین در مورد امام حسین علیه السلام می گوئیم:

خدایا من شهادت می دهم که او از اولیای توست که تو او را به وسیله شهادتش، کرامت و سعادت بخشیدی. شهادت می دهم که تو در این دنیا سعادتمندانه زندگی کردی و با شهادت از این دنیا رفتی. (۲)

در اینجا تصریح شده است که خدا به وسیله شهادت، به آن فرد سعادت و کرامت بخشیده است، بنابراین شاید بتوان شهادت را مساوی کرامت و سعادت دانست. در زیارت حضرت مسلم ضمن اشاره به شهادت وی در جریان حادثه عاشورا آمده است که:

سلام بر تو ای اولین کسی که از قافله عاشورا شهید شد و سلام بر تو که پیشاپیش سعادتمندان قرار داری. (۳) خداوند تو را در زمره شهدا

- اللهم صل علی الاوصیاء والسعداء والشهداء وائمة الهدی. تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه...، ص ۷۰۷؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۲۵۷.

- اللهم انی اشهدك انه ولیك... اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة... اشهد انك... عشت سعیداً و مضیت حمیداً و مت فقیداً مظلوماً شهیداً نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۰۸؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۱۱؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۳۳۱.

- السلام عليك يا اول الشهداء وامام السعداء. محمد حسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۱۶.

مبعوث کند و روح تو را با سعادتمندان قرار دهد. (۱)

و در زیارت شهدای کربلا نیز می خوانیم:

شهادت می دهم که شما شهیدان سعادتمندی هستید که با شهادت خود رستگاری را به دست آوردید و در منازل عالی بهشت مأوی گرفتید. (۲)

در برخی از ادعیه به گونه ای مساله شهادت و سعادت بیان شده است که می توان استنباط کرد که سعادت و زندگی سعادتمندانه لازمه و مقدمه شهادت

است. در این فقرات از ادعیه می خوانیم که خدایا اولاً زندگی سعادتمندانه رابه ما عطا کن و ثانیاً شهادت در راه خود را نیز به ما عطا کن و سوم اینکه در آخرت هم، همنشینی با پیامبران را نصیب ما کن. به عبارت دیگر به دست آوردن سه نعمت «زندگی سعادتمندانه»، «مرگ شهادت گونه» و «همنشینی با پیامبران و صالحان» فرایندی است که در آن هریک برای دیگری مقدمه وپیش شرط محسوب می شود. در این رابطه در دعای «علوی مصری» که شهادت را جزئی از زندگی

فبعثك الله فى الشهداء وجعل روحك مع ارواح السعداء. محمدبن مکی
العاملى (شهیداول) پیشین، ص ۲۹۲؛ نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۴۶.

- اشهد انکم الشهداء السعداء وانکم الفائزون فى درجات العلى. ابن
قولویه، پیشین ص ۳۰۴؛ نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۳۶؛ محمدبن مکی العاملى (شهید
اول) پیشین، ص ۱۷۵.

سعادتمندانه محسوب کرده است، می خوانیم:

خدایا از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود بفرستی و در این
دنیا زندگی سعادتمندانه ای نصیب من کنی و مرگ مرا شهادت در
راه خود قرار دهی. (۱)

حضرت علی علیه السلام در یکی از دعاهاى خود این فرایند را به نحو زیبایی
بیان کرده است. در این بیان امام، هم می توان گفت که قرار گرفتن در منازل و
درجات شهدا جزئی از يك زندگی سعادتمندانه است و هم می توان چنین
برداشت کرد که امام زندگی سعادتمندانه ای در دنیا و قرار گرفتن در مرتبه شهدا
را در آخرت درخواست کرده است، حضرت می فرماید:

از خدا می خواهیم تا زندگی سعادتمندانه ای را نصیب ما کند و ما را
در منازل و درجات شهدا قرار دهد و همنشینی با پیامبران را نصیب
ما گرداند. (۲)

در ادامه این بحث نمونه های دیگری از ادعیه ائمه علیهم السلام که شهادت
در راه خدا را در قالب سعادت بیان کرده اند و از خدا خواسته اند تا از طریق
شهادت آنها را سعادتمند کند، ذکر می شود. امام سجاد علیه السلام در نهایت
شهادت را سعادت و سعادتمندی می داند و در وداع ماه مبارك رمضان می فرماید:
خدایا اگر این آخرین ماهی است که ما در آن روزه می گیریم مرگ ما

- اللهم... اسالك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تحيينى حياة السعداء
وتميتنى ميتة الشهداء. تقي الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۵۴۳.

- نسال الله منازل الشهداء ومعایشة السعداء ومرافقة الانبياء. نهج البلاغه، ص ۵۲، خطبه ۲۳.

را شهادت در راه خود قرار ده و ما را با شهادت در راه خود
سعادت مند کن. (۱)

در دعای روز مبعث نیز همین مفهوم، یعنی مترادف دانستن شهادت با
سعادت ذکر شده است:

خدایا عاقبت کار ما را با سعادت و شهادت در راه خود ختم کن. (۲)
در دعای ماه رجب که از امام علی علیه السلام و امام مهدی (عج) نقل شده
است اگر چه صریحاً به لفظ شهادت اشاره نشده ولی به قراین می توان عاقبت به
خیری و سعادت مورد نظر را شهادت تفسیر کرد:

خدایا... عاقبت مرا به بهترین وجه ختم به خیر کن و سعادت را
نصیب من گردان. (۳)

حضرت زینب در دعایی سعادت و شهادت را با هم آورده است:
خدایا آغاز کار ما را با سعادت و مغفرت و انجام آن را با شهادت و

- اللهم... فان كان آخر شهر صمناء فاختم لنا فيه بالسعادة والشهادة
و.... الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۰۳.

- اللهم... واختم لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا بقى الدين الكفعمي، البلدان الامين...، ص ۲۶۲.

— اللهم... اختم لي في قضائك خير ما ختمت واختم لي بالسعادة في من
ختمت. جواد القيومي، پیشین، ج ۲، ص ۵۵۰؛ شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۸۰۲؛
عبدالحسین طالعی، ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام (تهران: میقات، ۱۳۷۷)، ص ۱۹۱؛
محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۲۱۵ و ج ۹۸، ص ۳۹۱.

رحمت قرین گردان. (۱)

امام سجاد علیه السلام در آخرین فقره دعای «تحمید» که با
عبارت «الحمد لله الاول بلا اول كان قبله والاخر بلا آخر يكون بعده» شروع
می شود، سعادت مند دان و شهدا را با هم ذکر می کند:

خدا را شکر می کنیم؛ شکری که به واسطه آن بتوانیم در زمره
سعادت مند دان و شهدا قرار گیریم. (۲)

امام سجاد علیه السلام در دعای روز عرفه ویژگیهای بندگان خوب خدا را
توصیف می کند که یکی از آنها مرگ سعادت مندانه است:

خدایا مرا جزو کسانی قرار ده که به آنان نظر داری و نعمت های
خود را به آنان ارزانی داشته ای و از آنها راضی هستی و زندگی

خوبی را به آنها عطا کرده ای و مرگ سعادت‌مندان را نصیب آنها می‌کنی. (۳)

۸. نزدیکی شهاده پیامبران و صالحان یکی از موضوعاتی که به روشنی در ادعیه و روایات و زیارات به چشم

- اللهم اختم لاولنا بالسعادة والمغفرة و لآخرنا بالشهادة والرحمة. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۲، ص ۵۴۱.

- حمداً نسعد به فی السعداء من اولیائیه ونصیر به فی نظم الشهداء بسیوف اعدائه انه ولی حمید. الصحیفة السجادیة الجامعة، ص ۱۷.

- اللهم... و بلغنی مبالغ من عنیت به و انعمت علیه و رضیت عنه و اعشته حمیداً و توفیته سعیداً. همان، ص ۳۲۸.

می‌خورد، مسأله اقتران و هم‌ردیفی شهیدان با پیامبران، صدیقان و صالحان است. در اکثر جاهایی که از شهیدان نام برده می‌شود، نام آنها به همراه نام پیامبران و صدیقان و صالحان آمده است. این مسأله می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد که به پاره ای از آنها اشاره خواهد شد. حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در تعقیب نماز ظهر خود دعایی را می‌خواند که در ضمن آن شهیدان در ردیف پیامبران و صالحان و صدیقان ذکر شده اند:

خدایا... در بهشت خود هم‌نشینی با پیامبر محمد صلی الله علیه و آله و کسانی که به آنها نعمت دادی پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین - را شامل حال من کن که آنان بهترین هم‌نشینانند. (۱)

امام سجاد علیه السلام در یکی از ادعیه خود می‌فرماید:

خدایا مرا به حالتی بهتر از این حالت منتقل کن تا اینکه در آن حالت رضای تو را بدست آورم و از نعمت های تو برخوردار شوم؛ نعمت هایی که برای بندگان و اهل طاعت خود فراهم کرده ای؛ خدایا مرا نزد خود ببر در حالی که با پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین هم‌نشین باشم که آنان بهترین هم‌نشینانند. (۲)

- اللهم... وترزقنی مرافقة محمد النبی عبدك و رسولك فی اعلی الجنة درجة... مع الذین انعمت علیهم من النبین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقاً. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۶۹۰؛ محمد باقر مجلسی، پیشین، ج

۸۶، ص ۶۶.

- و انقلنی مما انا فيه الى ما هو افضل منه حتى تبلغ بي فيما فيه رضاك و انال به ما عندك فيما اعددت له لاوليائك و اهل طاعتك مع النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۵۵۹.

در دعای روز شنبه نیز می خوانیم:
خدایا ما را از جمله برگزیدگان خود قرار ده؛ کسانی که به آنها نعمت دادی یعنی پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین و این افراد بهترین همشینیان در بهشت برای انسانند. (۱)
همچنین در دعای روز چهارشنبه می خوانیم:

خدایا مرا به کسانی که بهتر از خودم هستند ملحق کن و همشینی با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین را به من عطا کن که اینان بهترین همشینیانند. (۲)
امام علی علیه السلام در شب های پنج شنبه این دعا را می خواندند:
خدایا مرا جزو کسانی قرار ده که آنان را در خانه کرامت و لطف خود جا داده ای و مرا با کسانی قرار ده که آنان را برگزیده ای و نعمتهای بی پایان خود را خاص آنان گردانیدی؛ کسانی که به آنها نعمت داده ای یعنی پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحان که اینان

- اللهم... واجعلنا من اصفيائك الذين انعمت عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا آمين رب العالمين. تقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۱۵۲.

- اللهم... و الحقني بالذين هم خير مني و ارزقني مرافقة النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا. تقى الدين الكفعمي، المصباح في الادعية...، ص ۱۶۸؛ تقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۱۸۷.

برترین همشینیانند. (۱)
همچنین حضرت علی علیه السلام در روز بیستوسوم هر ماه این دعا را می خواندند:
خدایا مرا جزو کسانی قرار ده که به آنها نعمت دادی یعنی پیامبران و صدیقان و شهیدان و اینان برترین همشینیانند. (۲)
حضرت علی علیه السلام در روز بیست و پنج هر ماه نیز دعایی می خواندند که در ضمن آن آمده است:
خدایا من از تو می خواهم تا مرا در بهشت همشینی پیامبرت

محمد صلی الله علیه وسلم و سایر پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین قرار دهی که آنان بهترین همنشینانند. (۳)

- اللهم وادرجنی درج من اوجبت له حلول دار کرامتک مع اصفیائک و اهل اختصاصک بجزیل مواهبک فی درجات جناتک مع الذین انعمت علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۵۴۵؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۲۰۰؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۰، ص ۱۹۴.

- اللهم اجعلنی من الذین انعمت علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و حسن اولئک رفیقاً. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۶۳۱؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۲۱۴.

- اللهم انی اسألك مرافقة النبی محمد وآله الاخیار الطیبین فی اعلى الجنة الخلد مع النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۶۳۹.

امام زمان، حضرت ولی عصر (عج) در یکی زیارت‌های خود خطاب به امام حسین (ع) در روز عاشورامی فرماید:

خدایا نام مرا جزو اسلام آورندگان بنویس و مرا به نیکوکاران ملحق گردان و مرا با اولیا خودت در بهشت همنشین کن؛ کسانی که به آنها نعمت داده ای یعنی پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحان. (۱)

و در زیارت حضرت عباس می خوانیم:

خداوند ترا با شهدا مبعوث گرداند و روح تو را با ارواح شهدا قرار دهد و ترا با پیامبران و صدیقین و شهدا محشور کند که اینان بهترین همنشینانند. (۲)

امام صادق علیه السلام دعایی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

پناه می برم به خدا از تمام شروری که همه ملائکه، پیامبران و شهدا

- اللهم اکتبنی فی المسلمین و الحقن بالصلحین... و اجمع بینی و بین السادة الميامین فی اعلى علیین مع الذین انعمت علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین برحمتک یا ارحم الراحمین. عبدالحسین طالع، پیشین، ص ۳۳۰؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷.

- فبعثک الله فی الشهداء و جعل روحک مع ارواح الشهداء... و حشرک مع

النبیین والصدیقین والشهداء وحسن اولئک رفیقاً ابن قولویه، پیشین، ص ۲۷۰؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۱۹۱؛ نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۳۷؛ شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۴۹۶؛ محمد حسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۳۷؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۲۷۷.

و بندگان صالح خدا از آنها به خدا پناه می بردند. (۱)
در دعای شب پنجشنبه فقره ای متفاوت از موارد گذشته ذکر شده است. در این فراز پیامبر اکرم (ص) از سایر پیامبران متمایز شده است و شهیدان با سایر انبیا و صدیقان و صالحان در يك ردیف قرار گرفته اند. در این دعا می خوانیم:
خدایا بر محمد صلی الله علیه و آله که پیامبر و بنده تو است درود بفرست... و بیشترین بخشش های خودت را به او ارزانی بدار و او را بر همه پیامبران و صدیقان و شهیدان و بندگان صالح خود برتری ده. (۲)
شاید همین فقره در دعای امام صادق علیه السلام در عصر جمعه آمده است که:

خداوند! بر محمد درود بفرست و سلام و درود فرشتگان، پیامبران، شهیدان و صدیقان را بر او بفرست. (۳)

- اعوذ بالله العظیم من شر ما استعاذ منه الملائكة المقربون والانبیاء والمرسلون والشهداء وعبادک الصالحون. جواد القیومی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۷؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه...، ص ۱۱۱؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۶۳۲؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۸۶، ص ۳۰۵.

- اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک... واجعل له من عطائک عطاء تاماً وقسماً وافیاً ونصیباً جزیلاً واسماً عالیاً علی النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقاً. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین...، ص ۱۹۷؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه...، ص ۱۷۲.

- اللهم فصل علی محمد... واجعل صلواتک... وصلوات ملائکتک ورسالتک وپیامبرانتک والوصیاء والشهداء والصدیقین... علی محمد بن عبدالله. تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه...، ص ۵۶۷.

همچنین در دعایی که معروف به «دعای الحریق» است، می خوانیم:
خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست و بر پدر ما آدم و مادر ما حوا و همه پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین درود فرست. (۱)
در دعای قنوت امام سجاد علیه السلام نیز به این مساله اشاره شده است. آنجا که امام می فرماید:

خدایا بر آدم و خاتم درود فرست و بر همه پیامبران، صدیقین،

شهدا و صالحینی که در میان آدم و خاتم قرار داشتند اند درود فرست. (۲)
 امام صادق علیه السلام نیز در دعای خود در وداع ماه مبارک رمضان می فرمودند:
 خدایا من خواسته های خود را از تو به حق همه کسانی که تو را دعا کرده اند، می خواهم؛ به حق فرشتگان، پیامبران، صدیقان، شهیدان و به حق آنان که مشتاق دیدار تو اند و به حق آنان که به زیارت خانه

- اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على ابينا آدم وأمنا حوا وما ولدا من النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين. تقى الدين الكفعمي، المصباح في الادعية...، ص ۱۰۷.

- اللهم صل على آدم بديع فطرتك... وصل على ابنه الخالص من صفوتك... وعلى من بينهما من النبيين والمرسلين والصدّيقين والشهداء والصالحين. الصيفة السجادية الجامعة، ص ۵۲۸.

تو می آیند و به حق همه مجاهدینی که در راه تو پیکار می کنند. (۱)
 و از امام صادق علیه السلام در دعای روز بیست و یکم ماه رمضان نقل شده است که:

من تو را به اسمی از اسما تو می خوانم که تو آن نام را بر خود نهاده ای و همه بندگان - شامل پیامبران، صدیقان، شهیدان و فرشتگان - تو را به آن نام خوانده اند. (۲)

این گونه عبارات و فرازها در ادعیه و زیارات فراوان است و لذا جهت اختصار به همین حد اکتفا می شود. حال سوالی که مطرح می شود این است که دلیل این اقتران چیست؟ چه وجه مشترکی میان پیامبران، صدیقان، صالحان و «شهیدان» می تواند وجود داشته باشد که نام آنان در ردیف هم آمده است. دلایل زیادی می توان ذکر کرد که در اینجا فقط به چند مورد اشاره می شود.

دلیل اول اینکه شهیدان فردای قیامت جزو شهود (شهادت دهندگان) هستند. طبق روایات اسلامی فردای قیامت خداوند عده ای را به شهادت می گیرد و از میان هر قوم عده ای هستند که بر اعمال انسان های قوم خود

- اسالك بكل اسم دعائك به حملة عرشك وملائكة سماواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين اليك... وبحق مجاوري بتيك الحرام حجاجاً ومعتمرين ومقربين ومقدسین والمجاهدين

فی سبیلک بتقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۳۲۶.

- اسالك باسمك الذی سمیت به نفسک و... اسالك بكل اسم سماک به احد من خلقک من نبی اوصدیق اوشهید اواحد من ملائکتک. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۲۲۴.

شهادت می دهند. یکی از طبقه هایی که حضور آنها جزو شهود ذکر شده شهیدان هستند. شهیدان در کنار پیامبران و صدیقان و صالحان هر قوم یعنی راستگویی و راستکرداران بر اعمال انسانها گواهی و شهادت می دهند. شهیدان راه حق به دلیل عظمت مقام و منزلت خود بر اعمال انسانها گواهی و شهادت می دهند لذا ما می بینیم که در میان این افراد شهیدان نیز جزو شهادت دهندگان هستند. امام علی علیه السلام در یکی از مناجات های خود می فرماید:

خدایا من از تو طلب امان می کنم روزی در صور دمیده می شود همه موجودات زمین و آسمان می میرند مگر آنکه تو بخواهی. سپس بار دیگر در آن دمیده می شود و همه از جای خود برمی خیزند و زمین به نور پروردگار روشن می شود و کتاب و پیامبران و شهدا آورده می شوند و خداوند میان بندگان به حق حکم می کند و به هیچ کس ظلم نمی شود. (۱)

همچنین امام سجاد علیه السلام در دعای خود بعد از نماز شب می فرمودند: خدایا تو که در این دنیا آبروی مرا نبردی و به فضل و کرم خود بر گناهان من پرده پوشی کردی پس در قیامت هم گناهان مرا از چشم مردم مخفی بدار؛ در آن لحظه ای که شهود قیامت از فرشتگان و

- اللهم انی اسالك الامان الامان یا کریم یوم ینفخ فی الصور فصعق من فی السموات ومن فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون واشرفت الارض بنور ربها و وضع الكتاب جیء بالنبیین والشهداء وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۶۲؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۴۳۰.

پیامبران و شهیدان و صالحان همه حضور دارند. (۱) این عبارت از دعای امام سجاد علیه السلام به روشنی بیان می دارد که یکی از شهود روز قیامت در کنار پیامبران و صالحان و فرشتگان، شهیدان هستند. دلیل دیگری که می تواند علت اقتران شهدا به پیامبران و صالحان را بیان کند، مسأله شفاعت است. همچنان که می دانیم فردای قیامت عده ای از بندگان خاص خدا از سایر بندگان گناهکار شفاعت می کنند. اولین طبقه ای که نام آنها در میان شفاعت کنندگان آمده است، پیامبرانند. در کنار پیامبران، شهیدان نیز اجازه شفاعت دارند. خداوند می فرماید:

تنها کسانی فردای قیامت حق شفاعت دارند که خداوند به آنها اجازه داده باشد. (۲)

شهادت نیز جزو کسانی هستند که خداوند به آنها اجازه داده تا از سایر مردم شفاعت کنند پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید:
سه گروه هستند که نزد خدا دارای شفاعت هستند و خداوند هم شفاعت آنها را قبول می کند و آنها عبارتند از: پیامبران، علما و شهیدان. (۳)

- اللهم واذ سترتني بعفوك وتغمدتني بفصلك في دار الفناء بحضرة الاكفاء فاجرنى من فضيحات دار البقاء عند مواقف الاشياء من الملائكة المقربين والرسول المكرمين والشهداء والصالحين. الصيفة السجادية الجامعة، ص ۱۷۱.

- يومئذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن. طه، ۱۰۹. همچنین مریم، ۸۷؛ الزخرف، ۸۶ و النجم، ۲۶.

- ثلاثة يشفعون الى الله عزوجل فيشفعون: الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء. محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۲، ص ۱۵ و ج ۸، ص ۳۴.

دلیل دیگر مسأله قرب و نزدیکی پیامبران و شهیدان به خداوند است. هم پیامبر صلی الله علیه و آله و هم شهدا در عرش نزد خداوند مأوی دارند. حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر شد که شهید را هفت خصلت و ویژگی است که هفتمین آنها نظاره گری روی خداست، در ادامه این حدیث آمده است «و این امر برای هر «شهید» و «پیامبری» مایه آرامش و راحتی است». (۱) در این روایت بیان شده است که همه پیامبران و همه شهدا در جوار حق هستند و بواسطه قرب خود به خدا و نظاره گری روی خدا در بهشت با هم همنشینند. بنابراین شهدا در بهشت دارای مقام و رتبه ای چون پیامبران هستند. جالب این است که در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است که برتری پیامبران بر شهیدان فقط به خاطر درجه پیامبری آنها است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

شهیدان سه دسته اند: کسی که با جان و مال خود در راه خدا مبارزه می کند و در مصاف با دشمن آنها را می کشد و خود نیز کشته می شود. این شهید، شهید مفتخر نام دارد که در نزد خدا و تحت عرش وی مأوی دارد و پیامبران بر وی برتری ندارند مگر بواسطه نبوتشان. (۲)

- ان ينظر في وجه الله و انها لراحة لكل نبي و شهيد. الشيخ الحر العاملي، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰.

- القتلى ثلاثة: رجل مومن قاتل بنفسه وماله في سبيل الله حتى اذا لقي العدو

قاتلهم حتی یقتل فذلك الشهيد المفتر (فی خیمه الله تخت عرشه) لا یفضلہ النبیون الابدرجة النبوة . عبدالله ابن احمد القادری، الجهاد فی سبیل الله، (جده: دار المنارة، ۱۳۱۴) ج ۱، ص ۱۳۴.

از سوی دیگر شهیدان دارای فضیلت ها و کرامت هایی هستند که پیامبران از آنها محروم هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند شهیدان را به پنج کرامت و فضیلت بر من و همه پیامبران برتری و تفضل داده است. اول اینکه همه پیامبران حتی من توسط عزرائیل قبض روح می شوم اما شهیدان توسط ذات اقدس باری تعالی قبض روح می شوند. دوم و سوم اینکه همه پیامبران و حتی من بعد از مرگ نیاز به غسل و کفن داریم اما شهید غسل ندارد و با لباسی که در آن شهید شده است دفن می شود. چهارم اینکه همه پیامبران و حتی من بعد از مرگ مرده نامیده می شویم اما شهیدان «مردگان» نامیده نمی شوند بلکه آنها زنده اند و نزد خدا روزی می خورند. پنجم اینکه شفاعت پیامبران و حتی شفاعت من در روز قیامت بر مردمان جاری می شود اما شهید حتی قبل از قیامت قیامت هم از مردم نزد خدا شفاعت می کند. (۱)

- اکرم الله تعالی الشهداء بخمس کرامات لم یكرم بها احداً من الانبياء ولا انا ; احدها ان جميع الانبياء قبض ارواحهم ملك الموت وهو الذي سيقبض روحى واما الشهداء فالله هو الذي يقبض ارواحهم بقدرته كيف يشاء لا يسلط على ارواحهم ملك الموت. الثانى ان جميع الانبياء قد غسلوا بعد الموت وانا اغسل بعد الموت والشهداء لا يغسلون ولا حاجة لهم الى ماء الدنيا والثالث ان جميع الانبياء قد كفنوا وانا اكفن والشهداء لا يكفنون بل يدفنون فى ثيابهم. الرابع ان الانبياء لما ماتوا سمو امواتا و اذا مت يقال قد مات والشهداء لا يسمون موتى والخامس ان الانبياء تعطى لهم الشفاعة يوم القيامة وشفاعتى يوم القيامة واما الشهداء فانهم يشفعون فى كل يوم فيمن يشفعون. مكى قاسم البغدادى، پیشین، ج ۱، ص ۳۰۲.

به هر حال همردیفی شهدا با پیامبران، صدیقان و صالحان به طور مکرر در ادعیه و زیارات مورد تصریح یا اشاره قرار گرفته اند. البته دقیقاً نمی توان گفت که این همردیفی و اقتران در چه زمینه ای است. علاوه بر عللی که در بالا ذکر شد چند فرض دیگر نیز مطرح است، اول اینکه شهدا در مقام و مرتبه با پیامبران، صالحان و صدیقان برابر باشند. دوم اینکه شهدا در اجر و پاداش با پیامبران، صالحان و صدیقان برابر باشند ولی شأن و مرتبه آنها یکی نباشد، سوم اینکه شهدا، پیامبران، صالحان و صدیقان همه در زمره بندگان خوب و پسندیده خداوند باشند که حق تعالی به داشتن چنین بندگان بر خود ببالد، در این صورت هر کدام از اینها باز دارای مرتبه خاص خود خواهند بود. اما چون در ادعیه

و زیارات کلی ذکر شده ما نیز به طور دقیق وارد این بحث نمی شویم و به ذکر این نکته بسنده می کنیم که هر کدام از فرضهای فوق را قبول داشته باشیم باز هم مقام و مرتبه ای بس والا برای شهدا قائل شده ایم.

فصل چهارم

شهادت طلبی /

۱. حب شهادت

شهادت فی نفسه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و اولیا خدا دوست داشتنی است؛ یعنی قطع نظر از اینکه کسی آرزوی شهادت بکند یا نکند و یا اینکه تحقق چنین امر مهمی فراهم آید یا نیاید، اولیای خدا شهادت را محبوب خود می دانسته اند، چرا که شهادت نزد محبوب دوست داشتنی است و بر محب است که هر چه محبوب دوست دارد، دوست داشته باشد و حب و دوستی چیزی جز این نیست. از همین روست که پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام و همه اولیای خدا در سخنان خود به نحوی دوستی و شور و اشتیاق خود را به آن ابراز داشته اند. این امر مختص به زمان جنگ هم نیست بلکه دوست داشتن شهادت و علاقه به کشته شدن در راه خدا، همواره باید یکی از مطلوب ها و گزینه های هر محبی باشد تا صداقت و دوستی خود با خدا را ثابت کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها به این مسأله اشاره کرده اند. ایشان می فرماید:

کشته شدن در راه خدا برایم دوست داشتنی تر از این است که تمام دنیا مال من باشد. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله شهادت را به حدی دوست داشتنی می دانند که با اشتیاق سوگند می خورند که حاضرند شهید شوند، مجدداً چند بار زنده شوند و به شهادت برسند لذا در کلام دیگری میفرماید:

اگر دوری و فراق من بر مومنان گران نمی آمد در همه جنگ ها شرکت می کردم و هیچ سریه ای را بی حضور خود روانه نمی کردم و سوگند به آنکه جانم در دست اوست دوست دارم که در راه خدا به شهادت برسم و دوباره زنده شوم و دوباره به شهادت برسم باز زنده شوم و باز به شهادت برسم. (۲)

و در حدیثی دیگر اشاره شده است که دوست دارم این عمل تا هفتاد بار تکرار شود. این بیان نشانگر اهمیت و مطلوبیت شهادت نزد حضرت است. حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگهای صدر اسلام، خود نشان از اشتیاق پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت در راه خداست و این اشتیاق به شهادت که به عبارت دیگر اشتیاق دیدار یار و محبوب است در میان همه ائمه علیهم السلام و اولیا

- لأن اقتل فی سبیل الله احبّ الیّ من ان یكون لی اهل الوبر و المدر . سنن

نسائی، به شرح حافظ جلال الدین سیوطی (بیروت: دار احیاء التراث، ۱۹۳۰) ج ۶، ص ۳۳؛ مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۵.

- والذی نفسی بیده لوددت ان اقتل فی سبیل الله ثم احیاء، ثم اقتل، ثم احیاء، ثم اقتل، ثم احیاء، ثم اقتل. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۵؛ جلال الدین سیوطی پیشین، ج ۶، ص ۳۲؛ ابوالحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم (بشرح نووی) (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲)، ج ۱۳، ص ۲۰. خدا وجود شده است. حضرت علی علیه السلام بعد از آنکه در محراب عبادت بر فرق مبارکش ضربه وارد آمد و در بستر افتاد، فرمود:

سوگند به خدا هرگز مرگ بر من غلبه نیافت و این گونه نبود که مرگ به ناگهانی مرا برآید بی آنکه من آماده باشم. اصلاً مرگ برای من امر مکروه و ناپسندی نبود که ناخواسته مرا فراگیرد بلکه من چون تشنه ای بودم که همواره منتظر مرگ و شهادت در راه خدا بودم. من همواره جویای مرگ و کشته شدن در راه خدا بودم که اکنون به مطلوب خودم رسیدم. (۱)

حضرت علی علیه السلام در موارد زیادی به این نکته اشاره کرده و شور و اشتیاق خود را به دیدار محبوب نشان داده است. آن حضرت در یکی از سخنان خود می فرماید:

همانا مرگ آخرین و بالاترین محبوب من برای رسیدن به محبوب واقعی است. (۲)

و یا در جایی دیگر ضمن بیان حقانیت خود و حقانیت راهی که برگرفته است، می فرماید:

سوگند به خدا راه من راه حق و حقیقت است و در این راه من دوستدار شهادت و کشته شدن در راه خدایم. (۳)

- والله ما فجانی من الموت وارد کرهته و لا طالع انکرته و ما کنت الا کقارب ورد و طالب وجد. عزالدین ابوحامد المدائنی (ابن ابی الحدید) پیشین، ج ۱۷، ص ۶.

- ان احب ما انا لاق الیه الموت. همان، ج ۱۰، ص ۶۶، خ ۱۵۶.

- فوالله انی لعلی الحق و انی للشهادة لمحِب. همان، ج ۶، ص ۹۹.

حضرت علی علیه السلام در فرازی دیگر از سخنان خود ضمن تصریح به بیوفایی افراد زمان خود و شکوه از عدم حمایت و یاری آنها می فرماید:

سوگند به خدا که اگر نبود که مشتاق شهادتم و خودم را برای کشته شدن در راه خدا آماده و مهیا کرده ام، راضی نمی شدم حتی یک روز با این افراد در یک مکان حضور داشته باشم و با آنها در یک اردوگاه باشم بلکه آنها را رها می کردم. (۱)

همین مضمون را حضرت در فراز دیگری به این صورت بیان می دارد که:

سوگند به خدا اگر نه این بود که هر لحظه در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدا به سر می برم - و از خدا می خواهم که هر چه زودتر به این هدف و آرزوی خود نایل شوم - افسار شتر خود را می گرفتم و آنقدر از شما دور می شدم که فاصله میان من و شما بعدالمشرقین باشد و تا دنیا بر پا است سراغی از شما نمی گرفتم. (۲)

بنابراین با توجه به این اظهارات صریح می توان گفت یکی از داعیه های اساسی حضور امام علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ ها شور و اشتیاق به شهادت است. چراکه شهادت راهی مطمئن و کوتاه به سوی هدف و دیدار یار و لقا محبوب است. مسلماً راههای زیادی برای رسیدن به این هدف

- فوالله لولا طمعی عند لقاء عدوی فی الشهادة و توطیئی نفسی عند ذلك لاحببت الا ابقى مع هؤلاء يوماً واحداً. همان، ج ۶، ص ۹۳.

- والله لولا رجایی الشهادة عند لقاء العدو - ولو حملى لقاءه - لقربت ركابی ثم شخصت عنكم فلا اطلبکم ما اختلف جنوب و شمال. همان، ج ۷، ص ۲۸۵، خ ۱۱۸.

وجود دارد که هر يك لوازم خاص خود را می طلبد در این میان راه شهادت دستیابی به این هدف مهم را در کوتاهترین فرصت، ممکن می کند و تنها لازمه آن داشتن نیت صادق و تنها فرایند آن معامله با پروردگار در يك رویارویی با دشمنان خداست که در آن انسان جان و مال خود را به پروردگار تقدیم کرده و از وی حیات جاودان و ورود به بهشت برین را درخواست می کند. حضرت در کلام دیگری می فرماید:

انسان مومن اگر بیدار و هوشیار باشد همواره منتظر احدی الحسینین (یکی از دو نیکویی یعنی جهاد یا شهادت) است. (۱)

مومن همیشه آماده است تا در راه خدا جهاد کند و در این راه کشته شود یا دشمنان خدا را بکشد. در همین جا باید گفت که شور و شوق پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به معنای این نیست که آنان صرف کشته شدن و راحت شدن از دنیا را هدف خود در جنگها قرار داده بودند بلکه همچنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید شهادت و پیروزی هر دو از انتخاب ها و گزینه های نیکویی است که مطلوب حق و اولیا خدا می باشد و همچنان که در فلسفه جهاد مطرح است جنگیدن با دشمنان خدا برای رفع موانع و طرد مزاحم صورت می گیرد. بنابراین اصل در جهاد بر این است که دشمن را نابود ساخته و پیمودن مسیر حق و حقیقت را برای بندگان خدا هموار کرد. اما اگر کسی در این مسیر کشته شود، در حقیقت نوعی وصول به هدف و مقصد است. پس همچنانکه کشتن و پیروزی از نیکویی ها و مطلوب ها است

- المؤمن الیقظان ینتظر احدی الحسنین مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵ و ص ۲۸۸.

کشته شدن و شهادت نیز از مطلوب ها و یکی از دو نیکویی مرتبط با جنگ است. البته باید توجه داشت که حسن ها و خوبی ها محدود در این دو مورد یعنی شهادت و یا پیروزی نیست. بلکه این دو مورد در ارتباط با جنگ معنا پیدا می کند و الا طریق پیمودن مسیر حق فراوان بلکه به عدد انفس است. حضرت علی علیه السلام در جایی دیگر، فلسفه دوستی و حب شهادت را نیز بیان می کند. از آن حضرت سوال شد که چرا دیدار پروردگارت را دوست داری؟ حضرت فرمود:

زیرا دیدم خداوند دین فرشتگان و پیامبران خود را به من ارزانی داشته است. فهمیدم که خدایی که مرا تا این حد کرامت و بزرگواری بخشیده، هرگز مرا فراموش نخواهد کرد. از این رو بود که مشتاق دیدار روی محبوب و لقای پروردگارم شدم. (۱)

این سخن حضرت را می توان اینگونه تفسیر کرد که لطف خداوند در حق مومنان از طریق هدایت و در مسیر حق قرار دادن آنها نوعی حیات و هستی است. یعنی کسی که در طریق دین الهی و در مسیر پیامبران و فرشتگان گام برمی دارد در حقیقت به نوعی حیات جاودانه دست یافته است که به دلیل واقع شدن در ظرف دنیا دارای محدودیت های خاص خود است و تنها کسی که می تواند انسان را از این محدودیت ها نجات دهد همان کسی است که چنین لطفی را در حق انسان کرده است و او را هدایت کرده تا در مسیر اصلاح خود و

- سئل امیر المؤمنین علی علیه السلام بماذا احببت لقاء الله؟ قال علیه السلام: رأيت قداختار لی دین ملائکته و رسله و پیامبرائه، علمت ان الذی اکرمني بهذا، لیس ینسانی فاحببت لقاءه. محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۷ و ج ۶، ص ۱۲۷. جامعه گام بردارد. بنابراین ایمان آوردن و گام نهادن در مسیر حق و هموار کردن این مسیر برای دیگران نوعی حیات است. شاید آیه ۲۴ سوره انفال دلالت بر همین داشته باشد. خداوند در این آیه می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و رسول خدا شما را به امری دعوت کنند که در آن امر حیات و هستی شماست، دعوت خدا و پیامبرش را لبیک گوید. (۱)

این تنها خداوند است که می تواند به انسان رهایی و آزادی جاودانه عطا کند و شرط رسیدن به چنین آزادی جاودانه ای رهایی از محدودیت های این جهان هستی است. رهایی از این محدودیت ها یعنی رسیدن به جهان نامحدود و جان جهان یعنی خداوند تبارک و تعالی و مسلماً یکی از باارزش ترین شیوه های

رهایی از این محدودیت شهادت و کشته شدن در راهی است که محبوب خدا و اولیای است.

۲. آرزوی شهادت

آرزوی شهادت فصل دیگری از کتاب لقاءالله و دیدار روی محبوب است. علاوه بر اینکه شهادت و کشته شدن در راه حق فی نفسه محبوب دل عارفان است. طلب شهادت و آرزوی رسیدن به این مهم یکی از آرمانها و دغدغه های دیرینه اولیای خداوند بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نه تنها خود همواره آرزوی شهادت از درگاه حق را داشته اند بلکه به

- یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم... .انفال، ۲۴.

ما نیز سفارش کرده اند که از خداوند بخواهیم توفیق وصول به خود را از طریق شهادت به ما عطا کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند:

هر که آرزوی شهادت در راه خدا را داشته باشد و صادقانه توفیق شهادت را از خداوند درخواست کند، به آن خواهد رسید و پاداش شهدا را دریافت خواهد کرد حتی اگر در ظاهر در جنگ با دشمنان کشته نشود. (۱)

در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

هر که از روی صدق و راستی از خداوند شهادت را درخواست کند، خداوند او را به مقام و منزلت شهیدان سوق می دهد حتی اگر در بستر بمیرد. (۲)

بنابراین آن که مشتاق شهادت در راه خداست چه بمیرد و چه کشته شود - حتی اگر در غیر جنگ کشته شود - باز هم شهید است و اجر شهید را دارد. این دو روایت ما را به این نکته رهنمون می کند که شهادت و طلب شهادت تنها مخصوص عرصه و صحنه جنگ نیست بلکه چشیدن شهد شیرین شهادت باید همیشه و در همه حال مطلوب مجاهدان و محبوب اولیا و بندگان خدا باشد. در

- من طلب الشهادة صادقاً اعطيها و لولم تصبه. صحيح مسلم بشرح نووي، ج ۱۳، ص ۵۵؛ ابوالعباس شهاب الدين قسطلاني، پیشین، ج ۸، ص ۱۱۳؛ محمد بن علان الصديقي، پیشین، ج ۵، ص ۴۶.

- من سأل الله الشهادة بصدق بلغه الله منازل الشهداء و ان مات على فراشه. ابو محمد عبدالله بن الرحمن الدارمي، سنن دارمي (بيروت: دار الكتب العلمية) ج ۲، ص

۲۰۵؛ ابوالعباس شهاب الدین قسطلانی، پیشین، ج ۵، ص ۴۶.

این صورت مرگ در بستر نیز به نوعی شهادت محسوب می شود و اجر شهید را دارد. با این وجود تاریخ و تجربه ثابت کرده است که همیشه افقهای برای وصول به این مهم وجود داشته است؛ حتی در مواقعی که جنگی در جریان نبوده است آنان که آرزوی شهادت در راه خدا را در سر داشته اند، به گونه ای غیر منتظره - و من حیث لا یحتسب - این جام شیرین را سرکشیده اند. البته باید گفت آرزوی شهادت برای افرادی جامعه است که همیشه خود را آماده لقایار و دیدار محبوب می دانند و از معاصی دوری می گزینند تا اولین شرط چنین آرزویی یعنی طلب صادقانه شهادت تحقق یابد.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد در حال نماز بود. فردی وارد مسجد شد و نماز خواند. بعد از نماز رو به درگاه خداوند نمود و گفت: خدایا بهترین چیزی که به بندگان خود عطا کرده ای نصیب من کن. در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز بود متوجه این سخن شد. بعد از اتمام نماز پیامبر صلی الله علیه و آله رو به آنها که در مسجد بودند کرد و فرمود: چه کسی هم اکنون این دعا را کرد؟ آن شخص گفت: من بودم ای پیامبر. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای تو را مستجاب کرد. ای مرد بدان که اسب تو در راه خدا پی می شود و تو نیز در راه خداوند به شهادت می رسی. (۱)

بنابر این می توان از این روایت دریافت که شهادت بهترین و برترین عنایت و لطف خداوند نسبت به بندگان مومن خود است؛ آن شخص دعا کرده بود که

- «اللهم انتی افضل ما توتی عبادک»... قال النبی: من المتکلم آنفاً؟ قال: انا. قال: اذا یعقر جوادک و تستشهد فی سبیل الله تعالی. محمد بن علان الصدیقی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۳.

- ۱۵۰-

خداوند بهترین عنایت ها و الطاف خود را نصیب او کند و پیامبر صلی الله علیه و آله چون چنین دعایی را از او می شنود می فرماید خداوند دعای ترا مستجاب و کشته شدن در راه خود را نصیب تو خواهد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی حضرت مهدی (عج) ظهور کند، افرادی گرداگرد او هستند که

خداترس هستند و از خداوند طلب شهادت می کنند و آرزو می کنند

که در راه خدا و در جهاد با دشمنان دین کشته شوند. (۱)

و جالب توجه اینجاست که شهادت و آرزوی آن زمان و مکان و شرایط نمی شناسد. آرزوی شهادت با جان و روان مشتاقان درگاه حق آمیخته است. اگر کسی همواره چنین اندیشه ای را در سر نداشته باشد حقا که مومن نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

برترین و بهترین مردم کسی است که خود را وقف در راه خدا کرده باشد؛ با دشمن خدا بجنگد در حالی که شهادت در راه خدا آرزوی وی باشد. (۲)

علامه محمد تقی جعفری چه زیبا این نکته را بیان کرده است :
کسی که آرزوی شهادت می کند در حقیقت قدرت به دست آوردن «حیات معقول» را دارا گشته است. یعنی تنها «حیات معقول» است

- يدعون الشهادة و يتمنون ان يقتلوا فی سبیل الله تعالى. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۱؛ میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۹.

- خير الناس رجل حبس نفسه فی سبیل الله یجاهد اعدائه یلتمس الموت او القتل فی مصافه. میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۴.

که می تواند حیات طبیعی و معمولی را وسیله ای برای وصول به هدفی عالی تر تلقی نموده و به جریان آن پایان بدهد. «حیات معقول» عبارت است از آن زندگی پاک از آلودگی ها که خود را در يك مجموعه بزرگی بنام جهان هستی در مسیر تکاملی می بیند که پایانش منطقه جاذبه الهی است. آدمی با داشتن این «حیات معقول» خود را موجدی از مشیت خداوندی می داند که اگر سر بکشد و در اقیانوس هستی نمودار گردد، رو به هدف اعلامی رود و اگر فرود بیاید و کالبد بشکافد، صدای این شکاف عامل تحرك امواج دیگری خواهد بود که آنها نیز جلوه هایی از مشیت الهی میباشند. پس پایان دادن به زندگی برای کسانی که موفق به «حیات معقول» گشته اند، بدان جهت که علت اصلی آن از متن «حیات معقول» برخاسته است، صفتی است برای خود حیات، نه اینکه این گونه پایان دادن به زندگی نوعی از مرگ است. (۱)

مسلماً پی بردن به این حقیقت و واقعیت که مرگ نوعی حیات و جاودانگی است لحظه ای آرزوی رسیدن به چنین هدفی او را تنها نمی گذارد و از همین روست که می بینیم بخش اعظمی از ادعیه و مناجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به طلب شهادت و آرزوی کشته شدن در راه خدا اختصاص یافته است. در ادامه بخشی از این دریای بیکران و نمونه هایی از راز و نیازهای ائمه علیهم السلام با خداوند و درخواست و طلب توفیق شهادت را

- محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶) ج ۶، ص ۶.

مرور خواهیم کرد؛ باشد که سنگ دل ما موم شود و ما نیز بتوانیم صادقانه چنین آرزویی داشته باشیم و از خداوند چنین درخواستی بکنیم.

۳. آرزوی شهادت در بیان ائمه علیهم السلام
 طلب شهادت از درگاه خداوند و نایل شدن به چنین فوز عظیم و سعادت ابدی همیشه و همه جا یکی از آرمانها و آرزوهای اساسی ائمه علیهم السلام بوده است و بر اساس حدیث شریف «هر که چیزی را بطلبد و به جد آن را بخواهد به آن خواهد رسید»، همه ائمه علیهم السلام به چنین امر مهمی دست یافته و لذا می بینیم که همه ائمه دین علیهم السلام - اگر چه در صحنه جنگ کشته نشدند - اما شهید محسوب می شوند. ائمه علیهم السلام در موارد متعدد این خواسته خود را در قالب ادعیه و مناجات با پروردگار بیان کردند؛ چه در حالات عرفانی، چه در نماز و چه در صحنه جنگ و بخصوص در ادعیه شریفه مربوط به ماه مبارک رمضان این مضمون بسیار مشهود است. امام علی علیه السلام در خطبه بیستوسوم نهج البلاغه می فرماید:

از خداوند مقامات عالی شهیدان، حیات و زندگی با سعادت‌مندان و همراهی با پیامبران را مسئلت می نمایم. (۱)

حضرت علی علیه السلام در این عبارت سه خواسته اساسی را مطرح کرده است: زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهادت گونه و همنشینی با پیامبران در سرای باقی؛ سه خواسته ای که یکی معطوف به دنیا، یکی معطوف به مرگ و دیگری

- نسأل الله منازل الشهداء و معایشة السعداء و مرافقة الانبياء نهج البلاغه، ص ۵۲، خ ۲۳.

مربوط به آخرت است. حضرت در این عبارت مسیر کلی و مطلوب زندگی، مرگ و حیات بعد از مرگ را تبیین می کند. مسیر کاروان حق و حقیقت رو به منزلگه نهایی شهیدان، سعادت‌مندان و پیامبران الهی است. کاروان بشریت دارای مبدا و مقصدی است که مقصد نهایی حرکت آن لقاءالله و رضوان الله است. کسانی می توانند این مسیر را طی کنند و به مقصد برسند که همنشین شهیدان و سعادت‌مندان و اولیا و پیامبران خدا باشند. (۱)

حضرت علی علیه السلام در جای دیگر با بیان اینکه همه انسانها روزی مقهور مرگ می شوند و با اشاره به اینکه مرگ سرخ یعنی کشته شدن در راه حق بهترین مرگ ها است می فرماید:

خداوند از تو می خواهم تا شکرگذاری از نعمتهایت را به من عطا کنی تا بتوانم به خواسته های تو عمل کنم و فرامین تو را به انجام رسانم و پرهیزکاری پیشه کنم و بر تو توکل کنم و به ریسمان تو جنگ زنم و به کتاب تو تمسك جویم و تو را آنچنان که باید و شاید

بشناسم و بتوانم نیرویی به دست آورم تا تو را عبادت کنم و یاد تو را مدام در دل داشته باشم و هنگامی که چاره ای جز مرگ برایم نباشد مرگ مرا کشته شدن در راه خود قرار بده درحالیکه به دست بدترین مردمان کشته شده باشم و مرا جزو کسانی قرار بده که نزد تو روزی می گیرند. (۲)

- محمدتقی جعفری، پیشین، ج ۵، ص ۷۳.

- اللهم... اسألك ان ترزقني شكر نعمتك بوعدك و حفظاً لوصيتك و ورعاً و توكلأ عليك و اعتصاماً بحبلك و تمسكاً بكتابك و معرفة بحقك و قوة في عبادك و نشاطاً لذكرك ما استعمرتني في ارضك فاذا كان ما لا بد منه الموت فاجعل منيتي قتلاً في سبيلك بيد خلقك و اجعل مسيري في الاحياء المرزوقين. الصحيفة العلوية، ص ۳۱۲.

همچنین در دعایی که امام سجاد علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می کند آرزوی شهادت به وضوح دیده می شود. در این دعا می خوانیم:

خدا را سپاس می گذاریم، شکر و سپاسی که بواسطه آن بتوانیم سعادتمند گشته و در زمره اولیا و شهدا قرارگیریم در حالیکه به دست دشمنان خدا در راه او کشته شده باشیم. (۱)

در این دعا عمل نيك وسیله دستیابی به شهادت واقع شده است و از خداوند درخواست شده است تا در مقابل حمید و تکبیر خداوند، روزی شهادت نصیب ما شود. امام صادق علیه السلام در دعای بعد از زیارت امیرالمؤمنین می فرماید:

خدایا مرا در دوستی و راستی با اولیای خود ثابت قدم نگهدار و مرا چنان کن که مشتاق دیدار و زیارت آنان باشم تا اینکه مرا نیز با آنان ملحق گردانی و در دنیا و آخرت مرا پیرو و رهرو آنان قرار ده. (۲)

- الحمد لله... حمداً نسعد به في السعداء من اوليائه و ننظم به في نظام الشهداء بسيف اعدائه انه ولي حميد. جواد القيومي، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۲؛ عزالدین ابوحامد المدائنی (ابن ابی الحدید) پیشین، ج ۶، ص ۱۸۶؛ الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۲۱.

- اللهم اجعل لي قدم صدق في اوليائك و حبب اليّ مشاهدتهم و مستقرهم حتى تلحقني بهم و تجعلني لهم تبعاً في الدنيا و الآخرة يا ارحم الراحمين. محمدحسین الجلالی الحسینی، پیشین، ص ۳۱۳.

چنانکه روشن است همراهی و تبعیت از پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام باید هم در گفتار و هم در رفتار باشد و چنانکه توضیح داده شد همه امامان، شهدای راه حق محسوب می شوند. بنابراین یکی از شرایط تبعیت و یکسانی با آنان این

است که از خداوند بخواهیم ما را نیز در همان مسیری قرار دهد که آنان بودند و نهایت کار ما را همچون آنان با شهادت ختم کند. در دعای دیگر شبیه همان دعا، امام صادق علیه السلام در ضمن زیارت امام حسین علیه السلام چنین دعا می کند:

خدایا مرا به زیارت محل شهادت و قبور آنان مشتاق گردان و به من توفیق ده تا در مسیری که آنان رفته اند به شهادت برسم. (۱)

امام صادق علیه السلام در این دعا ضمن تأکید بر امر زیارت از خداوند می خواهد تا زیارت مشاهد و مقابر ائمه علیهم السلام را وسیله ای قرار دهد که از طریق آن دوستی اهل بیت در دل انسان استوار گردد و از این طریق انسان توفیق شهادت در راه خدا به دست آورد. در زیارت امام حسین علیه السلام و دعای بعد از زیارت آن حضرت می خوانیم:

خدایا شهادت در راه خود را نصیب ما بگردان. (۲) ... خدایا زندگی مرا، زندگی محمد و آل محمد قرار ده و مرگ مرا مرگ محمد و آل محمد قرار ده. (۳)

- اللهم حبب الی مشاهدهم و شهاداتهم. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، صص ۲۱۴ و ۲۳۳.

- اللهم... و قتلا فی سبیلک فوق لنا نبیل شعبان، پیشین، صص ۳۰۵.

- اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتى ممات محمد و آل محمد. نبیل شعبان، پیشین، صص ۳۱۲؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، صص ۴۵۷؛ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، صص ۱۹۴.

همچنانکه بیان شده زندگی حضرت محمد و آل محمد زندگی سعادت‌مندان و با عزت بود و مرگ آنها هم شهادت. زیراحیات سعادت‌مندان با شهادت تکمیل می شود و شهادت جزئی از آن است بر همین اساس امام (ع) می فرماید: همه ما اهل بیت شهید هستیم (۱) بنابراین مرگ ائمه علیهم السلام به طریق شهادت بوده است. و طلب مرگی از نوع مرگ آنان یعنی طلب شهادت و کشته شدن در راه خدا از آرزوهای دیرین پیروان صادق آنان بوده است. در دعای ابو حمزه ثمالی - که از شریفترین و نغزترین ادعیه شیعه محسوب می شود - می خوانیم:

خدایا مرگ مرا در راه خود و بر دین محمد - که درود تو بر او باد - قرار ده. (۲)

مرگ در راه خدا و بر دین خدا یعنی مرگ بخاطر انگیزه ای که پیامبر صلی الله علیه و اله و امام حسین علیه السلام برای آن قیام کرد و چنین مرگی جز شهادت نمی تواند باشد. در فراز دیگری از همین دعای شریف می خوانیم:

خدایا در آن لحظه که عمر من به سر آید، مرگ مرا در راه خود قرار ده و مرا در راه خود به شهادت برسان. (۳)

در دعای علوی المصری نیز می خوانیم:

- محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

- اللهم...وتوفنی فی سبیلک وعلی ملة رسولک صلی الله علیہ وآلہ .شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۶۲۲.

- اللهم...وتوفنی عند انقضاء اجلی علی سبیلک . همان.

خدایا از تو می خواهم تا بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من حیات سعادت مندان و مرگ شهیدان را عطا فرمایی. (۱)

صحنه جنگ یکی از صحنه های دعای صادقانه و خالصانه به درگاه خداوند است. میدانگاه نبرد، صحنه ای است که دعا در آن قرین به استجاب است. یکی از مهمترین ادعیه ائمه علیهم السلام در صحنه جنگ درخواست توفیق شهادت از خداوند بوده است. امام علی روز جنگ صفین در دعایی فرمودند:

ای پروردگار این آسمان برافراشته، اگر ما را بر دشمن پیروز کردی، تکبر و خودخواهی را از ما دور کن تا نپنداریم که ما به نیروی خود پیروز شده ایم و ما را به راه رشد و هدایت نزدیک کن تا شکر پیروزی ای را که تو به ما عنایت کرده ای به جای آوریم و اگر دشمن را بر ما پیروز گردانیدی به ما توفیق شهادت در راه خودت را عطا کن. (۲)

در دعای دیگری حضرت (ع) شهادت در راه خدا را موجب یاری رساندن و

- اللهم...اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد وان تحینی حیاة السعداء وتمیتنی میتة الشهداء. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۵۴۳.

- اللهم رب هذا السقف المرفوع... ان اظفرتنا علی عدونا فجنبنا الکبر و سددنا للرشد و ان اظفرتهم علینا فارزقنا الشهادة نهج البلاغة، ص ۳۲۶، خ ۱۷۱؛ الصحيفة العلویة، ص ۳۰۵؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعية...، ص ۴۰۳؛ ابوالقاسم سید بن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۰۲ و ۱۲۸؛ محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۵۸، ص ۹۴ و ج ۹۱، ص ۲۴۱؛ میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰۸.

ثبات دین خدا معرفی می کند و می فرماید:

خدایا برترین شهادت ها و کشته شدن ها در راه خودت را به من عطا کن تا بتوانم با خون خود دین تو و پیامبر تو را یاری دهم و با شهادت خود حیات جاودانه را به دست آورم... خدایا [در هر صورت حتی اگر در این جنگ هم کشته نشوم] عاقبت کار مرا با

شهادت ختم کن. (۱)

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بعد از اینکه یاران با وفای خود را از دست دادند و دشمنان دین همه همزمان وی را به شهادت رساندند، عشق خود به شهادت را بیان میکند و می فرماید:

ای پروردگار من و ای سرور من دوست دارم تا در راه تو و در راه اجرای فرامین تو و در دوستی با تو نه یک بار که هفتادبار کشته شوم به خصوص که در شهادت و کشته شدن من نصرت دین تو باشد و بتوانم سنت های دین تو را احیا و ناموس دین تو را حفظ کنم. و این در حالی است که بعد از شهادت یاران و خاندانم زندگی در این دنیا دیگر برایم سخت و سنگین شده است. (۲)

- اللهم ارزقني اشرف القتل في سبيلك انصرك وانصر رسولك اشترى الحياة الباقية بالدنيا... اللهم اختم لي عملي بالشهادة محمد باقر المجلسي، پیشین، ج ۹۱، ص ۲۳۹؛ جواد القيومی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ابو القاسم سیدین طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۲۴.

- الهی و سیدی و ددت ان اقتل و احيى سبعين الف مرة في طاعتك و محبتك سيما اذا كان في قتلي نصرة دينك و احياء امرك و حفظ ناموس شرعك ثم اني قد سئمت الحياة بعد قتل الاحبة و قتل هؤلاء الفتية من آل محمد بموسوعة كلمات الحسين، ص ۴۸۲.

همانگونه که صحنه جنگ یکی از مهمترین مکانهای بیان آرزوی شهادت است، ماه رمضان هم یکی از مهمترین زمانها و لحظه های درخواست و آرزوی شهادت است؛ زیرا ماه رمضان ماه قرآن، دعا و زیارت است. اگر چه اصل در این ماه روزه گرفتن است اما گویی روزه ماه رمضان با دعا و مناجات کامل می شود. یکی از نکات بسیار مشهود در ادعیه ماه رمضان درخواست شهادت از درگاه خداوند است. در تمامی صحنه های مناجات این ماه می بینیم که ائمه علیهم السلام در ضمن دعاها و خود از خداوند خواسته اند تا زندگی آنان را به سعادت و شهادت ختم کند. شاید یکی از دلایل اصلی تأکید بر چنین امری وجود شب قدر در ماه رمضان باشد و از آنجا که سرنوشت و کتاب حیات و ممات انسان ها در این شب رقم می خورد، استجاب دعا و حتمی شدن خواسته ها و حاجات در این ماه بیشتر از سایر ماهها و شب ها است. لذا در صورتی که دعای انسان در این ماه و به خصوص در شب قدر مورد اجابت قرار گیرد این امید در انسان تقویت می یابد که مرگ وی شهادت در راه خدا باشد. امام سجاد علیه السلام در آغاز ماه مبارك رمضان ضمن اشاره به اهمیت و حرمت این ماه به درگاه خداوند عرضه می دارد:

خدایا من از تو می خواهم تا به حق و حرمت این ماه شریف و به

حق تمام کسانی که ترا در این ماه از اول تا آخر عبادت می کنند - چه ملائکه مقربین و چه پیامبران و چه اولیا و بندگان صالحت - بر محمد و آل محمد درود فرستی و ما را در زمره کسانی قرار دهی که استحقاق باز یافتن در حضور رایافته اند. (۱)

در دعای شریف افتتاح که از جمله ادعیه معروف ماه مبارک رمضان است نیز می خوانیم:

خدایا شهادت در راه خود رانصیب ماگردان. (۲)

همچنین در ادعیه آمده است که امام علی علیه السلام چون ماه رمضان وارد می شد دعایی را می خواندند که در ضمن آن، شهادت و گشته شدن در راه خدا درخواست می کردند. حضرت در این دعا ضمن اشاره به اینکه شهادت در حقیقت نوعی رحمت خدا نسبت به انسان است می فرماید:

خدایا عاقبت کار مرا به شهادت ختم کن و مرا غریق رحمت خود گردان. (۳)

همچنین مستحب است در هر روز از رمضان این دعا خوانده شود:

خدایا از تو می خواهم تا مرگ مرا شهادت در راه خود و زیر پرچم محمد و در صف یاران امام زمان (عج) قرار دهی. از تو می خواهم

- اللهم انی اسالك بحق هذا الشهر وبحق من تعبد لك فيه من ابتدائه الى وقت فوائه من ملك قربته اونی ارسالته او عید صالح اختصاصه ان تصلى على محمدا وآله... واجعلنافی نظم من استحق الرفیع الاعلی برحمتك. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۲۱۲.

- اللهم و قتلا فی سبيلك فوق لنا مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۱؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۱۷۹.

- اللهم اختم لی بالشهادة والرحمة. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۲؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۳۳۲.

تا در صف یاران حضرت مهدی (عج) دشمنان دین ترا از بین ببرم و خود نیز به شهادت برسم. (۱)

در رابطه با شهادت طلبی در ماه مبارک رمضان دعای «خدایا نام مرا با سعادت‌مندان و روح مرا با شهیدان قرار بده» در موارد زیادی تکرار شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان (شب قدر) این دعا را می خواندند:

ای خدای شب قدر و ای خدایی که شب قدر را برتر از هزار شب قرار داده ای از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در این شب نام مرا جزو سعادت‌مندان و روح مرا با شهدا قرار دهی و

به من توفیق دهی تا در این ماه مدام ذکر ترا در دل داشته باشم و بر نعمت های تو شاکر باشم. (۲)

چنان که مشاهده می شود دو خواسته اساسی پیامبر صلی الله علیه و اله در این دعا زندگی سعادتمندانه و مردن شهادت گونه است. همین فقره از دعا در صحیفه

- اللهم... واسالك ان تجعل وفاتي قتلا في سبيلك تحت راية محمد نبيك مع وليك صلواتك عليهما واسالك ان تقتل بي اعدائك واعداء رسولك. تقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۳۱۱؛ الصحيفه السجادية الجامعة، ص ۲۶۳ (دعاء روز نوزدهم رمضان).

— يارب ليلة القدر وجاعلها خير آمن الف شهر اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء وارزقني فيها ذكرك وشكرك. جواد القيومي، پیشین، ج ۱، ص ۶۴۲؛ میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۷، ص ۳۶۷.

سجادیة از آداب هر روز ماه رمضان ذکر شده است که امام (ع) در هر روز از ماه مبارك رمضان این دعا را می خواند. در دعای دیگری می خوانیم :

خدایا از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی و نام مرا در زمره سعادتمندان و روح مرا در زمره شهیدان قرار دهی و اعمال نیک مرا در بهشت پاداش دهی و از گناهان من درگذری. (۱)

همین فراز از دعا بعد از زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله نیز ذکر شده است. (۲) تاکید زیادی بر ادعیه شهادت در ماه رمضان شده است. این تاکید از فحوای ادعیه ماه مبارك رمضان به دست می آید به گونه ای که از اول تا آخر این ماه دعای درخواست شهادت در ضمن ادعیه آمده است. در وداع ماه مبارك رمضان امام سجاد علیه السلام می فرماید:

خدایا اگر این ماه آخرین ماهی است که ما در آن روزه می گیریم از تو می خواهیم که زندگی ما را در این دنیا با سعادت و شهادت و برکت و رحمت و قبول طاعات ختم کنی. (۳)

- اللهم... اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحسانى في عليين واسائتي مغفورة. الصحيفه السجادية الجامعة، ص ۳۹ و ص ۲۵ و ص ۲۷۸؛ تقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۲۸۳ و ص ۳۱۴ و ص ۳۲۵؛ تقى الدين الكفعمي، المصباح في الادعية، ص ۸۴۰؛ شيخ ابى جعفر طوسی، پیشین، ص ۶۲۹؛ عبدالحسين طالعی، پیشین، ص ۲۰۸.

نبييل شعبان، پیشین، ص ۶۱؛ تقى الدين الكفعمي، المصباح في الادعية، ص

۴۷۴ (عن الرضا علیه السلام).

-اللهم... فان كان آخر شهر صمنه فاختتم لنا فيه بالسعادة والشهادة والبركة والرحمة والقبول. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۰۳.

۴. آرزوی شهادت در رکاب پیامبر (ص) وائمه (ع)

بخشی از ادعیه و زیارات وارده از امامان معصوم علیهم السلام به این امر اختصاص یافته است که ای کاش ما در صدر اسلام بودیم و در جنگهای پیامبر صلی الله علیه و اله علیه کفار و مشرکین شرکت می کردیم و به شهادت می رسیدیم یا در رکاب امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حضور داشتیم و در راه حفظ و گسترش دین خدا مبارزه می کردیم و دشمنان دین خدا را می کشتیم و خود نیز به شهادت می رسیدیم. این مسأله نشان از دو امر دارد؛ یکی اهمیت و قداست ذاتی شهادت و دوم اهمیت و علو مقام شهدای صدر اسلام و شهیدانی که در رکاب ائمه علیهم السلام به شهادت رسیدند. امام سجاد علیه السلام در دعایی که به صلوات و تهنیت بر پیامبر صلی الله علیه و اله اختصاص یافته می فرماید:

خدایا اگر چه پیامبر صلی الله علیه و اله در زمان قبل از ما بود و ما حیات او را درك نکردیم و او را ندیدیم، اما بی هیچ گونه تردید و تأملی به او ایمان آوردیم اما آرزو می کنیم ای کاش با او بودیم و در رکاب او می جنگیدیم و دست دشمنان را از سر او کوتاه می کردیم و در راه تو شهید می شدیم. پروردگارا حال که ما نبودیم تا او را یاری دهیم و روزگار به ما اجازه نداد تا در زمان حیات او باشیم و با دشمنان او بجنگیم و با او هجرت کنیم و خود را سپر بلای او قرار دهیم، پس شهادت را نصیب ما کن ما را از باسعادت ترین یاران او قرار بده. (۱)

از آنجایی که یکی از تعابیر شهادت در زبان ائمه علیهم السلام تعبیر سعادت است، می توان گفت منظور از این عبارت که «خدایا ما را از سعادت مندترین یاران پیامبر قرار بده» آرزوی شهادت و دعا برای گشته شدن در راه خدا است.

علاوه بر جنگهای صدر اسلام و جنگهایی که در زمان حضرت علیه السلام اتفاق افتاد، مبارزه امام حسن (ع) با دستگاه بنی امیه و نهایتاً حماسه عاشورا یکی دیگر از صحنه هایی است که هر مومنی آرزو می کند که ای کاش در آن زمان حضور داشت و با آن حضرت شهید می شد از همین روست که در زیارت امام حسین علیه السلام به آن حضرت عرض می کنیم:

سلام بر تو، سلام بر تو از ناحیه کسی که به حق تو آشناست و به ولایت تو خالصانه ایمان دارد. سلام کسی بر تو باد که آرزو می کند ای کاش در سرزمین کربلا با تو بود تا خود را سپر بلای تو می کرد و

— اللهم انه قد سبقنا بتقديمك اياه، و تاخيرنا عن رويته و ان كان لم يسبقنا باياته و علاماته و ما حج به عقولنا من برهان رسالاته، فامنا به غير شكاك و لا ذى خواطر حالت بيننا و بين الاعتراف بحجته و قد عظم تلهفنا على الذين اخرجوه من بلده و كانوا مع الذى كايده و جحده و تمنينا ان لو شهدنا مشهداً من مشاهده فنرد ايدي الذين حاربوه الى صدورهم، و نضرب صفحات خدودهم و لبات نحورهم اللهم فاذا قد فانتنا نصرته و ضرب وجوه المنكرين بحجته و قصرت بنا عن دهره و لم تخرجنا فى مدة من نصره و عزره و آواه و وقره و خرج من بيته مهاجراً معه فصانه بنفسه عن المشركين ومنعه لا عن لحمه و لا نسبة فاجعلنا من اسعد اتباعه... . الصحيفة السجادية الجامعة، ص ٣٨.

تا آخرین نفس در مقابل شمشیرها از تو دفاع می کرد و در مقابل کسانی که به تو ظلم و تعدی کردند و با تو جنگیدند، مبارزه می کرد و جسم و جان و مال و فرزندان و خانواده خود را فدای تو و خاندان تو می کرد. (۱)

این دعا که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام وارد شده است اوج سوز و اشتیاق به شهادت در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را بیان می دارد. امام زمان علیه السلام در فراز دیگری در زیارت عاشورای خود خطاب به امام حسین علیه السلام می فرماید:

ای سرور من و ای مولای من اگر من روز عاشورا در کربلا نبودم تا ندای مظلومیت ترا پاسخ گویم و به یاریت بشتابم، بدان که تمام عشق و جان و دل من به سوی توست و من هر لحظه با جان و دلم به آن ندای تاریخی تو پاسخ می دهم و شهادت می دهم که تو برحق بودی و حق با تو بود و آنان که با تو مخالفت کردند و در مقابل تو صف کشیدند بر باطل بودند و آرزو می کنم که ای کاش با تو در کربلا بودم و از تو دفاع می کردم و با تو و یارانت شهید می شدم و به فوز

— السلام عليك سلام العارف بحرمتك المخلص في ولايتك المتقرب الى الله بمحبتك... سلام من لو كان معك بالطوف لوقاك بنفسه حدالسيوف و بذل حشاشته دونك للحتوف و جاهد بين يديك و نصرك على من بغى عليك و فداك بروحه و جسده و ماله و ولده و روحه لروحك فداه و اهله لاهلك و قاء. جلال برنجیان، حماسه عاشورابه بیان حضرت مهدی (الاثارات)، (قم: انتشارات طور، ۱۳۶۹) ص ۶۶؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

عظیم و رستگاری ابدی دست می یافتم. (۱)

در زیارت عاشورا - و تقریباً می توان گفت در همه زیارات مربوط به امام حسین علیه السلام - عبارت: ای کاش من هم با شما بودم و به فوز عظیم نائل می شدم (۲)، تکرار شده است. اگر چه این عبارت در زیارات امام حسین

علیه السلام بیش از هر جای دیگر جلوه می کند اما حقیقت این است که این آرزو و این فقره از دعا برای آرزوی حضور در زمان همه ائمه علیهم السلام صادق است. یعنی اینکه ما باید آرزو کنیم ای کاش در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، ای کاش در زمان حضرت علی علیه السلام بودیم، ای کاش در زمان امام باقر، امام صادق، امام کاظم... و امام حسن عسکری علیه السلام بودیم و آنان را در راه احیا و گسترش دین حق یاری می دادیم و در این راه به شهادت می رسیدیم. البته مسلم است که جریان شهادت امام حسین علیه السلام و حادثه کربلا، حادثه عظیمی است که حکایت خاص خود را دارد. در فصل آخر به برخی ابعاد آن در ادعیه و زیارات پرداخته می شود.

- یا سیدی و مولای ان کان لم یجبک بدنی عند استغاثتک فقد اجابک رایى و هوایی؛ انا اشهد ان الحق معک و ان من خالفک علی ذلک باطل فیالیتی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً. همان، ص ۱۱۰ و ص ۶۸؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۸، ص ۳۱۳ و ص ۳۲۱.

- یا لیتتی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، ص ۲۳۰ و ص ۱۹۴؛ نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۲۳؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول)، پیشین، ص ۱۷۵، ص ۱۶۰ و ص ۱۶۸؛ عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۴۰.

۵. آرزوی شهادت در رکاب حضرت مهدی (عج)

آرزوی شهادت در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی دیگر از مضامینی است که در ادعیه و زیارات به چشم می خورد. فقرات زیادی از ادعیه و زیارات به این مهم پرداخته اند. ادعیه وارده در این رابطه به صورت یک سلسله مطالب پیوسته است که ابتدا مقدمات بحث را ذکر می کند و سپس قیام حضرت مهدی (عج) و طلب یاری برای ایشان از خدا در جنگ با کافران و نهایتاً توفیق شهادت در رکاب وی را از خداوند درخواست می کند. در دعاهاى معروفی که در زمان غیبت وارد شده است می خوانیم:

خدایا ما مشتاق و امیدوار به دولت کریمه ای هستیم که بوسیله آن اسلام و مسلمانان را عزت عطا کنی و نفاق و منافقین را از بین ببری و در آن مار از داعیان به سوی طاعت و از رهبران راه خود قرار دهی. (۱)

امام سجاد علیه السلام در دعای روز عرفه خود ضمن اشاره به اینکه هر دوره ای از ادوار تاریخ دین خداوند بوسیله رهرو و امامی که منصوب از ناحیه خداست یاری می شود، می فرماید:

خدایا به درستی که تو دین خود را در هر برهه ای از زمان توسط امام و رهبری یاری می کنی که آن امام را مایه وحدت بندگان در

- اللهم اننا نرغب في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله
وتجعلنا فيهما من السادة التي طاعتك و القادة التي
سبيلك عبد الحسين طالع، پیشین، ص ۲۲۶ و ص ۲۰۶؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۷، ص ۳۴۹.

همه سرزمین ها قرار داده ای و این رهبر و امام کسی است که تو او
را به خود متصل کرده ای و او از منبع فیض و قدرت تو استفاده
می برد. (۱)

در فقرات دیگری از ادعیه صریحاً اشاره شده است که در این دوره از تاریخ
منجی بشریت و یاری دهنده دین خدا فردی از نسل حضرت محمد
صلی الله علیه و آله است. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج و ظهور آنان را
نزدیک بگردان و آنان را در نبرد با کافران یاری ده و وعده ای که به
آنان داده ای عملی کن. (۲)

در دعای دیگری ضمن اشاره به مسئله انتظار از خداوند درخواست می شود
تا ظهور حضرت مهدی (عج) را نزدیک کند و ما را از یاران او قرار دهد. در این دعا
می خوانیم:

خدایا ما از تو می خواهیم تا به ولی خود حضرت مهدی (عج)
اجازه دهی ظهور کند و دین تو را در میان بندگان آشکار سازد و
دشمنان ترا در هر کجا که باشند از بین ببرد. (۳)

- اللهم انك ايدت دينك في كل اوان بامام اقمته علماً لعبادك و مناراً في
بلادك بعد ان وصلت حبله بحبلك. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۲۲.

- اللهم صل على محمد و آل محمد و فرج عن آل محمد و اجعلهم ائمة يهدون
بالحق و به يعدلون و انتصر بهم و انجز لهم ما وعدتهم. همان، ص ۴۳۷.

- اللهم انا نسألك ان تأذن لوليک في اظهار عدلك في عبادك و

قتل اعدائك في بلادك. محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۳۲۹.

امام کاظم علیه السلام در تعقیب نماز عصر با اشاره به ظلم و ستم هایی که از
طرف دشمنان دین خدا بر ائمه علیهم السلام وارد شده است از خداوند
می خواهد تا ظهور منتقم آل محمد را نزدیک گرداند:

خدایا... از تو می خواهیم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و
فرج و ظهور منتقم آل محمد را نزدیک بگردانی تا انتقام ترا از
دشمنانت بگیرد. خداوند تو نیز به وعده هایی که به او داده ای عمل

کن و او را یاری کن. (۱)
 امام سجاد علیه السلام در فراز دیگری از ادعیه خود به درگاه خداوند عرضه می دارد:
 خدایا ظهور او را نزدیک گردان و نصرت خود را شامل حال او کن
 و یاران او را پیروزی و دشمنان او را شکست ده و سران کفر را
 بوسیله او از بین ببر. (۲)
 در جای دیگر می فرماید:
 خداوندا او را به بهترین وجه یاری کن و او را در جنگ با کافران به
 راحتی پیروزی عطا کن و به او قدرت و فرمانروایی عطا کن. (۳)

- اللهم... اسالك... ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تعجل فرج المنتقم
 لك من اعدائك وأنجز له ما وعدته يا ذا الجلال و الاكرام. تقى
 الدين الكفعمي، المصباح في الادعية، ص ۵۱؛ تقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۳۶.
 - اللهم عجل فرجه و ايده بالنصر و انصر ناصريه و اخذل خاذليه و اقتل به
 جبابرة الكفر. تقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۳۸.

- اللهم... انصره بنصرك العزيز نصراً عزيزاً و افتح له فتحاً يسيراً و اجعل له
 من لدنك سلطاناً نصيراً. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۲۴۶؛ عبدالحسين
 طالعی، پیشین، ص ۱۲۷؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۸۱.
 نکته مهم در این ادعیه و فرازهای بعدی توجه به یاران حضرت مهدی (عج)
 است. یکی از محورهای بحث راجع به مسأله ظهور و قیام و یکی از مؤلفه های
 اساسی ظهور حضرت مهدی (عج) وجود یاران باوفای ایشان است. به عبارت
 دیگر یکی از شرایط ظهور حضرت مهدی (عج) وجود یاران و سربازان یاری
 کننده آن حضرت است. در این ادعیه از خداوند خواسته شده تا نیروهای لازم را
 برای ظهور ایشان فراهم آورد و دلهای مومنان را با وی همراه سازد. در یکی از این
 ادعیه می خوانیم:

خدایا دلهای همه مردمان را متوجه او کن و مردم را با او همدل ساز
 و بوسیله او حقوق و خواسته های اولیا و دوستان را از کافران
 استیفا کن و از دشمنان انتقام بگیر و زمین را بوسیله او پر از
 عدل و احسان کن. (۱)

در همین رابطه دعایی از حضرت مهدی (عج) وارد شده است که می فرماید:
 خدایا هنگامی که اجازه دادی تا من ظهور کنم، مرا بوسیله نیروها و
 لشکریان خود یاری فرما و آنانکه بخاطر یاری دین تو از من پیروی
 می کنند پیروزی عطا کن و آنان را مجاهدین در راه خود قرار بده و
 آنان را بر دشمنانشان پیروز بگردان و مرا یاری ده تا حدود دین تو

- اللهم...و أَلِفْ لَه الْاِهْوَاءِ الْمُخْتَلَفَةِ وَتَسْتَخْلِصْ بَه حَقُوقِ اَوْلِيَائِكَ وَتَتَقَمَّ بَه مِنْ شَرِّ اَرَادَائِكَ وَتَمَلَّاءْ بَه الْاَرْضَ عَدَلًا وَاحْسَانًا. تَقَى الدِّينَ كَفَعْمَى، مَصْبَاحُ فِی الْاَدْعِیَةِ، ص ۱۹۴.

را اقامه کنم و با آنکه به حریم دین تو تجاوز می کنند مبارزه کنم و مرا بر آنان پیروز بگردان. (۱)

فقرات زیادی از ادعیه و زیارات ناظر به ظهور حضرت هستند و انگیزه قیام و ظهور ایشان را بیان می کنند. در یکی از ادعیه و زیارتهای مربوط به امام زمان (عج) می خوانیم:

سلام بر امام و رهبر دانی که از چشمها غایب است، اما در همه جا حضور دارد و در اندیشه همه مردمان راه دارد؛ او که باقیمانده

نیکویان و وارث ذوالفقار است و در خانه خدا ظهور خواهد کرد. (۲)

در فرازهای دیگری از این ادعیه با اشاره به مسئله انتقام و اینکه حضرت مهدی (عج) با ظهور خود انتقام همه ظلم و ستم هایی را که بر همه پیامبران و اولیا خدا رفته است، خواهد گرفت می خوانیم:

سلام بر مهدی؛ سلام بر حقیقتی که به صورت نو و جدید ظهور

- اللهم...فاذا اذنت فی ظهوری فایدنی بجنودك و اجعل من یتبعنی لنصرة دینك مویدین و فی سبیلک مجاهدین و علی من ارادنی و ارادهم بسوء من صورین و وفقتی لاقامة حدودك و انصرنی علی من تعدی محدودك. عبدالحسین طالع، پیشین، ص ۲۵۱؛ تَقَى الدِّينَ الْكَفَعْمَى، الْمَصْبَاحُ فِی الْاَدْعِیَةِ، ص ۲۱۹.

- السلام علی الامام العالم الغائب عن الابصار الحاضر فی الامصار والغائب عن العیون والحاضر فی افکار بقية الاخيار الوارث ذالفقار الذی یظهر فی بیت الله الحرام. عبدالحسین طالع، پیشین، ص ۴۱۴؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۹۳.

می یابد. سلام بر مهدی (عج) که شمشیرش در انتقام از خون پیامبران کشیده و آماده است. (۱)... سلام بر تو که مومنان مستضعف را کرامت و بزرگواری می بخشی و کافران و متکبران و ظالمان را خوار و ذلیل خواهی کرد. (۲)... سلام بر تو ای خونخواه پیامبران شهید و فرزندان پیامبران و سلام بر تو ای خونخواه شهید دشت کربلا. (۳)... بقية اللهی که از خاندان پاک هدایت است؛ او که منتظر است تا کجی ها و نادرستی ها را راست و درست کند؛ ذخیره خدا برای تجدید فرایض و سنن؛ احیاگر دین و کتاب و اقامه کننده

حدود الهی، عزت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان، دروازه طریق حق، نماینده حق که اولیا خدا به سوی او می نگرند، وسیله پیوند زمین و آسمان بر افرازنده پرچم هدایت، خونخواه پیامبران و فرزندان پیامبران، خونخواه شهید کربلا. (۴)

جزو یاران حضرت مهدی (عج) بودن، که جان برکفی و آمادگی برای شهادت لازمه آن است، یکی از خواسته ها و آرزوهای اساسی هر مومنی است و در ادعیه

- السلام علی الحق الجدید... السلام علی السیف الشاهر. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۸۰؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۰۲.

- السلام عليك يا معز المومنين المستضعفين السلام عليك يا مذل الكافرين المتكبرين الظالمين. تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۲۲۸.

- السلام عليك يا طالب ثار الانبياء والثائر بدم المقتول بكربلاء. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۶۷.

- ترجمه بخشی از دعای شریف ندبه؛ شیخ عباس القمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۳۶.

و زیارات به طور مکرر به این مسأله اشاره شده است. در یکی از این دعاها می خوانیم:

خدایا ما را جزو یاران و لشکریان وی قرار بده تا اوامر و دستورات او را به انجام برسانیم و با او در راه طلب رضای تو پایدار بمانیم و ما را از کسانی قرار بده که به کمک او دین تو را یاری می دهد و کسی را جایگزین ما مکن چراکه این امر اگر چه نزد تو آسان است برای ما سنگین و غیر قابل تحمل است. (۱)

در زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام این امر نمود و جلوه خاص پیدا کرده است. به طوری که می توان گفت زیارت عاشورا زیارت انتظار و انتقام است. در این زیارت ضمن بررسی وقایع و فجایعی که نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شخص امام حسین علیه السلام و یاران ایشان رفته است، لعن و نفرین خود را قاتلان و ظالمان در حق آنها ابراز می داریم و از خداوند می خواهیم تا ما را جزو کسانی قرار دهد که در صف یاران حضرت مهدی (عج) انتقام خون امام حسین و همه پیامبران و اولیا را از دشمنان دین بگیریم. در این زیارت می خوانیم:

- اللهم واجعلنا فی حزبه القوامین بامرہ الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته... واجعلنا ممن تتنصر به لديك وتعز به نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا ان ذلك عليك يسير وهو علينا عسير. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۱۶۱ و ص

۱۷۳؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه، ص ۳۱۳؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۵۳، ص ۱۸۷ و ج ۹۲، ص ۳۳۱ و ج ۱۰۲، ص ۸۹.

خدایا مرا از خونخواهان امام حسین علیه السلام قرار بده تا با امام مهدی (عج) به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کنیم. (۱)
در یکی دیگر از زیارات امام حسین علیه السلام می گوئیم:
خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست... و مرا و پدرانم را و
فرزندانم را از کسانی قرار ده که حضرت مهدی را یاری
می دهند. (۲)

در دعایی دیگر ضمن اشاره به رجعت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که:

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و به من توفیق ده تا آنان
را در مبارزه با دشمنان تو یاری دهم و در دنیا و آخرت مرا با آنان
محشور بدار. (۳)

- اسأل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله... و ان یرزقنی طلب ثاری کم مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم. نبیل شعبان، پیشین، محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۰۳؛ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، ص ۱۹۴؛ عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۱۲.

- اللهم صل علی محمد و آل محمد... و اجعلنی و والدی و ما ولدا و ولدی من الذین ینصرونه و ینتصرون به فی الدنیا و الآخرة. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۲۲۰؛ ابوالقاسم سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۱۴۴.

- اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارزقنی نصرهم و اشهدنی ایامهم و اجمع بینی و بینهم فی الدنیا و الآخرة. تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه، ص ۱۱۴.

- ۱۷۵-

همچنین در دعای دیگری با اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) از خداوند می خواهیم که ما را جزو یاران او قرار دهد و در رکاب آن حضرت به شهادت برساند:

خداوندا بر آخرین آنان یعنی حضرت مهدی (عج) درود فرست.
کسیکه از طرف آنان قیام خواهد کرد و به ما توفیق بده تا در زمان ظهور او حاضر باشیم و ما را از یاران او قرار بده و ما را در رکاب او
به شهادت برسان. (۱)

یاران حضرت مهدی (عج) علاوه بر اینکه همانند حضرت مهدی (عج) خونخواه پیامبران و شهیدان فی سبیل الله هستند، طالب شهادت در رکاب حضرت مهدی (عج) نیز هستند. یکی از ویژگیهای اساسی یاران حضرت مهدی شهادت خواهی آنان است. امام صادق علیه السلام در باره ویژگی شهادت طلبی

یاران حضرت مهدی (عج) می فرماید:

یاران حضرت مهدی (عج) کسانی هستند که از خشیت و ترس خداوند خوفناک هستند و از خداوند طلب شهادت می کنند و آرزوی ایشان این است که در راه خدا و در مبارزه با دشمنان وی به

- اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرك بنا ایامه وظهوره وقيامه واجعلننا من انصاره واقربنا ثارنا بشاره واكتبنا فی اعوانه وخلصائه بقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۲۶۵؛ عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۱۹۸. شهادت برسند. (۱)

در زیارت حضرت مهدی ضمن تجدید عهد با آن حضرت آرمانهای حکومتی ایشان آمادگی خود را برای مبارزه و شهادت در رکاب آن حضرت و معامله با خدا اعلان می کنیم و می گوئیم:

ای سرور من و ای مولای من، من خوشحال هستم که با شما بیعتی بسته ام که شرط آن مبارزه در راه خداست؛ مبارزه ای که در آن مومنان جان خود را با خداوند معامله می کنند. (۲)

امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعای خود، شهادت در رکاب حضرت مهدی را سعادت می داند و می فرماید:

خدایا این جان به امانت گذاشته نزد مرا به بهای لقای خود و ورود در بهشت خود از من خریداری کن و مرا با امام معصومی که از خاندان پیامبر توسط قرار بده و مرا در رکاب وی و در مبارزه با دشمنان دینت به شهادت برسان و مرا از کسانی قرار مده که از وی جلو بیفتند و گمراه شود و یا از ایشان عقب بیفتند و نابودشود بلکه مرا ملازم و همراه ایشان قرار ده تا به مقصد برسم و مرا شهید با

- اصحاب المهدی... هم من خشية الله مشفقون يدعون الشهادة و يتمنون ان يُفْتَلوا فی سبیل الله تعالی. الشهادة...، ج ۱، ص ۲۸۸؛ میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۵.

- انا یا مولای مستبشر بالبیعة التي اخذ الله شرطه قتالا فی سبیل اشتری به انفس المومنین عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۹۳؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۹۲.

سعادت قرار بده. (۱)

در دعای روز عید غدیر نیز با اشاره به اینکه در رکاب حضرت مهدی بودن در حقیقت یاری رساندن به دین خداست از خدا می خواهیم ما را از جمله یاران ایشان قرار دهد تا با جهاد خود در راه خدا دین خدا را یاری کنیم و ما را در زمره شهدا قرار دهد. در این دعا می خوانیم:

خدایا به ما توفیق ده که دین تو را یاری کنیم در حالی که با ولی و

امامی از اهل بیت پیامبرت باشیم و ما را تحت فرمان و زیر پرچم حضرت مهدی (عج) قرار ده و ما را از جمله شهدا قرار بده که به صدق و راستی در راه تو و در مبارزه با دشمنان تو قیام کرده و به شهادت رسیده اند. (۲)

امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر در دعای عرفه رضایت خدا را در همراهی و همدلی با امام زمان (عج) می داند و بیان می کند که می توان از طریق همراهی با امام زمان و شهادت در رکاب وی رضای خدا را بدست آورد. امام سجاد

- اللهم اشتر منى نفسى الموقوفة عليك المحبوسة لأمرک بالجنة مع المعصوم من عترة نبيك صلى الله عليه وآله... ولا تجعلنى ممن تقدم فمرق اوتأخر فمحق واجعلنى ممن لزم فلحق واجعلنى شهيداً سعيداً قبضتك. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۵۶۰.

- اللهم... ارزقنا نصردينك مع ولى هادمن اهل بيت نبيك واجعلنا تحت رايته وفى زمرة شهداء صادقين مقتولين فى سبيلك وعلى نصرة دينك. عبدالحسين طالعى، پیشین، ص ۲۴۵؛ ابو القاسم سيد بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۴۸۱؛ تقى الدين الكفعى، البلد الامين، ص ۳۶۹.

عليه السلام در اين دعا می فرمايد:

خدایا به ما توفیق شهادت در رکاب حضرت مهدی (عج) را عطا کن تا به ملاقات تو آیم در حالی که تو از من راضی باشی. (۱)

تمام مضامین و تعبیری که در مورد شهادت در سایر ادعیه آمده است در ادعیه مربوط به امام زمان (عج) نیز دیده می شود. تعبیری چون «شهادت و معامله با خدا» و «شهادت و سعادت» و این مضمون که از طریق شهادت می توان رضایت خدا را بدست آورد، همه اینها در ادعیه مربوط به حضرت مهدی و شهادت در رکاب ایشان نیز دیده می شود. در زیارت امام مهدی (عج) که در سرداب خوانده می شود شهادت با امام زمان را فوز و رستگاری دانسته شده و از خدا می خواهیم تا در زمان حضور و ظهور حضرت مهدی (عج) ما نیز باشیم و تحت فرمان ایشان با دشمن دین خدا مبارزه کنیم و شهید شویم. در این دعا می گوئیم:

مولای من و ای سرورم اگر من ایام ظهور تو را درک کردم و خداوند به من توفیق داد تا در دوران ظهور با تو باشم اوامر و نواهی تو را مطیع خواهم بود و از خداوند می خواهم تا مرا با تو شهید گرداند و به این طریق به فوز و رستگاری برسم. (۲)

- اللهم... ارزقنی الشهادة بین یدیہ حتی القاءک وانت عنی راض
الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۳۴۸.

- مولای فان ادركت ايامك الظاهرة و اعلامك الباهرة فها انا عبدك
المتصرف بین امرک ونهیک ارجو به الشهادة بین یدیك والفوز
لديك. عبدالحسين طالعی، پیشین، ص ۳۷۴؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص
۶۴ و ص ۲۲۸؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۱۶.

یکی از مهمترین ادعیه مرتبط با جهاد و شهادت در رکاب حضرت
مهدی (عج)، دعای عهد است. در این دعا آرزو می کنیم که در رکاب حضرت
مهدی (عج) و در مبارزه با دشمنان آن حضرت به شهادت برسیم :
خدایا مرا از یاران و شیعیان و دوستان واقعی حضرت مهدی (عج)
قرار مده و مرا از کسانی قرار ده که در رکاب وی و در مبارزه با
دشمنان تو به شهادت می رسند. در حالی که در طاعت تو و رسول
تو و ائمه علیهم السلام باشم و از روی اختیار و بدون هر گونه اکراه
و اجباری همراه بوده باشم و مرا در صف یاران وی قرار ده؛ صفی
که در قرآن آن را چون ستونی پولادین توصیف کرده ای. (۱)

یکی دیگر از مضامین مرتبط با ظهور حضرت مهدی (عج) که در ادعیه و
زیارات به وفور دیده می شود مسأله رجعت است. در موارد زیادی در ادعیه از
خداوند می خواهیم که اگر مرگ ما را فرا گرفت بدون آنکه ایام حضرت مهدی
(عج) را درک کرده باشیم، به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) خداوند ما را زنده

- اللهم... واجعلنی من انصاره و اشیاعه و الذابین عنه واجعلنی من
المستشهدین بین یدیہ طائعاً غیر مکره فی الصف الذی نعت اهل فی کتابک
فقلت : صفاً کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة
رسولک و آله علیه عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۸۰، ص ۱۲۱، ص ۱۳۱؛ نبیل
شعبان، پیشین، ص ۱۵۵؛ محمد حسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۴۸؛
محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰ و ص ۱۹۲؛ تقی الدین الکفعمی،
البلاد الامین، ص ۱۲۴؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعية، ص ۷۳۰.

و به این دنیا بازگرداند تا با حضرت مهدی و در صف یاران وی قرار گیریم و بر
دشمنان دین خدا بتازیم و در این راه به شهادت برسیم. از همین روست که دعا
می کنیم:

خدایا اگر میان من و دیدار حضرت مهدی (عج) مرگ جدایی
انداخت هنگام ظهور وی مرا زنده گردان. (۱)
در فراز دیگری از ادعیه چنین می گوئیم:

اگر پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) مرگ مرا فرآگیرد، از خداوند می خواهم تا مرا به دنیا رجعت دهد. (۲)

بخش زیادی از ادعیه مسأله رجعت را بیان کرده اند که در میان همه آنها به مسأله جهاد و شهادت نیز اشاره شده است. در این ادعیه از خدا خواسته شده تا ما را جزو یاران وی و از جمله شهیدان در رکاب وی قرار دهد لذا می خوانیم:

خدایا بعد از مرگ هنگامیکه حضرت مهدی (عج) ظهور کرد ما را زنده گردان تا جزو یاران وی باشیم. (۳)

- و ان حال بینی و بین لقائه الموت الذی جعلته علی عبادك حتماً... فابعثنی عند خروجه. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۷۸؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۶۵؛ محمد حسین الحسینی الجلالی، پیشین ص ۳۲۸؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۱۲۴؛ تقی الدین الکفعمی، المصباح فی الادعیه، ص ۷۳۰؛ المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸.

فان ادرکنی الموت اسأل الله ان يجعل لی کرة. محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۲۸؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۱۶.

- و ابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من اعوانه اللهم ادرک بنا قیامه و اشهدنا ایامه. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۲۳۹؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۳۷؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۱۳۳.

۶. درخواست بهترین شهادتها

نکته جالب توجه در رابطه با شهادت این است که همانگونه که مرگ دارای مراتبی است، شهادت نیز دارای درجات و مراتب است و از همین رو شهدا نیز دارای مراتب و مقامات مختلف هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

شهیدان نیز در میان خود دارای مراتبند. برخی رئیس، برخی شریف و برخی سرور سایر شهدا محسوب می شوند. (۱)

بنابر این شهیدی که معصوم است و در میدان جنگ با انگیزه الهی بجنگد و کشته شود سرور شهیدان است و آنانکه در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام جنگیده و کشته شوند با توجه به نیت، فداکاری و اثار خود دارای مراتب و مقامات بالا و بالاتر هستند. کسی که در مقام دفاع و در غیر زمان امام معصوم نیز بجنگد و کشته شود شهید است و احکام شهید بر وی جاری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

برترین شهیدان کسانی هستند که در صف اول به مبارزه با دشمنان خدا می پردازند و دست از کارزار برنمی دارند تا اینکه دشمنان خدا را بکشند و خود نیز به شهادت برسند. این دسته از افراد در مقامات عالی بهشت جای دارند و خداوند به آنها لبخند می زند و رضایت

خود را به آنها نشان می دهد و وقتی خداوند از کسی اظهار رضایت

- ان للشهداء سادة و اشرافاً و ملوكاً. محمد قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۳۴۸.

کند دیگر حساب و کتابی برای او باقی نمی ماند. (۱)
اما اگر در غیر معرکه جنگ ولی در راه خدا و برای نیل به هدفی الهی کشته شود و یا بمیرد او نیز شهید است و ثواب شهدا را دارد جز اینکه برخی احکام فقهی شهدا بر وی جاری نمی شود و برخی از مراتب و مقاماتی که خاص کشته شدگان در جنگ است به وی تعلق نمی گیرد. از همین روست که طالب علم، زائر امام حسین علیه السلام، فرد غریب، فرد غریق و... اگر بمیرند، همگی پاداش شهید را دارند اما غسل از آنها ساقط نمی شود و سوال قبر از آنها برداشته نمی شود. بنابراین اگر چه کشته شدن در راه خدا در جنگ با دشمنان شهادت محسوب می شود اما بر اساس میزان اخلاص فرد مجاهد و با توجه به شرایط قیام و مبارزه و سایر شرایط، شهادت ها با هم تفاوت دارند. از همین روست که در روایات و به خصوص ادعیه و زیارات صحبت از شهادت که می شود، بهترین شهادت ها و برترین کشته شدن ها در راه خدا از خداوند درخواست می شود. امام علی علیه السلام در جنگ صفین وقتی که در گرماگرم جنگ و مبارزه مشغول قلع و قمع دشمنان خدا و دین خدا بود، در حالی که شهادت در راه خدا را از خداوند درخواست می کرد می فرمود:

خدایا بهترین و برترین کشته شدن در راه خودت را به من عطا کن.
کشته شدن با شرافتی که در پرتو آن دین تو و پیامبر ترا یاری کنم و
با شهادت خود حیات باقی و رضایت ترا بدست آورم. (۲)

- محمد قاسم البغدادی. پیشین، ج ۱، ص ۳۴۵.

- اللهم ارزقني اشرف القتل في سبيلك انصرك وانصر رسولك اشترى الحياة الباقية بالدنيا واغتنى بمرضاة من عندك. الصحيفة العلوية، ص ۳۱۱؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۱، ص ۲۳۹؛ جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ابو القاسم سید بن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۲۴.

باتوجه به دعای فوق، برخی از ویژگیهای شهادت برتر و شریفترین کشته شدن ها در راه حق عبارت است از:

- (۱) یاری رساندن و نصرت دین خدا و پیامبری وی .
- (۲) بدست آوردن حیات باقی .

۳) بدست آوردن رضای خداوند.
 امام سجاد علیه السلام در یکی از ادعیه خود معروف به «الانجیلیة الطویلة»
 برترین و بهترین شهادتها را از خداوند درخواست می کند:
 خداوندا من از تو می خواهم تا برترین شهادت ها را نصیب من کنی
 و برترین عبادت ها و بیشترین بخشش ها و برترین مقامات و منازل
 بهشت را به من ارزانی داری. (۱)

۷. دعای معصومان در مواجهه با شهادت طلبی یاران
 در طول تاریخ اسلام و به خصوص در صدر اسلام که پیامبر برای دفع کافران و
 مشرکان جنگهای زیادی را متحمل شد، افراد زیادی از یاران پیامبر
 صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نزد آنان می آمدند و از ایشان درخواست

- اللهم اسالك من الشهادة اقسطها و من العباداة انشطها و من الزيارة ابسطها
 و من المحال اشرفها و من المنازل الطفها و من الحياطة اكفها و من الرعاية اعطفها.
 الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۴۳۹؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۹۴، ص ۱۵۵.

-۱۸۵-

می کردند تا برای آنها دعای شهادت کنند. در بسیاری از این موارد پیامبر
 صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام برای آنها دعای شهادت می کردند و در
 برخی مواقع نیز علیرغم درخواست و اصرار آنها، دعا می کردند تا یارانشان
 صحیح و سالم از جنگ برگردند و آسیبی به آنها نرسد. البته در کل و به صورت
 عام دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام برای پیروزی و نصرت بر
 دشمن بود. لذا مواردی که ذکر می شود موارد خاصی است که از شور و اشتیاق
 یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به شهادت حکایت دارد و
 از سوی دیگر نشانگر مطلوبیت شهادت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه
 علیهم السلام است. از همین جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود به
 کسی که لباس جدید و نو پوشیده است بگوید:

امید که همواره لباس جدید و نو به تن داشته باشی و از زندگی
 آبرومندانه ای برخوردار گردی و مرگ تو شهادت سعادت‌مندانه در
 راه خدا باشد. (۱)

روزی پیامبر اکرم (ص) یکی از یاران خود به نام حارثه را دید که چهره اش
 افروخته و حالش آشفته بود. پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسید: ای حارث در
 چه حالی هستی؟ حارثه گفت: در حقیقت ایمان به سرمی برم. پیامبر
 صلی الله علیه و آله فرمود: هر چیزی را نشانه ای است. نشانه ایمان تو چیست؟
 حارثه گفت: ای پیامبر از دنیا کناره گرفته ام. شب ها را به بیداری و عبادت سپری
 می کنم و روزها را روزه می گیرم. گویا به عرش خداوند می نگرم در حالی که

- البس جدیداً و عیش حمیداً و مت شهیداً سعیداً. محمد بن علان الصدیقی، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۰؛ جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۶.

قیامت بر پا شده است و اهل بهشت را می بینم که در بهشت با یکدیگر ملاقات می کنند و از سوی دیگر ناله و ضجه دوزخیان را می شنوم. الان در حالی هستم که می دانم کدام يك از یاران تو بهشتی اند و کدام يك اهل جهنم هستند.

گفت پیغمبر صباخی زید را *** کیف اصبحت ای رفیق با صفا
گفت عبداً موقناً باز اوش گفت: *** «کونشان از باغ ایمان گر شکفت؟»
گفت تشنه بوده ام من روزها *** شب نخفتم من ز عشق و سوزها
که بگویم یا فرو بندم نفس *** لب گزیدش مصطفی یعنی که بس

پیامبر صلی الله علیه و اله او را به سکوت اشاره کرد و سپس فرمود: تو واقعاً بنده ای هستی که خداوند قلب او را نورانی کرده است و در طریق حق ثابت قدم خواهی بود. در این حال حارثه گفت:

ای پیامبر از خداوند بخواه تا مرا در رکاب تو شهید گرداند و مرا به شهادت برساند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و اله دست به دعا برداشت و فرمود:

خدایا به حارثه نعمت شهادت را ارزانی کن. (۲)

چندی نگذشت که جنگی میان مسلمانان و کفار در گرفت و حارثه پس از نشان دادن شهادت، مجاهدت و جانبازی فراوان، به درجه رفیع شهادت نائل آمد. (۳) شهادت خواهی یاران پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام به خصوص در صحنه های جنگ و جهاد جلوه داشته است. در بسیاری از جنگهای

- یا رسول الله ادع الله لی ان یرزقنی الشهادة معک.

- اللهم ارزق حارثة الشهادة.

- جواد القیومی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۳؛ ابوجعفر کلینی رازی، پیشین، ج ۲، ص ۵۴.

- ۱۸۷-

صدر اسلام، افراد زیادی از یاران پیامبر صلی الله علیه و اله و مجاهدین شجاع از پیامبر صلی الله علیه و اله می خواستند تا برای آنها دعای شهادت کند و خداوند نیز دعای پیامبر صلی الله علیه و اله را مستجاب می کرد و خواسته این مومنان را برآورده می کرد. در ذیل به چند نمونه از این صحنه ها اشاره می شود.
جنگ بدر و احد دو جنگ مهم و سرنوشت ساز میان مسلمانان و کفار و

مشرکین بود. در این جنگ ها بسیاری از اولیای خدا به آرزوی خود رسیدند از جمله مومنینی که در جنگ بدر شور و اشتیاق وافر برای شهادت از خود نشان دادند، خثیمه و پسرش سعد می باشند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه لشکر اسلام عزم جنگ و جهاد کرد، میان این پدر و پسر رقابت و مشاجره درگرفت. پدر بر پسر و پسر بر پدر سبقت می گرفت. قرار بود یکی در خانه بماند و به امور خانواده برسد و دیگری به جنگ برود چون هیچ کدام راضی نشدند، قرار بر قرعه گذاشتند. قرعه بنام پدر آمد که در خانه بماند. ابن خثیمه به جنگ رفت و پس از رزمی شجاعانه به شهادت رسید. بعد از مدتی پدر در حسرت فراق پسر و محرومیت از نعمت شهادت، پسر خود را به خواب دید درحالی که هاله ای از نور و قداست او را فرا گرفته بود. پسر به پدر گفت همانا خدا به وعده راستین خود عمل کرد و مرا در بهترین منازل بهشت جای داده است. پدر بعد از این رویا، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت و از حضرت خواست تا برای وی دعا کند که شهید شود و با پسرش سعد در بهشت همنشین شود. (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله برای او دعا کرد و فرمود: خدایا شهادت در راه

فداع الله یا رسول الله ان یرزقنی مرافقة سعد فی الجنة. عزالدین ابو حامد المدائنی (ابن ابی الحدید) پیشین ج ۳، ص ۵۰۷.

خود را به او عطا کن (۱) طولی نکشید که جنگ احد پیش آمد و خثیمه به شهادت رسید و به دیار حق شتافت و با فرزندش سعد در بهشت حق مأوی گرفت. (۲)

نمونه دیگر داستان حارثه بن سراقه است. حارثه پیش از جنگ بدر از رسول خدا خواست که از خداوند برای وی توفیق نایل آمدن به شهادت را در خواست کند و دعا کند که وی این جام الهی را سرکشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای او دعا کرد. در میدان جنگ و در گرمای مبارزه بی امان ناگاه تیری از گوشه ای نامعلوم به حارثه اصابت کرد و شهید شد. مادر و خواهر حارثه در مدینه چون خبر شهادت حارثه را شنیدند با قامتی استوار و صدایی موقر و بدون هر گونه شیون و زاری گفتند: به خدا سوگند برایش نخواهیم گریست تا رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ برگردد و ملاقاتش کنیم و از او بپرسیم که آیا حارثه در بهشت است و شهادت او مورد قبول خداوند واقع شده است؟ اگر چنین بود هرگز بر او نخواهیم گریست بلکه به خاطر او شادمان خواهیم بود و اگر در دوزخ است بر حال او زار بگریم. ساعاتی بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و لشکریان پیروزمندش از راه رسیدند. مادر حارثه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از حال حارثه پرسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست فرزند تو در بهشت سکنی گزیده است. مادر حارثه گفت: پس بر او نخواهم گریست بلکه برایش شادی

خواهم کرد. (۳)

- اللهم ارزقه الشهادة في سبيلك. همان.

- همان.

- سید اسماعیل گوهری، آرزوی شهادت در بیان معصومین، (تهران: انتشارات امیری ۱۳۶۶) ص ۸۱: مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۴، ص ۸۹.

پس از واقعه جنگ بدر و نزول آیات دال بر مقام و منزلت شهدا نزد خداوند، مسلمانان به وجد آمدند و نه تنها بر کشته شدگان جنگ خود نگریستند بلکه در این آرزو ماندند که ای کاش آنها نیز شهید شده بودند. (۱) از همین رو دست به دعا بر داشتند و به درگاه عرضه داشتند:

خدایا به ما جنگی بنما تا در راه تو شهید شویم. (۲)

دیری نپایید که دعای آنها مستجاب شد و جنگ احد درگرفت و بسیاری از آنان که رویای شهادت را در سر می پروراندند به درجه رفیع شهادت رسیدند. (۳) حکایت وجدآور عمرو بن جموح، داستان دیگری است که سوز و اشتیاق مردان خدا را به شهادت و لقای یار بازگو می کند. در جنگ احد عمرو بن جموح، پسر و برادرزنش به شهادت رسیدند. چون همسر جموح (همسر شهید، مادر شهید و برادر شهید) به قتلگاه احد آمد جنازه شوهر، پسر و برادر را بر شتری سوار کرد و به سمت مدینه حرکت کرد. در حالی که از سلامتی پیامبر صلی الله علیه و آله شادمان بود. هنوز از سرزمین احد بیرون نرفته بود که شتر حامل اجساد از حرکت باز ماند. هر چه کردند شتر به سمت مدینه نرفت بلکه در همان منطقه زانو زد و مهار انداخت. خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت فرمود: این شتر مأمور است. سپس رو به همسر عمرو کرد و از او پرسید: آیا به هنگام خروج شوهرت از خانه برای جنگ از خدای خود چیزی نخواستی

- حدید، ۱۹.

- اللهم ارنا قتالا نستشهد فيه. محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۲، ص ۵۹.

- همان.

بود؟ همسر جموح گفت: چرا؛ وقتی که عزم جهاد کرد، رو به قبله نمود و گفت:

خدایا به من نعمت شهادت ارزانی کن و مرا به خانه و کاشانه ام بر

نگردان. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عمرو به آرزوی خود رسید به درستی که

دعای عمرو مستجاب شده است. سپس حضرت به همسر عمرو گفت: بشارت باد ترا که همسر، فرزند و برادرت در بهشت همنشین همنند. همسر عمرو به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا دعا کن من نیز با آنان باشم. حضرت نیز او را دعای خیر کرد. (۲)

سعد بن معاذ شیدای دیگری است که دیدار حق را آرزوی خود قرار داده بود. سعد بن معاذ از جمله شهدای بزرگ جنگ احزاب بود. وقتی که تیری به شاهرگ سعد اصابت کرد و وی نقش بر زمین شد دست به دعا برداشت و گفت:

بار الها اگر هنوز جنگ با قریش پایان نیافته و باز هم قرار است مسلمانان به جنگ بروند مرا زنده نگه دار تا در آن جنگ ها شرکت کنم که هیچ عملی نزد من محبوبتر از جهاد در راه تو نیست و اگر جنگ با قریش برای همیشه به نفع مسلمانان تمام شده است و دین تو پیروز خواهد شد این زخم را وسیله شهادت من قرار ده اما مرا تا آنگاه که بنی قریظه را نابود نکرده ای زنده نگه دار و سپس مرا

- همان.

- اللهم لا تردنی الی اهلی و ارزقنی الشهادة. حسین حیدری کاشانی، دعامیدان جنگ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷) ص ۷۶.

نزد خود ببر. (۱)

دعای سعد بن معاذ مستجاب شد و خون وی بند آمد تا اینکه بنی قریظه بدلیل خیانت خود و بواسطه حکمیت سعد بن معاذ نابود گشتند. چندی پس از نابودی بنی قریظه زخم سعد بن معاذ عودت کرد و طولی نکشید که به شهادت رسید.

در زمان رسول الله (ص) شخصی به نام مغشی بن حمیر بود. بعد از اینکه وی از گناهان خود توبه کرد و به اسلام گروید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را عبدالله بن عبدالرحمن نام نهاد. وی در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعا کرد و گفت:

خدایا از تو می خواهم تا مرا به صورت گمنام شهید کنی، به گونه ای که هیچ کس جای مرا پیدا نکند. (۲)

این مسأله گذشت تا اینکه جنگ یمامه در گرفت. در آن روز وی جزو لشکریان اسلام بود. غریبانه جنگید بی آنکه کسی او را بشناسد و نهایتاً گمنام و ناشناس شهید شد. (۳)

این حکایت در میان یاران باوفای امام علی علیه السلام نیز جریان داشت. امام علی علیه السلام در انتهای نامه معروف خود به مالک اشتر چنین

- فاجعلها لی شهادة و لا تمتنی حتی تقر عینی من بنی قریظه. همان، ص ۹۲ و ص ۹۳.
- یا رب اجعلنی شهیداً حیث لا یعلم احد این انا. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۴؛ به نقل از: تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۳۸.
- همان.

می نویسد:

از خداوند می خواهم که از روی فضل و رحمت و قدرت خود - که بر همه چیز قادر است - عاقبت خودم و ترا با سعادت و شهادت به ختم برساند. (۱)

در طی سه جنگی که در زمان امام علی علیه السلام اتفاق افتاد، افراد زیادی از یاران با وفای حضرت نزد ایشان می آمدند و از حضرت می خواستند تا برای آنها دعا کند تا شهید شوند. هاشم بن عتبّه از جمله این افراد است که در رسیدن به آرزوی خود بسیار بی تابی می کرد. چون از حضرت خواست تا برای او دعای شهادت کند امام علی علیه السلام رو به درگاه خداوند فرمود:

خداوندا به هاشم روزی شهادت در راه خود و هم نشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله را عطا کن. (۲)

امام سجاد علیه السلام در دعای خود برای مرزداران اسلام از خدا می خواهد که به افراد علاقمند به دفاع از اسلام که عذری دارند امکان شرکت در جنگ برایشان فراهم نمی شود اجر مجاهدان عطا کند و آنان را در زمره شهدا قرار دهد: خدایا هر مسلمانی که نگران امور مسلمین است و از وحدت و یکدستی مشرکان علیه اسلام محزون و غمگین می شود و لذا برای

- وانا اسال الله بسعة رحمته و عظیم قدرته علی اعطاء کل رغبة... ان یختم فی ذلک بالسعادة و الشهادة. نهج البلاغه، ص ۶۱۷، نامه ۵۳؛ عزالدین ابوحامد المدائنی (ابن ابی الحدید) پیشین، ج ۳، ص ۱۸۴.

- اللهم ارزقه الشهادة فی سبيلك و المرافقة لنبيك. جواد القيومي، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۳؛ عزالدین ابوحامد المدائنی (ابن ابی الحدید) پیشین، ج ۳، ص ۱۸۴.

دفاع از اسلام و مبارزه با دشمنان اسلام به جنگ با آنها می رود و یا اینکه نیت جنگ و جهاد در سردارد اما به دلیل مشکل و عذری که برای وی پیش می آید نمی تواند در جنگ شرکت کند، پس تو اسم او را در میان عبادت کنندگان ثبت کن و اجر مجاهدان را به او عطا

کن و او را در زمره شهدا و نیکوکاران قرار ده. (۱)
 منهال، یکی از یاران امام صادق علیه السلام است که به امام علیه السلام می گوید: از خداوند بخواه تا شهادت در راه خود را نصیب من کند. امام صادق علیه السلام به او می گوید: ای منهال افراد با ایمان خود شهید هستند. مگر این آیه از قرآن را نخوانده ای «که کسانی که به خدا و پیامبران ایمان دارند، آنها را استگویان و شهدا نزد پروردگار هستند.» (۲)

در مقابل در موارد زیادی نیز دیده شده که وقتی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان درخواست می کنند تا برای آنها دعای شهادت کنند، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام برای آنها دعای سلامتی می کنند.

- اللهم و ائما مسلم اهمه امر الاسلام و احزنه تحزب اهل الشرك عليهم فنوى غزوا و هم بجهاد فقعد به ضعف او ابطات به فاقة او اخره عنه حادث او عرض له دون ارادته مانع فاكتب اسمه فى العابدین و اوجب له ثواب المجاهدين و اجعله فى نظام الشهداء و الصالحين. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۱۳۶.

- عن المنهال قال: قلت لابی عبدالله عليه السلام "ادع الله ان يرزقنى الشهادة، فقال عليه السلام ان المؤمن شهيد ثم تلا قوله تعالى: والذين آمنوا بالله و رسله اولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم. مكى قاسم البغدادى، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۳، به نقل از: تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۴.

ابى امامه می گوید در یکی از غزوات نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان گفت:

ای پیامبر دعا کن تا خدا مرا شهید گرداند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله دست به دعا برداشت و فرمود:

خداوندا آنان را سالم و محفوظ بدار. (۲)

جنگ تمام شد و همه ما سالم ماندیم و کشته و شهید نشدیم. بعد از مدتی جنگ دیگری درگرفت. باز نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ضمن یادآوری جریان شهادت خواهی ام در جنگ قبلی از ایشان خواستم تا دعا کند که شهید شوم. اما باز هم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا آنان را صحیح و سلامت بدار. و باز هم ما سالم از جنگ برگشتیم و شهادت نصیب ما نشد. (۳)

مورد دیگر دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق امیرالمومنین علی علیه السلام است آنگاه که عمرو بن عبدود به میدان تاخت و مبارز طلبید، علی علیه السلام رخصت میدان طلبید، و رسول الله صلی الله علیه و آله به او اجازه جنگ داد، وقتی امیرالمومنین علیه السلام عازم نبرد شد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: پیش بیا. چون پیش رفت حضرت زره خود را بر او پوشانید. آنگاه به او فرمود: پیش برو. چون به سوی میدان حرکت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله

دست به دعا برداشت و درباره او دعا کرد و گفت:
پروردگارا او را محافظت فرما، از پیش رو و از پشت سرش و از

- ادع الله لی بالشهادة. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۲.

- اللهم غنمهم و سلمهم. همان .

- همان .

جانب راست و از جانب چپ و از بالای سر و از پائین پاهایش از همه طرف او را محافظت کن. (۱)
در نقل دیگری است که پیغمبر صلی الله علیه و اله در دعای خویش در حق حضرت علی (ع) چنین گفت:
خدایا عبیده را در جنگ بدر از من گرفتی و حمزه را در جنگ احد. پروردگارا امروز علی را برای من نگهدار و محافظت فرما، پروردگارا مرا تنها نگذار و تو بهترین بازماندگانی. (۲)
از خود گذشتگی علی علیه السلام و دعای رسول خدا صلی الله علیه و اله در آن لحظه کارگر شد و در آن مقطع حساس که تمام اسلام و تمام کفر در برابر هم قرار گرفته بودند، با يك ضربت حضرت علی علیه السلام تمام کفر به زمین افتاد و اسلام و مسلمانان روحیه ای دوباره یافتند. اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: ضربت علی در روز خندق افضل از اعمال امت من است تا روز قیامت برتر از عبادت انس و جن است. (۳) چون بفرموده پیغمبر صلی الله علیه و اله خانه ای از کفار نبود مگر اینکه با کشته شدن عمرو خواری و زبونی در آن وارد شد، و خانه ای از مسلمین نبود مگر این که با پیروزی حضرت علی علیه السلام و

- اللهم احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوق رأسه و من تحت قدمیه. حسین حیدری کاشانی، پیشین، ص ۹۴.

- اللهم انك اخذت منی عبیده یوم بدر و حمزة یوم احد فاحفظ لی الیوم علیاً رب لا تذرني فرداً و انت خیر الوارثین. همان .

- «ضربة علی یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القيامة»، «ضربة علی یوم الخندق افضل من عبادة النفلین». همان .

کشته شدن عمرو عزت و شوکتی در آن داخل شد. (۱)
نمونه دیگر از شهادت در صدر اسلام داستان عبدالله مزنی است. عبدالله

مزنای از مسلمانان نمونه ای بود که در مکه دعوت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله را پذیرفت. وقتی قبیله اش فهمیدند که اسلام آورده او را تحت فشار قرار دادند تا دست از اسلام بردارد، و او نیز همه مشکلات را تحمل کرد. عمویش که سرپرستی او رابه عهده داشت همه آنچه در اختیار عبدالله بود از او گرفت و لباس های او رانیز از تن او بیرون آورد تا آنجا که لباسش منحصر به يك گلیم راه راه شد، و عبدالله باز تحمل کرد، روزی عبدالله خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسید: نامت چیست؟ گفت: عبدالعزی (عزی نام یکی از بتهای عرب بود) حضرت فرمود: من تو را عبدالله ذوالبجadin نامیدم. عبدالله که دو پارچه به عنوان لنگ و پیراهن به خود بسته بود در حرکت به سوی جنگ تبوک خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله رسیده گفت: از خدا بخواه من شهید شوم. حضرت فرمود:

خداوندا، خون او را بر کافران حرام گردان (۲)

عبدالله با ناراحتی گفت: یا رسول الله من این را نمی خواستم! پیغمبر فرمود: وقتی برای جنگ با دشمنان اسلام بیرون آمدی، در مسیر هم بمیری شهید هستی. عبدالله چیزی نگفت، چند روزی که گذشت عبدالله مریض شد و از دنیا رفت. پیغمبر صلی الله علیه و آله دستور داد در دل تاریك شب قبر او را کنند و خود داخل قبر شد و فرمود: برادران را نزدیک آورید، سپس جنازه او را به دست

- همان .

- اللهم حرّم دمه علی الكفار. همان، ص ۱۱۲.

گرفت و داخل قبر کرد و به پهلو روی زمین قبر خوابانید. آنگاه دست به دعا برداشت و گفت:

خداوندا، من از این مرد خوشنود و راضی هستم، تو نیز از او راضی باش. (۱)

عبدالله بن مسعود می گوید من در آن وقت آرزو کردم که ای کاش من بجای عبدالله ذوالبجadin بودم. (۲)

۸. گواهی به شهادت ائمه علیهم السلام

طبق احادیثی که از طرف ائمه علیهم السلام وارد شده و به روایت تاریخ، همه ائمه علیهم السلام شهید محسوب می شوند و نه تنها دارای اجر و پاداش شهدا هستند بلکه دارای بالاترین مراتب و مقامات در میان شهدا نیز هستند. بنابراین در این امر تردیدی نیست که همه امامان شیعه با شهادت از این جهان به سوی حق شتافتند. در این زمینه احادیث زیادی نیز وارد شده است. از جمله حدیثی که در آن امام حسن علیه السلام می فرماید:

همه ماکشته شدگان در راه خداییم، برخی از ما بواسطه شمشیر به شهادت رسیده ایم و برخی بوسیله سم. (۳)

- اللهم انی امسیت راضیاً عنه فارض عنه. همان .

- همان .

- «ما منا الا مقتول او مسموم». و نیز حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: "والله ما منا الا مقتول شهید. محمدباقر المجلسی، پیشین ج ۲۷، ص ۲۱۷.

- ۱۹۸.

از همین روست که در ضمن ادعیه همه ائمه با صفت شهید نام برده می شوند. چنانچه در دعای توسل می خوانیم:

خدایا من به تو توسل می جویم بوسیله محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین که برترین شهدا هستند و بوسیله فرزندان شهید وی که همگی از شهدای در راه حق و مظلومان تاریخ اند. (۱)

عبارت «شهید» و اشاره به شهادت، راجع به همه ائمه علیهم السلام آمده است. تمامی زیارتنامه ها دارای الفاظ، اصطلاحات و کنایاتی است که دلالت بر شهادت ائمه علیهم السلام دارد. امام علی علیه السلام هنگامی که آیه ۱۶۹ آل عمران را تلاوت می کردند (و مپندارید که آنان که در راه خدا به شهادت رسیده اند مرده اند بلکه زنده اند و نزد پروردگار خود روزی می خورند)، (۲)

می فرمودند:

شهادت می دهم که رسول خدا با شهادت از این دنیا رفتند. (۳)

گواهی به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در مورد همه معصومین وارد شده است و می توان گفت در همه زیارات و اکثر دعاهایی که به

- اللهم انی اتوسل الیک بمحمد وبأخیه و فاطمه و بالحسن و بابی عبدالله الحسین اکرم المستشهدین و بأولاده المقتولین و بعترته المظلومین محمدباقر المجلسی، پیشین ج ۱۰۱، ص ۳۲۵.

- و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون. آل عمران، ۱۶۹.

- اشهد ان رسول الله مات شهیداً. مکی قاسم البغدادی، پیشین ج ۱۰۱، ص ۲۶۰. به نقل از: تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۸.

نحوی ائمه علیهم السلام در آنها مورد خطاب واقع شده اند به این مسأله اشاره شده است. امام سجاد در دعای «الانجلیة الطویلة» در مورد پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید:

گواهی می دهم که حضرت محمد، پیامبر، ولی و شهید خداست. (۱)
با توجه به معانی متعددی که برای شهید بیان شد، می توان گفت که شهید، در اینجا در هر دو معنی بکار رفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله هم شاهد و گواه بر اعمال امت خود در روز قیامت است و هم کسی است که عمر شریف خود را در راه ترویج و گسترش دین خدا صرف نمود و در این راه نیز جان خود را تقدیم پروردگار کرد. در همین رابطه امام صادق علیه السلام می فرماید:

خدایا درود فرست بر محمد، بنده تو، رسول تو، امین تو و شهید تو؛

کسی که درست کردار و پرهیزکار و بشارت دهنده و نذیر است. (۲)
در زیارت شریف امین الله - که از سوی امام سجاد علیه السلام وارد شده است و از گنجینه های زیارتی شیعه محسوب می شود - خطاب به امیرالمومنین علی علیه السلام (و همه ائمه علیهم السلام) می گوئیم:

سلام بر تو ای امیرمومنان... من شهادت می دهم که تو در راه خدا
آنچنان که شاید و باید جهاد و مجاهده کردی و به کتاب خدا عمل
نمودی و از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کردی تا اینکه

- اشهد ان محمداً نبیه المرسل و ولیه المفضل و شهیده المعدل. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۴۳۸، ص ۳۳.

- اللهم صل على محمد عبدك و رسولك و نبيك و امينك و شهيدك النقي النقي البشير النذير. تقي الدين الكفعمي، المصباح في الادعية، ص ۳۲۰.

خداوند ترا به سوی خود خواند و ترا نزد خود جای داد و بر دشمنان تو حجت تمام کرد در حالی که تو نزد خدا دارای حجت هستی و تو خود حجت خدا بر همه بندگان هستی. (۱)

در این فراز اشاره شده است که خداوند تبارک و تعالی خود خواهان ائمه علیهم السلام بوده است و آنان را به سوی خود فراخوانده و به ضیافت خود میهمان کرده است. بنابراین فرایند انتقال ائمه علیهم السلام به سوی خدا، فرایندی مقدس و سعادت‌مندانه است و از آنجا که چنین امری در شهادت در راه خدا تجلی پیدامی کند بنابراین مرگ ائمه علیهم السلام حتی اگر در میدان جنگ هم نبود، شهادت محسوب می شد. در زیارت مطلقه حضرت علی علیه السلام می خوانیم:

شهادت می دهم که تو در راه خدا به بهترین وجه جهاد کردی و در این راه شهید شدی و شاهی برای همه عالمیان گشتی که هم

شهادت می دهی و هم برای تو شهادت داده می شود. (۲)

- السلام عليك يا امير المؤمنين... اشهد انك جاهدت في الله حق جهاده و عملت بكتابيه و اتبعت سنن نبيه حتى دعاك الله في جواره و قبضك باختياره و الزم اعدائك الحجة مع مالك من الحج البالغة على جميع خلقه. الصحيفة السجادية الجامعة، ص ۵۹۰؛ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه، پیشین، ص ۳۷.

- اشهد انك... جاهدت في الله حق جهاده ومضيت للذي كنت عليه شهيداً وشاهداً و مشهوداً. نبیل شعبان، پیشین، ص ۱۹۹؛ محمدحسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۰۸؛ ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، پیشین، ص ۴۰؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۱۳۹.

در زیارت دیگری که صراحتاً به شهادت ایشان اشاره می شود، خطاب به حضرت می گوئیم:

شهادت می دهم که تو در حالی خدا را ملاقات کردی و به ملاقات پروردگار شتافتی که شهید بودی. (۱)

در زیارت مخصوص حضرت در روز غدیر نیز می خوانیم:

شهادت می دهم که تو و عمویت و برادرت کسانی هستی که با خدا معامله کردید و جان خود را تقدیم پروردگار خود کردید. از همین جهت است که خداوند این آیه را در شأن شما نازل کرد که: خداوند از مومنان جان آنها را به بهای بهشت خریده است. (۲) پس خوشا به حال شما و معامله ای که با پروردگار خود کرده اید. (۳)

اگر چه حضرت فاطمه زهر اسلام الله علیها در صحنه جنگ با دشمنان به شهادت نرسیدند اما به دلیل صبر و پایداری ایشان در برابر بلایا و مصایبی که از ناحیه دشمنان دینی بر ایشان وارد می آمد و به دلیل اینکه حضرت پامال جفای مشرکین و منافقین گشت و به همین دلیل نیز در عنفوان جوانی به دیدار پروردگار خود شتافت، ایشان نیز مانند سایر ائمه علیهم السلام شهید محسوب

- اشهد انك لقيت الله و انت شهيد. ابی القاسم جعفر بن قولويه، پیشین، ص ۳۸.

- ان الله اشترى من المومنين انفسهم بان لهم الجنة. سوره التوبه، ۱۱۱.

- اشهد انك وعمك و اخاك الذين تاجرتم مع الله بنفوسكم فانزل الله فيك "ان الله اشترى... فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم. محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۱۱۱؛ نبیل شعبان، پیشین، ص ۲۱۳؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۳۶۴.

می شود لذا در زیارت ایشان می خوانیم:
سلام بر تو ای راستگوی شهید. (۱)
در مورد امام حسن علیه السلام نیز عبارات زیادی در زیارات و ادعیه وارد شده است که دلالت بر شهادت ایشان می کند. در یکی از دعاهاى توسل به خداوند عرضه می داریم:

خدایا من امام حسن علیه السلام را واسطه و وسیله خود به درگاه تو
قرار می دهم؛ امام پرهیزگاری که در راه تو به وسیله زهر به شهادت
رسیده است. (۲)

در دعای دیگری همین مضمون به این صورت آمده است:
خدایا من امام حسن و امام حسین علیهم السلام را واسطه خود به
درگاه تو قرار می دهم؛ امامانی که مظلومانه در راه تو و بخاطر حفظ
دین تو به شهادت رسیدند. (۳)

در میان همه ائمه علیهم السلام بیشترین عبارات و تعابیر مربوط به شهادت در مورد امام حسین علیه السلام به کار رفته است. سراسر ادعیه و زیارات راجع به امام حسین علیه السلام به شهادت ایشان اشاره کرده اند و به انحاء مختلف نحوه

- السلام عليك ايتها الصديقة الشهيدة محمد بن مكي العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۶۰؛ محمدحسین الحسینی الجلالی، ص ۳۴۵.

- اللهم... واتوسل اليك... بالامام الزكي الحسن المقتول سماً بتقى الدين الكفعمی، المصباح فی الادعية، ص ۱۸۱.

- اتوسل اليك... بالحسن والحسين الشهيدين المظلومين المقتولين. محمدحسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۴۵.

و علت و پیامد شهادت ایشان را بیان کرده اند. کثرت عبارات و تعابیری که شهادت امام حسین علیه السلام را بازگو کرده اند به حدی است که ذکر همه موارد مجال دیگری را می طلبد. در اینجا به چند مورد اشاره می شود. امام حسین علیه السلام خود راجع به خود می فرماید:

من کسی هستم که در راه خدا به شهادت خواهم رسید و همه
چشم ها بر من گریان خواهد بود و شهادت من شهادتی مظلومانه و
اندوهناک است و لذا سزاوار است که هیچ اندوهناکی به من متوسل
نشود مگر اینکه خداوند حاجت وی را روا کند. (۱)

امام سجاد علیه السلام در معرفی خود به شهادت پدر اشاره می کند و آن را
مایه افتخار و سرافرازی خود می داند و می گوید:

من فرزند کسی هستم که کشته جفای دشمنان دین خدا شد و شهادت پدرم و فرزند شهید بودن برای من بالاترین افتخار است. (۲)

از این روایت می توان به اهمیت و سربلندی فرزندان شهدا یاد کرد. چرا که امام سجاد علیه السلام از اینکه خود را فرزندی شهید می داند احساس افتخار و سربلندی می کند. در دعای کنز العرش (گنجینه عرش خدا) که کفعمی آن را در کتاب البلدان امین خود آورده است به درگاه خداوند عرضه می کنیم:

- انا قتيل العبرة قتلت مكروبا و حقيق على الله ان لا ياتيني مكروب الا رده و قلبه الى اهله مسرورا. نبيل شعبان، پیشین، ص ۲۷۹. - انابن من قتل صبرا وكفى بذلك فخرا. مكي قاسم البغدادي، پیشین، ج ۴، ص ۳۴۴.

خدایا من خواسته های خود را به حق امام حسین علیه السلام از تو می خواهم؛ امام شهیدی که مظلومانه در کربلا در راه تو و جهت اعتلای دین تو به شهادت رسید. (۱)

همچنین در دعایی که به «دعای قاف» معروف است خداوند به حسین شهید قسم داده می شود:

خدایا من خواست های خود را به حق حسین شهید از تو می خواهم. (۲)

در حدیث قدسی آمده است که چون حضرت موسی علیه السلام برای قوم خود از خداوند طلب آب کرد، خداوند را به حق پنج تن آل عبا دعا کرد و چون به نام امام حسین علیه السلام رسید گفت:

خدایا به حق حسین شهید که برترین کشته شدگان به درگاه توست باران را بر ما فرو فرست. (۳)

در دعای روز جمعه نیز شهادت امام حسین (ع) مورد توجه قرار گرفته است و وسیله نزدیکی به خداوند ذکر شده است. در این دعا می خوانیم:

خدایا من امام حسین علیه السلام را وسیله نزدیکی خود به تو قرار می دهم؛ امام شهیدی که در صحرای کربلا مظلومانه شهید شد و بدن

- اللهم... واسالك بحق الحسين الامام الشهيد المظلوم المقتول بكربلا. تقى الدين الكفعمي، البلدان امين، ۴۹۰.

- اللهم انى اسالك بالحسين الشهيد النقى. همان، ص ۵۰۱.

- الهى بحق الحسين افضل الشهداء. محمد باقر المجلسي، پیشین، ج ۹۱، ص ۸.

شریفش پایمال سم اسبان لشکر اعدا شد. (۱)

همچنین در دعای روز سوم شعبان که روز تولد امام حسین علیه السلام

است، می خوانیم:

خدایا من خواسته های خود را از تو به حق کسی می خواهم که در این روز به دنیا آمده است و قبل از اینکه به دنیا بیاید از شهادت وی خبر داده و آن را وعده داده بودی و در شهادت او آسمان و زمین و همه مخلوقات تو بر او گریسته اند و از همین رو است که شهید اشك ها و گریه ها نامیده شده است و تو به او وعده داده ای که در روزی که قرار است از ظالمان انتقام بگیری او را یاری دهی و پاداش شهادت او را چنین قرار داده ای که ائمه علیهم السلام از نسل وی باشند و شفای بیماران را در خاک قبر و تربت وی قرار داده ای و پیروزی و رستگاری در رجعت وی همراه اوست. (۲)

در زیارت وارث و زیارت مطلقه ای که از امام صادق علیه السلام روایت شده است شهادت امام حسین (ع) به طور برجسته ای مورد توجه قرار گرفته است:

- و اتقرب اليك بالقتيل المسلوب قتيلا كربلا الحسين بن علي .شيخ ابي جعفر طوسی، پیشین، ص ۳۲۸.

- اللهم اني اسالك بحق المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بكتفه السماء و من فيها و الارض و من عليها و لما يطأ لابيته قتيلا العبرة و سيد الاسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء في تربته الفوز في اوبته بقى الدين الكفعمي، البلد الامين، ص ۲۶۲؛ شيخ ابي جعفر طوسی، پیشین، ص ۷۵۸؛ عبدالحسين طالعی، پیشین، ص ۳۴۳.

سلام بر تو ای شهید صدیق، شهادت می دهم که تو شهیدی هستی که زنده ای و نزد پروردگارت روزی داری. شهادت می دهم که تو راستی و درستی را پیشه کردی و صادقانه و از روی یقین در راه خدا به شهادت رسیدی و هدایت را بر نادانی برگزیدی و از حق به سوی باطل گرایش نکردی. (۱)

امام صادق علیه السلام در زیارت دیگری برای به امام حسین علیه السلام او را شهید خدا، فرزند شهید خدا، خون خدا و فرزند خون خدا خطاب می کند و می فرماید:

سلام بر تو ای شهید خدا (کشته در راه خدا) و ای فرزند شهید خدا. سلام بر تو ای خون خدا و ای فرزند خون خدا؛ سلام بر تو ای یگانه محبوب خدا در تمامی زمین ها و آسمان ها. شهادت می دهم که خون تو در بهشت برین جای دارد و عرش خدا بخاطر ریختن خون تو به لرزه در آمد و همه خلایق در شهادت تو گریستند. (۲)

- السلام عليك ايها الشهيد الصديق... اشهد انك حيّ شهيد ترزق عند ربك... اشهد انك قلت صادقاً وقتلت صديقاً فمضيت شهيداً على يقين لم تؤثر عمي على هدى ولم تمل من حق الى باطل. ابی القاسم جعفر بن قولويه، پیشین، ص ۲۲۶، ص ۲۳۵ و ص ۲۴۸.

- السلام عليك يا قتيل الله وابن قتيله السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره السلام عليك يا وتر الله الموتور في السموات والارض اشهد ان دمك سكن في الخلد واقشعرت له اظلة العرش وبكى له جميع الخلق. ابی القاسم جعفر بن قولويه، پیشین، ص ۲۱۸.

در معنای «ثار الله» گفته شده یعنی کسی که خداوند خونخواه وی است و در مورد «وتر الله» آمده است کسی که در عصر خود به همه کمالات دست یافته است و شش دیگري نظير وی نمی باشد و «موتور» یعنی کسی که کشته شده اما خونخواهی ندارد تا طالب خون وی باشد. در زیارت دیگری ضمن اشاره به این موضوع، می خوانیم:

سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای فرزند شهید، سلام بر تو ای کشته راه خدا، سلام بر تو ای فرزند کشته راه خدا. گواهی می دهم که تو در راه خدا به شهادت رسیدی و با شهادت از این دنیا رفتی. (۱)

همچنین در زیارت اربعین و زیارت عید فطر و قربان آمده است:

سلام بر حسین که مظلومانه به شهادت رسید. سلام بر کسی که در واقعه عاشورا انبوه اندوه و غم او را فرا گرفته بود؛ سلام بر کسی که در رثای او همه عالمیان گریستند و اشک ریختند. خدایا من گواهی می دهم که حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی تو بود. او برگزیده تو و فرزند برگزیده تو بود. کسی بود که تو به کرم و لطف خود او را رستگاری و فوز عظیم بخشیدی و بواسطه شهادت در راه خود او را

- السلام عليك يا شهيد بن شهيد السلام عليك يا قتيل بن قتيل اشهد انك مضيت شهيداً... حتى فارقت الدنيا وانت شهيد نبيل شعبان، پیشین، ص ۲۶۷؛ محمد بن مکی العاملي (شهید اول) پیشین، ص ۱۸۷؛ ابی القاسم جعفر بن قولويه، پیشین، ص ۳۰۴؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۳۴۵.

کرامت عطا کردی و به او سعادت نصیب کردی. (۱)

این مبحث را با بخشی از کلام شیرین و دلنشین حضرت مهدی (عج) در

زیارت امام حسین علیه السلام خاتمه می دهیم.

سلام بر کسی که در خون غلتیده است؛ سلام بر کسی که خیمه اش ویران شده، سلام بر پنجمین نفر از آل عبا، سلام بر غریب ترین غریب ها، سلام بر شهیدترین شهیدها، سلام بر کسی که به دست بی اصل و نسبان کشته شده، سلام بر کسی که در کربلا مأوی گزیده، سلام بر کسی که ملائکه آسمان بر وی گریستند، سلام بر تو ای حسین و سلام بر همه فرزندان شهید تو. (۲)

امام سجاد علیه السلام نیز همانند آبا و اجداد خود شهید هستند. در زیارت امام سجاد علیه السلام می خوانیم:

سلام بر تو ای فرزند حسین، سلام بر تو که هم شهیدی و هم فرزند

- السلام علی الحسین المظلوم الشهید، السلام علی اسیر الکربات و قتیل العبرات اللهم انی اشهدک انه ولیک و صفیك وابن صفیك الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۰۸؛ محمدبن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، صص ۱۸۲ و ۲۰۹؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، صص ۳۳۱ و ۳۵۲.

- السلام علی المرمّل بالدماء السلام علی المهتوک الخباء. السلام علی خامس آل عبا السلام علی غریب الغربا السلام علی شهید الشهداء السلام علی قتیل الادعیاء السلام علی ساکن کربلاء السلام علی من بکتہ ملائکة السماء... السلام علیک وعلی ابنائک المستشهدين. جلال برنجیان، پیشین، ص ۶۲؛ عبدالحسین طالع، پیشین، ص ۳۱۸؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷.

شهید. (۱)

و در زیارت دیگری به شهادت مظلومانه و زندگی سعادت‌مندانه آن حضرت اشاره شده است :

سلام بر تو ای شهید مظلوم؛ پدر و مادرم فدای تو باد. تو زندگی سعادت‌مندانه ای داشته و مظلومانه شهید شدی. (۲)

در زیارت امام صادق علیه السلام نیز آن حضرت ب ه عنوان شهید راستگو یاد شده است. در این زیارت ضمن بر شمردن فضایل امام (ع)، می خوانیم:

سلام بر تو ای راستگوی شهید؛ سلام بر تو ای وصی نیکوکار و با تقوی؛ شهادت می دهم که تو نماز را برپای داشتی و زکات را پرداخت نمودی و به معروف امر کردی و از منکر نهی نمودی و مخلصانه خدا را عبادت کردی تا این که یقین ترا فراگرفت. (۳)

در زیارت امام کاظم علیه السلام نیز، مجاهده، تحمل مصائب و در نهایت شهادت آن حضرت مورد تاکید قرار گرفته است :

-
- السلام عليك يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك ايها الشهيد و ابن الشهيد. نبيل شعبان، ص ۳۸۳؛ محمد بن مكي العاملي (شهيد اول)، پيشين، ص ۱۵۹.
- السلام عليك ايها المظلوم الشهيد بابي انت وامى عشت سعيداً وقتلت مظلوماً شهيداً. محمد بن مكي العاملي (شهيد اول)، پيشين، ص ۱۸۶.
- السلام عليك ايها الصديق الشهيد السلام عليك ايها الوصي البار النقي اشهد انك قد اقمت الصلوات اتيت الزكوات امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و عبت الله مخلصاً حتى اتيك اليقين. محمد بن مكي العاملي (شهيد اول)، پيشين، ۲۱۹؛ نبيل شعبان، پيشين، ص ۴۵۴؛ محمد حسين الحسيني الجلالى، پيشين، ص ۳۳۳.

گواهی می دهیم که تو در راه خدا تا حد امکان مجاهده کردی و در راه انجام طاعات الهی همه سختی ها و بلاها را تحمل کرده و صبر کردی و خداوند را عبادت کردی تا اینکه به یقین رسیدی؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا. گواهی می دهیم که تو راستگو و راستکردار بودی، نصیحت گو و امانت دار بودی و در راه خدا به شهادت رسیدی. (۱)

در زیارت امام رضا علیه السلام هم از آن حضرت به عنوان شهید یاد شده است. در این زیارت امام را شهید صديق، خطاب قرار داده و می گوئیم:

خدایا بر امام علی بن موسی الرضا درود فرست. امام پرهیزکاری که حجت تو بر همه خلائق است؛ او که شهید است و راستگوست. (۲)

امام زمان (عج) در زیارت امام حسین علیه السلام همه فرزندان امام حسین را شهید معرفی می کند. در این زیارت ایشان خطاب به امام حسین علیه السلام

- اشهد انك جاهدت في الله حق جهادة وصبرت على الاذى في جنبه محتسباً وعبدته مخلصاً حتى اتاك اليقين... السلام عليك يا ابن رسول الله اشهد انك صادق صديق اديت ناصحاً وقتلت امنياً ومضيت شهيداً. محمد بن مكي العاملي (شهيد اول)، پيشين، ص ۲۱۲؛ نبيل شعبان، پيشين، ص ۴۳۶؛ محمد حسين الحسيني الجلالى، پيشين، ص ۳۲۶؛ محمد باقر المجلسي، پيشين، ج ۱۰۲، ص ۱۱.

- اللهم صل على علي بن موسى الرضا الامام النقي النقي وحتك على من فوق الارض ومن تحت الثرى الصديق الشهيد صلاة كثيره نامية. ابى القاسم جعفر بن قولويه، پيشين، ص ۳۲۳.

می فرمایند:

سلام بر تو و سلام بر همه فرزندان شهید تو. (۱)
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این زیارت صریحاً اشاره می کنند که همه ائمه علیهم السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام شهید محسوب می شوند. حتی طبق روایتی خود حضرت مهدی (عج) نیز به هنگام ظهور و بعد از قیام علیه دشمنان دین حق نهایتاً شهید خواهند شد. بنابراین همه ائمه علیهم السلام شهید محسوب می شوند. از همین روست که در زیارت سایر ائمه علیهم السلام نیز به شهادت آنها اشاره شده است.

۹. اشاره به شهادت یاران پیامبر (ص) و ائمه (ع)

بخشی از زیارات وارده در کتب شیعه به یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و امامزادگان اختصاص دارد و در میان این زیارات به شهادت آنها نیز اشاره شده است. این مسأله علاوه بر اینکه تأکیدی بر اهمیت شهادت در مکتب و دین مبین اسلام است، به جایگاه رفیع و بلند این افراد به عنوان اولیای دین و مسلمانانی برجسته نیز اشاره دارد و از آنجا که در مکتب اسلام همواره روحیه شهادت طلبی زنده بوده است، در طول تاریخ افراد زیادی از مسلمانان یافت می شود که این جام را سرکشیده و به فوز عظیم شهادت رسیده اند. در این میان نام برخی از این افراد در ضمن زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام آمده است و از مقام آنها به عنوان شهید راه حق یاد شده است و

- السلام عليك و على ابنائك المستشهدين. جلال برنجیان، پیشین، ص ۶۲؛
عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۱۸؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

برخی دیگر دارای زیارت مخصوصه هستند که در مورد آنها نیز به مسأله شهادت اشاره شده است. در زیارت امام علی علیه السلام در روز عید غدیر آمده است:

شهادت می دهم که تو و عمویت (حمزه)، برادرت (جعفر طیار) از جمله کسانی هستند که با خداوند معامله کردید و جان خود در راه یاری دین خدا تقدیم کردید و خداوند نیز این آیه را در شأن شما نازل کرد که «خدا از مومنین جان و مال آنها را به بهای بهشت ار آنها می خرد» پس شما به معامله خود با خدای خود خشنود باشید که از این طریق به فوز عظیم و رستگاری ابدی دست یافته اید. (۱)

در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به حضرت حمزه می خوانیم:
سلام بر عمویت که سرور و سالار شهیدان زمان خود محسوب می شود. (۲)

همچنین در زیارت مخصوص حضرت حمزه می خوانیم:

سلام بر تو ای برترین شهدا و سلام بر تو ای شیر خدا و شیر پیامبر خدا. (۳)

- اشهدانك وعمك واخاك الذين تاجرتم الله مع الله بنفوسكم فانزل الله فيكم «ان اشترى من المومنين انفسهم و اموالهم...» فاستبشروا ببيعكم الذى بايعتم به و ذلك هو الغفور العظيم. نبیل شعبان، ص ۲۱۳.

- السلام على عمك حمزه سيد الشهداء. همان، ص ۶۳؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۵۰.

- السلام عليك ياخير الشهداء السلام عليك يااسدالله واسد رسوله نبیل شعبان، پیشین، ص ۱۰۲؛ ابی القاسم جعفر بن قولویه، پیشین، ص ۱۸؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۳۲۱.

در زیارت جعفر طیار نیز به شهادت وی اشاره شده است. در این زیارت آمده است:

سلام بر تو ای کسی که در راه خدا جهاد کردی و به شهادت رسیدی. سلام بر تو که صبورانه در راه خدا مبارزه کردی تا اینکه دستهایت قطع شد و خداوند بجای آنها دو بال به تو عطا کرد تا به وسیله آنها در بهشت با فرشتگان پرواز کنی. (۱)

حجربن عدی از دیگر اولیای خدا است که در تاریخ از وی به عنوان شهیدی بزرگوار یاد می شود. حجربن عدی که از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب می شود در بعضی از غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان شرکت داشت اما توفیق شهادت نصیب وی نشد. در زمان حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل و صفین در کنار حضرت علی علیه السلام علیه ناکثین و قاسطین جنگید. بعد از جنگ صفین معاویه به شدت کینه وی را به دل گرفته بود. لذا قصد کشتن حجر را داشت تا اینکه در منطقه ای به نام بُراء حجر و تعدادی از یارانش را محاصره کرد. حجربن عدی و یارانش در بُراء به جرم دوستی با علی علیه السلام به دست عمال معاویه به شهادت رسیدند. در زیارت حجربن عدی و یارانش می خوانیم:

سلام بر شما ای شهیدان پایدار، سلام بر شما افراد صالح پرهیزکاری که بر سخت ترین بلاها صبر کردید تا اینکه در راه

- السلام عليك ايها الشهيد المحتسب المجاهد في سبيل الله... السلام عليك يا من جاهد في سبيل الله صابراً محتسباً حتى قطعت يده فابدله الله تعالى بهما جناحين يطير بهما مع الملائكة. نبیل شعبان، پیشین، ص ۱۲۶.

دوستی سید اوصیا حضرت علی علیه السلام به شهادت رسیدید و با شهادت خود در مراتب عالی بهشت با پیامبران و سایر شهدا همنشین شدید. سلام بر شما بخاطر پایداری شما در مقابل شمشیر دشمنان دین و صبر شما در مقابل سختی ها و بلاها و پایداری خود در دوستی و محبت حضرت علی علیه السلام تا اینکه در راه خدا به شهادت رسیدید. (۱)

در زیارت هانی بن عروه نیز که از شیعیان وفادار و از محبان اهل بیت علیهم السلام بود، آمده است :

شهادت می دهم که تو مظلومانه به شهادت رسیدی و به مقامات شهدا رسیدی و خداوند روح ترا با روح سعادت‌مندان قرار داد بخاطر خیرخواهی و وفاداری تو نسبت به پیامبر صلی الله علیه و اله و بخاطر بذل جان خود در راه خدا و رضای خدا. (۲)

- السلام علیکم ایها الاتقیاء والصالحون صبرتم علی عظیم البلاء حتی قتلتم حب سید الاوصیاء و فزتم بالدرجات العلی مع الانبیاء والمرسلین والشهداء والصدیقین... صبرتم علی حد السیوف و شرب الحتوف و لم تبروا من ابن عم رسول الله حتی قتلتم صبراً فی سبیل الله و نصره ابن عم رسول الله. نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۷۳؛ محمدحسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۵۸.

- اشهد انك قتلت مظلوماً... و اشهد انك قد بلغت درجة الشهداء و جعل روحك مع ارواح السعداء بما نصحت الله و لرسوله مجتهداً و بذلت نفسك فی ذات الله و مرضاته محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۹۵؛ محمدحسین الحسینی الجلالی، پیشین، ص ۳۱۷؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۴۲۹.

همچنین در زیارت مسلم بن عقیل می خوانیم:

گواهی می دهم که تو در راه خدا تا سر حد جان مبارزه کردی و در این راه همچون مجاهدان راه حق به شهادت رسیدی. (۱)
و در زیارت دیگری خطاب به ایشان می گوئیم:
گواهی می دهم که تو مظلومانه به شهادت رسیدی و به درجه ای رسیدی که مجاهدین صدر اسلام و کسانی که در جنگ بدر در رکاب پیامبر صلی الله علیه و اله شمشیر می زدند و شهید شدند، رسیدی. (۲)

سید بن طاووس در زیارتی که برای مسلم بن عقیل ذکر کرده است مسلم را اولین شهید کربلا معرفی کرده، که پیشاپیش سعادت‌مندان قرار دارد. در این زیارت می خوانیم:

سلام بر تو ای مسلم بن عقیل؛ اولین شهید کاروان عاشورا و ای

کسی که پیشاپیش سعادتمندان قرار داری. (۳)

- اشهد انك جاهدت في الله حق جهاده و قتلت على منهاج المجاهدين في سبيله. نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۴۴.

- اشهد انك قتلت مظلوماً... اشهد و اشهد الله انك مضيت على ما مضى به البدریون و المجاهدون في سبيل الله... فبعثك الله في الشهداء و جعل روحك مع ارواح السعداء و حشرک مع النبیین و الشهداء و الصالحین حسن اولئك رفيقاً. نبیل شعبان، ص ۳۴۶؛ محمدین مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۹۲؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۴۲۸.

- السلام عليك يا اول الشهداء و امام السعداء. محمدحسین الحسینی الجالی، پیشین، ص ۲۱۶.

مسلم و هانی دو نفر از یاران باوفای امام حسین علیه السلام هستند که در جریان قیام امام حسین علیه السلام و قبل از وقوع حادثه عاشورا به شهادت رسیدند. در جریان حادثه عاشورا که مردم کوفه که مردم به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و ایشان را دعوت کردند تا به کوفه آید، امام حسین علیه السلام مسلم بن عقیل را به نمایندگی از خود به کوفه فرستاد. مسلم در کوفه به خانه هانی بن عروه رفت. اما ابن زیاد که وجود مسلم در کوفه را خطرناک می دید گروهی را فرستاد تا او را دستگیر کنند. مسلم پس از مقاومت و پایداری در برابر آنها سرانجام به دلیل تشنگی و خستگی از پای درآمد و او را دستگیر کردند و به دار العماره بردند و ابن زیاد دستور داد تا او را به شهادت برسانند. هانی بن عروه نیز به دستور ابن زیاد به شهادت رسید.

حضرت علی اکبر از خانواده پیامبر صلی الله علیه و اله و از یاران و لشکریان باوفای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود. علی اکبر علیه السلام بعد از اینکه از امام حسین علیه السلام اجازه گرفت به میدان رفت و پس از يك نبرد قهرمانانه به شهادت رسید. در زیارتی که از حضرت ولی عصر (عج) وارد شده است راجع به علی اکبر می خوانیم:

سلام بر تو ای اولین کسی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله در روز عاشورا به شهادت رسید. سلام بر تو در لحظه ای که به شهادت رسیدی و پدرت امام حسین علیه السلام در آن لحظه گفت خدا بکشد گروهی که ترا به کشتند؛ چقدر این قوم خدائرس و بی پروا شده اند که حرمت خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله را رعایت نکرده و به آنها ستم کرده و آنان را به شهادت رساندند. بعد از تو خاك بر دنیا و زندگانی دنیا. (۱)

در زیارت دیگری در مورد علی اکبر، از او به عنوان شهید رشید یاد شده و

می گوئیم:

خدایا بر علی بن حسین - آن شهید رشید - درود فرست. (۲)
در زیارت حضرت عباس پرچمدار سپاه امام حسین علیه السلام در مقابل
لشکر باطل یزید نیز با اشاره به شهادت آن حضرت، درجه و مقام والای او مورد
توجه قرار گرفته است:

گواهی می دهم که تو مظلومانه در راه خدا به شهادت رسیدی و به
درجه شهادی جنگ بدر و مجاهدین فی سبیل الله ارتقا یافتی.
خداوند ترا با شهدا محشور کند و روح ترا با ارواح شهدا همنشین
کند و در قیامت ترا با پیامبران و شهدا و صالحان - که بهترین
همنشینان هستند - محشور کند. (۳)

- السلام عليك يا اول قتيل من نسل خير سليل من سلالة ابراهيم الخليل
صلى الله عليك وعلى ابيك ازال قال فيك: قتل الله قوماً قتلوك يا بنى ما اجرهم
على الرحمن وعلى انتهاك حرمة الرسول على الدنيا بعدك العفاء. محمد حسين الحسيني
الجلالي، پیشین، ص ۸۱؛ عبدالحسين طالعی، پیشین، ص ۳۴۶؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج
۱۰۱، ص ۲۶۹.

- اللهم صل على بن الحسين الشهيد الرشيد نبيل شعبان، پیشین، ص ۳۳۵.

- شهدائك قتلت مظلوماً شهد انك مضيت على ما مضى به البديون
والمجاهدون في سبيل الله المبالغون في نصرة اوليائه... فبعثك الله في الشهداء
وجعل روحك مع ارواح الشهداء... وحشرك مع النبيين والصديقين
والشهداء والصالحين وحسن اوليائك رفيقاً. ابی القاسم جعفر بن قولويه، پیشین
ص ۲۷۰؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول)، پیشین، ص ۱۹۱؛ نبیل
شعبان، پیشین، ص ۳۳۷؛ شیخ ابی جعفر طوسی، پیشین، ص ۴۹۶؛ محمدباقر المجلسی، پیشین
ج ۱۰۱، ص ۲۷۷.

همچنین در ضمن زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا همه
شهیدان کربلا و تمامی شهدای اسلام مورد اشاره و تکریم واقع شده اند. در این
زیادت با ذکر نام برخی از شهدا می خوانیم:

سلام بر حسین شهید، سلام بر علی اکبر شهید، سلام بر عباس
شهید، سلام بر شهیدانی که از نسل امیرالمومنین هستند، سلام بر
شهیدانی که از نسل جعفر و عقیل هستند. سلام بر همه شهدای
مسلمان. (۱)

همچنین در رابطه با یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به انحای
گوناگون اشاره به شهادت آنها شده است و از شهادت آنها تجلیل شده است. در
زیارت عاشورا امام حسین علیه السلام که می توان گفت جامعترین زیارتی است
که وقایع عاشورا را منتقل کرده است می خوانیم:

سلام بر تو ای امام حسین و سلام بر کسانی که در رکاب تو به

- السلام علی الحسین بن علی الشهید السلام علی علی بن الحسین الشهید السلام علی العباس بن امیر المومنین الشهید السلام علی الشهداء من ولد امیر المومنین السلام علی الشهداء من ولد جعفر وعقیل السلام علی کل مستشهد من المومنین. نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۲۹.
شهادت رسیدند. سلام خدا برای همیشه بر شما باد. (۱)
در زیارت شهدا بعد از زیارت امام حسین علیه السلام در شب قدر و عید فطر و قربان نیز می گوئیم :

سلام بر شما ای راستگویان راستکردار. سلام بر شما ای شهیدان پایدار. من گواهی می دهم که شما در راه خدا آنچنان که شایسته است مجاهده و مبارزه کردید و سختی ها و اذیت ها را تحمل کرده و بر آن صبر کردید و خیرخواه دین و خدا و پیامبرش شدید تا اینکه به یقین رسیدید. شهادت می دهم که شما نزد خدا زنده هستید و روزی می خورید. (۲)

در زیارت نواب اربعه امام زمان (عج) نیز به شهادت آنها اشاره شده است و مرگ آنها شهادت در راه خدا بیان شده است ، لذا در زیارت آنها می گوئیم:
شهادت می دهم که مرگ تو در راه خدا بود و تو زنده ای و نزد خدا روزی می خوری. (۳)

- السلام علیک وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیکم منی سلام الله ابدامابقیة وبقی اللیل والنهار. نبیل شعبان ،پیشین ص ۳۲؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین ، ص ۱۵۷، ابی القاسم جعفر بن قولویه، پیشین ، ص ۱۹۴؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۵۶.

محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین ، ص ۱۹۴؛ محمد باقر المجلسی، پیشین ، ج ۱۰۱، ص ۳۵۰.

- اشهد ان وفاتک فی سبیل الله و انت حی مرزوق عند الله. عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۲۶۷؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۲، ص ۲۳۵؛ تقی الدین الکفعمی، البلد الامین، ص ۲۲۸.

آن فرو ریخته گلهای پریشان در باد *** کز می جام شهادت همه مدهوشانند
یادشان زمزمه نیمه شب مستان باد *** تا نگویند که از یاد فراموشانند

۱۰. دعای پیامبر (ص) و ائمه (ع) برای شهدا و بازماندگان شهدا

یکی از صحنه های زیبا و بیادماندنی بعد از هر جنگ، صحنه بازدید و دلجویی فرمانده سپاه از سربازان و نیروهای خود است و در این میان توقف بر بدن شهدا و زمزمه و دعا در حق آنها خود جلوه ای دیگر دارد. صحنه های زیادی از جنگ های صدر اسلام وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالین شهدا می آمد و برای آنها دعا می کرد. در مورد امام علی و امام حسین علیهم السلام نیز وضع به همین گونه است. به طور کلی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام احترام خاصی برای شهدا قایل بودند و در مراتب مختلف رضایت خود از آنان را به درگاه خدا اعلام می کردند و برای آنها دعا می کردند و بر آنان درود و سلام می فرستادند. روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که از قبور شهدا عبور می کرد می فرمود:

سلام بر شما بخاطر صبر و پایداری شما در راه دفاع از دین خدا و خوش بحال شما که در بهترین مکان نزد پروردگار خود مأوی گزیده اید. (۱)

-السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار. ابوجعفر الکلینی رازی، پیشین، ج ۴، ص ۵۶۰؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۲۱۵؛ جوادالقیومی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ابوالقاسم جعفر بن قولویه، پیشین، ص ۶۵.

در بحبویه جنگ احد عده ای از رزمندگان اسلام شجاعانه جنگیدند و از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کردند و نهایتاً خود نیز شربت شهادت نوشیدند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالین این شهدا حاضر می شد برای آنان دعا می کرد از جمله این شهدا وهب بن قابوس مزنی و سعد بن ربیع است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالین آنها آمد و بیکر در خون غلتیده آنها را دید، دست به دعا برداشت و فرمود:

خداوند از تو راضی باد که من از تو راضی هستم. (۱)
در همین جنگ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله بدن مثله شده و چاک چاک حمزه را دید دست به دعا برداشت و گفت:

خدایا هم ترا شکر و سپاس هم به سوی تو شکایت می آوریم [از عملی که مشرکین با بدن حمزه کردند] و از توییاری می خواهیم تا بر این امر به من صبر عطا کنی. (۲)

مصعب بن عمیر شهید سعید دیگری است که در جنگ احد جان خود را فدای دین خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد. بعد از جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله کنار جنازه وی و تنی چند از دیگر شهدا آمد و گفت:

- رضی الله عنک فانی عنک راض. محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۳۵؛ حیدری

کاشانی، پیشین، ص ۷۴ و ص ۷۶.

- اللهم لك الحمد و اليك المشتكى و انت المستعان على ما ارى
محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۲۰، ص ۹۳؛ حیدری کاشانی، پیشین، ص ۸۲.

همانا پیامبر خدا شهادت می دهد که شما شهدای خداوند در روز
قیامت هستید. (۱)

پس از شهادت مالک سردار و والی اعزامی حضرت علی علیه السلام به سوی
مصر، امام علی علیه السلام غریبانه در رثای او می گوید:

ما همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم، شکر و سپاس خداوند
جهانیان را. خدایا من شهادت مالک را امری از سوی تو می دانم و
او رانزد تو می دانم و آن را به حساب تو می گذارم. چرا که مرگ مالک
از مصایب و سختی های روزگار است که تحمل آن آسان نباشد.
خداوند تو مالک را مورد رحمت خویش قرار ده. همانا مالک به
عهد خود وفا کرد و دین خود را ادا کرد و پروردگار خویش
راملاقات کرد... رحمت خدا بر مالک باد که روزگار خود را به
خوبی پایان برد و به آرزوی خود رسید و ما از او راضی و خشنود
هستیم و امیدواریم که خداوند نیز از او راضی و خشنود باشد و
پاداش او را دو چندان کند و در بهترین مکان ها جایگاهش دهد. (۲)

- ان رسول الله يشهد انكم الشهداء عند الله يوم القيامة مكي قاسم
البغدادی، پیشین، ج ۴، ص ۸۰؛ سید اسماعیل گوهری، پیشین، ص ۹۲، به نقل از: کشف
الاسرار میبدی، ج ۱، ص ۴۱۷.

- اناللهو انا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم اني احتسبه عندك فان
موته من مصائب الدهر... رحم الله مالکاً فلقد وفي بعهدده و قضی نحبه و لقی
ربه... رحمه الله عليه فقد استكمل ايامه و لاقى حماته و نحن عنه راضون فرضی
الله عنه فضاغف له الثواب واحسن له المآب. جواد القیومی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۰؛
محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۳۳، ص ۵۵۵؛ عزالدین ابو حامد المدائنی (ابن ابی الحدید)
پیشین، ج ۶، ص ۷۷.

سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام راجع به
شهدا ما را به این نکته رهنمون می کند که دین اسلام و جامعه اسلامی برای
بازماندگان شهدا جنگ اهمیت خاصی قائل است و این امر چه به لحاظ مادی و
چه به لحاظ معنوی در تاریخ اسلام بازتاب زیادی داشته است. پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بعد از هر جنگی به سراغ بازماندگان
شهدا می رفتند و از آنها دلجویی می کردند. توجه جامعه اسلامی به این امر ناشی

از اهمیتی است که خداوند به این امر داده است. امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که خداوند عزوجل می فرماید:
همانا من در میان خانواده شهید جای او را (شهید) خواهم گرفت و نسبت به خانواده او توجه و عنایت خواهم داشت و هر که خانواده شهید را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هر که آنان را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است. (۱)

در میان جنگ های صدر اسلام جنگ احد بیشترین شهید را - به نسبت تعداد مجاهدان - از امت اسلام گرفت. با این وجود مومنان حقیقی چون دیدند که پیامبر اسلام زنده است و به وجود مبارک ایشان صدمه ای نرسیده است، خدا را شاکر بودند و مصیبت کشته شدگانشان چندان بر آنها سخت نیامد. با این وجود حزن و ناراحتی فراگیری مدینه را فراگرفته بود. اینجا بود که پیامبر اکرم

یقول الله عزوجل انا خلیفته فی اهلہ و من ارضاهم فقد ارضانی و من اسخطهم فقد اسخطنی. محمد حسین فلاح، شهادت (چهل حدیث) (قم: نشر معروف، ۱۳۷۶) ص ۵۷.

صلی الله علیه و آله دست به دعا برداشت و فرمود:
خداوند ناراحتی و اندوه را از دل آنان زایل گردان و مصیبت آنان را جبران کن. (۱)

بعد از جنگ موته که در آن سرباز فداکار اسلام جعفر بن ابی طالب به شهادت رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله برای همدردی و تسلیت به خانه وی رفت. پسر جعفر، عبدالله می گوید:

من گریه خود را نگاه داشته بودم تا پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه حزن و ناراحتی من نشود. چون پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه من شد دست مبارکش را بر سر من کشید و در حالی که اشکهای وی بر محاسنش جاری بود و چنین دعا کرد:

خدایا جعفر همه چیز خود را فدای تو کرد تو نیز بهترین پاداش ها را به او دادی اما در حق خانواده اش نیز بهترین بخشش ها و احسانهایی را که تاکنون به بندگان داده ای، عطا کن. (۲)

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد آمد و گفت:
جعفر شهید شد و دستان خود را در جنگ از دست داد، در عوض خداوند به او دو بال عطا کرد تا بواسطه آنها در بهشت پرواز کند. (۳)

- اللهم اذهب حزن قلوبهم واجبر مصیبتهم. جواد القیومی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۲؛

حیدری کاشانی، پیشین، ص ۷۶.

-اللهم ان جعفر قد قدم اليك الى احسن الثواب فاخلفه في ذريته باحسن ما خلفت احداً من عبادك في ذريته. محمد باقر المجلسي، پیشین، ج ۲۱، ص ۵۶.
-ان جعفر قد استشهد و جعل الله له جناحان يطير بهما في الجنة. همان.

فصل پنجم

زیارت عاشورا تجلی فرهنگ شهادت

۱. عاشورا و شهادت

عاشورا اگرچه از يك سو صحنه خون و قیام و شهادت است، اما از سوی دیگر صحنه دعا و زیارات نیز هست. امام حسین علیه السلام و یاران وی حقیقت شهادت را واقعیت بخشیدند. حادثه عاشورا درسها و عبرتهای زیادی رابه دنبال داشت. امام حسین علیه السلام در راز و نیاز و مناجات خود در روز عاشورا شهادت در راه خدا را آرزو می کردند و به آرزوی خود نیز رسیدند. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، مسأله زیارت و مرثیه خوانی مطرح شد و در این زیارت ها و مرثیه خوانی ها نیز مسأله شهادت همواره مطرح بوده است. در اینجا ضمن اشاره کوتاهی به دیدگاههای مطرح شده در باب قیام امام حسین به شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در ضمن ادعیه و زیارات به خصوص زیارت عاشورا اشاره می شود.

دیدگاههای زیادی راجع به قیام امام حسین علیه السلام ارائه شده است. اکثر این دیدگاهها پس از شهادت آن حضرت و در گذر تاریخ و در پی تجزیه و تحلیل این واقعه ارائه شده است. بیشتر مستندات این دیدگاهها و نظریات روایات تاریخی واقعه عاشورا می باشد که به دلیل عدم یکسانی - و بعضاً تناقض - این حکایات و روایات، نظریات ارائه شده نیز متنوع، مختلف و حتی مخالف هم هستند. در این میان در زمان خود امام حسین علیه السلام، یعنی از لحظه ای که امام حسین علیه السلام قیام خود را شروع کرد تا لحظه شهادت نیز دیدگاههایی راجع به این قیام مطرح شد؛ دیدگاه اول، دیدگاه تهدیدآمیز دشمنان حضرت است که فکرمی کردند امام حسین علیه السلام صرفاً به جهت کسب قدرت سیاسی قیام کرده است. لذا کسانی چون مروان بن حکم والی سابق مدینه که مامور یزید به حساب می آمد امام را تهدید به مرگ کرد و قیام وی را مساوی با مرگ و نیستی دانست. دیدگاه دوم، دیدگاه دلسوزانه دوستان و یاران درجه دوم امام است. کسانی چون محمد بن حنفیه، فرزدق و طرماح که درصدد تغییر نظر امام از حرکت و قیام بودند. این افراد بانگاهی مادی قیام حضرت را مساوی با مرگ و نابودی و عبث و بیهوده می دانستند. لذا به امام نصیحت می کردند که دست از این کار بردارد و به گوشه ای دور از انظار مردم و حکومتیان به عبادت بپردازد. دیدگاه سوم دیدگاه خود امام حسین علیه السلام است که منبعث از وحی الهی و کلام نبوی است. امام حسین علیه السلام در جواب محمد بن حنفیه که وی را از رفتن به کربلا باز می دارد می فرماید:

خداوند دوست دارد تا مرا کشته شده، (شهید) ببیند. (۱)
پیامبر اکرم (ع) نیز دعا کرد که شهادت امام حسین مبارک و پربرکت باشد
و خداوند او را جزو برترین شهدا قرار دهد:
پروردگارا به من خبر داده ای که فرزندم حسن بوسیله زهر به
شهادت می رسد و حسین را روز عاشورا در کربلا به شهادت
می رسانند. خدایا شهادت او را مبارک گردان و او را از جمله برترین
شهیدان قرار بده. (۲)

- ان الله شاء ان يراني قتيلا محمد بن جرير الطبري، تاريخ الطبري (بيروت: موسسة
الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۳) ج ۷، ص ۳۰۰.
- اللهم... قد اخبرتني ان ولدي هذا مقتول بالسسم والاخر شهيد مضرّج بالدم
اللهم فبارك له في قتله واجعله من سادات الشهداء. جواد القيومي، پیشین، ج ۱، ص
۱۶۲؛ محمد باقر المجلسي، پیشین، ج ۴۴، ص ۲۴۸.
- ۲۳۰-

هنگامی که امام حسین علیه السلام به سوی کربلا روانه شده بود در یکی از
منزلگاه ها پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به ایشان می گوید:
همانا ترا نزد خداوند مقام و منزلتی است که به آن دست نمی یابی
مگر این که در راه او به شهادت برسی. (۱)
در همین رابطه است که امام حسین علیه السلام به خواهر خود زینب
می گوید:

هر چه خدا اراده کرده باشد همان پیش خواهد آمد. (۲)
و همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود، اراده خداوند بر این
قرار گرفته تا امام حسین علیه السلام و یارانش به شهادت برسند. وقتی امام
حسین علیه السلام و یارانش در کربلا فرود آمدند امام حسین از اطرافیان
پرسید: نام این موضع چیست؟ گفتند: کربلا. امام فرمود: آری این سرزمین
سختی و بلا است. اینجا منزلگاه ما و مقتل ما و یاران ماست. اینجا است که خون ما
بر زمین ریخته می شود. وقتی با پدرم در جنگ صفین بودم از این منطقه که
عبور کردیم پدرم نام این منطقه را پرسید گفتند: کربلا. پدرم لحظه ای درنگ کرد
و گفت: این محل فرود آمدن خانواده پاک پیامبر است. اینجا خون پاک آنان بر
زمین ریخته می شود. (۳)

- ان لك منزلة عند الله لا تتأهلها الا بالشهادة. مكي قاسم البغدادي، پیشین، ج ۱،
ص ۳۴۹.
- يا اختاه كل الذي قضى فهو كائن. محمد باقر المجلسي، بحار الانوار، ج ۴۴،

ص ۳۷۲.

- موسوعة کلمات الحسین، ص ۳۷۴؛ سید عطاء الله مهاجرانی، زینب پیام آور عاشورا (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۹۰، به نقل از: اخبار الطوال) ص ۲۹۹.

- ۲۳۱-

بنابر این امام حسین علیه السلام خود به خوبی می دانست که در این راه شهید خواهد شد. لذا هنگامی که بنی هاشم خواستند امام را یاری و همراهی کنند امام در نامه ای به آنها نوشت:

هر کس که با من بیاید شهید خواهد شد اما اگر کسی مرا همراهی نکند به سعادت و پیروزی دست نخواهد یافت. (۱)

اما امام از رسالت الهی خود باز نماند. رسالت امام حسین علیه السلام در این قیام امر به معروف و نهی از منکر بود. از همین جهت می توان گفت امام حسین علیه السلام برترین شهید امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین علیه السلام در پاسخ محمد بن حنفیه که وی را به خویش شدن داری و عدم قیام دعوت می کند می گوید:

من از روی هواپرستی و بخاطر ظلم و فساد قیام نکردم بلکه قیام کردم تا امت جدم پیامبر را اصلاح کنم. قیام کردم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم پیامبر و پدرم امام علی علیه السلام عمل کنم. پس هر که با من موافق است، طریق حق را پیموده است و خداوند حق و حقیقت را دوست دارد و اما اگر دست رد بر سینه من زنید و به یاری من نشتابید، من صبر خواهم کرد و منتظر می مانم تا خداوند میان من و این قوم حکم کند. (۲)

- انه من لحق بی منکم استشهد و من تخلف لم يبلغ الفتح. مکی قاسم البغدادی، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۷.

-انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی اريد ان امر بالمعروف و انهي عن المنکر. اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب فمن قبلنی بقبول الحق فالله اولی بالحق و من رد علیّ هذا اصبر حتی یقضی الله بینی و بین القوم بالحق. موسوعة کلمات الحسین، ص ۲۹۰؛ آیه الله حسین نوری، امر به معروف و نهی از منکر (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵) ص ۲۵۷.

- ۲۳۲-

در جای دیگر امام حسین علیه السلام با بیان هدف و انگیزه قیام خود، اشتیاق خود را به شهادت اعلام می دارد و فریاد برمی دارد:

ایا نمی بینید که به حق عمل نمی شود. بلکه به باطل عمل می شود؟

اینجاست که مومنان باید به دیدار پروردگار خود مشتاق شوند و دست از دنیا بشویند و به مرگ و شهادت تن در دهند. من زندگی با ظالمین را جز ننگ و مرگ را جز سعادت نمی دانم... خوشا به مرگ و کشته شدنی که در راه خدا باشد. اما ای گروه ظالمین بدانید که شما با کشتن من نمی توانید عظمت و بزرگواری من و خانواده مرا از بین ببرید. بنابراین من ترسی از مرگ و شهادت در راه خدا ندارم. (۱)

هنگامی که در مدینه مروان بن حکم مسأله بیعت با یزید را با امام مطرح کرد امام علیه السلام فرمود:
وقتی جامعه به افرادی چون یزید مبتلا شود در آن صورت باید فاتحه اسلام را خواند. (۲)

- الا ترون الی الحق لا یعمل به و الی الباطل لا یتتاهی عنه لیرغب المومن فی لقاءالله. فانی لا اری الموت الاسعاده و الحیاه مع الظالمین الا برماً... مرحباً بالقتل فی سبیل الله و لکنکم لاتقدرون علی هدم مجدی و محو عترتی و شرفی فاذا لا ابالی من القتل. ابی جعفر محمد بن جریر الطبری، پیشین، ج ۷، ص ۳۰۰.

- انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام اسلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید. همان.

-۲۳۳-

امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را نه تنها به لحاظ فردی ذلت و پستی می دانست بلکه در نظر وی مبتلا شدن جامعه به فردی مثل یزید نیز ذلت و ضلالت است و مسلم است که مردان خدا هیچ گاه عزت و سعادت را بر ذلت و شقاوت بر نمی گزینند. امام حسین علیه السلام می فرماید:

بیعت با شخصی مثل یزید و همراهی با وی ذلت و خواری آشکاری است که از خاندان پیامبر و از همه آزادگان به دور است. از مردان خدا ذلت و خواری به دور است چرا که خداوند و پیامبر و مومنین، چه زنان پاکدامن و چه مردان با غیرت که زیر بار ستم نروند و تن بخواری ندهند، هیچ یک فرمانبرداری ناپاکان و پلیدکان را بر کشته شدن شرافتمندانه ترجیح نمی دهند. (۱)

امام حسین علیه السلام می دانست که خون او و شهادت او رساترین پیام را در طول تاریخ خواهد داشت و از همین رو با آگاهی کامل می دانست که در این راه به شهادت خواهد رسید. لذا وقتی که مسلم بن عقیل را با نامه خود به سوی کوفه می فرستاد چنین دعا کرد:

امیدوارم و از خدا می خواهم که خودم و ترا در زمره شهدا قرار دهد

و ما را به مقام شهیدان ارتقاء دهد. (۲)

- هیئات من الذلّة یابى الله و رسوله والمؤمنون و حور طابت و طهرت و انوف حمیة و نفوس ابیة من ان توثر طاعة اللئام على مصارع الکرام. جلال برنجیان، پیشین، ص ۹؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۸.

- و انالرجو ان اکون انا و انت فى درجة الشهداء. موسوعة کلمات الحسین، ص ۳۱۳.

-۲۳۴-

چون ظهر عاشورا شد و همه یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند امام رو به آسمان نگاه کرد و به خداوند عرضه داشت:

ای پروردگار من و ای سرور من دوست دارم تا در راه تو و در راه محبت و طاعت تو نه یک بار که هفتاد بار کشته شوم به خصوص اگر در کشته شدن من نصرت دین و احیای سنت های تو و حفظ قوانین دین تو باشد. و انگهی بعد از شهادت دوستان و اصحابم و خاندان آل محمد دنیا دیگر برایم تنگ شده و از زندگی سیر شده ام. (۱)

به هر حال عاشورا اتفاق افتاد تا بار دیگر شهادت و لقاء الله زنده شود و نه تنها زنده بلکه برای همیشه و در همه جا جاودانه ماند. عاشورا و کربلا صحنه تقابل دو جریان ابدی تاریخ است. جریان هابیل و قابیل. در روز عاشورا نیز همین واقعه تکرار شد. یک طرف لشکر حق و حقیقت و طرف دیگر باطل و ضلالت؛ امام حسین علیه السلام نصرت و پیروزی دین خدا و شهادت در راه خدا را می خواست و آن قوم پیروی از هوی و هوس و بازگشتن به سنت های جاهلی و نیز کشتن امام حسین را می خواستند. از همین روست که امام حسین علیه السلام در جواب ابن عباس که وی را از رفتن به کربلا باز می دارد می گوید:

ای ابن عباس این قوم مرا رها نخواهند کرد و هر کجا که بروم مرا دنبال خواهند کرد مگر اینکه با آنها بیعت کنم در غیر این صورت مرا خواهند کشت و به من ظلم خواهند کرد و چنانچه یهود در قضیه «یوم السبت» تعدی کردند [و پیامبر خود را کشتند]. با این حال من

- الهی و سیدی و ددت ان اقتل و احیی سبعین الف مرة فى طاعتك و محبتك سیما اذا کان فى قتلى نصرۃ دینك و احیاء امرک و حفظ ناموس شرعك ثم انی قد سئمت الحیاة بعد قتل الاحبة و قتل هولاء الفتیة من آل محمد. همان، ص ۴۸۲.

-۲۳۵-

مطیع فرمان خداوند هستم و هر آنچه را که خدا و پیامبرش دستور داده اند انجام می دهم و ماهمه از خدایم و به سوی او باز می گردیم. (۱)
 امام حسین علیه السلام در آخرین لحظه های حیات خود می فرماید:
 خدایا اگر پیروزی و نصرت خود را در اینجا از ما دریغ داشتی آن را در جایی دیگر برای ما ذخیره گردان و انتقام ما را از گروه ستمکاران بازستان. (۲)

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام حضرت زینب در رثای برادر دست به سوی پروردگار برمی دارد و شکایت خود را به پیامبر خدا عرضه می دارد که:
 ای محمد، این حسین فرزند توست که روی زمین افتاده و در خون خود غلتیده است و اعضایش از هم جدا شده است و این دختران تو هستند که به دست این قوم اسیر گشته اند و من شکایت خود را به خدا و محمد و علی و فاطمه و حمزه سیدالشهدا عرضه می دارم. (۳)

- یا ابن عباس ان القوم لن یترکونی و انهم یطلبوننی این کنت حتی ابایهم کرهأ و یقتلوننی و الله انهم لیعتدون علیّ کما اعتدت الیهود فی یوم السبت و انی ماض فی امر رسول الله حیث امرنی وانا لله و انا الیه راجعون. همان، ص ۳۲۱.

- اللهم ان کنت حبست عنا النصر فی الدنیا فاجعله لنا ذخراً فی الآخرة و انتقم لنا من القوم الظالمین . موسوعة کلمات الحسین.

- یا محمداه... هذا حسین بالعراء مرمل بالدماء مقطّع الاعضاء و بناتک سبایا الی الله المشتکی و الی محمد المصطفی و الی علی المرتضی و الی فاطمة البتول و الی حمزة سید الشهداء سید هاشم رسولی محلاتی، نگاهی کوتاه به زندگی حضرت زینب (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳) ص ۴۲.

-۲۳۶-

در مجلس ابن زیاد وقتی ابن زیاد به تمسخر رو به حضرت زینب می کند و می گوید: دیدی خدا با برادرت چه کرد؟ حضرت زینب به اشتیاق کاروان کربلا به شهادت اشاره می کند و پاسخ می دهد:

من جز خوبی و زیبایی از خداوند ندیدم. امام حسین و یارانش گروهی بودند که خداوند شهادت را برای آنان منظور کرده بود و آنان خود به قتلگاه خویش شتافتند و شهادت را با آغوش باز پذیرا شدند و خداوند فردای قیامت همه را در یکجا جمع خواهد کرد و فردا را بنگر که پیروزی با کیست؟ (۱)

شهادت امام حسین علیه السلام با توجه به ابعاد فوق العاده شخصیت وی و دودمان وی و انعکاس آن در اجتماع و با وجود هشیاری و آزادگی امام حسین عالیتین جلوه شهادت یک انسان کامل است که عظمت فوق طبیعی و علو

شخصیت و هدف او را اثبات می کند. امام حسین راهی را برگزید و مقصدی را به عالمیان نشان داد که بعد از وی الگوی همه آزادگان جهان شد. البته پدیده شهادت فی نفسه آنقدر عالی و بلند مرتبه است که اگر در همه تاریخ بشری فقط يك بار اتفاق می افتاد یعنی در تاریخ بشر تنها يك نفر شهید می شد باز هم اهمیت شهادت فوق همه پدیده های حیات بشر بود چه رسد به اینکه در گذرگاه قرون و اعصار کاروان شهادت متجاوز از میلیون ها پاکان اولاد آدم را به خود دیده است و پیشتاز برجسته ای چون حسین بن علی و شخصیت های متمایزی در این کاروان الهی شرکت داشته اند. (۲)

- ما رأیت الا جمیلاً هولاء قوم کتب الله علیهم القتل فبرزوا الی مضاجعهم و سیمع الله بینک و بینهم فتحاج و تخاصم فانظر لمن یکون الفلج یومئذ. همان، ص ۷۱.

- محمدتقی جعفری، پیشین، ج ۶، ص ۹.

- ۲۳۷-

شهادت امام حسین (ع) و یارانش و شهادت خواهی آنان به نحو وسیعی در ادعیه و به خصوص زیارات انعکاس یافته است که موارد زیادی از آن در مباحث پیشین مورد بررسی قرار گرفت. در زیارت عاشورا امام حسین علیه السلام که می توان گفت جامعترین زیارتی است که وقایع عاشورا را منتقل کرده است می خوانیم:

سلام بر تو ای امام حسین و سلام بر کسانی که در رکاب تو به شهادت رسیدند. سلام خدا برای همیشه بر شما باد. (۱)

در زیارت شهدا بعد از زیارت امام حسین علیه السلام در شب قدر و عید فطر و قربان نیز ضمن تکریم از شهیدان کربلا، می گوئیم:

سلام بر شما ای راستگویان راستکردار. سلام بر شما ای شهیدان پایدار. من گواهی می دهم که شما در راه خدا آنچنان که شایسته است مجاهده و مبارزه کردید و سختی ها و اذیت ها را تحمل کرده و بر آن صبر کردید و خیرخواه دین و خدا و پیامبرش شدید تا اینکه به یقین رسیدید. شهادت می دهم که شما نزد خدا زنده هستید و روزی می خورید. (۲)

- السلام علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک علیکم منی سلام الله ابدامابقیة و بقی اللیل والنهار نبیل شعبان، پیشین ص ۳۲؛ محمدبن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۱۵۷، ابی القاسم جعفر بن قولویه، پیشین، ص ۱۹۴؛ شیخ عباس

قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۵۶.

محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۱۹۴؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۳۵۰.

-۲۳۸-

امام حسین (ع) حماسه ای را به پا کرد که در طول تاریخ جاودانه ماند. همه آزادگان آرزو می کنند ای کاش در آن حماسه تاریخی حضور داشتند تا با قیام در مقابل ظلم و ستم امام حسین (ع) را یاری کرده و به فوز عظیم شهادت نایل می شدند. حضرت مهدی (عج) در فرازی از زیارت خود خطاب به امام حسین (ع) می فرماید:

ای سرور من و ای مولای من اگر من روز عاشورا در کربلا نبودم تا ندای مظلومیت ترا پاسخ گویم و به یاریت بشتابم، بدان که تمام عشق و جان و دل من به سوی توست و من هر لحظه با جان و دلم به آن ندای تاریخی تو پاسخ می دهم... و آرزو می کنم ای کاش با تو در کربلا بودم و از تو دفاع می کردم و با تو و یارانت شهید می شدم و به فوز عظیم و رستگاری ابدی دست می یافتم. (۱)

در زیارت عاشورا - و تقریباً می توان گفت در همه زیارات مربوط به امام حسین علیه السلام - عبارت: ای کاش من هم با شما بودم و به فوز عظیم نائل می شدم (۲) تکرار شده است. این فقرات از ادعیه و زیارات ما را به این نکته

- یا سیدی و مولای ان کان لم یجک بدنی عند استغاثتک فقد اجابک رای و هوایی؛ انا اشهد ان الحق معک و ان من خالفک علی ذلک باطل فی الیتی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً. همان، ص ۱۱۰ و ص ۶۸؛ محمد باقر المجلسی، پیشین، ج ۹۸، ص ۳۱۳ و ص ۳۲۱.

- یا لیتتی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، ص ۲۳۰ و ص ۱۹۴؛ نبیل شعبان، پیشین، ص ۳۲۳؛ محمد بن مکی العاملی (شهید اول)، پیشین، ص ۱۷۵، ص ۱۶۰ و ص ۱۶۸؛ عبدالحسین طالع، پیشین، ص ۳۴۰.

-۲۳۹-

رهنمون می کند که در همه حال در مقابل ظلم و ستم ایستادگی کرده و با آزادگی و جوانمردی دین خدا را یاری کنیم. لازمه داشتن چنین ویژگیهایی این است که انسان خود را همیشه آماده مبارزه و شهادت در راه خدا بداند و فریفته دنیا و لذتهای زودگذر آن نشود.

زنده جاوید کیست کشته شمشیر دوست*** کآب حیات قلوب در دم شمشیر اوست

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشق***آید از آن کشتگان زمزمه دوست دوست
عاشق دیدار دوست اوست که همچون حسین***زردی رخسار او سرخ ز خون گلوست
هر که چو او پناه‌د بر سر میدان عشق***بی سروسامانیش در خم چوگان اوست
دوست به شمشیر اگر پاره کند پیکرش***منت شمشیر دوست بر بدنش موبه دوست

۲. صف بندی حق و باطل در زیارت عاشورا

زیارت عاشورا یکی از معروفترین زیارتیهایی است که در رثای شهیدان حماسه جاوید کربلا می باشد، خواندن این زیارت در روز عاشورا به نقل از محدثان ثواب زیادی دارد. حتی در شهرهای دور می توان به بام خانه شد و رو به بیابان این زیارت را خواند. از جهت تاریخی نیز همواره شیعیان بویژه در دوران خلافت اموی و عباس که زیر شدیدترین محدودیت ها و سرکوب دستگاه سیاسی خلافت زندگی می کردند با این زیارت حماسه عاشورا، شهادت طلبی،

-۲۴۰-

حق خواهی و ظلم ستیزی را در خود زنده نگه داشته و با فقرات و فرازهای این زیارت همواره برای دفاع از آرمانهای امام حسین آماده بوده اند. به طور کلی مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و ذکر مصائب و فداکاری های امام حسین (ع) و یارانش از جمله مسائل مهم و حیاتی مذهب شیعه و رمز بقای آن محسوب می شود. ثواب زیادی که برای عزاداری امام حسین (ع) و خواندن زیارت عاشورا بیان شده است بیش از آنکه جنبه احساسی و عاطفی داشته باشد دارای جنبه سیاسی و اجتماعی است. امام خمینی (ره) در یکی از سخنان خود در این زمینه می فرماید: آن روزی که این روایات صادر شد روزی بود که این فرقه ناجیه به حکومت اموی و عباسی مبتلا بودند و به عنوان يك اقلیت در مقابل قدرتهای بزرگ قرار داشتند. در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، از طریق زیارتنامه ها و مجالس عزاداری يك راهی درست کردند که این راه به آن اقلیت سازمان می داد... بنابراین دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام و لعن و نفرین بیدادگران، فریادی است علیه ستمگران جهان که دارای ابعاد سیاسی و پیامدهای اجتماعی فراوان است. (۱)

در قیامها و جنبش های شیعیان نیز زیارت عاشورا بعنوان يك نیروی حیاتبخش و انسجام دهنده در روحیه مبارزان اثر مهمی داشته است. در جریان جنگ تحمیلی عراق بر ایران زیارت عاشورا یکی از مهمترین متون در راز و نیازهای رزمندگان بود. همواره عباراتی از این زیارت در وصیت نامه ها و خاطرات

- قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی، ۱۳۷۳) صص ۶۵-۷۰ (باندکی توضیح و اضافات) .

-۲۴۱-

شهدا و رزمندگان، در کنار سنگرها و راههای ارتباطی، روی لباس، کلاه آهنی و پیشانی بندها به چشم می خورد. در این میان عبارت «السلام علیک یا ابا عبدالله» جایگاه خاصی داشت. تعمق در زیارت عاشورا رویارویی حق و باطل را بخوبی نمایان می سازد. شاید در هیچ اثر دعایی و زیارتی دیگر چنین تصویر شفاف و تجسم یافته ای از ستیز میان حق و باطل مشاهده نکنیم. ما رویارویی حق و باطل را در زیارت عاشورا در سه حوزه مشاهده می کنیم.

الف. صف بندی ارزشها و ضد ارزشها؛ ارزشهای جبهه حق که ارزشهای حقیقی و انسانی است دعوت انسانها به حقیقت، بندگی، امر به معروف و بازداشتن انسانها از امور و اعمال زشت و بد و اصلاح روح و روان انسانها می باشد. در زیارت شهدای احد که در کتاب مفاتیح الجنان آمده است، صفات و ویژگیهای کلی شهیدان و ارزشهایی را که خون شهیدان در دفاع از آنها بر زمین ریخت بیان می شود. از نظر شیعه حماسه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش هم در واقع ادامه نبرد احد، یعنی ادامه جنگ با مشرکان در سالهای بعد بود. ارزشهای شهیدان در جبهه حق در زیارت شهدا احد عبارتند از: ایمان، توحید و یکتاپرستی، یاری دین خدا، حزب خدا بودن. همچنین در همه زیارتهایی که برای امامزادگان و مبارزان راه خدا تهیه شده اند عبارت «شهادت می دهم که تو برستی حق را برپا داشته ای» (۱) به چشم می خورد.

ب. صف بندی ائمه حق و باطل؛ تحلیل و شناختی که از شهادت در فرهنگ شیعی وجود دارد دیدگاهی تاریخی و کلامی است. یعنی از دیدگاه شیعه، بر اساس قرآن صف حق و باطل از آغاز آفرینش شروع شده و در مسیر تاریخ به

- اشهدانك قد اقامت الحق. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، صص ۳۱۸-۵۷۰.

-۲۴۲-

امروز رسیده و تا پایان تاریخ که تحقق وعده خداوند است، ادامه خواهد داشت. در این مسیر گاهی پیامبران، گاهی انسانهای صالح و گاهی ائمه و اولیا حق سکنداران جبهه حق بوده اند. در زیارت وارث که برای امام حسین علیه السلام وارد شده است (البته برای ائمه دیگر و از جمله امام رضا علیه السلام نیز آمده است) آن حضرت را وارث پیامبران، صالحان و امامان ذکر کرده و بر آن حضرت درود و سلام می فرستیم (۱).

در اینجا شکی نیست که مسأله ارث، يك امر مادی و ما ترك دنیوی نیست که از پیامبران برای امام حسین علیه السلام یا برای هر کدام از ائمه علیهم السلام به ارث رسیده باشد بلکه منظور از ارث و میراث همان ارزشها و داراییهای معنوی

پیامبران و امامان است که در قالب رسالت و امامت از پیامبری به پیامبر دیگر و از امامی به امام دیگر منتقل شده است که جلوه عملی آن دعوت به حق و ستیز با باطل است. بنابراین امام حسین علیه السلام نه تنها وارث این ارزشها است بلکه وظیفه به صحنه آوردن این ارزشها را نیز به دوش دارد. در عاشورا امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت به عنوان پیشوایان و ائمه حق مورد بیشترین تهنیت ها و ستایش ها و سلام ها قرار گرفته اند و دشمنان آنها یعنی ائمه کفر یا

- السلام عليك يا وارث صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبی الله السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث نوح نبی الله السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث موسى کلیم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث امير المومنين عليه السلام. شيخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۲۸.

-۲۴۳-

همان پیشوایان جبهه باطل (یزید، عبیدالله بن زیاد، پسر مرجانه، عمر بن سعد و...) مورد شدیدترین لعن ها و نفرین ها واقع شده اند. ج. صف بندی یاران حق و یاران باطل؛ علاوه بر دو صف بندی پیش گفته در عاشورا صف بندی یاران حق و یاران باطل نیز به صورت گسترده و شفاف تبیین شده است. حتی کسانی که در آماده کردن زمینه و تدارکات این واقعه تاریخی شرکت داشته اند مدنظر بوده اند. بر این اساس نبرد حق و باطل از افراد گذر کرده و به امور و اعمال دیگران هم سرایت می کند. در این زیارت ها کسانی را که در تدارک سپاه باطل زین و یراق آماده کرده اند و از باطل پشتیبانی کردند لعنت می کنیم و حتی لفظ اشیاع به معنی پیروان و اتباع (دنباله روان) ائمه کفر و افراد جبهه باطل بکار رفته است. (۱)

جنگ میان حق و باطل اصلی است که از ابتدای آفرینش آدم و هبوط او به زمین آغاز شده و تا پایان دنیا هم ادامه خواهد داشت و بر اساس آیات قرآن در نهایت حق پیروز و باطل نابود خواهد گردید. به تعبیر دیگر حق با دادن بهای سنگینی یعنی خون شهیدان بر باطل پیروز می گردد.

- فلعن الله امة اسست اساس الظلم و الجور عليكم اهل البيت و لعن الله امة قتلتكم و لعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله و اليكم منهم و اشياهم و اتباعهم و اوليائهم. زیارت عاشورا، همان، ص ۴۵۶.

-۲۴۴-

۳. وفاداری یاران سیدالشهداء

یکی از نکته های مهم و عبرت آمیز عاشورا وفاداری یاران باوفای امام حسین علیه السلام است. اصحاب امام حسین علیه السلام با وجود اینکه به طور قطع می دانستند قدم نهادن در این راه مساوی با کشته شدن و شهادت است، امام حسین علیه السلام را همراهی کردند و بجز آنان که به طلب مال دنیا با امام همراه شده بودند و در نیمه راه نیز از امام جدا شدند، سایر یاران و افراد خانواده ایشان تا آخرین لحظه با امام ماندند و جان خود را فدای امام کردند. امام حسین خود وفاداری یارانش را به آنها یادآور شده بود. در روایات و کتب تاریخی آمده است شب عاشورا که شد امام حسین علیه السلام نزد یاران و اهل بیت خود آمد و آنها را جمع کرد و پس از حمد و ثنا الهی خطاب به آنها گفت:

من یارانی را باوفاتراز یاران خود ندیده ام و خاندانی را نیکوکارتر از خاندان خود سراغ ندارم و از خدا می خواهم که به شما جزای خیر بدهد با وجود این گمان نمی کنم که این گروه ستمکار حتی يك روز بیش از این به ما مهلت دهد لذا من به همه شما اجازه و رخصت می دهم که در راه خود را پیش گیرد. من دیگر بر عهد شما ذمه ای ندارم و الان هم شب است و تاریکی همه جا را فراگرفته است. از این تاریکی استفاده کنید و راه خود را پیش گیرید و خود را نجات دهید. (۱)

- فانی لا اعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی و لا اهل بیت ابر و لا اوصل من اهل بیتی فجزاکم الله عنی خیراً الا و انی لا ظن یوماً لنا من هولاء الا و انی قد اذنت لکم فانطلقوا جمیعاً فی حل لیس علیکم حرج منی و لا ذمام؛ هذا لیل قد غشیکم فاتخذوه جملاً موسوعة کلمات الحسین، ص ۳۹۵؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۱۵؛ ابی جعفر محمد بن جریر الطبری، پیشین، ص ۳۱۵؛ احمد بن ابی یعقوب، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۱.

-۲۴۵-

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما *** سرگیرد و برون رود از کربلای ما
ناداده تن به خواری و ناکرده ترک سر *** نتوان نهاد پی خلوت سرای ما
تا دست و رو نشست به خورش نیافت کس *** اذن دخول در حرم کبریای ما
یزدان ذو الجلال به خلوت سرای قدس *** آراسته است بزم ضیافت برای ما
یاران با وفای امام که تا این لحظه امام را رها نکرده بودند، وقتی سخنان امام به پایان رسید گفتند:

سوگند بخدا که تو را رها نمی کنیم و این ننگ را برای خود نمی خریم. بعد از تو زندگی لذتی ندارد که بخواهیم زنده بمانیم. هرگز چنین کاری نخواهیم کرد بلکه با آخرین لحظه با تو خواهیم

بود و ای کاش هزار بار پس از کشته شدن زنده می شدیم و سپر بلای
جان تو می شدیم.
امام باز به آنها فرمود:
بدانید که فردا همه شما کشته خواهید شد و هیچ یک از شما زنده
نخواهید ماند. (۱)
اما یاران امام گفتند:
خدای را حمد و سپاس که فضیلت شهادت با تو را به ما عطا

- انکم تقتلون غدا كذلك لا یفلت منکم رجل. همان.

- ۲۴۶-

کرد. (۱)

چون صبح عاشورا شد عده ای از یاران وظیفه حفاظت و حراست از شخص
امام را به عهده گرفتند. از جمله این افراد عمر بن قرظه کعبی بود. وی خود را سپر
امام کرده بود. ناگاه تیری وی را به زمین انداخت. در حالی که هنوز رمقی جان در
تن داشت به امام حسین علیه السلام رو می کند و می گوید: ای پسر پیامبر آیا من
به عهد و پیمان خود با شما وفا کردم؟ امام می فرماید: آری؛ تو در بهشت نیز
پیشاپیش من خواهی بود. اکنون که به بهشت می روی سلام مرا به رسول الله
برسان و بگو که من نیز در پی تو به او ملحق خواهم شد. (۲)
مضامین وفاداری یاران امام حسین علیه السلام بیش از هر جا در زیارات و
خصوص در زیارت عاشورا انعکاس یافته است. در زیارت عاشورا می خوانیم:
خدایا مرا نزد خود با حسین و یارانش، که جان خود را فدای
او کردند، ثابت قدم دار. (۳)
امام صادق علیه السلام در موارد متعددی در زیارت شهداء بعد از زیارت امام
حسین آنان را مصداق آیه ۱۴۶ آل عمران میداند و می فرماید:

- الحمد لله الذی شرفنا بالقتل معک. همان.

- اوفیت یابن رسول الله؟ قال: نعم انت امامی فی الجنة فاقرأ رسول الله منی
السلام و أعلمه انی فالأثر. میثم موسایی، حیات شهید، (تهران: سازمان تبلیغات
اسلامی، ۱۳۶۹) ص ۹۳، به نقل از: مقتل عوالم، ص ۸۸.

- اللهم... ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین
بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام. ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، ص
۱۹۵؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۵۸.

- ۲۴۷-

سلام بر شما ای مقربان درگاه خدا و ای یاران باوفای امام حسین. شما پیشروانی هستید که ما در پی شما خواهیم آمد. من شهادت میدهم که شما یاران خداییید چنانچه خداوند در کتاب خود فرموده است «چه بسیاری از پیامبرانی که با آنها یاران باوفایی بودند و به کمك آنها علیه دشمنان دین خدا جنگیدند و در این راه هیچ سستی به خود راه ندادند و از اینکه به آنها سختی و یا زخم و جراحتی می رسید در خود احساس ضعف نمی کردند و میدان را خالی نمی کردند» شما نیز همانند یاران باوفای پیامبرانء ضعف و سستی به خود راه ندادید تا اینکه به ملاقات پروردگار خود رفتید، در حالی که در راه حق و برای پیروزی دین خدا و یاری فرزند پیامبر خدا مبارزه کرده بودید. درود و سلام خدا بر شما و ارواح و اجساد شما باد و شما را بشارت باد به وعده ای که خداوند به شما داده است؛ وعده ای که خلاقی در آن نیست و خداوند خونخواه شما خواهد بود. شما سرور شهیدان عالم در دنیا و آخرت هستید. شما پیشی گیرندگان و هجرت کنندگان و انصار دین خدا محسوب می شوید. شهادت می دهم که شما در راه خدا جهاد کردید و بر روش پیامبر و فرزند پیامبر با دشمنان دین خدا جنگیدید. خدارا شکر که وعده خود را به شما عملی کرد و آنچه را دوست داشتید به شما نشان داد. (۱)

- السلام علیکم ایها الربانیون انتم لنا فرط و سلف و نحن اتباع و انصار. اشهد انکم انصار الله كما قال الله تبارک و تعالی فی کتابه «وکاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا» فما وهنتم و ما ضعفتم و ما استکنتم حتی لقیتم الله علی سبیل الحق و نصره کلمه الله التامه صلی الله علی ارواحکم و ابدانکم و سلم تسلیماً. ابشر و ابم وعد الله الذی لا خلف له انه لا یخلف المیعاد. الله مدرك لکم ثار ما وعدکم انتم سادة الشهداء فی الدنیا و الاخرة انتم السابقون و المهاجرون و الانصار و اشهد انکم قد جاهدتم فی سبیل الله و قاتلتم علی منهاج رسول الله و ابن رسول الله الحمد لله الذی صدقکم و عده و اراکم ما تحبون. ابی القاسم جعفر بن قولویه، پیشین، ص ۲۱۵، ص ۲۲۴ و ص ۲۳۴.

- ۲۴۸-

امام صادق علیه السلام در زیارت دیگری یاران امام حسین علیه السلام را مصداق آیه ۱۹ سوره حدید معرفی می کند و می فرماید:

شهادت می دهم که یاران تو افراد صادق و راستکرداری بودند که خداوند در قرآن راجع به آنها گفته است «آنان صدیقان و شهدایی اند که نزد خدایند و اجر طاعات و نور ایمانشان همراهشان است». (۱)

همچنین در زیارت وارث می خوانیم :
سلام بر ارواح پاکی که با تو شهید شدند و در اطراف و پیرامون تو
قرار و مسکن گرفتند و همپای تو به شهادت رسیدند. (۲)
امام زمان علیه السلام در زیارتی خطاب به یاران امام حسین علیه السلام
می فرماید:

- اشهد ان من تبعك الصادقون الذين قال الله تبارك و تعالی فیهم «اولئك هم
الصدیقون و الشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم». همان، ص ۲۱۵ (حدید، ۱۹).
- السلام علی الارواح التي حلت بفنائك و اناخت برحلك. همان، ص ۲۲۶.
- ۲۴۹-

سلام بر شما ای بهترین یاران... سلام بر شما بخاطر آن صبر و
پایداری شما در وفاداری خود نسبت به امام و پیشوایتان. خداوند
هم به شما بهترین مقامات و منازل را در بهشت عطا کرده است.
گواهی می دهم که خداوند پرده را از پیش چشم شما برداشت و راه
وصول خود را برای شما هموار کرد و بهترین پاداش ها را به شما
عطا کرد. (۱)

امام زمان، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجع الشریف در زیارتی دیگر
تک تک یاران شهید امام حسین را نام می برد و بر آنان سلام می فرستد و وفاداری
آنان را نسبت به امام حسین متذکر می شود و قاتلان آنها را لعن و نفرین می کند.
در ادامه به چند فقره از این زیارت اشاره می شود.
در مورد مسلم بن عوسجه اسدی که از یاران باوفای امام حسین علیه السلام
بود، و قبل از همه مجاهدان عاشورا به شهادت می رسد می فرماید:

سلام بر مسلم بن عوسجه اسدی، کسی که وقتی امام حسین به او
اجازه رفتن داد به امام گفت: چگونه می توانیم اطراف تو را خالی
کنیم و چه عذری می توانم در آن صورت به درگاه خدا ارائه کنیم؟
سوگند به خدا که هرگز چنین کاری را نخواهیم کرد بلکه با تو
خواهیم ماند و نیزه خود را در سینه دشمنان تو فرو خواهیم کرد و

- السلام علیکم یا خیر انصار السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار
بواکم الله مبوالابرار اشهد لقد کشف الله لکم الغطاء و مهد لکم الوطاء و اجزل لکم
العطاء جلال برنجیان، پیشین، ص ۵۰؛ عبدالحسین طالعی، پیشین، ص
۳۴۰؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۷۳ و ص ۳۱۴.

آنان را باشمشیر خواهم کشت و تو اول شهیدی هستی که از یاران امام در روز عاشورا دین خود را نسبت به امام و خداوند اداء کرد و به شهادت رسیدی و با شهادت خویش به فوز عظیم و رستگاری ابدی دست یافتی. (۱)

راجع به سعد بن عبدالله حنفی که در وفاداری به امام حسین علیه السلام مشهور و در رسیدن به آرزوی خود «شهادت» بی تابی می کرد، می فرماید:

سلام بر سعد بن عبدالله حنفی، کسی که وقتی امام به تو اجازه رفتن را داد گفتی سوگند به خدا که هرگز ترا تنها نخواهم گذاشت بلکه با تو خواهم بود تا خداوند بداند که ما فرزند پیامبرش را در زمان غیبت او یاری و محافظت کردیم. سوگند به خدا اگر بدانم که در یاری رساندن به تو کشته شوم و سپس زنده شوم و بار دیگر آتش زده شوم سپس خاکسترم به هوا افشاند شود و این کار هفتاد بار تکرار شود باز هم ترا رها نخواهم کرد و با تو خواهم بود تا جانم را در راه یاری و حفاظت از تو از دست دهم و به شهادت برسم. مگر زندگی چقدر ارزش دارد و مگر انسان چند بار خواهد مرد که

- السلام علی مسلم بن عوسجة الاسدی القائل للحسین - و قد اذن له فی الانصراف - نحن نخلی عنک و لم نعتذر الی الله من اداء حقک؟ لا والله حتی اکسر فی صدرهم رمحی و اضربهم بسیفی... و کنت اول شهید من شهداء الله الذی قضی نحبہ ففزت و رب الکعبة. جلال برنجیان، پیشین، ص ۳۸؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۲۷۰؛ ابی جعفر رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، (قم: موسسه انتشارات علامه) ص ۹۹.

-۲۵۱-

ترا رها کند. نه هرگز چنین نخواهم کرد بلکه با تو خواهم ماند تا به شهادت برسم و از این طریق به کرامت و بزرگواری دست یابم که آن را زوال و پایانی نباشد. (۱)

بشر بن عمرو حضرمی از دیگر یاران باوفای امام حسین علیه السلام بود که وفاداری خود را به امام حسین علیه السلام در گفتار و کردار نشان داد. امام زمان (عج) در این باره می فرماید:

سلام بر بشر بن عمر حضرمی؛ خداوند ترا پاداش و جزای خیر دهد بخاطر پاسخی که به امام دادی وقتی که به تو اجازه رفتن داد و تو گفتی درندگان مرا زنده زنده بخورند اگر ترا رها کنم. آیا با رفتنم ترا تنها بگذارم و ترا خوار و بی یاور کنم، در حالی که تو دارای یاران اندکی هستی. هرگز چنین کاری را نخواهم کرد. (۲)

- السلام علی سعدین عبدالله الحنفی القائل للحسین و قد اذن له فی الانصراف، لا والله لا نخلیک حتی یعلم الله اننا قد حفظنا غیبة رسول الله فیک والله لو اعلم انی اقتل ثم احیائهم احرق ثم اذری و یفعل بی ذلک سبعین مرة ما فارقتک حتی القی حمای دونک و کیف لا افعل ذلک و انما هی موة واحدة ثم هی الکراممة التی لا انقضضاء لها ابداً. همان، ص ۴۰؛ محمدباقر المجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۲۷۲.

-السلام علی بشر بن عمر الحضرمی شکر الله لک قولک للحسین و قد اذن لک فی الانصراف، اکلنتی السباع حیاً ان فارقتک و اسئل عنک الרכبان و اخذک مع قلة الاعوان لا یكون هذا ابداً. جلال برنجیان، پیشین، ص ۴۲ و ص ۲۷۴.

-۲۵۲-

۴. انتظار در زیارت عاشورا

انتظار پدیده ای است که رابطه تنگاتنگ با ارزشهای شیعیان و بخصوص مسأله شهادت دارد. چنانکه گفتیم خلفای اموی و عباسی حقوق حقه ائمه علیهم السلام را غصب کردند و تمامی جنبش ها و قیامها و مخالفت های شیعیان را در گرفتن حق و اقامه عدالت با خشن ترین وجه سرکوب کردند. بنابراین شیعیان همواره در انتظار بوده اند تا فرصتی برای اقامه حق بدست آورند و انتقام خون شهیدان خود را از ستمکاران بگیرند. در زیارت عاشورا هم انتظار و شهادت امام حسین علیه السلام رابطه تنگاتنگی دارند.

در این زیارت انتظار به معنای انزوا و گوشه نشینی نیست. به معنای این نیست که ما همه ظلم و ستم ها را متحمل کنیم به این امید که کسی بیاید و ما را نجات دهد. بلکه انتظار در فرهنگ شیعه که در زیارت عاشورا بخوبی متجلی یافته است انتظاری سرخ به معنی آمادگی برای ایثار و فداکاری است. در این انتظار مومنان و آزادگان آماده اند تا با تمام قوا در مقابل دشمنان دین خدا بایستند و انتقام تمامی ظلم و ستم هایی که در طول تاریخ بر همه انبیا و اولیا و انسانهای بی گناه رفته است، بستانند. تجلی بارز این انتقام و خونخواهی در زیارت عاشورا می باشد. در زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام این امر نمود و جلوه خاص پیدا کرده است به طوری که می توان گفت زیارت عاشورا زیارت انتظار و انتقام است. در این زیارت ضمن بررسی وقایع و فجایعی که نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شخص امام حسین علیه السلام و یاران ایشان رفته است، لعن و نفرین خود را قاتلان و ظالمان در حق آنها ابراز می داریم و از خداوند می خواهیم تا ما را جزو کسانی قرار دهد که در صف یاران حضرت مهدی

-۲۵۳-

(عج) انتقام خون امام حسین و همه پیامبران و اولیا را از دشمنان دین بگیریم.

در این زیارت می خوانیم:

خدایا مرا از خونخواهان امام حسین علیه السلام قرار بده تا با امام مهدی (عج) به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کنیم. (۱)

بازتاب عملی زیارت عاشورا در رابطه با انتظار این است که انسانهای مومن با بخاطر داشتن ظلم و ستم هایی که بر اهل بیت علیهم السلام رفته است، انحرافات را که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مسیر حکومت اسلامی بوجود آمد، از بین ببرد و آماده باشد تا در رکاب امام معصومی که از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است به مبارزه و جهاد بپردازد و در این راه به شهادت برسد. خواندن ادعیه و زیاراتی چون دعای ندبه و زیارت عاشورا آمادگی برای چنین امری را همواره در انسان تقویت می کند. در دعای ندبه، که بهترین زبان حال انتظار می باشد، به حالت شکوه از خدا می پرسیم:

کجاست آنکه منتظر است تا کجی ها را از دین بزداید... کجاست آنکه بنیان شرک و نفاق را از بین خواهد برد... کجاست خونخواه پیامبران و فرزندان پیامبران،

- اسال الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله... و ان یرزقنی طلب ثاری کم مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم. نبیل شعبان، پیشین، محمد بن مکی العاملی (شهید اول) پیشین، ص ۲۰۳؛ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، پیشین، ص ۱۹۴؛ عبدالحسین طالعی، پیشین، ص ۳۱۲.

کجاست خونخواه شهید کربلا. (۱)

در زیارت عاشورا انتظار مایه حیات یک مومن و شیعه واقعی معرفی شده است که در پرتو آن حتی اگر انسان منتظر پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) از دنیا برود در عین حال که دارای اجر و پاداش شهدا است، بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) دوباره به دنیا باز خواهد گشت و انتظار خود را پایان خواهد داد و با امام زمان انتقام دشمنان دین خدا را خواهد گرفت.

انتقام در این معنا نه یک فرایند خشونت بار بلکه تلاشی برای احیا و اقامه ارزشها و برقراری عدالت و امر به معروف و نهی از منکر است که امام حسین علیه السلام جان خود را در این راه فدا کرد. بنابراین همواره از خدا خواست تا از منتظران واقعی و از یاران باوفای حضرت مهدی (عج) باشیم.

این درخواست در همه زیارتهای مربوط به امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج) مشهود است. در یکی دیگر از زیارات امام حسین علیه السلام می گوئیم:

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست... و مرا و پدرانم را و فرزندانم را از کسانی قرار ده که حضرت مهدی را یاری می دهند. (۲)

- أين المنتظر لإقامة الأمت والعوج أين المرتجى لإزالة الجور و العدوان...
أين الطالب بذحول الأنبياء و ابناء الأنبياء أين الطالب بدم المقتول بكر بلاء.
شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، ص ٥٣٥.

- اللهم صل على محمد وآل محمد... واجعلني و والدي و ما ولدا و ولدي من
الذين ينصرونه و ينتصرون به في الدنيا و الآخرة. عبدالحسين طالع، پيشين، ص
٢٢٠؛ ابوالقاسم سيد بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ١٤٤.

- ٢٥٥-

فهرست منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 الصحيفة السجادية الجامعة.
 موسوعة کلمات الحسین، قم: دارالمعروف، ۱۴۱۵، ۱۳۷۳.
 آذر سا، ابوالقاسم، حماسه پیروز عاشورا، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۰.
 الاربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن حسین زوارئی، قم: نشر ادب الحوزة و کتابفروشی الاسلامیه.
 -۲۵۶-
 آزاده، دکتر محب الله، دعاهاى قرآن، تهران: انتشارات اسلامى، ۱۳۶۷.
 ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵.
 ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
 ابن الجوزی، علامه سبط، تذکرة الخواص، تهران: مکتبة نینوی.
 ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین، مهج الدعوات و منهج العبادات، تهران: کتابخانه سنایی بیروت: موسسة الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۱۴.
 ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین، اقبال الاعمال، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴.
 ابن ماجه، الحافظ ابن عبدالله محمد بن یزید القزوینی، سنن ابن ماجه، محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 الاصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ هـ.ق.
 الاصفهانی، ابو الفرج، مقاتل الطالبین، تهران: منشورات الرضى - زاهدی، ۱۴۰۵.
 الافریقى المصرى، ابی الفضل جمال الدین (ابن منظور)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
 الامینی النجفی، الشیخ عبدالحسین، الغدير، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۹۶۷.
 برنحیان، جلال، حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی (یاالشارع)، قم: مؤسسه انتشارات طور، ۱۳۶۹.
 البغدادی، مکی قاسم، الشهادة: تصیل لاستئصال، بیروت: الدار الاسلامیه، ۱۴۱۴.
 البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، الشیخ محمد باقر المحمودی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷.
 پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: جاویدان، ۱۳۲۴.
 التمیمی الأمدی، ابن عبدالواحد، غرر الحكم و درر الکلم، تهران - قم: مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۶۶.
 جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۷۶.

-۲۵۷-

جعفری، محمدتقی، نیایش حسین، قم: انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۶۴.
الجلالی، محمدحسین، مزارات اهل البيت و تاریخها، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵، ۱۹۹۵.

جوادی آملی، عبدالله، عرفان و حماسه، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
الحرانی، ابو محمد الحسن بن شعبه، تحف العقول، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰، ۱۹۶۱.
الحسینی الزبیری، سید محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵، ۱۹۶۵.

حسن زاده آملی، حسن، نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم: تشیع، ۱۳۷۶.
حیدری کاشانی، دعا در میدان جنگ، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
خاتمی، سید احمد، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.

خرمشاهی، بهاءالدین، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان - ناهید، ۱۳۷۷.
خمینی، روح الله، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۵.

خمینی، روح الله، کلمات قصار امام خمینی، مؤسسه تنظیم نشر امام خمینی، ۱۳۷۴.
خمینی روح الله، در جستجوی راه امام از کلام امام، (شهید و شهادت)، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۱.

الخوارزمی، ابو موید الموفق بن احمد المکی، مقتل الحسین، قم: مکتبه المفید.
الدارمی، ابو محمد عبدالله بن الرحمن، سنن دارمی، بیروت: الکتب العلمیه.
الدینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، منشورات شریف الرضی، ۱۴۱۵.
ذاکری، سید مجتبی، مقام شهید در پیشگاه پروردگار، مشهد: چاپخانه سعید، ۱۴۰۲ هـ.ق.

الرازی، الامام الفخر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۱ م.
الراوندی، قطب الدین، سلوة الحزین (معروف به دعوات راوندی)، قم: مدرسه امام المهدی، ۱۴۰۷.

-۲۵۸-

رسولی محلاتی، سید هاشم، صحیفه العلویه، تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
رضوانی، علی اکبر، فلسفه شهادت، قم: هجرت، ۱۳۶۲.
السجستانی الأزدي، ابو داود، سنن ابی داود، سوریه: دار الحديث - بیروت: دار احیاء السنة نبوی، ۱۹۶۹.

سلطانی گلشیخی، عباسعلی، باخترا تانباک و لایت (ترجمه انوار اللامعة فی شرح زیارة الجامعة) مشهد: مرکز پژوهشهای آستان قدس، ۱۳۶۷.
السیوطی، جلال الدین، سنن النسائی، بیروت: دار الفكر - دار احیاء التراث العربی، ۱۹۳۰.

السیوطی، عبدالرحمن جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۹۸۳.

شریعتی، علی، شهید، تهران: سازمان انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۵۰.

شعبان، نبیل، جامع الزیارات، قم: انتشارات الرسول، ۱۹۸۳، ۱۴۰۳.

الصدیقی الشافعی، محمد بن علان، الفتوحات ربانیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۲.

طالعی، عبدالحسین، ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام، تهران: میقات، ۱۳۷۷.

الطباطبایی، السید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۳ م.

الطباطبایی، سید محمد حسین، حیات پس از مرگ، تهران: انتشارات نور فاطمه، ۱۳۶۱.

الطبرسی، الشیخ ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۸، ۱۹۸۸.

الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳، ۱۴۰۳.

الطوسی، شیخ ابو جعفر بن حسن طوسی، المصباح المتهجد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۹۹۱، ۱۴۱۱.

العاملی، الشیخ الحر، وسائل الشیعه، بیروت: احیاء التراث العربی.

العاملی، محمد بن مکی، (شهید اول) المزار، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۶.

العسقلانی، ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابه، بیروت: دار الحیاء التراث العربی، ۱۳۲۸.

فلاح زاده، محمد حسین، شهادت، قم: نشر معروف، ۱۳۶۷.

الفیض الکاشانی، کتاب الوافی، تهران: المکتبه الاسلامیه.

القزوینی، ابو عبدالله (ابن ماجه)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۱۷ م.

القسطلانی، ابی العباس، ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

القشیری، ابو الحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم، صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲، ۱۹۷۲.

القمی، ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۵.

قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، تهران: اسوه، ۱۳۷۳.

القمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: فراهانی.

القیومی الاصفهانی، جواد، موسوعة الادعیه، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۹.

القیومی الاصفهانی، جواد، صحیفه الحسن، تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

الكفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح فی الادعیه و الصلوة والزیارات، ۱۴۱۱، ۱۹۹۱.

الكفعمی، شیخ تقی الدین، البلد الامین والدرع الحصین، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸، ۱۹۹۸.

الکلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، فروع الکافی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳، ۱۹۹۲.

الکلینی رازی، ابو جعفر، اصول کافی، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۹۲ ه.ق.

گوهری، سید اسماعیل، آرزوی شهادت در بیان معصومین، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۶.

گویا، عبد العلی، علی در زیارت جامعه کبیره، تهران: انتشارات زراره، ۱۳۷۸.

لسان الملك، میرزا محمد تقی، ناسخ التواریخ (حضرت علی بن ابی طالب) تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۹۶.

المتقی الهندی، علاء الدین علی، كنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹، ۱۹۷۹.

المجلسی، محمد باقر، زاد المعاد، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۴۰۳.

المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامع لدرر الأخبار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ۱۹۸۳.

محلّتی، رسولی، نگاهی کوتاه به زندگی حضرت زینب کبری (س)، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

محمّدی ری شهری، محمد، شهادت در نهج البلاغه، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷، ۱۹۹۸.

محمودی، شیخ محمد باقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت: دار التعارف مطبوعات، ۱۳۹۶، ۱۹۷۶.

المسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ابو القاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

المدائنی، عز الدین ابو حامد (ابن ابی الحدید) شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مظلومی، رجبعلی، درس شهید، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۵.

الشیخ المفید، محمد بن محمد بن نعمان، الجمالی بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴.

الشیخ المفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴.

معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة، تهران: نشر پرتو، ۱۳۷۱.

المنقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، قم: مکتبه ایه الله العظمی المرعشی، ۱۴۱۴.

المنقری، نصر بن مزاحم، پیکار صفین، پرویز اتابکی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

موسایی، حیات شهید، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.

مهاجرانی، سید عطا الله، پیام آور عاشورا، بررسی سیر زندگی و اندیشه و جهاد زینب کبری، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.

النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

نوری، حسین، جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱.

هاشمی، سید مهدی، شهادت، بی تا، بی نا.

هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، مقام شهید، مشهد: انتشارات حزب جمهوری اسلامی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار الصادر، دار بیروت.